**مرکز مطالعات استراتیژیک**
**وزارت امور خارجهء جمهوری اسلامی افغانستان**
**به همکاری «هانس زایدل فوندیشن» جمهوری فدرال آلمان (HSS)**

# افغانستان و جهان

## (کشورهای امریکایی و اروپایی)

**جلد دوم**

**زیر نظر: عزیز آریانفر**

**مرکز مطالعات استراتیژیک**

**وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان**

به همکاری " هانس زایدل فوندیشن " جمهوری فدرال آلمان(HSS)

# افغانستان و جهان

**(کشور های امریکایی و اروپایی)**

**جلددوم**



**زیر نظر: عزیز آریانفر**

به نام آفریدگار توانا

**نشانی های کتاب:**

نام کتاب: افغانستان و جهان(کشورهای اروپایی و امریکایی)

ناشر: مرکز مطالعات استراتیژیک وزارت امور خارجه

به همکاری: بنیاد " هانس زایدل فوندیشن" جمهوری فدرال آلمان(HSS)

زیر نظر: عزیز آریانفر

سال چاپ: ۲۰۰۵

آرایش: منیر غیاثی

محل چاپ: کابل، بنگاه انتشارات " میوند"

شمارگان : ۱۰۰۰ جلد

جلددوم

# آغاز سخن

مرکز مطالعات استراتیژیک وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان در راستای پویایی های علمی- پژوهشی خود، سال پار به عنوان نخستین گام دست به تدوین و چاپ کتاب «افغانستان و جهان» یازید. این اقدام خجسته و فرخنده بنا به رهنمود جناب حامدکرزی- رییس جمهور و توجهات پیگیرانهء جناب داکتر عبدالله- وزیر خارجه جمهوری اسلامی افغانستان صورت گرفت.

چون" افغانستان و جهان" بنا به نیاز عاجل کشور به سرعت تدوین و چاپ گردیده بود، بایسته بود سر از نو بازبینی و بازنگری گردد. اینک پس از گذشت یک سال، " افغانستان و جهان" در سیمای تازه با بازنگری جدی و بنیادی و افزایش تازه ترین اطلاعات به دست چاپ سپرده می شود.

در کار تدوین و بازنگری کتاب، گروهی از کارمندان وزارت خارجه، مخصوصاً جناب آقای عزیز آریانفر- رییس مرکز مطالعات استراتیژیک وزارت خارجه و آقایان- یاسین رسولی و منیر غیاثی- کارمندان مرکز سهم نمایان و ارزنده داشتند.

با همهء تلاش های پیگیرانه و کوشش های کارمندان مرکز، باز هم کتاب دست داشته نمی تواند پالوده از لغزش ها و کاستی ها باشد. از این رو چشم انتظار به راه دوخته ایم تا با آیینه داری دوستان چاپ های آینده کتاب را با آرایش و ویرایش بهتری به دسترس بگذاریم.

# فهرست

## ایالات متحده امریکا (United States of America)

-نفوس: ۲۹۵ میلیون( بر پایه آمار بورد نفوس شماری امریکا، ۲۰۰۵)

-پایتخت: واشنگتن دی.سی. (Washington D.C.)

-مساحت: ۹،۸ میلیون کیلومتر مربع

-زبان: انگلیسی

-آیین: مسیحی

-مرگ ومیر: ۷۴ سال(مردان)، ۸۰ سال(زنان)(UN)

-واحدپولی: ۱ دالر امریکایی= ۱۰۰ سنت

-صادرات: کمپیوتر، ماشین آلات الکترونیکی، وسایل نقلیه، مواد کیمیایی، مواد غذایی، حیوانات، تجهیزات نظامی و طیارات

-با سواد : ۹۹،۵٪

-شکل حکومت : جمهوری فدرال

-نوع نظام : ریاستی

-موقعیت جغرافیایی : امریکای شمالی

-درآمد سرانه: ۳۷،۶۱۰ دالر امریکایی(بانک جهانی، ۲۰۰۳)

-نشان انترنتی: US

-رمز تیلیفونی: ۱+

- رییس جمهور: جورج دبلیو بوش(George W Bush)
- نائب رییس جمهور: دیک چینی(Dick Cheney)
- -وزیر خارجه: کاندولیزا رایس(Condoleezza Rice)
- -وزیر دفاع: دونالد رسفلد (Donald Rumsfeld

**موقعیت جغرافیایی:**

ایالات متحده امریکا از شمال- با کانادا، از جنوب- با مکسیکو، از خاور- با اقیانوس اتلس(اتلانتیک) و از باختر - با اقیانوس آرام محاط است.

ایالات متحده در قاره‌ء امریکای شمالی موقعیت داشته، مساحت آن ۹،۸ میلیون کیلومتر مربع است. بر پایه‌ء آمار سال ۲۰۰۵ نفوس آن به ۲۹۵ میلیون نفر بالغ می گردد. این کشور از نگاه بزرگی خاک، چارمین کشور بزرگ جهان پس از روسیه، کانادا و چین است.

اقلیم ایالات متحده در مناطق مختلف متفاوت است. به گونه‌ء‌مثال، در کرانه های ریگزار فلوریدا بسیار گرم و در مناطق شمال الاسکا یخبسته است.

این کشور دارای منابع بزرگ طبیعی بوده، برخی مناطق آن از پربارترین مناطق زمین است.

**صنایع:** صنایع سنگین، موترسازی، پتروشیمی، اتمی، هواپیماسازی، اسلحه‌سازی، مهندسی، الکترونیک و...

ایالات متحده امریکا ماشین آلات و وسایل و غلات را به دیگر کشور های جهان صادر نموده و نفت خام و تصفیه شده و ماشین آلات و موتر را وارد می‌نماید.

ایالات متحده امریکا با مکسیکو، کانادا، جاپان، آلمان، انگلستان، عربستان سعوّدی، چین و شمار بسیاری از کشور های جهان روابط تجاری دارد.

## نظام سیاسی، روابط و سیاست خارجی ایالات متحده امریکا

### نظام سیاسی:

نظام سیاسی کشور بر پایهء قانون اساسی پرزدنتسیال (ریاست‌جمهوری) متشکل از سه قوه، اجرایی، تقنینی و قضایی است. رییس‌جمهور در عین زمان رییس حکومت نیز بوده و بر اساس قانون اساسی دارای اختیارات گسترده است. رییس‌جمهور از طریق رأی مستقیم مردم برای مدت چ هار سال انتخاب گردیده و نمی تواند بیش از دو بار خود را کاندید نماید.

وزیران مستقیماً از سوی رییس‌جمهور گماشته می شوند و تقرر آن ها مستلزم اخذ رأی اعتماد از کانگرس نیست. تنها ایجاب تایید مجلس سنا را می‌کند، زیرا مشخصهء عمده نظام پرزدنتسیال ایالات متحده امریکا در آن است که تفکیک قوا درین نظام به صورت مطلق پذیرفته شده و به گونه‌یی که در بالا یادآوری گردید، رییس‌جمهور دارای صلاحیت های گسترده است.

قوهء مقننه متشکل از دو مجلس: مجلس نمایندگان و مجلس سنا است که اعضای مجلس نمایندگان برای دو سال از سوی مردم به تعداد نفوس هر ایالت انتخاب گردیده و در هر دو سال یک ثلث اعضای آن تجدید می شود. از هر ایالت در مجلس سنا بدون در نظر داشت نفوس آن ایالت دو نفر نماینده برای مجلس سنا انتخاب می گردند که روی هم رفته اعضای آن را ۱۰۰ سناتور تشکیل می دهد.

سومین شاخهء نظام سیاسی امریکا قوه قضایی است. دیوان عالی در رأس قوه قضایی افزون بر نقش زندگیی حکمیت، وظیفهء تفسیر و حراست از قانون اساسی کشور را نیز به دوش دارد و در عین حال حافظ و کنترل کنندهء توازن درست میان حکومت فدرال و حکومت های ایالات و نیز میان کانگرس و ریاست‌جمهوری است. قوه قضایی حافظ و ضامن آزادی های فردی، آزادی بیان، مطبوعات، گردهمایی های مسالمت آمیز، آزادی آیین، حق حمل سلاح و حق برخورداری از مزایا و امتیازات حقوقی و قانونی، می باشد. قضات دیوان عالی مانند دیگر کارمندان فدرال از سوی رییس‌جمهور و با موافقت سنا منصوب می شوند. قانون اساسی به منظور تأمین استقلال قضات تصریح می‌کند که قضات برای مادام العمر تعیین شوند.

صحنهء سیاسی ایالات متحده امریکا، از زمان تأسیس این کشور تاکنون، همواره شاهد رقابت میان دو حزب بزرگ(دموکرات ها و جمهوریخوا هان) بوده است. یعنی نظام سیاسی آن کشور بر نظام دو حزبی استوار است که این امر با الهام از اوضاع پس از انقلاب فرانسه که تعدد احزاب عامل عدم ثبات سیاسی در فرانسه شد، در ثبات و دموکراسی امریکا نقش شایان توجه بازی نموده است.

**تاریخچه:**

از موضوعات اصلی در مطالعات مربوط به ایالات متحده، جوان بودن آن کشور از نگاه تاریخی و سرازیر شدن مهاجران و ماجراجویان از نقاط گوناگون جهان به آن است که به مقصد دسترسی به کشور پهناور و دارای منابع سرشار طبیعی به آن سرازیر شدند.

ایالات متحده متفاوت با جهان کهن که انسان ها در آن از پیش بودو باش داشته و مالک زمین بودند، سرزمین دست نخورده و بکر بود. یورش مهاجران از نقاط گوناگون جهان به امریکا ناگ هانی و اغلب با زور و خشونت ناشی از جنگ های صلیبی همراه بوده است. در ۱۴۹۲ کریستف کلمب به جزایر ب هاماس در مجاورت ایالات متحده امریکا رسید. در سال ۱۴۹۷ یک انگلیسی از کرانه های شمال خاوری این سرزمین بازدید نمود.

همین گونه، به سال ۱۵۱۳ کرانه های فلوریدا کشف شد تا آن که در سال ۱۵۲۴ نخستین هیأت فرانسوی وارد نیویارک گردید. این گونه، اروپاییان با این کشور آشنا شده و به تدریج مهاجرت ها و سپس استعمار این سرزمین را آغاز نمودند.

نتیجهء مهاجرت ها و استعمار باعث شد تا مهاجران از پرداخت مالیات به انگلستان خود داری کنند و از پذیرش قوانین انگلیس سرپیچی نمایند. باشندگان سرزمین جدید به منظور مبارزه با انگلستان، جورج واشنگتن را به عنوان رهبر خود برگزیده و پس از شش سال مبارزه در ۱۷۷۶ استقلال خود را به دست آوردند. همراه با حصول استقلال که در آن زمان سیزده ایالت با هم یکجا شده بودند، اعلامیهء استقلال را به تصویب و منتشر ساختند. این اعلامیه بر شالودهء آزادی، برابری و عدالت استوار بود. پس ها در سال ۱۷۸۷ پایه های این اعلامیه را با تصویب قانون اساسی قوام بخشیدند. در ۱۷۸۳ جورج واشنگتن به عنوان نخستین رییس‌جمهور ایالات متحده امریکا برگزیده شد که از آن تاریخ تا امروز پیهم ۴۳ رییس‌جمهور انتخاب شده است. جورج دبلیو بوش در ۲۰۰۱ به عنوان چهل و سومین رییس جمهور انتخاب گردید و در انتخابات سال ۲۰۰۴ با به دست آوردن رای بیشتر مردم نسبت به رقیبش - جان کیری بار دیگر به عنوان رییس جمهور امریکا انتخاب شد.

**روابط خارجی:**

رییس‌جمهور در ایالات متحده به عنوان عالی ترین مقام قوهء اجرایی کلیهء روابط خارجی کشور را طرحریزی و اجرا می‌کند. پذیرش نمایندگان سیاسی خارجی و گسیل نماینده به دیگر کشور ها و شناسایی حکومت های دیگر به دوش

رییس‌جمهور است. امضای قراردادها و عهدنامه ها با دیگر کشورها هر چند نیاز به تصویب مجلس سنا دارد، نیز از صلاحیت های رییس‌جمهور می باشد. در کنار رییس، معاون و وزارت امورخارجه در رأس وزیر خارجه در پیشبرد و اجرای روابط خارجی و مشی سیاست خارجی کشور نقش با اهمیت دارند. همچنان کمیتهء روابط خارجی مجلس سنا و شورای روابط خارجی ایالات متحده امریکا در پیشبرد روابط خارجی و ساختن سیاست خارجی مریکا نقش اساسی را بازی می کند.

## سیاست خارجی:

ایالات متحده امریکا به عنوان کشور نیرومند، بزرگ و اثر گذار از زمان استقلال خود از انگلستان تا کنون، همواره دارای سیاست خارجی فعال و گسترده در برای برآوردن منافع آن کشور و سپس در برهه های پسی افزون بر منافع خود تأمین کنندهء منافع جهان غرب نیز بوده است. این کشور با پشتوانهء منابع بزرگ اقتصادی اعم از منابع طبیعی، نیروی انسانی و پیشرفت سریع تکنالوژی عصری توانسته است سیاست های خارجی ثمربخش را تدوین و اجراء نماید. سیاستمداران امریکا با زیرکی ویژه در دهه های پس از استقلال با در نظر گرفتن فرمول توازن میان قدرت و به مفهوم کلی، و تعهدات(در سیاست خارجی) مشی انزوا گرایانه در سیاست خارجی در پیش گرفتند.

بر اساس این اصل، که به دکترین مونرو معروف است، دولتمردان امریکا برای ایجاد فرصت کافی برای تثبیت پایه های کشور نوپای امریکا، از دخالت در مسایل مربوط و رقابت های قدرت های اروپایی و مسایل خاص آن ها در اروپا، آسیا و افریقا خودداری کرده و تنها به قاره امریکا بسنده کرده و نسبت به مسایل مربوط به این قاره، حساس و محتاط بودند.

با گذشت زمان، با نیرومند شدن امریکا، این کشور ساحه نفوذ خود را گسترش بخشید. به گونه‌یی که، پس از اعلام دکترین مونرو، با ورود به جنگ جهانی دوم، عملاً و رسماً اصل انزواگرایی را کنار نهاده و وارد سیاست جهانی و سیاست بین‌المللی به مفهوم راستین آن شد. به اساس دگرگونی سیاست خارجی، سیاست دفاعی امریکا نیز دگرگون گردید. زیرا از نتایج عمدهء جنگ جهانی دوم تضعیف و اضمحلال قدرت های اروپایی وقت بوده و سبب انتقال قدرت به کشور های دیگر چون ایالات متحده امریکا، روسیه و چین گردید.

ایالات متحده و شوروی پیشین، به سرعت به عنوان دو ابر قدرت در عرصهء سیاست جهانی تبارز کردند. اما شگاف ایدیولوژیک با تعقیب منافع متضاد آن ها جهان وارد جنگ سرد میان دو قطب رقیب شرق و غرب گردید. با فروپاشی شوروی پیشین و از میان رفتن کمونیزم به سطح جهانی، ایالات متحده امریکا به عنوان یگانه ابر قدرت در عرصهء سیاست بین‌المللی عرض‌اندام نمود. و با پیش گرفتن یک سیاست داخلی و خارجی متوازن، رعایت اصل موازنهء قدرت و فدا نکردن رفاه و توسعهء داخلی در برابر سیاست های خارجی در طول یک و نیم قرن از زمان استقلال خود به قدرت تبدیل شد که افزون بر نیمکره باختری، امروز در اقصی نقاط جهان به عناوین گوناگون حضور داشته و در سیاست های منطقه‌یی و جهانی دارای نقش مؤثر و تعیین کننده است.

کنون ایالات متحده از حالت ابرقدرتی (سوپر پاوری) برآمده و در سیمای یک ابر قدرت تبارز نموده است که هم ابر قدرت اقتصادی به شمار می رود و هم ابر قدرت نظامی. در حالی که روسیه تنها از نگاه نظامی ابر قدرت به شمار می رود. اما از نگاه اقتصادی نه. همین گونه، چین امروزه به عنوان یک ابر قدرت اقتصادی به شمار می رود. اما ابر قدرت نظامی نه.

**روابط سیاسی افغانستان و ایالات متحده امریکا:**

افغانستان با با به دست آوردن استقلال در ۱۹۱۹ خوا هان برپایی روابط فعال سیاسی با بیشتر کشورهای جهان گردید. شماری از کشور ها افغانستان را به رسمیت شناختند. مگر ایالات متحده در آن زمان از شناسایی افغانستان خودداری ورزید. زیرا تصور امریکایی ها در آن وقت این بود که افغانستان هنوز هم در ساحهء نفوذ دولت شاهی بریتانیا قرار دارد. حتا پس از معاهدهء راولپندی و کابل در ۱۹۲۱ که دولت شاهی بریتانیا استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت، ایالات متحده امریکا با پیگیری سیاست خارجی انزواگرایانه در قبال کشورهای جهان از یک سو و پس فاصله از سوی دیگر افغانستان را به رسمیت نشناخت.

در ۱۹۲۲ کورنیلیوس وان، اچ انگرت که در آن زمان در نمایندگی امریکا در تهران موظف بود و نسبت به افغانستان و کارنامه های شاه امان الله علاقه داشت، در پایان وظیفه اش از تهران به همکاری دیپلومات های افغانی در تهران ویزای افغانستان را اخذ و با هزینه شخصی از راه خلیج فارس، کراچی و پیشاور وارد افغانستان گردید. در کابل از وی به گرمی استقبال شد و در مهمانخانه شاهی اقامت گزید.

نامبرده در پایان بازدید، ملاحظات خود را در گزارش مفصلی تحریر و با یک سفارش قوی مبنی بر این که ایالات متحده، افغانستان را به رسمیت بشناسد و با آن روابط سیاسی برپا نماید، به وزارت خارجه ایالات متحده امریکا فرستاد.

سرانجام ایالات متحده افغانستان را در ۱۹۳۴ به رسمیت شناخته و بین سال های ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۲ روابط خود را بطور غیر مقیم با افغانستان ایجاد نمود که طی این مدت نمایندگی امریکا در تهران مسؤول امور افغانستان نیز بود. در ۱۹۴۲ روابط سیاسی میان دو کشور به سطح سفارتخانه های مقیم ارتقاء یافت که این امر منجر به تأسیس نمایندگی های سیاسی در کابل و واشنگتن گردید.

**نمایندگان مقیم و غیر مقیم ایالات متحده از ۱۹۳۵ تا ۱۹۷۹:**

- ویلیم اچ. هارنی بروک، وزیر مختار ۱۹۳۵-۱۹۳۷، موظف در امور ایران و افغانستان، مقیم تهران

- کارنیلیوس وان اچ انگرت- شارژدافیر ۱۹۳۷-۱۹۴۰، موظف در امور ایران و افغانستان، مقیم تهران

- لویس جی. دری فیوس جونیر- وزیر مختار ۱۹۴۰-۱۹۴۲ موظف در اِمور ایران و افغانستان مقیم تهران.

- کارنیلیوس وان اچ انگرت-وزیر مختار ۱۹۴۲-۱۹۴۵، موظف در امور افغانستان، مقیم کابل.

-ایلی ای. پالمر- وزیر مختار ۱۹۴۵-۱۹۴۸ از ۱۹۴۸ - سفیر امریکا در افغانستان.

- لویس جی. درای فیوس جونیر- سفیر ۱۹۴۹-۱۹۵۱، مقیم کابل.

- جورج ار. میریل- سفیر از ۱۹۵۱-۱۹۵۲ مقیم کابل.

- انگوس وارد- سفیر از ۱۹۵۲-۱۹۵۶ مقیم کابل

- شلدون تی. ملز- سفیر از ۱۹۵۶-۱۹۵۹ مقیم کابل

- هنری ای. بایرود- سفیر ۱۹۵۹-۱۹۶۲ مقیم کابل

- جان ام. استیوز- سفیر از ۱۹۶۲-۱۹۶۶ مقیم کابل

- روبرت جی. نیومان- سفیر از ۱۹۶۶-۱۹۷۳ مقیم کابل

- تیودور ال. تاوت جونیر- سفیر از ۱۹۷۳-۱۹۷۸ مقیم کابل

-ادولف دابس- سفیر از ۱۹۷۸-۱۹۷۹ مقیم کابل

-از ۱۹۷۹ تا جنوری ۲۰۰۲ سفارت امریکا در کابل مسدود بود.

- دیوید سدنی- کاردار ( شارژ د افیر) از جنوری ۲۰۰۲

- رابرت فن- سفیر از جون ۲۰۰۲ تا اگوست ۲۰۰۳

-دیوید سدنی- شارژدافیر اگوست ۲۰۰۳

- داکتر زلمی خلیل زاد- سفیر از نوامبر ۲۰۰۳ — جون ۲۰۰۵

- رونالد نیومن — سفیر کنونی

با کشته شدن دابس به تاریخ ۱۴ فبروری ۱۹۷۹ در جریان وظیفه ذر کابل و توام با آن تجاوز شوروی پیشین به افغانستان، ایالات متحده سفارتش را در کابل مسدود و دیپلومات های خود را از کابل فرا خواند. در دورهء حاکمیت حزب دموکراتیک خلق حزب د ایالات متحده امریکا سفارت عربستان در کابل را حافظ منافع خود به صفت قیم تعیین نمود، اما پسا عربستان سعودی نیز سفارت خود را در کابل بست.

ایالات متحده امریکا درین مدت با مجاهدان روابط نزدیک داشت و از جهاد حمایت سیاسی، مالی و نظامی می‌کرد. اما با پیروزی مجاهدان در ۱۹۹۲ بنا بر جنگ های داخلی میان گروه های مجاهدان در نتیجه مداخلات خارجی سفارتش در کابل بازگشایی نکرد.

در زمان سلطهء طالبان وتروریست ها و کنترول بخش زیاد خاک افغانستان توسط آن ها، ایالات متحده امریکا طالبان را بنابر حمایت از تروریست های بین‌المللی سازمان القاعده به رسمیت نشناخت و با آن که دولت اسلامی به ریاست بر هان الدین ربانی کرسی افغانستان را در سازمان ملل در اختیار داشت و از افغانستان

نمایندگی می‌کرد، ایالات متحده امریکا با دولت استاد ربانی تماس نداشت و هیچگونه نمایندگی مقیم وجود نداشت و سفارت افغانی در واشنگتن پس یک مدت کوتاه فعالیت، پس از سقوط مزار، مسدود بود.

با رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و در پی آن ایجاد ائتلاف جهانی در برابرتروریزم به رهبری ایالات متحده امریکا، عملیات نظامی در برابر طالبان به همکاری جبههء مقاومت افغانستان آغاز شد. در نتیجه رژیم طالبان واژگون شده و به همکاری جامعهء بین‌المللی در رأس سازمان ملل، کنفرانس تاریخی بن در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۱ در بن آلمان برگزار گردید و منتج به توافقات میان افغان ها شدکه ادارهء موقت برای مدت شش ماه ایجاد و در پی آن بیشتر کشورهای جهان با افغانستان بار دیگر روابط سیاسی خویش را به سطح مقیم برقرار کردند. ایالات متحدهء امریکا پس از یک مدت طولانی سفارتش را در کابل بازگشایی نمود که اکنون آقای رونالد نیومن RONALD NEUMAN سفیر منتخب آن کشور در کابل است.

**سفیران افغانستان از آغاز برپایی مناسبات با ایالات متحده:**

- عبدالحسین عزیز - وزیر مختار افغانی ۱۹۴۳-۱۹۴۸
- محمدنعیم خان- شارژ دافیر(کاردار) ۱۹۴۸-۱۹۵۰
- عبدالحمید عزیز- شارژ دافیر(کاردار) ۱۹۵۰-۱۹۵۱
- محمد کبیر لودین- سفیر ۱۹۵۳-۱۹۵۶
- داکتر نجیب الله توروایانا- سفیر ۱۹۵۶-۱۹۵۸
- محمد هاشم میوندوال- سفیر ۱۹۵۸-۱۹۶۳
- داکتر عبدالمجید- سفیر ۱۹۶۳-۱۹۶۷
- عبدالله ملکیار- سفیر ۱۹۶۷-۱۹۷۸
- داکتر عبدالواحد کریم - سفیر ۱۹۷۸-۱۹۸۰
- نوراحمد نور- سفیر ۱۹۸۰-۱۹۸۱

- داکتر محمد سالم اسپارتک- شارژ دافیر(کاردار) ۱۹۸۲-۱۹۸۴
- محمد حیدر رفیق- شارژ دافیر(کاردار) ۱۹۸۴-۱۹۸۷
- میاگل- شارژ دافیر(کاردار) ۱۹۸۸-۱۹۹۰
- عبدالغفور جوشن- شارژ دافیر(کاردار) ۱۹۹۰-۱۹۹۲
- انجنیرعبدالرحیم شارژ دافیر(کاردار) ۱۹۹۲-۱۹۹۴
- انجنیر یار محمد محبت- شارژ دافیر(کاردار) ۱۹۹۴-۱۹۹۵

در زمان رژیم طالبان سفارت افغانستان در واشنگتن مسدود بود(۱۹۹۶-جنوری ۲۰۰۲).

- هارون امین- شارژدافیر(کاردار) از جنوری ۲۰۰۲
-اسحاق شهریار- سفیر از جون ۲۰۰۲
- سید طیب جواد - سفیر از نوامبر ۲۰۰۳

## روابط اقتصادی افغانستان با ایالات متحده امریکا:

پس از عقد معاهده شناسایی میان افغانستان وایالات متحده امریکا، پروتکل هایی در عرصه های مختلف (اقتصادی، فنی و فرهنگی) با سوی ایالات متحده امریکا انعقاد یافت. از زمان شناسایی یعنی ۱۹۳۴ تا کودتای ثور ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) میلادی، بیش از ۶۰ موافقتنامه اقتصادی میان افغانستان و ایالات متحده امریکا به امضاء رسیده است. ایالات متحده امریکا با پایان جنگ دوم جهانی کمک هایش را در افغانستان جنبه عملی داد. چنانچه می توان از اعمار پروژه وادی هلمند و ارغنداب به عنوان نخستین گام در این عرصه نام برد. با کودتای ثور ۱۳۵۷ در افغانستان، کار اکمال پروژه های انعقاد یافته یا به حالت تعلیق درآمد ویا هم کاملاً قطع گردید.

با پیروزی مجاهدان در ثور ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) توقع می رفت تا ایالات متحده امریکا افزون بر تکمیل کار پروژه های پیشین، نقش چشمگیری در بازسازی افغانستان پس از اشغال شوروی بازی می نماید. اما ایالات متحده امریکا که تازه از شر کمونیزم رهایی یافته بود، با پایان جنگ سرد، افغانستان را با آن که در هنگام جهاد از مجاهدان افغانستان حمایت نیرومند سیاسی، نظامی و اقتصادی می کرد، فراموش نمود. افغانستان در جریان این مدت، درگیر جنگ های گروهی و مداخلات خارجی، مخصوصاً همسایه ها گردید که نتیجه این جنگ ها باعث ظهور گروه بنیادگرای طالبان از مدارس دینی به حمایت شبکه تروریستی القاعده شد. طالبان با تروریستان با حمایت مستقیم پاکستان و گروه های تندرو این کشور یکجا افغانستان را به مرکز صدور تروریزم تبدیل نموده و روابط شان رابا جهان قطع کردند.

رویداد ۱۱ سپتامبر۲۰۰۱، بار دیگر افغانستان را در محراق توجه جامعه بین المللی قرارداد و ایالات متحده امریکا پس از سقوط طالبان دوباره در پهلوی روابط سیاسی، روابط اقتصادی خود را با افغانستان برقرارنمود. اکنون ایالات متحده امریکا از کشورهای عمده در بازسازی افغانستان پس از طالبان به شمار می رود، چنانچه افزون بر کمک که درکنفرانس توکیو وعده نمود، از اکتبر۲۰۰۱ تا اکتبر ۲۰۰۲ جمعاً مبلغ (۸۴۶,۹۵) میلیون دالر را درعرصه های مختلف به افغانستان کمک نموده است. همچنان به اساس پیشنهاد رییس جمهور امریکا، کانگرس آن کشور مبلغ۸۷ میلیارد دالر را برای بازسازی عراق و افغانستان به تصویب رسانید که از جمله برای یک سال آینده ۲,۲ میلیارد دالر برای افغانستان تخصیص داده شد که این خود نشانه سهم بارز ایالات متحده امریکا در اقتصاد افغانستان می باشد. ایالات متحده امریکا افزون بر کمک ۱,۲ میلیارد دالری که در سال ۲۰۰۴ برای افغانستان می نماید، در کنفرانس برلین (۳۱ مارچ تا اول اپریل ۲۰۰۴) مبلغ یک میلیارد دالر دیگر نیز وعده داده است. کمک امریکا به افغانستان در سال ۱۳۸۳ به ۲,۲ میلیارد دالر می رسید.

کانگرس امریکا، پیشنهاد وزارت دفاع آن کشور را مبنی بر اعطای مبلغ ۷۲ میلیون دالر به افغانستان برای مبارزه با مواد مخدر تایید کرده است. کانگرس ایالات متحده امریکا برای سال مالی۲۰۰۵ کمک مبلغ یک میلیارد هفتصدو هفتادو پنج میلیون دالر را برای افغانستان تخصیص داده است. همچنان ایالات متحده امریکا در سال روان مبلغ ۷۸۰ میلیون دالر را برای مبارزه با مواد مخدر تعهد نموده است.

رییس جمهور امریکا برای سال مالی ۲۰۰۶ به کانگرس مبلغ ۸۰ میلیارد دالر برای افغانستان و عراق پیشنهاد نموده که از مجموعه این مبلغ ٪۲۰ برای افغانستان و ٪۸۰ برای عراق تخصیص داده شده است و در سال ۲۰۰۶ برای افغانستان حدود ۷۵۰ میلیون دالر اختصاص یافته است. آقای زلمی خلیل زاد- سفیر کبیر و نماینده خاص رییس جمهور امریکا در افغانستان هنگام افتتاح لیسه بی بی خدیجه کبرا در ولایت کندز کمک کشورش را برای سال ۲۰۰۵ مبلغ ۵ میلیارد دالر اعلام داشت که این مبلغ دو برابر کمک سال گذشته بوده و یک رقم درشت می باشد.

**کمک های امریکا به افغانستان (از ۱۱ اکتبر ۲۰۰۱ تا ۲٦ اکتبر ۲۰۰۲) به تفکیک پروژه ها:**

۱. کمک های اداره عمرانی بین المللی ایالات متحده امریکا USAIDمبلغ (۱۰۲ میلیون دالر).

۲. کمک برای نجات کودکان- از سوی اداره عمرانی بین المللی ایالات متحده امریکا (۷۸ میلیون دالر ).

۳. کمک بین المللی که بیشتر شامل کمک های ابتدایی می گردد- از سوی اداره انکشافی بین المللی ایالات متحده امریکا (۱۸۴ میلیون دالر) .

۴. کمک برای ابتکارات دفتر انتقالی- از سوی اداره انکشافی بین المللی ایالات متحده امریکا (۹۰ میلیون دالر).

۵. بودجه نظامی خارجی- ( ۵۷,۳۰ میلیون دالر ).

۶. تکمیل کمبودهای وزارت دفاع ملی (۲ میلیون دالر) .

۷. بودجه کمک های اقتصادی وزارت امور خارجه (۱۰۵,۲۵ میلیون دالر ).

۸. مواد مخدره و مبارزه جهانی وزارت خارجه (۶۶ میلیون دالر) .

۹. عملیات حفظ صلح ( وزارت خارجه ) (۳,۹ میلیون دالر) .

۱۰. ماین پاکی ( وزارت خارجه ) (۷ میلیون دالر) .

۱۱. مبارزه برضد تروریزم ( وزارت خارجه ) (۳۶,۴ میلیون دالر ).

۱۲. جلوگیری از تروریزم ( وزارت خارجه ) ( ۱۵ میلیون دالر) .

۱۳. آموزش های نظامی ( وزارت خارجه ) (۲ میلیون دالر) .

۱۴. شمار عودت پناهندگان ( وزارت خارجه ) ( ۱۱۵,۸ میلیون دالر) .

۱۵. کمک های عاجل به پناهندگان ( وزارت خارجه ) ( ۲۵ میلیون دالر) .

۱۶. کمک های فنی و مالی (۷ میلیون دالر).

۱۷. کمک مواد غذایی (USDA) (۴۷ میلیون دالر).

۱۸. غذا برای صلح (اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده ) (۱۵۹,۱ میلیون دالر).

۱۹. کمک های بشری مقابله با مصائب و مساعدت های خارج از کشور ( CGCMOTF ) - ۶ میلیون دالر.

مجموعاً (۸۴۶٫۹۵ میلیون دالر). آدرس انترنت: usembassy.state .gov/afghanistan/

**کمک های ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۰۳ در عرصه حقوق بشر:**

- کمک هنگام برگزاری لویه جرگه قانون اساسی از طریق UNDP – ۵ میلیون دالر.
- کمک برای پروسه انتخابات – ۵٫۵ میلیون دالر.
- کمک در برنامه آموزش پولیس ملی به شمول زنان در این برنامه .
- کمک به کمیسیون اصلاحات عدلی و قضایی (۱٫۴ میلیون دالر) .
- در سال مالی ۲۰۰۴ کمک برای بازسازی ساختمان محاکم به ستره محکمه- ۲٫۲ میلیون دالر.
- کمک از طریق UNDP برای ظرفیت سازی به کمیسیون مستقل حقوق بشر- ۶۰۰۰۰۰ دالر.
- کمک در انکشاف احزاب سیاسی و تسریع روند انتخابات -۱٫۲ میلیون دالر.
- کمک به احزاب سیاسی و موسسات مربوط به انتخابات افغانستان -۹٫۷ میلیون دالر
- کمک به دفتر ملی انتخابات -۴۶ میلیون دالر.
- کمک از طریق USAID برای ایجاد نهادهای مستقل و رادیوهای تجاری به شمول رادیو برای زنان در هرات و مزارشریف و حمایت از نشرات آزاد روزنامه ها، مجلات و رادیو های غیر دولتی ) (۲٫۲ میلیون دالر).

- کمک به وزارت امور زنان در عرصه های مختلف از طریق ایجاد شورای زنان افغان- امریکا که ریاست آن را خانم پاوله دوبریانسکی - معین وزارت خارجه امریکا به عهده دارد.

- اجرای ۱۷۵ پروژه برای ازدیاد اشتراک زنان در زندگی سیاسی و ایفای نقش در جامعه، کمک های اقتصادی و تعلیم زنان افغانستان .

- کمک برای برگزاری کورس های بی سوادی برای زنان و دختران در ولایات غربی افغانستان -۱۰۰۰۰۰ دالر.

- کمک برای تریننگ داکتران و نرسان برای توجه به صحت نوزادان و مادران هنگام ولادت-۵ میلیون دالر.

- کمک به موسسه IOM و کمک به پولیس افغانستان برای مبارزه با اختطاف و قاچاق کودکان-۱۹۰۰۰۰ دالر

- کمک به موسسه IOM برای بلند بردن ظرفیت حکومت در مبارزه در برابر قاچاقبران و اختطاف کنندگان کودکان در همکاری با NGO ها ، سازمان های بین المللی و کشور های منطقه - ۳۳۰۰۰۰ دالر.

**کمک های ایالات متحده امریکا در سال مالی ۲۰۰۵ به افغانستان**

مجلس نمایندگان و کانگرس امریکا به تاریخ ۱۵ جولای ۲۰۰۴ کمک های اقتصادی و مالی امریکا را برای سال مالی ۲۰۰۵ زیر عنوان Foreign Operations Bill به صورت رسمی مورد غور و بررسی قرار داد.

بودجه یی که در سال مالی ۲۰۰۵ به افغانستان تخصیص یافته ، قرار زیر می باشد.

۱- برای امور بشری - امنیتی و بازسازی ۹۹۷ میلیون دالر.

۲- در چهارچوب کمک های اقتصادی این بودجه- ۲۲۵ میلیون دالر برای افغانستان تخصیص یافته که ۱۵۰ میلیون دالر بیشتر از سال مالی گذشته است. این مبلغ به تمویل چندین پروژه اقتصادی ارتباط می گیرد.

۳- برای شفاخانه وزیر اکبر خان- ۳ میلیون دالر.

۴- برای تمویل و تقویت برنامه های مربوط به زنان و دختران -۶۰ میلیون دالر.

۵- برای از میان بردن کشت خشخاش در چوکات برنامه های بین المللی- مبلغ ۹۰ میلیون دالر.

۶- در چوکات کمک های مالی نظامی در خارج برای بازسازی و ساختن اردوی ملی افغانستان- ۴۰۰ میلیون دالر

جمعاً مبلغ یک میلیارد و هفتصدو هفتاد و پنج میلیون دالر در سال مالی ۲۰۰۵ به افغانستان تخصیص یافته است.

افزون بر کمک بالا، ایالات متحده امریکا کمک مبلغ ۷۶۰ میلیون دالر را برای مبارزه با مواد مخدر به حکومت افغانستان اعلام نموده است. در این مدت قرارداد ها و موافقتنامه های زیر به امضاء رسیده است:

۱- مضای قرارداد همکاری میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و ایالات متحده امریکا در رابطه به واگذاری ۳۳ هزار متر مربع زمین برای پنجاه سال آینده تا سال ۲۰۵۶ به آن کشور - به آژانس اطلاعاتی باختر.

-موافقتنامه همکاری به ارزش هفده میلیون دالر امریکایی میان ایالات متحده امریکا وزارت معادن و صنایع.

-امضای پروتکل همکاری پیرامون توسعه سرمایه گذاری متقابل میان ایالات متحده امریکا و افغانستان.

## بازدید های رسمی هیات های بلندپایه دو کشور

### آ: بازدید های رسمی مقامات بلندپایه دولتی به ایالات متحده امریکا:

۱ - حامد کرزی- رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در ( ۱۱ نوامبر ۲۰۰۲ و مارچ ۲۰۰۳ ) بنا به دعوت رسمی رییس جمهور امریکا از ایالات متحده امریکا بازدید رسمی نمود. حامدکرزی را در این بازدید- داکتر عبدالله - وزیر امور خارجه، داکتر رهین- وزیر اطلاعات و فرهنگ، داکتر زلمی رسول- مشاور امنیت ملی، داکتریحیی معروفی- وزیر مشاور در امور روابط بین المللی و سید طیب جواد- رییس دفتر رییس دولت همراهی می کردند .

۲ - مارشال فهیم- معاون اول رییس دولت ا.ا.ا و وزیر دفاع ملی بنا به دعوت رسمی دونالد رامسفلد- وزیر دفاع امریکا در ماه حوت ۱۳۸۱ ( مارچ ۲۰۰۳) از آن کشور بازدید نمود.

۳ – هدایت امین ارسلا - معاون رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در اکتبر ۲۰۰۳ بازدید رسمی یی را برای دیدار با مقامات امریکایی از آن کشور انجام داد.

۴ – داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه به تاریخ ۱۳ جولای ۲۰۰۳ بنابر دعوت پاوله دوبریانسکی Paula Dobriansky - معاون وزیر خارجه امریکا برای اشتراک در اجلاس سالانه( شورای زنان افغان– امریکا) ( Council of Afghan & America

Women ) و همچنان به تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۰۳ بنابر دعوت دانشگاه جورج تاون از آن کشور بازدید نمودند.

۵ – داکتر امین فرهنگ – وزیر بازسازی در ماه جون ۲۰۰۳ از امریکا بازدید نمود.

۶ – سید حسین انوری- وزیر زراعت و مالداری در جون ۲۰۰۳ بنا بر دعوت وزارت زراعت امریکا از آن کشور بازدید نمود.

۷ – سید مصطفی کاظمی- وزیر تجارت به تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۰۳ بنابر دعوت دانشگاه جورج تاون از امریکا بازدید نمود.

۸ –حبیبه سرابی- وزیر امور زنان برای اشتراک در اجلاس سالانه شورای زنان افغان – امریکا به تاریخ ۱۳ جولای ۲۰۰۳ .

۹ – عبدالرحیم کریمی- وزیر عدلیه، محبوبه حقوقمل- وزیر دولت در امور زنان و رییسان فاکولته های حقوق و شرعیات دانشگاه کابل برای اشتراک درکنفرانس (آزادی در بحران و بازسازی افغانستان )که از سوی دانشگاه جورج تاون در واشنگتن برگزار یافته بود، در ماه فبروی ۲۰۰۳ به ایالات متحده امریکا مسافرت نمودند.

۱۰- داکتر سید مخدوم رهین به تاریخ ۱۲ حوت ۱۳۸۲ برای عقد قرارداد همکاری های فرهنگی با اجتماع جغرافیایی امریکا از آن کشور بازدید نمود .

۱۱- محمد یونس قانونی- وزیر معارف و مشاور رییس دولت در امور امنیت داخلی در ماه حوت ۱۳۸۲. مسافرت رسمی یی را به ایالات متحده امریکا انجام دادند.

۱۲- داکتر سیما ثمر به تاریخ ۲۴ماه می ۲۰۰۴ برای اخذ جایزه ( جایزه جان اف کنیدی ) به شهر بوستون ایالت ماساچوست ایالات متحده امریکا بازدید نمود. این

جایزه به کسانی که در راستای تحقق حقوق بشر از خود جرئت و شهامت نشان دهند، از سوی موسسه جایزه جان اف کنیدی اعطا می گردد که امسال به سیما ثمر- رییس کمیسیون حقوق بشر افغانستان در زمره سه نفر از برندگان این جایزه قرار داشت.

۱۳- حامد کرزی- رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان به تاریخ ۷ جون ۲۰۰۴ بنابر دعوت رییس جمهور امریکا در راس هیات بلندپایه دولتی که در ترکیب آن داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه، -وزیران مالیه، داخله و شماری از اعضای کابینه عازم ایالات متحده امریکا گردید و طی این بازدید ضمن اشتراک در اجلاس سران G۸ و دیدار با مقامات امریکایی عازم آن کشور شد. در جریان این بازدید حامد کرزی با جورج بوش- رییس جمهور امریکا، کولن پاول- وزیر خارجه، دونالد رامسلفد- وزیر دفاع، بیل کلنتن-رییس جمهور پیشین امریکا، هیلاری کلنتن، خانم مادلین البرایت و دیگران که در رهبری جناح حزب دموکرات امریکا قراردارد، دیدار نمود همه آن ها با تاکید فروان اظهار داشتند که مساله افغانستان یک موضوعی حزبی و انتخاباتی نیست و در حمایت و پشتیبانی امریکا از افغانستان و مردم آن بین هردو حزب اتفاق نظرکامل وجود دارد و همه آن ها برای حمایت درازمدت از افغانستان تاکید کردند.

۱۴- حامدکرزی به تاریخ سوم جولای ۲۰۰۴ برای دریافت مدال آزادی عازم ایالات متحده امریکا شد. مدال آزادی به تاریخ چهارم جولای در شهر فلادلفیا ایالات متحده امریکا از سوی موسسه فلادلفیا فوندیشن طی مراسم خاصی به حامد کرزی تفویض می گردد. این جایزه جهانی به آن عده رهبران جهان تفویض می شود که به خاط از میان بردن ستم و بی عدالتی و اعاده دموکراسی مبارزه نموده اند و صاحب رهبری سالم و نیرومند در کشور خود باشد.

این مدال آزادی در گذشته به جمیی کارتر- رییس جمهور پیشین امریکا، نلسن ماندیلا و دوکلریک- رییسان جمهور پیشین افریقا و کلف آویل- رییس جمهور چک و سکواکیا و کوفی عنان- سرمنشی سازمان ملل تفویض گردیده است.

۱۵- داکتر رهین- وزیر اطلاعات و فرهنگ به تاریخ ۳ جولای ۲۰۰۴ به دعوت اجتماعی جغرافیای امریکا عازم آن کشور شد و تاریخ ۱۱ جولای با هیات رهبری اجتماعی ملی جغرافیایی امریکا دیدار و گفتگو کرد.

۱۶- داکتر اشرف غنی احمدزی- وزیر مالیه افغانستان از تاریخ ۱۱ تا جولای ۲۰۰۴ برای یک بازدید رسمی عازم ایالات متحده امریکا گردیده و در آنجا مقامات آن کشور دیدار نمود.

۱۷- هدایت امین ارسلا- معاوٌن رییس دولت افغانستان به تاریخ ۱۱ آگوست ۲۰۰۴ برای انجام بازدید رسمی عازم ایالات متحده امریکا شد در جریان بازدید با مسوول بخش افغانستان در بانک جهانی، ریچارد ارمیتاژ - معاون وزیر خارجه امریکا و - پاول ویلفوویتس Paul Wilfowits - معاون وزیر دفاع آن کشور دیدار نمود موضوعات مورد بحث آن ها کمک به و پرورش، سرمایه گذاری، صلاحات اداری، مواد مخدر، مشکل جنگ سالاران و تروریزم بود.

۱۸- اشتراک حامد کرزی- رییس د.ا.ا.ا به تاریخ ۲۹ سنبله سال ۱۳۸۳ در ۵۹ مین اسامبله عمومی سازمان ملل به به نیویارک که در این بازدید داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه نیز ایشان را همراهی نمودند. در حاشیه این اجلاس، حامد کرزی افزون بر دیدار با کوفی عنان- دبیرکل سازمان ملل، جورج بوش- رییس جمهور امریکا، صدراعظم کانادا، آقای کوئی زوموی- صدراعظم جاپان، رییس جمهور اسپانیا، و با شماری دیگر از رییسان دول چون رهبران کشورهای همسایه و سایر دولت های جهان دیدار نمودند

۱۹- حامد کرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان به تاریخ ۳۱ ثور ۱۳۸۴ برابر با ۲۱ می ۲۰۰۵ در رأس یک هیات بلندپایه دولتی برای دیدار رسمی عازم ایالات متحده امریکا گردید. رییس جمهور افغانستان در جریان این دیدار از امریکا تفاهمنامه مشترک همکاری های استراتیژیک میان ایالات متحده امریکا و افغانستان را با جورج دبلیو بوش- رییس جمهور امریکا امضأ نمود. همچنان در جریان این بازدید با دیک چینی- معاون رییس جمهور، کاندولیزا رایز- وزیر امور خارجه و رامسفلد- وزیر دفاع امریکا جداگانه دیدار نمود.

در این دیدار ها در مورد گسترش روابط خارجی افغانستان و امریکا، در رابطه به تفاهم و هماهنگی اردوی امریکا در عملیات ها با دولت افغانستان و مفاد تفاهم نامه استراتیژیک مشترک امریکا و افغانستان گفتگو گردید.

حامد کرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان در ادامه دیدارش از ایالات متحده امریکا از مجلس سنای آن کشور بازدید نموده و در دو میز گرد اشتراک کرد که از سوی سناتوران امریکا ترتیب شده بود. در این دیدار ها رییس مجلس سنای امریکا، رییس کانگرس امریکا به شمول شماری از هیات رهبری سنای امریکا شرکت داشتند.

رییس جمهور در ادامه بازدید با اعضای اتاق های تجارت امریکا- افغانستان دیدار نمود و در طی دیداراش از شهر نبراسکا با خانواده های افغان در آن شهر نیز دیدار نموده و با آن ها عکس های یادگاری گرفت. سپس در محفل که به مناسبت اعطای داکترای افتخاری وی که از سوی دانشگاه نبراسکا برگزار گردیده بود، اشتراک ورزید. همچنان رییس جمهور افغانستان از فارم کشاورزی شهر نبراسکا دیدن کرد.

در پایان بازدید، رییس جمهور افغانستان از یک پایگاه نظامی در حومه شهر واشنگتن دیدن نموده و با سپاهیان امریکایی که در گذشته، در افغانستان خدمت

نموده اند دیدار کرده و از خدمات آن ها در افغانستان قدردانی نمودند. حامد کرزی را در این بازدید داکتر عبدالله- وزیر امورخارجه، جنرال وردک- وزیر دفاع ملی، داکتر رهین- وزیر اطلاعات، فرهنگ و توریزم، عنایت الله قاسمی- وزیر ترانسپورت، عبیدالله رامین- وزیر زراعت، مالداری و موادغذایی، زلمی رسول- مشاور امنیت ملی و زلمی هیواد مل- وزیر مشاور ریاست جمهور در امور علمی و فرهنگی همراهی می نمودند.

**- بازدید هیات های بلند پایه امریکایی از کابل :**

۱ – بازدید دونالد رامسفلد Donald H. Rumsfeld- وزیر دفاع ایالات متحده امریکا برای انجام دیدار با مقامات حکومت افغانستان و دیدن از مراکز نیروهای ائتلاف مستقر در افغانستان به ترتیب سه بار به افغانستان بازدید کرده است (۷ سپتامبر ۲۰۰۲ ، ۲۱ اپریل ۲۰۰۳ و ۱۴ اکتبر ۲۰۰۳).

۲ – بازدید خانم پاوله دوبریانسکی Paula Dobriansky - معاون وزارت امور خارجه امریکا در امور جهانی به تاریخ ۸ جنوری ۲۰۰۳ برای اشتراک در دومین اجلاس سالانه ( شورای زنان افغان – امریکا ) ( Council of Afghan & America Women ).

۳ – آقای جان دبلیو سون John W. Snon - وزیر مالیه امریکا به تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۳.

۴ – بازدید ریچارد ارمیتاژ Richard L. Armitage - معاون وزیر امور خارجه امریکا دو مراتب (جولای و ۱۳ اکتبر ۲۰۰۳).

۵ – بازدید پاول ولفوویتچ Paul Wilfowits - معاون وزیر دفاع امریکا در ۲۰۰۳.

۶ – بازدید داکتر خلیلزاد- نماینده خاص- رییس جمهور امریکا در مساله افغانستان از کابل چندین بار در جریان سال۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ به ترتیب در ۴ فبروی ۲۰۰۳ ، ۲۳ مارچ ۲۰۰۳ ، ۲۱ آگوست ۲۰۰۳، ۱۰ اکتبر ۲۰۰۳ و ۲۹ نوامبر ۲۰۰۳ .

۷ – بازدید جنرال تومی فرانس Tommy France - فرمانده عمومی نیروهای ائتلاف در خلیج فارس در اپریل ۲۰۰۳ .

۸ – بازدید جنرال جان ابی زید John Abazaid - فرمانده عمومی نیرو های ائتلاف در عراق از کابل در۴ اکتبر ۲۰۰۳.

۹ – بازدید جنرال پیتر Peter G. Schoomaker – رییس ستاد ( لوی درستیز) ارتش امریکا از کابل در ۱۹ آگوست ۲۰۰۳.

۱۰– بازدید آقای دوف زاکیم Dr. Dov .S.Zakheim - رییس بخش مالی وزارت دفاع امریکا در نوامبر۲۰۰۲ از افغانستان.

۱۱ – مسافرت سفیر بیل تالر Bill Taylor برای معرفی جیم ویلیر Jim Waller بحیث هماهنگ کننده بخش اقتصادی در بازسازی افغانستان به اعضای کابینه حکومت افغانستان به تاریخ ۱۶ جنوری ۲۰۰۳ .

۱۲– هیات کانگرس ایالات متحده امریکا به ریاست هان مارک کیرک Mark Kirk در ۱۳ جنوری ۲۰۰۳ .

۱۳ – دگرجنرال رابرت فلاوری قوماندان عمومی بخش انجنیری اردو امریکا در ۱۳ جنوری ۲۰۰۳ .

۱۴– آقای دونالد رامسفلدDonald H. Rumsfeld - وزیر دفاع ایالات متحده امریکا به تاریخ ۲۶ فبروری ۲۰۰۴ برای دیدار با مقامات رهبری افغانستان به کابل و

قندهار مسافرت کرد ، هدف بازدید رامسفلد را بحث روی موضوعات امنیتی تشکیل می داد.

۱۵- خانم پاولا دوبریانسکی Paula Dobriansky - معاون وزارت امور خارجه امریکا در امور جهانی به تاریخ ۲۴ فبروری در راس یک از زنان امریکا برای اشتراک در سومین جلسه شورای زنان افغان – امریکا به کابل بازدید کرد .

۱۶- هیات کانگرس ایالات متحده امریکا مرکب از از شش نفر اعضای کانگرس به ریاست شیرودبولرت به تاریخ ۲۹ دلو ۱۳۸۲ برای دیدار با مقامات بلندپایه افغانستان به کابل مسافرت نمودند.

۱۷ – هیات کانگرس ایالات متحده امریکا به ریاست جمیز این هوف به تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ برابر با ۱۴ مارچ ۲۰۰۴ برای دیدار با رییس دولت افغانستان به کابل مسافرت کرده و به ادامه کمک های دولت و مردم ایالات متحده امریکا در بخش های تامین و گسترش امنیت ، بازسازی شاهراه و بازسازی پروژه های آبیاری افغانستان تاکید نمودند

.۱۸- بازدید کولن پاول- وزیر امور خارجه از کابل

۱۹- به تاریخ ۱۸ مارچ ۲۰۰۴ سناتور جان وارنر و فرتز اولنگ برای دیدار با رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان ازکابل بازدید نمودند.

۲۰- هیات کانگرس ایالات متحده امریکا به ریاست دیوید دیریر David Derier به تاریخ ۵ اپریل ۲۰۰۴ برای دیدار با رییس دولت افغانستان از کابل بازدید نمود .

۲۱- هیات امریکائی به ریاست وزیر صحت امریکا-آقای تامپسن Tommy G.Thompson به تاریخ ۶ اپریل ۲۰۰۴ برای دیدار با مقامات دولت افغانستان و بلند بردن کمک های جهانی برای مبارزه با مرض فلج کودکان از کابل بازدید نمود.

۲۲- هیات نظامی ایالات متحده امریکا به ریاست ستر جنرال مایکل هیگ به تاریخ ۶ اپریل ۲۰۰۴ برای دیدار با رییس دولت افغانستان از کابل بازدید کرد.

۲۳- جنرال ریچار مایرز- رییس ستاد ارتش ( لوی درستیز) اردو امریکا به تاریخ ۱۶ اپریل ۲۰۰۴ ازکابل بازدید نمود. هدف این بازدید اعلام افزایش در نیروهای امریکا به تعداد دو هزار سپاهی دیگر بیان گردیده است.تا آن زمان شمار نیروهای امریکا به ۱۱هزار نفر بالغ می شد که با افزایش تعداد فوق الذکر جمعاً شمار سپاهیان امریکائی در افغانستان ۱۳۵۰۰ نفر می گردد.

۲۴- بازدید هیات هفت نفری وزارت دفاع ایالات متحده امریکا به ریاست آقای Douglas J.Feith - معاون وزیر دفاع امریکا در امور پالیسی به تاریخ ۳ ماه جون ۲۰۰۴ از کابل و دیدار با حامد کرزی- رییس دولت انتقالی اسلامی.

۲۵- ملاقات حامد کرزی- رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان به تاریخ ۵ جون ۲۰۰۴ با جنرال ابی زید مسوول نیروهای نظامی افغانستان و عراق روی پروسه ایجاد اردوی ملی ، مبارزه با دهشت افگنان و انتخابات ریاست جمهوری افغانستان.

۲۶- حامد کرزی- رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان به تاریخ ۱۶ جولای ۲۰۰۴ با ریچارد ارمیتاژ - معین وزارت امور خارجه امریکا در قصر گلخانه دیدار نمود . در این دیدار، دو طرف در مورد روند انتخابات، ادامه مبارزه علیه تروریسم و مواد مخدر و تحکیم هرچه بیشتر ثبات در افغانستان گفتگو نمودند. معین وزارت خارجه امریکا یک بار دیگر تاکید کرد که کشورش به وعده های خود متعهد است تا زمانی که افغانستان به پیشرفت های شایانی نایل نیاید و به خود متکی نگردد به کمک های خود در عرصه های مختلف به این کشور ادامه می دهد. رییس دولت افغانستان از همکار های دولت و مردم امریکا ابراز تشکر کرد .در پایان این دیدار داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه افغانستان و ریچارد ارمیتاژ- معین

وزارت خارجه امریکا در کنفرانس خبری اشتراک نموده و به پرسش های خبرنگاران پاسخ گفتند.

معین وزارت خارجه امریکا در پاسخ گفت: اگر در نتیجه برگزاری انتخابات ریاست جهموری آینده امریکا کسی دیگر جایگزین رییس جمهور بوش گردد، سیاست خارجی امریکا در قبال افغانستان تغییر نخواهد کرد و دولت امریکا به کمک های خود به افغانستان ادامه خواهد داد. مهمترین موضوع که ریچارد آرمیتاژ به عنوان هدف بازدیدش به کابل اعلام کرد، دنبال کردن روندبرگزاری انتخابات در افغانستان بود. او گفت که جورج بوش رییس جمهور امریکا و کولن پاول- وزیر خارجه آن کشور از وی خواسته اند تا آمادگی ها برای انتخابات در افغانستان را از نزدیک بررسی کند.

۲۷- به تاریخ ۱۷ قوس ۱۳۸۳ برابر با ۷ دسامبر ۲۰۰۴ هیات بلندپایه حکومت ایالات متحده امریکا به ریاست آقای دیک چینی - معاون رییس جمهور امریکا و آقای دونالد رامسفلد- وزیر دفاع آن کشور برای اشتراک در مراسم تحلیف نخستین رییس جمهور منتخب افغانستان از کابل بازدید نمودند و با حامد کرزی - رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان دیدار نمودند.

۲۸- حامدکرزی- رییس جمهور، جمهوری اسلامی افغانستان به تاریخ ۲۲ قوس ۱۳۸۳ برابر با ۱۲ دسامبر ۲۰۰۴ با هیات کانگرس ایالات متحده امریکا که به کابل آمده بودند، دیدار به عمل آورد. در این دیدار دو طرف روی گسترش همکاری برای مبارزه جدی با کشت و قاچاق مواد مخدر بحث و گفتگو نمودند.

۲۹- حامد کرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان به تاریخ ۲۲ قوس ۱۳۸۳ برابر با ۱۲ دسامبر ۲۰۰۴ با آقای تامی تاچسن- وزیر صحت عامه ایالات متحده امریکا و داکتر فارسلو- رییس یکی از شرکت های مشهور داروسازی امریکا که از کابل بازدید نموده بودند، دیدار نمود. دراین دیدار، دو طرف در

رابطه به مشکلات صحی مردم افغانستان و ادامه کمک های طبی امریکا و افغانستان تبادل نظر نمودند. وزیر صحت عامه امریکا اظهار داشت که می خواهد شفاخانه صحت طفل اندیراگاندی را از لحاظ تعمیر، وسایل طبی بازسازی و تجهیز نماید. وی همچنان گفت در نظر دارد یک شفاخانه را به منظور تداوی بیماری های سوختگی در ولایت هرات و یک شفاخانه را به خاطر تهیهء اعضای مصنوعی برای معیوبین در ولایت پکتیا اعمار نمایند. داکتر فارسلو- رییس شرکت دوا سازی امریکائی اظهار داشت که می خواهد شرکت دوا سازی را در افغانستان اساس گذارد که مطابق استاندرد جهانی ادویه تولید نماید.

۳۰- حامد کرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان به تاریخ ۹ جنوری ۲۰۰۵ برابر با ۲۰ جدی ۱۳۸۳ با هیات کانگرس ایالات متحده امریکا که به ریاست جیم ساکن تن به کابل مسافرت نموده بودند، دیدار کرد. در جریان دیدار آقای جیم ساکن تن بر دوام همکاری های دولت و مردم امریکا با مردم افغانستان تاکید نموده و همکاری با مردم افغانستان را به سود تحکیم صلح در منطقه دانست. همچنان دو طرف در مورد جستجوی راه های دوام مبارزه علیه مواد مخدر و رشد اقتصادی افغانستان گفتگو کردند. در این دیدار داکتر زلمی خلیل زاد- سفیر و نماینده خاص رییس جمهور امریکا برای افغانستان نیز شرکت داشت.

۳۱- حامدکرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان به تاریخ ۲۳ جدی ۱۳۸۳ برابر با ۱۲ جنوری ۲۰۰۵ با هیات مجلس سنای ایالات متحده امریکا که از کابل بازدیدکرده بودند، دیدار نمود. در آغاز بل فیرست- رییس هیات از پیروزی هایی که در اعاده دموکراسی، انتخابات ریاست جمهوری و مبارزه با تروریزم نصیب دولت و مردم افغانستان گردیده، ابراز خوشی کرده، افزود که کمک های مردم و حکومت امریکا تا زمانی ادامه می یابد که افغان ها به خود متکی شوند. سپس رییس جمهور افغانستان از کمک های امریکا که طی سه سال گذشته در برای تامین صلح، امنیت، انتخابات ریاست جمهوری و دیگر عرصه به افغانستان

نموده، اظهار قدردانی نموده، خاطر نشان ساخت که امید است این کمک ها تا زمانی که افغانستان به خود متکی شود، ادامه یابد. در این دیدار احمد ضیا مسعود و محمد کریم خلیلی- معاونان ریاست جمهوری، داکتر عبدالله - وزیر امور خارجه، هدایت امین ارسلا- مشاور ارشد و وزیر تجارت و داکتر زلمی خلیل زاد - سفیر و نماینده خاص رییس جمهور امریکا برای افغانستان شرکت داشتند . همچنان داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه با هیات مذکور نیز دیدار نمود.

۳۲- حامد کرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان به تاریخ ۲۵ جدی ۱۳۸۳ برابر با ۱۴ جنوری ۲۰۰۵ در حالی که داکتر عبدالله - وزیر امور خارجه نیز حاضر بود، با هیات کانگرس ایالات متحده امریکا که به کابل بازدید کرده بودند، دیدار نمود. در این دیدار آقای جان کلین به نمایندگی از هیات صحبت نموده از تحولات مثبت در افغانستان طی سه سال گذشته اظهار خرسندی کرد. دو طرف در این دیدار در برای مبارزه علیه مواد مخدر در افغانستان و اعطای مساعدت های لازم را برای آنعده از دهقانان که از کشت آن اجتناب می نمایند و همچنان در مورد مساعدت های امریکا در زمینه تقویت اردوی ملی و پولیس ملی افغانستان گفتگو نمودند..

۳۳- حامد کرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان به تاریخ ۲۷ جدی ۱۳۸۳ برابر با ۱۶ جنوری ۲۰۰۵ با هیأت کانگرس ایالات متحده امریکا در قصر گلخانه دیدار نمود. در این دیدار، مارک کری- رییس هیأت کانگرس ایالات متحده امریکا مراتب شادباش خویش را برای حامد کرزی به عنوان نخستین رییس جمهور منتخب افغانستان ابراز نموده، پروسه موفقانه انتخابات و سهمگیری فعال و وسیع مردم را در پروسه رایدهی نشانه بیداری سیاسی مردم این کشور خواند. دراین دیدار، همچنان دو طرف پیرامون مبارزه در برابر مواد مخدر در افغانستان و آماده ساختن بدیل کشت کوکنار برای کشاورزان و تهیه وسایل زراعتی برای آنان گفتگو نمودند.

همچنان هیات کانگرس امریکا دراین دیدار از تلاش های دولت افغانستان که از طرق مختلف در برای مبارزه علیه مواد مخدر انجام داده است، قدردانی نموده و به خاطر تسریع مبارزه علیه مواد مخدر خواهان توجه بیشتر جوامع بین المللی گردید. دراین دیدار، داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه، علی احمد جلالی- وزیر اموداخله و زلمی رسول- مشاور ریاست دولت در امور امنیت ملی نیز حاضر بودند.

۳۴- حامد کرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان به تاریخ ۴ حوت ۱۳۸۳ برابر با ۲۲ فبروری ۲۰۰۵ با هیات مجلس سنای ایالات متحده امریکا در مقر ریاست جمهوری در حتا که داکتر عبدالله - وزیر امور خارجه نیز حضور داشت، دیدار نمود. در این دیدار، دو طرف در مورد مساعدت دولت امریکا در عرصه های مختلف و پیشرفت هایی که در سه سال گذشته نصیب افغانستان شده است، به تفصیل گفتگو نمودند. رییس جمهور افغانستان ضمن ابراز سپاس از کمک های دولت و مردم امریکا افزود که مردم ما درک می نمایند که بدون مساعدت امریکا، کشورشان نمی توانست در این سه سال به دستاوردهای شایان توجه برسد.

رییس جمهور افزود: دولت و مردم امریکا کشور ما را در عرصه های مختلف از جمله رسیدن به آزادی، بازسازی، تاسیس اردو ملی، پولیس ملی، انتخابات و سایر بخش ها مساعدت نموده است و پروسه این کمک ها همچنان دوام دارد، بناً به نمایندگی از مردم افغانستان از شما نمایندگان مردم امریکا ابراز تشکر می نمایم. در مقابل سناتور جان مکین که ریاست این هیات شش را به عهده داشت، با ابراز خرسندی از بازدید از افغانستان و دیدار با حامد کرزی گفت: می خواهم به نیابت از مردمی که نمایندگی شان را عهده دار هستیم، بر همکاری درازمدت و استراتیژیک کشور خود با افغانستان تاکید نماییم. من باور دارم که این همکاری در عرصه های اقتصادی، فنی و سایر بخش ها نه تنها به سود مردم افغانستان، بلکه به سود کشور ما نیز است. سناتور هیلاری کلنتن- همسر بیل کلینتن رییس جمهور پیشین امریکا و شهردار نیویارک نیز ضمن مهم خواندن روابط و همکاری دوکشور

گفت: ما تعهد خود را برای انکشاف دوامدار و حمایت از آینده بهتر مردم افغانستان تجدید می کنیم و می دانیم این همکاری به سود مردمان هر دو کشور است.

در ادامه دیدار، دو طرف در باره تسریع کمک های امریکا برای بهبود کشاورزی و معارف بحث نمودند. در اخیر دیدار رییس جمهور و سناتوران امریکا طی یک کنفرانس خبری به پرسش های ژورنالیست های داخلی و خارجی پاسخ ارائه کردند.

۳۵- حامد کرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان به تاریخ ۱۵ حوت ۱۳۸۳ برابر با ۵ مارچ ۲۰۰۵ با هیات یازده نفری رییسان کمپنی های امریکایی در مقر ریاست جمهوری دیدار نمود. در این دیدار چارلز بوید - رییس هیات مذکور ضمن ابراز علاقمندی شرکت های امریکایی برای سرمایه گذاری در افغانستان اظهار داشت: تاجران و سرمایه گذاران بسیاری از شرکت های امریکایی می خواهند در بخش هایی که افغانستان نیاز دارد، سرمایه گذاری نمایند. از این رو، علاقه داریم بدانیم که کدام عرصه ها برای مردم و دولت افغانستان اولویت دارد، تا پس از مطالعه کار را در آن عرصه آغاز نماییم.

رییس جمهور افغانستان با تشریح پیشرفت هایی که در عرصه تجارت و سرمایه گذاری در افغانستان به دست آمده است، گفت: قانون سرمایه گذاری امکان فعالیت را برای شرکت ها و تاجران خارجی در افغانستان فراهم ساخته است و دولت نیز ضمن تشویق سرمایه گذاری خارجی از آنان حمایت می نماید.

رییس جمهور با برشمردن عرصه هایی که افغانستان نیاز به سرمایه گذاری را دارد، خاطر نشان ساخت که انرژی برق، معادن، صحت عامه، معارف و آبیاری بخش هایی اند که نیاز به سرمایه گذاری دارند.

در این دیدار دوطرف همچنان در باره وضعیت امنیتی، پیشرفت های به دست آمده در عرصه مبارزه با مواد مخدر و سرمایه گذاری در افغانستان و سرمایه گذاری در افغانستان به تفصیل گفتگو نمودند.

•

۳۵. حامدکرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان ظهر روز پنج شنبه مؤرخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۷ با کاندولیزا رایز- وزیر مور خارجه ایالات متحده امریکا در مقر ریاست جمهوری دیدار نمود. دراین دیدار دو طرف در مورد گسترش مناسبات دوسویه، کمک های ایالات متحده امریکا به افغانستان، مبارزه مشترک در برابر تروریزم و مواد مخدر و باز سازی افغانستان گفتگو نمودند.

رییس جمهور کشور ضمن ابراز امتنان از مساعدت های ایالات متحده امریکا به مردم افغانستان گفت: پس از آزادی کشور از چنگال تروریزم دستاوردهایی در عرصه های بازسازی، برگشت مهاجران، معارف، تأمین امنیت و ایجاد نهاد های ملی صورت گرفته است. این دستاورد ها نتیجه مساعدت جامعه بین المللی و به خصوص ایالات متحده امریکا است که به صورت دوامدار صورت گرفته است.

•

رییس جمهور با تأکید در مورد تعهد دولت افغانستان برای محو کشت کوکنار و قاچاق مواد مخدر گفت: دهقانان افغانستان به دلیل نومیدی از آینده خود ناگزیر به کشت کوکنار شده بودند. امروز که افغانستان دارای امنیت بهتر نهاد های ملی گردیده است.

دهقانان به صورت داوطلبانه از کشت کوکنار صرف نظر می نمایند. ما کارزار مبارزه علیه مواد مخدر و محو کامل آن را آغاز کرده ایم و این کارزار را تا پایان آن ادامه خواهیم داد.

رییس جمهور کشور نقش جامعه جهانی را در موفقیت افغانستان برای محو مواد مخدر مهم خوانده افزود: جامعه جهانی باید به صورت مشترک با افغان ها کار و مساعدت نماید تا نهاد های ملی تقویت و امنیت هرچه بیشتر مستحکم شود.

وزیر خارجه امریکا با تقدیر از دستاورد های مردم افغانستان گفت: فاجعه ۱۱ سپتامبر تراژدی مشترک ما بود. افغانستان سال ها پیش از سوی جامعه جهانی فراموش شده بود ولی اکنون جامعه جهانی و به خصوص ایالات متحده امریکا متعهد است تا به صورت دوامدار به این کشور کمک نماید و این مساعدت ها تا زمانی که افغانستان به پای خود بایستد، ادامه خواهد یافت.

وزیر خارجه امریکا با اشاره به همکاری کشورش در مساعدت به دهقانان افغانستان گفت: دولت امریکا یکجا با دیگر کشورهای کمک کننده حاضر است تا در فراهم کردن کشت جایگزین و معیشت بدیل به دهقانان افغانستان کمک نماید.

در پایان این دیدار، حامد کرزی و خانم کاندولیزا رایز با حضور در یک کنفرانس مطبوعاتی به پرسش های خبرنگاران پاسخ گفتند.

حامد کرزی در پاسخ به پرسشی مبنی بر پیشنهاد یک مجمع دانشمندان مستقر در ویانا که برای قانونی ساختن تولید مورد مورفین و استفاده آن در صنعت دواسازی برای افغانستان شده است، گفت: برای ما این مسأله یک پیشنهاد جالب است اعلامیه این مجمع را مطالعه نمودیم و سایر مطالبی را که دراین مورد نشر شده، نیز مورد غور قرار دادیم.

این مسأله اکنون در مرحله تحقیق و ارزیابی قرار دارد تا اضرار و فواید آن روشن شود. در خصوص این پیشنهاد با برخی از کشور های دیگر نیز مشوره نموده ایم اگر در نتیجه مطالعات روشن شود که این مسأله به سود افغانستان است و از سوی

جامعه بین المللی نیز توافق صورت گیرد، آنگاه می توان در مورد عملی کردن آن فیصله کرد.

حامد کرزی به ارتباط تاریخ انتخابات پارلمانی گفت: این انتخابات در ماه سپتامبر برگزار می شود. در ادامه کنفرانس خبری وزیر خارجه امریکا مبنی بر کاهش ۵۷۰ میلیون دالر کمک های کانگرس ایالات متحده امریکا به افغانستان در پاسخ به سوالی گفت: ما در حال نهایی کردن بودجه دولت امریکا در واشنگتن هستیم و این مسأله یک پروسه بسیار مغلق است. باید روشن بسازم که کمک به تربیه پولیس، بازسازی و مبارزه علیه مواد مخدر در افغانستان از اولویت های دولت امریکا است. از این رو، با کانگرس کار می نماییم تا بودجه یی را که برای دولت و مردم افغانستان در نظر داریم، به دست آریم.

گفتنی است که وزیر خارجه امریکا در آستانهء بازدید از افغانستان، از کشورهای هند و پاکستان نیز بازدید نموده و با مقامات آن کشور ها در مورد مسایل مختلف گفتگو نموده است.

همچنان داکتر عبدالله - وزیر امور خارجه در مقر وزارت امور خارجه نیز با خانم رایس دیدار نموده و پیرامون مسایل مورد علاقه دو سوی بحث و تبادل افکار نمودند.

۳۶- بازدید خانم پاولا دوبریانسکی- معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا به تاریخ ۲۹ مارچ ۲۰۰۵ از کابل

۳۷- حامد کرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان پس از ظهر چهارشنبه تاریخ ۱۰ حمل ۱۳۸۴ با لورا بوش- همسر جورج بوش رییس جمهور ایالات متحده امریکا که در رأس یک هیأت ۱۵ عضوی زنان و مقامات دولتی آن کشور وارد کابل شده است، در قصر گلخانه دیدار نمود.

دراین دیدار، رییس جمهور کشور ضمن ابراز خوش آمدید به همسر رییس جمهور امریکا گفت: بازدید شما به کشور ما ارزش بسیار بالای حتا بیشتر از صد ها میلیون دالر دارد.

حامد کرزی افزود: کمک های مالی ۱۷/۷ میلیون دالری را که شما امروز در جریان بازدید خود برای اعمار دانشگاه امریکایی افغانستان و همچنان ۳/۳ میلیون دالر دیگر را برای اعمار مکتب بین المللی نمودید، زمینه را برای ارتقای سطح دانش شاگردان مساعد می سازد و دولت را نیز در تحقق اهدافش دراین راستا کمک می نماید. رییس جمهور با اشاره به دستاوردهای مردم و زنان افغان طی بیش از سه سال گذشته گفت: بدون مساعدت دولت و مردم امریکا این پیشرفت های ممکن نبود.

در این دیدار داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه، مسعوده جلال- وزیر امور زنان، آمنه صفی افضلی- وزیر امور جوانان، صدیقه بلخی- وزیر امور شهدا و معلولین، نور محمد قرقین- وزیر معارف، زلمی رسول- مشاور امنیت ملی ، فاطمه گیلانی - رییس وسکرتر جنرال جمعیت افغانی سره میاشت نیز شرکت داشتند.

همچنان خانم لورابوش پس از ظهر دیروز با داکتر زینت کرزی- همسر حامد کرزی رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان دیدار نمود. در این دیدار همسران رییسان جمهور افغانستان و امریکا در مورد وضعیت زنان افغان به خصوص در بخش های صحی و تعلیمی گفتگو نمودند. داکتر زینت کرزی ضمن ابراز امتنان از مساعدت های دولت امریکا برای افغانستان اظ هار امید واری نمود که این کمک ها همچنان ادامه یابد.

داکتر زینت کرزی در جریان این دیدار ضمن برشمردن ضرورت های صحی زنان افغان توجه لورابوش را برای کمک در ایجاد یک مرکز آموزشی برای داکتران نسائی و نرس قابله معطوف داشته گفت: امید وار هستم با مساعدت امریکا و جامعه

بین المللی وضعیت صحی زنان افغان بهبود یابد تا آن ها دیگر به خاطر تداوی یماری های عادی به کشور های خارجی بازدید نکنند.

خانم لورا بوش با ابراز همبستگی زنان امریکا با مردم و زنان افغان بر ادامه همکاری کشورش تأکید نمود.

خانم لورا بوش را در بازدید از افغانستان، پاولا دوبرینسکی- معاون وزارت خارجه امریکا همراهی می نمود.

۳۸- حامد کرزی - رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان با دونالد رامسفلد- وزیر دفاع ایالات متحده امریکا به تاریخ ۴ اپریل ۲۰۰۵ در مقر ریاست جمهوری دیدار نمود.

۳۹- حامد کرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان به تاریخ ۳۱ جوزا ۱۳۸۴ با جنرال جان ابی زید- فرمانده عمومی نیروهای زمینی ایالات متحده امریکا در مقر ریاست جمهوری دیدار نمود در این دیدار دو طرف روی مسایلی چون انتخابات پارلمانی، مبارزه با تروریزم و مبارزه علیه مواد مخدر بحث و گفتگو نمودند.

*اعلامیه مشترک ایالات متحده امریکا و افغانستان در مورد همکاری های استراتیژیک*

در پی سرنگونی رژیم طالبان در دسامبر۲۰۰۱ ، ایالات متحده امریکا و افغانستان برای تحقق اهداف مشترک استراتیژیک شان پیشرفت های چشمگیری داشته اند. ما مشترکاً شبکه های بین المللی تروریزیم را نابود و در این برای تلاش کردیم که افغانستان دیگر هرگز به پناهگاه امن برای تروریست ها مبدل نشود.

ایالات متحده امریکا از مردم افغانستان در برای ایجاد یک دولت معتدل و متکی بر ارادهء مردم حمایت نموده است.

در این راستا، مردم و حکومت ایالات متحده پابندی شان را به تعهد برای ایجاد افغانستانی دموکرات، آزاد و کشوری که بتواند خودش به امنیتش بپردازد، به نمایش گذاشتند.

فغانستان صمیمانه ترین مراتب سپاس مردمش را به مردم ایالات متحده امریکا ابراز می دارد. در نتیجه کمک سخاوتمندانه مردم و نقش رهبری ایالات متحده، مردم افغانستان قادر شدند امید و اعتماد دوباره بیابند و نظر تازه یی در رابطه به رسیدن به موفقیت و صلح پیدا کنند.

افغانستان با چالش های مهمی در برای استقرار امنیت و تلاش هایش در برای ساختن یک دولت مبتنی بر اصول دموکراسی، احترام به حقوق بشر واقتصاد بازار روبروست. به خاطر پاسخ گفتن به این چالش ها، افغانستان پیشنهاد نموده است که ایالات متحده امریکا با این کشور وارد یک همکاری استراتیژیک شده و همیاری نزدیکی را به شمول تبادل نظر منظم در سطح عالی در زمینه های سیاسی، امنیتی و اقتصادی مندرج در این موافقتنامه و مسایل دیگر مورد علاقه دوسوی پایه گذاری کنند.

ایالات متحده امریکا و افغانستان همچنان در نظر دارند تا مشترکاً مساعی و توافقنامه های مقتضی را برای اجرای همکاری استراتیژیک شان به عمل آورند.

این تلاش مشترک برمبنای شماری از اصول کلیدی از جمله تعهد برای حاکمیت قانون، حمایت از حقوق بشر و آزادی های مدنی تمام افراد بدون در نظرداشت تعلقات قومی یا جنسی، حمایت از حاکمیت دموکراتیک و اتکا به بازار آزاد به عنوان بهترین روش برای پیشرفت اقتصادی افغانستان، استوار خواهد بود. نخستین هدف همکاری استراتیژیک، تقویت روابط بین ایالات متحده امریکا و افغانستان به

منظور تأمین امنیت دراز مدت، دموکراسی و رفاه در افغانستان خواهد بود. این همکاری باید.مناسبات صلح آمیز و ثمر بخش میان افغانستان و همسایه هایش را تقویت کند. این همکاری استراتیژیک بر ضد هیچ کشور سومی نیست.

این همکاری بنیادی است برای تلاش های مشترک ما در برای همیاری در جنگ علیه تروریزیم بین المللی و مبارزه بر ضد خشونت افراط گرایی، برای استقرار ثبات و رفاه در منطقه و به منظور ثابت قدم ماندن در حمایت از مبارزهء افغانستان در ریشه کن کردن کوکنار و مبارزه برضد تولید و قاچاق مواد مخدر و حمایت از تأمین معیشت بدیل. این همکاری بر پایهء قوانین اساسی کشورهای مان و مکلفیت های ایالات متحده و افغانستان در برابر منشور سازمان ملل متحد، موافقتنامه ها و سایر پیمان های بین المللی استوار خواهد بود.

چند دهه جنگ داخلی، خشونت سیاسی و مداخله در امور داخلی افغانستان سبب شده تا امنیت، حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی این کشور عرصه های مبرم در همیاری ایالات متحده و افغانستان باشد. برای گسترش دموکراسی، رفاه و امنیت پایه دار ما مصمم هستیم تا در همبستگی با هم تلاش نمایم به منظور:

دموکراسی و اسلوب حکومت داری:

- حمایت از ادارهء سالم دموکراتیک در حکومت داری و توسعهء جامعه مدنی مبتنی بر حاکمیت قانون و حقوق بشر و فراهم آوری زمینه های مشارکت سیاسی با پایهء وسیع در افغانستان.
- کمک به ساختن دولت نیرومند و دیرپای افغانستان و نهاد های مدنی و حمایت از سنت های سیاسی مؤثر و پاسخگوی نیاز های مردم افغانستان.
- تشویق توسعهء آزادی و دموکراسی در گسترهء منطقه.

- حمایت از ابتکار افغانستان برای احیای نقش تاریخی این کشور به عنوان پلی میان آسیایی مرکزی و جنوبی و ارتقای مناسبات منطقه یی از رقابت به همکاری اقتصادی و سیاسی.

- تقویه همکاری میان افغانستان و همسایه های آن و دفع مداخلات در امور داخلی این کشور.

- حمایت از روابط دوستانهء همکاری میان مردم و تقویت روابط میان جوامع امریکا و افغانستان برای دسترسی به دیدگاه مشترک و همکاری در زمینه چالش ها و ظرفیت های موجود.

## رفاه:

- مساعدت و حمایت از بازگشت افغانستان به اقتصاد منطقه یی و جهانی و سازمان های مورد نظر بین المللی.

- کمک به توسعهء چارچوب قانونی و نهادینه برای بخش خصوصی و تشویق سرمایه گذاری های بین المللی در افغانستان.

- تشویق و فراهم آوری سهولت برای حضور متشبثان امریکایی در بخش هایی که توسعهء شرکت های افغانی و بخش خصوصی را در افغانستان سرعت می بخشد.

- ادامه حمایت از بازسازی افغانستان و سرمایه گذاری برای رشد قوای بشری افغانستان و تشویق کشور های دیگر در این راستا.

## امنیت:

- کمک به سازماندهی، آموزش، تجهیز و تمویل نیروهای امنیتی افغانستان تا زمانی که این کشور خود قادر به برعهده گرفتن این مسوولیت شود.

- مشورت و اتخاذ تصامیم مقتضی مشترک در مواردی که به باور افغانستان تمامیت ارضی، استقلال و امنیت آن کشور در معرض تهدید و خطر قرار گرفته است.
- مساعدت به دولت افغانستان برای اصلاحات بخش امنیتی.
- ادامه انجام عملیات های ضد تروریزیم در همکاری با نیروهای افغانستان.
- حمایت از مساعدت های ائتلاف از برنامه ضد مواد مخدر دولت افغانستان.
- تداوم تبادل اطلاعاتی و استخباراتی.
- تقویت روابط افغانستان با ناتو.
- حمایت از ابتکار امنیت در مرز های افغانستان.

این واضح است که به منظور دسترسی به اهداف مندرج در این موافقتنامه، نیروهای ایالات متحده مستقر در افغانستان همچنان به تأسیسات میدان هوایی بگرام و تسهیلات آن و تسهیلات واقع در دیگر مناطق که می تواند با توافق دو طرف تعیین گردد، دسترسی خواهند داشت.

نیروهای ایالات متحده و ائتلاف بین المللی در اجرای عملیات نظامی مقتضی بر اساس مشوره و ضوابط از پیش تعیین شده آزادی عمل خواهند داشت.

پا به پای افزایش توانمندی دولت افغانستان، این کشور همکاریش را در مبارزه با تروریزم، تقویت امنیت منطقه یی و جلوگیری از مواد مخدر ادامه می دهد. دولت افغانستان در مرور زمان هزینه نیروهای امنیتی اش را خود به عهده خواهد گرفت. دولت افغانستان خواهان آن است تا نگهداری از زندانیان این کشور را که در جنگ ضد تروریزیم توقیف شده اند، برعهده بگیرد.

پا به پای رشد سیستم سیاسی افغانستان، ایالات متحده انتظار دارد که این کشور حقوق بشر را رعایت و جامعه عادلانه مبتنی بر اصل برابری را گسترش دهد. انتخابات منظم، آزاد، عادلانه و دموکراتیک، مطبوعات آزاد و رعایت فعالانه قانون

اساسی افغانستان میعار هایی اند از تعهد این کشور به الزامات ناشی از این اصول. ایالات متحده به دولت افغانستان در زمینه رعایت تعهدات پیشی اش مبنی بر مبارزه علیه تولید، پروسس و قاچاق مواد مخدر و برعهده گیری مسوولیت متناسب با رشد و افزایش ظرفیت های پولیس برای تعقیب و توقیف، تکیه می کند.

در پایان، ایالات متحده به تعهدات دولت افغانستان در برای ساختن چارچوب قانونی و محیط مساعد برای بخش خصوصی و سرمایه گذاری ملی و بین المللی که منتج به فراهم آوری فرصت های اقتصادی برای تمام مردم افغانستان شود، باور دارد.

مردم افغانستان برای تحقق آزادی قربانی های بیشمار و دلاوری بیمانندی از خود نشان داده اند. ایالات متحده امریکا با این باور افغان ها که میهن شان یک کشور دموکراتیک، صلح آمیز و فعال در برای بهتر ساختن زندگی تمام افغان ها و به عنوان کشوری که نقش مثبت و مهمی را در امور منطقه یی و جهانی بازی کند، هم نظر است. ما مطمئین هستیم که همکاری استراتیژیک ایالات متحده و افغانستان نقش محوری را در کمک به رسیدن افغانستان به این اهداف بازی خواهد کرد.

# کانادا (Canada)

- نفوس: ۳۲ میلیون(UN،۲۰۰۵)
- پایتخت: اوتاوا(Ottawa)
- مساحت: ۹,۹ میلیون کیلومترمربع
- زبان: انگلیسی و فرانسوی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۷سال مردان، ۸۲ سال زنان(UN)
- واحد پولی: ۱ دالرکانادایی= ۱۰۰ سنت
- صادرات: ماشین آلات و تجهیزات، وسایل نقلیه، فلز، پلاستیک، محصولات جنگلداری، فرآورده های و ماهیگیری
- درآمد سرانه: ۲۳،۹۳۰ $(بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: ca
- رمز تیلیفونی:۱+
- رییس دولت: ملکه الیزابت دوم (Queen Elizabeth II)

- صدراعظم: پاول مارتین(Paul Martin)
- نائب صدراعظم: انی مکک لیلان(Anne McLellan)

-وزیر خارجه: پییری پیتیگریو(Pierre Petigrw)

گروه های عمده تباری: ٪۴۰ انگلیسی تبار٪ ۲۷ فرانسوی تبار٪ ۲۰ سایر اقوام اروپایی ٪ ۱،۵ سرخ پوست های بومی و٪ ۱۱،۵ افراد آسیایی تبار

پیروان مذاهب عمده: ۴۵٪ رومن کاتولیک، ۱۲٪ کلیسای متحده، ۸٪ کلیسای انگلیکان

شهر های بزرگ: اوتاوا ( با ۴،۷ میلیون باشنده ) مونتریال ( با ۳،۴ میلیون باشنده ) وانکوار (با ۲،۰ میلیون نفوس ) ایدمنتون ( با ۹۰۸۰۰۰ باشنده)

نوع حکومت: شاهی مشروطه فدرال با دموکراسی نوع پارلمانی

تقسیمات ادارای: ده ایالت و سه واحد مستقل

بودجه دفاعی: ۷، ۶ میلیارد دالر امریکایی

نیروهای فعال نظامی: ۵۹۰۰

اقتصاد:صنایع : معادن، جنگلداری مواد غذایی، سامان آلات حمل و نقل ، تولیدات کمیایی، تیل، گاز وغیرهٔ

واردات: ( ۱۹۹۹) ۲۵۹،۳ میلیارد دالر امریکایی : ۷۷٪ از ایالات متحده امریکا

صادرات: ( ۱۹۹۹) ۲۷۷ میلیارد دالر امریکایی: ۸۴٪ به ایالات متحده امریکا

جهانگردی : ۱۰،۰۳ میلیارد دالر امریکایی

حمل و نقل: خطوط آهن: ۱۸۲،۴۴ میل ۲۶۹ فرودگاه

صحت: مرگ و میر کودکان : ۱،۰۰۰ در هزار تن

آموزش اولیه: اجباری ، ۹۷٪ باسواد ( ۱۹۹۴)

اشتراک در سازمان های بین المللی: سازمان ملل با تمامی موسسات تخصصی آن، APEC، سازمان کشورهای مشترک المنافع، ناتو، OAS، OECD، OSCE

**سیستم دولتی:**

دولت کانادا دارای طرز اداره فدرال بوده و تا سال ۱۹۸۲ سیستم های دولت فدرال و ایالات بر مبنای (اساسنامه امریکای شمالی انگلیس ۱۸۶۷ ) عمل می کردند. با آن که نمایندگان رسمی ملکه بریتانیا هنوز هم در دولت کانادا حضور دارند، اما بر طبق قانون اساسی سال ۱۹۸۲ آخرین جای پای تسلط انگلیسی ها از کانادا بر داشته شد. نماینده ملکه تازابت دوم در دولت فدرال گورنر جنرال است که به توصیه نخست وزیر انتصاب می گردد و در دولت ایالتی نماینده او معاون گورنر ایالت می باشد که توسط گورنر جنرال به توصیه کابینه فدرال انتخاب می شود. معاون گورنر ایالت رهبر حزب اکثریت را به عنوان نخست وزیر ایالت انتخاب می کند. نخست وزیر ایالت کابینه خود را از میان اعضأی منتخب مجلس قانون گذاری انتخاب کرده با آنان شورای اجرأی سیاست گذاری را تشکیل می دهد. شمار اعضأی کابینه که همه وزیر اند بین ۱۰ تا ۳۰ و باری هم بیشتر نفر می باشند.

نمایندگان مجلس قانون گذاری هر ایالت توسط مردم برای مدت ۵ سال انتخاب می شوند.

فدرالسیم نوع تعاونی کانادا که بنابر نیاز اقتصادی در جنگ اول جهانی به وجود آمد، انکشاف یافته در توسعه اقتصاد این کشور خیلی کمک نموده است.

قوه اجرایی:

## پادشاه:

کانادا از زمان تشکیل کنفدراسیون، شش پادشاه داشته است :

۱-ملکه ویکتوریا ۲- ادوارد هفتم ۳- جورج پنجم ۴- ادوارد هشتم ۵- جورج ششم ۶- الیزابت دوم.

ملکه کنونی کانادا الیزابت دوم، نه تنها ملکه کانادا بلکه رییس سمبولیک کشورهای دیگر عضو کامنولت ( مشترک المنافع ) نیز می باشد. عنوان ملکه برای کشور کانادا که یک سمت شکلی و نمادین است، در سال ۱۹۵۳ از سوی پارلمان تصویب گردید که حالا عملاً این مقام را در کانادا دارا است و از این رو انتصاب گورنرجنرال به توصیه نخست وزیر توسط ملکه صورت می گیرد. وی در مراسمی چون بازگشایی پارلمان که توسط گورنر جنرال به نام او برگزارمی گردد، شرکت می کند.

## گورنر جنرال:

گورنرجنرال نماینده پادشاه می باشد و برمبنای قانون اساسی آن کشور نقش ملکه را به عنوان وی از سوی او بازی می نماید. گورنر جنرال می تواند قوانین جدیدالتصویب را ویتو و قوانین دیگر را ارائه نماید. همچنان اختیار برکناری نخست وزیر را نیز دارد. با آن که تصمیمگیری در امور نظامی از سوی نخست وزیر گرفته می شود، اما گورنرجنرال سرفرمانده اعلی نیرو های مسلح است. گورنرجنرال مسؤولیت دارد تا در هنگامی که پست نخست وزیری بنابر دلایلی چون کناره گیری، درگذشت و مانند آن خالی شود، جای وی را پر نموده حکومت جدید را تشکیل دهد. همچنان بنابر توصیه نخست وزیر صلاحیت تشکیل و یا منحل نمودن پارلمان را دارد.

دوره گورنرجنرال پنج سال بوده و در پست گورنرجنرال هرشخص به جز نخست وزیر در صورتی که رای اعتماد پارلمان را به دست آرد، می تواند انتخاب شود.

## شورای همایونی:

عضویت در شورای همایونی که متشکل از کابینه پیشین، وزیر عدلیه، -وزیران عدلیه پیشین، رییسان مجلس عوام و سنأ و سرشناسان کشور چون اعضای خانواده سلطنتی، نخست وزیران بازنشسته و کنونی کامنولت و نخست وزیران ایالات می باشد، مادام العمر است. تمام -وزیران در شورای سلطنت مراسم تحلیف را به جا آورده و لقب اعزازی Honorable را اختیار می کنند. اعضای شورای سلطنت تنها در بعضی مراسم تشریفاتی با همدیگر دیدار می کنند و بر طبق قانون اساسی ۱۸۶۷ شورای سلطنت می تواند با دولت کانادا به شمول گورنرجنرال همکاری نموده مشوره و پیشنهاد دهند. ریاست شورای سلطنت را در گذشته نخست وزیر به عهده داشت. ولی در سال های اخیر از سوی رییس مجلس عوام اداره می شود.

## صدراعظم:

صدراعظم- رییس حزب سیاسی یی است که در اثر انتخابات و درخواست گورنرجنرال درآن پست برای تشکیل حکومت انتخاب می گزدد. صدراعظم کابینه خود را تشکیل می دهد و در صورت کناره گیری وی کابینه اش نیز منحل می گردد. بخشی از اختیارات وی در توصیه برای تشکیل و یا منحل ساختن پارلمان نهفته است. صدراعظم مسؤولیت سازماندهی کابینه وکمیته های آن، دفتر خویش، دفتر شورای سلطنتی، دفتر روابط فدرال ایالاتی وتقسیم مسؤولیت میان -وزیران را به عهده دارد.

صدراعظم می تواند انتصاب افرادی چون مشاوران سلطنتی، -وزیران کابینه، معاونان گورنر ایالتی، رییسان سنأ، قاضی القضات، ستاتورها و دیگر اشخاص

بلندپایه دولتی را به گورنرجنرال پیشنهاد نماید. همچنان در انتصاب گورنرجنرال به پادشاه توصیه می نماید.

**کابینه:**

در سیستم نوع فدرال حکومت کانادا قوه اجرایی به طور سنتی بخشی از پارلمان است. -وزیران کابینه بیشتر از اعضای پارلمان (مجلس عوام و سنأ) انتخاب می شوند. هر وزیر کابینه بیشتر مسؤولیت یک اداره دولتی را داراست، اما گاهی امکان دارد مسؤولیت بیشتر از یک اداره را نیز داشته باشد. -وزیران سلطنتی با پنج دسته تقسیم بندی می شوند:

۱. -وزیران اداری، -وزیرانی که دارای مسؤولیت های خاص پارلمانی اند.

۲. -وزیران مشاور.

۳. -وزیران دولت که بنابر برخی اهداف خاص سمت ریاست یک وزارت خانه را اشغال می نمایند و مسؤول توسعه سیاست های جدید و جامع در رابطه به مسایل مهم و خاص اند. این وزیران دارای قدرت، وظیفه وعمل بوده وکنترول عوامل خدماتی را نیز به عهده دارند.

۴. -وزیران دولتی دسته دوم ممکن است به منظور کمک به وزیران اداری در اجرای مسؤولیت های شان منصوب شوند. این وزیران توسط وزیر اداری که مسؤولیت قانونی نهایی را عهده داراست، نامزد گردیده و بدین گونه وظایف شان را به پیش می برند.

نامزدی وزیران دولتی دسته سوم توسط قانون بدون آن که برای از آن کمک به یک وزیر باشد، به دلیلی به کار گماشته می شوند، تا عضو وزارتخانه گردد.

## تاریخچه :

نخستین بار یک نفر دریانورد انگلیسی به نام جان کابوت John Cabot در سال (۱۴۹۷) از کرانه های خاوری کانادا New Found Land بازدید کرد. درسال(۱۵۳۴) جاک کارتر Jacques Cartier فرانسوی به سرزمین کانادا گام نهاد که به عنوان کشاف کانادا شناخته می شود.

سرزمین هایی که اکنون کشور کانادا را تشکیل می دهند، در مقاطع مختلف از طریق مهاجرت، فتوحات و یا واگذاری زمین، زیرسلطه بُریتانیا بودند. ناحیه نواسکاتیا که در سال ۱۶۲۸، از طریق مهاجرت در بندر رویال به اشغال در آمد، در سال ۱۶۳۲ به فرانسه باز گردانیده شد. در سال (۱۶۶۳) فرانسوی ها ایالت کیوبک را به نام فرانسه جدید مستعمره خود ساختند. این مستعمرات در سال (۱۷۶۳)در زیر اداره انگلیس ها قرار گرفتند و سرانجام در سال ۱۷۱۳ ، این ایالت از سوی فرانسه به بریتانیا واگذار گردید. در سال ۱۶۷۰ منشور کمپنی خلیج هودسون، حقوق مشترکی برای تمامی سرزمین هایی که در پیرامون خلیج هودسون قرار داشتند، قائل شدند.

کانادا با همه متعلقات خود شامل نیو برونزویک و جزیره پرنس ادوارد به طور رسمی توسط فرانسه در سال ۱۷۶۳ به بریتانیا واگذار گردید . جزیره ونکوور بر اساس پیمان مرزی اورگون مورخ ۱۸۴۶ از آن بریتانیا گردید و بریتش کلمبیا به عنوان یک مستعمره جدا در سال ۱۸۵۸ تاسیس گردید. کانادا از زمان تاسیس اولیه خود از کانادای علیا و کانادای سفلی که هم اکنون انتاریو و کبک نام دارند و نوااسکاتیا و نیو برونزویک تشکیل شده بود. آن ایالات براساس قانون پارلمان پادشاهی یعنی آیین نامه امریکای شمالی بریتانیا مورخ ۱۸۶۷ که در جنوری ۱۸۶۷ با فرمان همایونی به مورد اجرا در آمد، متحد گردیدند. طبق این قانون اساسی کانادا باید در اصول مانند قانون اساسی بریتانیا باشد اختیار قوه اجرایی به پادشاه

محول گردد و به نام او توسط گورنرجنرال و شورای سلطنتی اجراگردد. کانادا پس از مبارزات زیاد در سال (۱۹۳۱) به حیث کشور مستقلی عرض اندام نمود.

قوه مقننه توسط پارلمان دو مجلس سنا و مجلس عوام اداره شد و در جون سال ۱۹۳۱، مجلس عوام بریتانیا اساسنامه وست منستر را تصویب کرد و اختیار عمل ایالات و قلمرو ها را از قانون اعتبار قوانین مستعمراتی لغو کردو این گونه، محدودیت هایی قانونی که در قانون خودمختاری کانادا وجود داشت، لغو گردید.

در ۱۰ جولای ۱۹۳۱، اعلامیه مشترک مجلس سنا و عوام به گورنر جنرال به لندن فرستاده شد. اساسنامه در ۱۲ دسامبر ۱۹۳۱ به توشیح همایونی رسید.

در آیین نامه امریکای شمالی بریتانیا موادی برای بریتش کلمبیا، جزیره پرنس ادوارد، نیوفاندلند، سرزمین روپرت و سرزمین شمال غربی به اتحادیه گنجانیده شد. در سال ۱۸۶۹ ، سرزمین روپرت یا سرزمین های شمال غربی از کمپنی خلیج هودسون خریداری گردید و در ۱۵ جولای ۱۸۷۰ سرزمین روپرت و سرزین شمال غربی به کانادا ضمیمه شد و سرزمین هایی شمال غربی نام گرفت. کانادا موافقت کرد تا کمپنی خلیج هودسون به منظور چشمپوشی از ادعایش نسبت به این سرزمین پول پرداخت نموده و زمین در اختیارش قرارد هد. به همین ترتیب ایالت مانیتوبا از یک بخش کوچک از این سرزمین به وجود آمد و در ۱۵ جولای سال ۱۸۷۰ به کنفدراسیون راه یافت. در ۳۰ جولای ۱۸۷۱ ایالت بریتش کلمبیا و در اول جولای ۱۸۷۳ جزیره پرنس ادوارد به کنفدراسیون ملحق گردیدند.

ایالت آلبرتا و ساسکاچوان از نواحی موقتی آلبرتا، آتاباسکا، و اسینی بایا و ساسکاچوان از بخش های از سرزمین هایی شمال غربی تشکیل شدند و در اول سپتامبر ۱۹۰۵ به کنفدراسیون راه یافتند. در ۳۱ مارچ ۱۹۴۹ ، نیو فاوندلند به گونه رسمی به عنوان دهمین ایالت به کانادا پیوست. این گونه، کانادا برسراسر بخش شمالی قاره امریکای شمالی قدرت و مالکیت یافت. در نوامبر ۱۹۸۱ دولت کانادا،

با شرایط قانون اساسی اصلاح شده موافقت کرد تا سرانجام جایگرین اساسنامه امریکای شمالی بریتانیا گردد و اصلاح آن در آینده حق ویژه کانادا باشد. این پیشنهاد ها توسط پارلمان کانادا ارایه گردید و از سوی پارلمان بریتانیا به عنوان قانون اساسی کانادا مورخ ۱۹۸۲ مورد تصویب قرار گرفت و تصویب قانون اساسی کانادا آخرین اقدام پارلمان بریتانیا در تحول قانون اساسی کانادا به شمار می رفت. قانون اساسی کانادا حق اصلاح قانون اساسی را طبق روندی که در قانون اساسی مورخ ۱۹۸۲ منشور حقوق و آزادی ها و موادی که میراث چند فرهنگی کانادا را به رسمیت می شناسد، را افزود.

حقوق کنونی مردم بومی را مورد تاکید قرار داد. اصل برابری امتیازات در میان ایالات را تایید کرده و حاکمیت ایالتی منابع طبیعی را تقویت و استحکام می بخشد. کانادا یک کشور غنی و مانند آسترالیا کم نفوس است. اختلاف زبان و تعداد ملیت ها دشواری هایی را درکانادا بار آورده است. بیشتر باشندگان کانادا در طول مرز جنوبی و در منطقه ساحلی به عرض (۱۶۰) کیلو متر زندگی دارند، زیرا در مناطق شمالی هوا بسیار سرد است.

**احزاب سیاسی:**

احزاب در کانادا با گذشت زمان و با افزایش قدرت سیاسی قوه مقننه و نیاز به ایجاد ثبات در دولت، به وجود آمدند. امروزه کانادا دارای یک سیستم چند حزبی است و محدودیتی در مورد احزاب سیاسی و امکان رقابت در انتخابات فدرال برای آنان وجود ندارد. آن دسته از احزاب سیاسی که مایلند در انتخابات شرکت نمایند، باید نامزدی خود را به طور رسمي و به حد اقل ۵ ناحیه انتخاباتی تا ۳۰ روز پیش از روز رایگیری معرفی نمایند. در مقاطع مختلف شماری از احزاب که ارائه دهنده طیف وسیعی از دیدگاه ها می باشند، نامزدی خود و اعضای انتخاباتی را به مجلس معرفی می نمایند.

در پی انتخابات عمومی ۲۱ نوامبر ۱۹۸۸، سه حزب به مجلس عوام معرفی شدند: حزب محافظه کار پیشرو با رهبری- جو کلارک که دولت را تشکیل می داد و حزب مخالف لیبرال به رهبری ژان کرتین در سال ۱۹۹۰ در انتخابات محلی واقع در نیوبرونزویک با به دست آوردن آراء به عنوان نماینده آن شهر در مجلس عوام انتخاب گردید. حزب نیو دموکرات به- رهبری الکس مک دوناگ، حزب بلک کبکس- به رهبری آن گیل دوسپ و حزب اصلاحات که رهبری آن به عهده پرستون مانینگ می باشد، در عرصه رقابت های حزبی تبارز نموده اند.

احزاب سیاسی همه به یک سبک سازماندهی نشده اند و شیوه عملکرد آنان به مرور زمان مطابق به خواسته های اعضا تغییر یافته است. هر حزب سیاسی دارای یک رهبر است که سخنگوی همان حزب در داخل و خارج مجلس عوام می باشد.

هر حزبی که بیشترین تعداد کرسی ها را در انتخابات عمومی به خود اختصاص دهد، طور معمول دولت را تشکیل می دهد و رهبر آن حزب توسط گورنر جنرال به سمت صدارت منصوب می شود و دومین حزب، حزب مخالف رسمی کشور خواهد شد . در کانادا به رهبر حزب مخالف حقوق مساوی با یک صدراعظم پرداخته می شود. رهبر هر حزب که حداقل ۱۲ کرسی را داراست از یک عضو معمولی پارلمان، حقوق بیشتر را دریافت می کند. این احزاب همچنین حقوق دولتی به منظور تحقیق دریافت می دارند. امروزه پنج حزب سیاسی در مجلس عوام حضور دارند.

شمار کرسی هایی که احزاب مختلف به خود اختصاص دادند ( دسامبر ۱۹۹۹ ) بدین شرح است: حزب لیبرال ۱۵۷ کرسی، حزب اصلاحات ۵۷ کرسی حزب بلک کبکس ۴۴ کرسی، حزب نیو دموکرات ۲۰ کرسی ، حزب محافظه کار مترقی ۱۹ کرسی و کاندیدای مستقل ۴ کرسی را از آن خود ساختند.

گردیده بود، ادا نموده است. هرچندکانادا سعی نورزید تا به یک قدرت عمده نظامی مبدل گردد، مگر به حیث حامی توانمند سازمان ملل، نیروی نظامی خویش را بیشتر از همه وقف ماموریت های حفظ صلح بر ای این نهاد در نقاط داغ در سراسر جهان ساخته است.

وزارت امور خارجه و تجارت بین المللی کانادا مسؤول رسیدگی به روابط بین المللی کانادا است و در طی سال های متمادی نقش آن نیز دگرگون گردیده است. کنون این وزارت سیاست خارجی، سیاست تروان، خدمات و کمک های قونسلی را به پیش می برد. وزارت امور خارجه که در ۱۹۰۹ تأسیس شد، از اواخر دهه ۲۰ به این سو روابط مستقل دیپلماتیک این کشور را با دیگر دولت ها برقرار می نماید. نخستین سفارت خانه کانادا در ۱۹۲۷ در واشنگتن تأسیس شد و در ۱۹۹۳ کانادا دارای بیش از ۱۰۰ نمایندگی دیپلماتیک و قونسلی در سراسر جهان بود.

وزارت امور خارجه و تجارت بین المللی کانادا مسؤول و هماهنگ کننده سیاست خارجی کانادا می باشد.کانادا بیشتر تلاش و کوشش خویش را در تشویق و تعمیل دموکراسی، حمایت از حقوق بشر، تجارت آزاد و حل مسالمت آمیز اختلافات به خرج داده و این اهداف به صورت عام با هم توافق دارند، اما گاهی بایست در بین آن ها انتخاب صورت گیرد، چنانچه شرکت کانادا در تعزیرات اقتصادی علیه افریقای جنوبی در عصر اپارتاید دموکراسی برآزادی در تجارت رجحان داده شد. مگر Jean Chrétien در سال های ۱۹۹۰ دیدگاه حکومت خود را چنین بیان کردکه مؤثرترین راه برای پیشبرد و ارتقأ دموکراسی و حقوق بشر، بلندبردن تراز تجارت است. این سیاست مورد نکوهش جناح های مخالف قرار گرفت ولی در اجلاس بزرگ تجارت جهانی از آن استقبال به عمل آمد.

سیاست جدید کانادا شماری از متحدان کانادا را برآشفته ساخت. ایالات متحده امریکا بنابر تعزیراتی که در برابر کوبا وضع نموده است، رفتار کنونی کانادا را با کوبا رد و نکوهش نمود. تنش میان دوکشور در ۱۹۹۶ هنگامی اوج گرفت که ایالات متحده کوشش نمود تا قوانین موسوم به Helms- Burton Act را در مورد تجار کانادایی تطبیق نماید که با کوبا داد و ستد داشتند.

کمک های خارجی کانادا به شمول کمک مالی، کالا، متخصصان و کمک های خیریه عاجل هم یکی از اجزای مهم پالیسی خارجی آن کشور به شمار می رود. کانادا نهادی را زیر نام آژانس توسعه بین المللی کانادا (CIDA) برای اداره برنامه کمک های خارجی کانادا در ۱۹۶۸ تأسیس نمود. در ۱۹۹۴و ۱۹۹۵ کانادا ۲,۵ میلیارد دالر کانادایی را در چارچوب کمک های بلاعوض به بیش از ۱۰۰ کشور رو به رشد به گونه مستقیم و یا از طریق موسسات ملل و سازمان های غیر حکومتی کمک نمود.

کانادا پیوسته نقش عمده را در سازمان ملل یا سازمان چتری برای همکاری های بین المللی و حل مسالمت آمیز اختلافات، بازی می نماید. رهبران کانادا همواره اظهار نموده اند که همکاری و اجماع میان ملت ها بهترین امیدواری برای آینده است. میانجیگری آقای لیستر پرسن Lester Pearson –صدراعظم پیشین کانادا در واقعه کانال سویس در ۱۹۵۶ و پیشنهاد وی برای ایجاد نیروهای حفظ صلح بین المللی باعث شد تا از یک سوی برنده جایزه نوبل گردد و از سوی دیگر نقش قوت های حفظ صلح بین المللی را در جهان تقویه نماید.

کانادا سازمان ملل را در عرصه های گوناگون تقویت و کمک می نماید که از آن جمله می توان این کشور را به عنوان چهارمین کشور تمویل کننده مصارف این سازمان، شرکت کننده عمده در ارگان های کمکی آن و چونان کشوری که ٪۱۰ همه سپاهیان حافظ صلح ملل متحد را تشکیل می دهد، نامبرد. چنانچه کانادا در

عملیات بین المللی حفظ صلح در ۱۹۴۸ در کشمیر، در ۱۹۵۳ در فلسطین، در ۱۹۶۰ در کانگو و در ۱۹۶۴ در قبرس دخیل بوده و به این عملیات ها همواره اولویت خاص قایل است. از این رو، در ۱۹۹۴ سپاهیان آن در عملیات های حفظ صلح منحیث ناظر در ۲۱ کشور مختلف به شمول جمهوریت های به استقلال رسیده یوگوسلاویای پیشین اشتراک نمودند. همچنان در حالی که کانادا رهبری مداخلات نظامی سازمان ملل چون جنگ درکوریا (۱۹۵۳-۱۹۵۰) و یا جنگ خلیج فارس در کویت در ۱۹۹۱ را تقویه و کمک نموده است، با این هم، پیوسته روی بهره گیری از ابزار صلح آمیز برای حل معظلات و تحکیم صلح تاکید می نماید. موضعگیری کانادا در قبال بحران عراق وگسیل بیش نزدیک به ۲۰۰۰ تن از سپاهیان کانادا در نوامبر سال سال گذشته در چارچوب نیروی بین المللی امنیت و همکاری ISAF در کابل و نقش کلیدی آن کشور در آن ، نشانه روشن دال بر درستی ادعای فوق می باشد.

در این میان، وزیر دفاع آن کشور- آقای(David Pratt) پس از روی کار آمدن آقای پاول مارتین در انتخابات عمومی در یک مصاحبه با رادیوی بی بی سی اظهار داشته است که کشور وی در نظر دارد، حضور نظامیان خویش را در خارج از آن کشور به نسبت گسترش آنان در اقصی نقاط جهان، و نبود امکانات مالی، کاهش داده و به قول وی پس از ده سال گذشته برای بازآرایی ساختارهای آن برای مدتی به استراحت بپردازند. هرچند، به نظر نمی رسد، که این روش اداره آقای پاول مارتین صدراعظم جدید کانادا در سیاست خارجی آن کشور روی التزام آن در مورد کمک به افغانستان اثر بگذارد.

کانادا در سازمان های گوناگون بین المللی چون اتحادیه کشورهای مشترک المنافع کامنولت، ناتو وNORAD که تدریجاً پس از جنگ جهانی اول و دوم توسعه یافت، عضویت دارد. همچنان کانادا از سازمان های بین المللی برای همکاری و صلح جهانی چون جامعه ملل (۱۹۲۰ – ۱۹۴۵) و سپس سازمان ملل و

دیگر سازمان های بین المللی که کانادا عضویت آن را داشت، با دلگرمی زیاد پشتیبانی نموده است.

## روابط سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک کانادا با افغانستان

در آغاز، دو کشور روابط غیرمستقیم داشتند. آقای عبدالله ملکیار- سفیر افغانستان در واشنگتن و آقای ماک گوگی- سفیرکانادا در اسلام آباد عهده دار تمثیل کشورهای خویش گردیدند. پس از آن، هر دو سوی تلاش های روزافزونی را برای تحکیم پیوند های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان دو کشور به راه انداختند. کشور کانادا مساعدت هایی در عرصه های گوناگون طی سال های گذشته به افغانستان نموده است. به گونه مثال، در سال ۱۹۷۷ قرضه یک میلیون دوصد هشتاد وهزار دالری خویش را به کمک بلاعوض تبدیل نمود. با این هم، به ادامه کمک های آن کشور در فبروری ۱۹۷۸ ضمن مسافرت یک هیأت آژانس توسعه بین المللی کانادا، CIDA به کابل، اعطای کمک هایی را در پروژه های آب و برق، زراعت، معارف، صحت عامه، معادن و صنایع به افغانستان تعهد نمود.

با روی کار آمدن دولت متمایل به شوروی در افغانستان، روابط دیپلماتیک کانادا تا مدتی به شکل عادی ادامه یافت و حتا چند هیأت اقتصادی به افغانستان مسافرت نموده از لحاظ اقتصادی کمک هایی را در ساحات توسعه توریزم یا جهانگردی، فرستادن متخصصان برای ساختمان میدان های طیاره ( باند فرودگاه ها)، کانالیزاسیون پروژه آب آشامیدنی، مساعدت به وزارت معارف، کمک های فنی در تنظیم امور برق روی دست گرفتند.

ولی با رویکار آمدن رژیم ببرک کارمل در پی تجاوز مستقیم نظامی شوروی پیشین به افغانستان، همه پروژه هایی که زیر کار بود، ناتمام مانده، متخصصان کانادایی دوباره به کشور شان فراخوانده شدند. مناسبات سیاسی با رژیم تحت الحمایه شوروی برهم خورد. با این هم، پس از آن روابط دوسویه تنها در چارچوب

همکاری های بشری و عمرانی محدود ماند. در این مدت مساعدت های بشری کانادا از طریق ادارات تخصصی سازمان ملل، بانک جهانی و دیگر موسسات غیرحکومتی به مردم افغانستان که با مصایب جدی ناشی از جنگ های طولانی و آفات طبیعی روبرو بودند، پیوسته ادامه یافته است. این وضع تا ۱۱سپتامبر سال ۲۰۰۱ ادامه یافت.

پس از حملات دهشت افگنی۱۱ سپتامبر، در حالیکه جهان دستخوش تحولات ژرف در عرصه های گوناگون گردید، افغانستان بار دیگر در محراق توجه جامعه جهانی و محافل سیاسی و دیپلماتیک بین المللی قرار گرفت.

از این رو، حکومت ژان جوزف کرتین Jean Joseph Jacques Chrétien - صدراعظم پیشین کشور کانادا در همین راستا در پی توافقات تاریخی بن و سرنگونی رژیم طالبان به واسطه نیروهای ائتلاف بین المللی و استقرار اداره موقت به ریاست آقای حامد کرزی در افغانستان، رسمأ تقاضای از سرگیری روابط سیاسی و دیپلوماتیک را با افغانستان نمودند. این تقاضا توسط سفارت آن کشور در اسلام آباد به تاریخ ۲۲ دسامبر سال ۲۰۰۱ به عمل آمد. وزارت امور خارجه دولت نوبنیاد افغانستان این اقدام نیک و به موقع دولت کانادا را طی یادداشتی به تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۲ بالافاصله پاسخ مثبت دادند.

این بار در نتیجه توافقی که به دست آمد، آقای کنراد سگاردسن Konrad Sigurdson -کمیشنر عالی کانادا در اسلام آباد سفیر غیر مقیم آن کشور برای افغانستان معرفی گردید و از سوی افغانستان نیز آقای عبدالجلیل جمیلی- بحیث نخستین سفیر مقیم افغانستان در اوتاوا به سوی کانادا معرفی شد. پیش از آن، به تاریخ ۲۱ جون ۲۰۰۲ در نتیجه تماس آقای شریف غالب - مستشار وزیر مختار سفارت افغانستان در اوتاوا با وزارت امورخارجه کانادا روابط دیپلماتیک افغانستان با کانادا به سطح شارژدافیر برقرار گردید. در پی آن، با تقدیم اعتماد نامه آقای

عبدالجلیل جمیلی به تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۰۲ این روابط میان دوکشور به سطح سفیر ارتقأ نمود.

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، عمر صمد- سخنگوی پیشین وزارت امور خارجه به عنوان سفیر کبیر افغانستان در کانادا تعیین گردید. عمر صمد به عنوان دومین سفیر کبیر افغانی در کاناد ا از بدو ایجاد روابط مقیم میان دوکشور به شمار می رود.

با سعی و تلاش های سفارت افغانی در اوتاوا در زمینه بسط و توسعه بیشتر روابط دیپلماتیک و قونسلی میان دو کشور و با توجه به اسکان شمار بسیاری از افغان ها در سال های اخیر در ایالات کیوبک کانادا، دفتر جنرال قونسلگری افغانستان در تورنتو به تاریخ ۲۲حمل۱۳۸۲ برابر با ۱۱ اپریل۲۰۰۳ رسمأ با برافراشتن پرچم افغانستان گشایش یافت. آقای جاهد همراه به حیث نخستین جنرال قونسل افغانی در این شهر تعیین گردید. و اکنون وحید منور به حیث جنرال قونسل جدید افغانی درشهر تورانتو – جایی که بیش از ۵۰هزار افغان در آن بود و باش دارند، اجرای وظیفه می نماید.

وزارت خارجه کانادا تصمیم آن کشور را مبنی برگشایش سفارت کانادا در کابل برای نخستین بار به تاریخ ۶جون ۲۰۰۳ ابراز داشته، تقاضای موافقت دولت افغانستان را در زمینه مطالبه نمودند. در مقابل وزارت امور خارجه دولت انتقالی افغانستان با توجه به نقش شایسته کانادا در عرصه روابط بین المللی به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲۱ تصمیم کانادا را در برای ارتقای روابط دیپلماتیک ارزنده خوانده به آن پاسخ مثبت دادند.

آقای کرستوفر الکساندر- به حیث نخستین سفیر مقیم آن کشور در کابل به تاریخ۱۰ جون ۲۰۰۳ به سوی افغانستان معرفی و تقاضای صدور اگریمان وی به عمل آمدکه سرانجام به دنبال صدور اگریمان ایشان به تاریخ ۳ماه سپتامبر سال

۲۰۰۳ اعتماد نامه شان را به حضور حامد کرزی- رییس د.ا.ا.ا طی مراسم رسمی تقدیم نمود.

این گونه، با افتتاح سفارت کانادا در کابل، روابط تمام عیار دیپلماتیک پس از سال ها تلاش، میان دوکشور برقرار گردید که به زودی بازدیدهای رجال مهم سیاسی و دیپلماتیک دو کشور را به دنبال داشت. این بازدیدهای برای افغانستان دارای اهمیت به سزایی سیاسی و اقتصادی بود.

بازدید ژان جوزف کرتین- صدراعظم کانادا به تاریخ ۲۱ میزان سال روان به افغانستان، که بنا به دعوت حامد کرزی - رییس دولت طی دیدار شان به تاریخ اول ماه میزان از کانادا به عمل آمده بود، یک گام بزرگ و رویداد عطف در توسعه روابط دو سویه سیاسی و دیپلماتیک میان دو کشور ارزیابی گردید. تعهد کمک در امر بازسازی و ثبات اوضاع درافغانستان یک از اولویت های خاص سیاست خارجی کشور کانادا به شمار می آید. کانادا یکی از حامیان بزرگ افغانستان در سازمان ملل، سازمان پیمان اتلانتیک شمالی و دیگر سازمان های بین المللی بوده و همواره با بهره گیری از امکانات و ظرفیت های خویش در برای کمک به بازسازی زیرساخت های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و عدلی افغانستان و بهبودی وضع زندگی مردم آن سعی جدی به خرچ داده است.

امروزه به تعداد ۱۹۵۵ تن از سربازان کانادایی در چارچوب نیروهای امنیت و همکاری بین المللی عملاً در کابل حضور دارند. همین گونه، برای برنامه های بازسازی افغانستان افزون بر تعهد صد میلیون دالر در کنفرانس کشورهای کمک کننده در توکیو به ارزش ۲۵۰ میلیون دالر دیگر را نیز اعلام نمودند.

**در زمینه تامین امنیت:**

به گونه یی که که یادآوری گردید، کانادا در زمینه تامین امنیت و ثبات سیاسی در افغانستان با گسیل ۱۹۵۵ تن از سپاهیان خویش به فرماندهی جنرال اندرو لیزلی- معاون فرماندهی عمومی ایساف عملاً سهم چشمگیری را در تامین امنیت در

افغانستان به عهده دارد. سربازان کانادایی در غرب کابل به گونه منظم به گشت و گزمه های امنیتی مشغول اند. همچنان از سوی فرماندهی سپاهیان کانادایی حفظ تماس با متنفذان آیینی، اجتماعی و سیاسی به ایساف در شناخت و رعایت ارزش های دینی، فرهنگی و قومی مردم مساعدت می نماید. وظایف نیروهای کانادایی برپایه تعهد پیشین آن کشور تا ماه اگوست سال ۲۰۰۴ ادامه یافت. با توجه به این که حکومت پیشین کانادا در قبال حفظ و گسیل مجدد واحد های نظامی تعهد خاص نسپرده بود، در این تازگی، اداره جدید نخست وزیر پاول مارتین پالیسی جدید کشورش را در قبال افغانستان به طور جسته و گریخته توسط شخص خود صدراعظم و -وزیران دفاع و خارجه به خورد مردم کانادا دادند.

نخست وزیر- پاول مارتین به تاریخ ۱۶ فبروری اعلام کرد که پس از انتقال فرماندهی، از مجموع ۱۹۹۵ سپاهیان کانادای تنهاپنجصد تن آنان همچنان درکابل خواهند ماند. وی همچنان خاطرنشان ساخته است که کانادا استراتیژی گسیل سپاهیان خود را برای اجرای وظایف به خارج از آن کشور مورد بازنگری قرار می دهد. به گونه یی، ماموریت نیروهای کانادایی در افغانستان در ماه اگوست سال روان پایان یافت، فرماندهی نیروهای بین المللی امنیت و همکاری ( آیساف ) به رهبری ناتو به ۲۱ دلو سال روان طی مراسم خاص در تالار لیسه امانی رسماً از جنرال گلیمورت آلمانی به روز سه شنبه به جنرال هیلر کانادایی انتقال یافت. ناتو تلاش دارد تا نیروهایی که جایگزین نیروهای کانادایی و آلمانی موجود در افغانستان شود، از میان دیگرکشورهای عضو ناتو تدارک ببیند. شایان یادآوری است که وزیر امور خارجه کانادا- آقای بل گرا هام نیز در دیداری با دبیرکل ناتو گفته بود که کشورش در پی بازی نمودن نقش جدیدی برای سپاهیان کانادایی مبنی بر سهمگیری در چارچوب گروه های خاص بازسازی ولایتی در پروژه های مختلف بازسازی در سرتاسر افغانستان است. شایان یادآوری است هم اکنون بخش عمده نیروهای آیساف را نظامیان آلمانی و کانادایی تشکیل می دهد.

## چشم انداز همکاری های افغانستان - کانادا

افغانستان همراه با دوستان بین المللی خویش سعی به خرچ می دهد تا از اثرات ناگوار سال ها جنگ و خشکسالی بهبودی یابد. کشور ما گام های چشمگیری از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به این سو برداشته است: سرنگونی طالبان، تصویب قانون اساسی جدید،انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی،آموزش بیش از یک میلیون از دختران و پسران در مکاتب: آغاز اصلاحات در بخش های دفاعی، مالی و عدلی، پیشرفت چشمگیر و مهم در زمینه مین زدایی، استقرار دوباره نزدیک به سه میلیون پناهگزین افغانی.

با این هم، افغانستان با درآمد سرانه ۱۴۸ دالر در سال کماکان یکی از نادار ترین کشور ها در جهان است. حد اکثر عمر در کشور پنجاه سال می باشد. بیش از نیمی از کودکان زیر سن پنجسال به گونه نسبی و یا شدید با کسر وزن روبرو اند و یک چهارم همه کودکان پیش از رسیدن به سن پنج سالگی زندگی شان را از دست می دهند.

کانادا در افغانستان حضور طولانی داشته است. هدف کانادا از کمک کردن به افغانستان به خاطر آن است تا به عنوان یک ملت مستقل، باثبات و مرفه تبارز نموده و بار دگر به پناهگاه امنی برای دهشت آفگنی مبدل نگردد. آژانس توسعه بین المللی کانادا برای رسیدن به این مأمول با پشتیبانی از برنامه های ملی یی که به حکومت افغانستان در رسیدن به تمامی مردم و جوامع شان در سرتاسر کشور یاری می رساند، مشغول کار می باشد.

### تعهد کانادا

پشتیبانی از افغانستان یک اولویت با اهمیت نزد کانادا است. مساعدت برای توسعه و ثپیشرفت این کشور بخشی از برنامه هماهنگ درازمدت است که سه شاخه سیاست خارجی کانادا را در زمینه های، دیپلماسی، دفاع، توسعه و انکشاف را با هم پیوند می دهد.

بازسازی در افغانستان برای ایجاد امنیت دوامدار در کشور، منطقه و جهان دارای اهمیت کلیدی است. حمایت کانادا با سرمایه گذاری های درازمدت از مساعی افغان ها و جامعه بین المللی برای بازسازی اهمیت اساسی دارد.

## نقش کانادا در کنفرانس برلین

کانادا در کنفرانس برلین متعهد گردید تا مبلغ ۲۵۰میلیون دالر را در طی سه سال آینده و مبلغ ۵ میلیون دیگر را برای تطبیق روند انتخابات کمک نماید.

همچنان تذکر رفته است که دولت کانادا مبلغ ۱۰میلیون دالر را برای برپایی لوی جرگه به مصرف رسانیده است.

## در رابطه به همکاری کانادا با وزارت دفاع

بر اساس پروتکل همکاری میان وزارت های دفاع ملی دوکشور افغانستان وکانادا، جانب کانادا متعهدگردیده است تا در چارچوب یک برنامه سه ساله، ۷۵ تن از افسران اردوی ملی افغانستان را طی دوره های جداگانه در بخش های مختلف پیداگوژی، آموزش زبان انگلیسی، ماین زدایی درکانادا زیر آموزش قرار دهد.

صدراعظم جدید کانادا- آقای پاول مارتین پیش از انتخابش به عنوان رهبرحزب لیبرال در دسامبر ۲۰۰۳ سمت وزیر مالیه کانادا را بین سال های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ عهده دار بود. پس از سال ۲۰۰۲ از عضویت در حکومت کناره گیری کرده و برای انتخابات رهبری حزب لیبرال فعالیت خود را آغاز نمود.

در برنامه جدید حکومت ایجاد روابط بهتر با همسایه جنوبی یعنی ایالات متحده و شریک تجارتی کانادا در عرصه های مختلف مخصوصاً تماس بیشتر کنگرس امریکا با پارلمان کانادا و تماس بیشتر افسران نظامی کانادا با همتایان امریکایی شان یادآوری شده است. انجام اصلاحات دموکراتیک در سطح دولت پاول مارتین که

هدف آن ایجاد حکومت مؤثر و یک پارلمان نیرومند که منحیث یک تریبون آزاد در سطح ملی عمل نماید و از طریق آن هر تبعه این کشور بتواند آرام و دیدگاه های خود را ابراز نماید، یادآوی گردیده است.

کمک کانادا با ۱۰میلیون دالر سالانه برای نیازمندی های اساسی و اولیه پیش از ۲۰۰۱ ، بیشتر بشردوستانه بود. پس از کنفرانس توکیو در ماه جنوری سال ۲۰۰۲، افغانستان تنها بزرگترین دریافت کننده کمک دو سویه کانادا بوده است. برنامه مساعدت آژانس توسعه بین المللی کانادا شامل کمک بشردوستانه ، افزون بر کمک برای بازسازی و توسعه در چهار ساحه مورد نظر، که در چارچوب برنامه توسعه ملی حکومت افغانستان در اولویت قرار داده شده اند:

- معشیت روستایی و حمایت اجتماعی
- امنیت و تنفیذ قانون
- ترتیب و اداره منابع طبیعی، زراعت و ....
- کمک های مالی به حکومت افغانستان ( از طریق بانک جهانی )

کانادا به درخواست حکومت افغانستان برای سرمایه گذاری های دراز مدت پاسخ داده است. آژانس توسعه بین المللی کانادا از سپتامبر ۲۰۰۱ تا مارچ ۲۰۰۴ به میزان ۲۶۶ اعشاریه پنج میلیون دالر مساعدت نموده است و اختصاص دادن ۱۰۰ میلیون دالر دیگر برای سال مالی ۲۰۰۴-۰۵ را برنامه ریزی می نماید. کانادا تعهد خود را از کمک به افغانستان در مارچ ۲۰۰۴ با ۲۵۰ میلیون دالر به عنوان وجوه جدید برای کمک عمرانی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ از سر گرفت. این مساعدت کانادا را به ۶۱۶ اعشاریه پنج میلیون دالر از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ می رساند.

## کمک های عمرانی

به گفته سفیر کانادا- آقای کرستوفر الکساندر از سال ۱۹۹۰ به این سو، کمک هایی به ارزش ۵۰۰ میلیون دالر در زمینه برنامه های گوناگون بشری به افغانستان ارایه نموده است که در زیر به گونه فشرده به آن اشاره می گردد:

کانادا ۱۵۰ میلیون دالر را از آغاز سال ۱۹۹۰ تا ۱۱ ماه سپتامبر سال۲۰۰۱ در قسمت برنامه های گوناگون بشری به مصرف رسانیده است . رقم ۱۰۰ میلیون دالر تعهد شده در کنفرانس توکیو در برای پشتیبانی از اولویت های حکومت افغانستان و امداد بشر دوستانه به مردم مورد استفاده قرار گرفت.

کمک تعهد شده ۲۵۰ میلیون دالر ۱۷ مارچ ۲۰۰۳ در برآوردن نیازمندی های مردم افغانستان در زندگی روستایی آنان، خدمات اجتماعی، اداره منابع طبیعی، تامین امنیت و صلح، رعایت قانون، گسترش و تحکیم سلطه دولت، اصلاحات عدلی و قضایی، تحکیم و تعمیم دموکراسی و ماین زدایی عملاً به کار می رود. کمک کشور کانادا به افغانستان و تعهد در زمینه افزایش آن در تاریخ همکاری های این کشور در نوع خود بی مانند ارزیابی می گردد. التزام کانادا در خصوص عملی شدن مفاد موافقتنامه بن چشمگیر و درخور توجه است. در این خصوص نیروهای امنیتی کانادایی در عمل در تامین امنیت لویه جرگه قانون اساسی به عنوان یکی از مواد عمده موافقتنامه بن هنگام برگزاری آن سهم گرفته و آمادگی بیشتر شان را برای کمک به روند ثبت نام برای برگزاری انتخابات عمومی ریاست جمهوری در کشور ابراز نموده اند.

صدراعظم جدیدکانادا - آقای پاول مارتین که در انتخابات سال روان با اکثریت آرا به قدرت رسید، به تاریخ ۲۵ جدی سال روان طی یک پیام تبریکیه به مناسبت تصویب قانون اساسی جدید افغانستان در لویه جرگه عنوانی آقای حامد کرزی- رییس جمهور دولت انتقالی اسلامی افغانستان، افزون بر ابراز پشتیبانی مستمر

کشورش در امر تامین امنیت و کمک به بازسازی افغانستان در زمینه برگزاری انتخابات عمومی ( با اعطای ۹ میلیون دالر) و تعمیم دموکراسی وعده هرنوع همکاری را نیز سپرد.

بنا بر دعوت رسمی صدراعظم پیشین کانادا - آقای ژان جوزف کرتین، آقای حامد کرزی به منظور تحکیم روابط نیک و دوستانه با هیات همراهش به تاریخ ۲۷ سپتامبر برابر با ۵ میزان ۱۳۸۲ از کانادا بازدید رسمی نمود. در این بازدید دو طرف روی مسایل مختلف به شمول نقش نیروهای کانادایی در چارچوب ایساف، مساعدت های گذشته و روان آن کشور و نیز کمک یک میلیارد دالری جدید به افغانستان که بخش عمده آن شامل مصارف نیروهای نظامی کانادا در افغانستان و یا فعالیت های مختلف همکاری در امر بازسازی افغانستان می باشد، گفتگو نمودند. صدراعظم کانادا به این امر که افغانستان باید به حیث یک کشور آرام، با ثبات و مرفه بنیادگذاری شده و اقتصاد از میان رفته آن دوباره احیا گردد، تاکید نموده.و به حیث یک کشور دوست وعده سپرد تا از هیچگونه کمک بلاعوض خویش دریغ نکند و در عین حال موسسات دولتی و ملی و اشخاص انفرادی را نیز تشویق نموده فرصت خواهد داد تا سرمایه گذاری های خورد و بزرگ در راه بازسازی افغانستان نمایند.

در پایان دیدار کاری دو سویه، آقای حامدکرزی وآقای ژان جوزف کرتین در جمع خبرنگاران رفته و ضمن صحبت های مختصر و با تاکید روی اهمیت تلفیق دیدگاه های دو طرف، دستاوردهای بازدید هیات بلندپایه افغانی را مثبت و سودمند ارزیابی کرده، آن را گام بزرگی در برای تحکیم مناسبات دو ستانه میان دو کشور خواندند.

آقایان بل گراهام و جان مکول- وزیران امور خارجه، دفاع و شماری از مقامات بلندپایه دیگر وزارت همکاری های بین المللی کانادا (CIDA) به تاریخ ۱۱ جون

۲۰۰۳ از کابل بازدید نمودند که در جریان آن در یک کنفرانس مطبوعاتی ضمن اعلام خبر گشایش سفارت آن کشور در کابل، گسیل ۱۹۵۵ تن از سپاهیان کانادایی در چارچوب نیروی امنیت و همکاری بین المللی (ISAF) اعطأی کمک ۲۵۰ میلیون دالری را جداگانه افزون از تعهد ۱۰۰ میلیون دالری در کنفرانس توکیو که بلندترین رقم کمک کانادا در طول تاریخ کمک های این کشور می باشد، را نیز رسماً اعلام نمودند.

به ادامه توسعه و تحکیم روابط میـان دوکشور به تاریخ۲۳-۲۴-جولای ۲۰۰۳ برابر با ۳ سرطان ۱۳۸۲ آقای John Mc Callum - وزیر دفاع کانادا طی یک بازدید از کابل با حامد کرزی - رییس د.ا.ا.ا ، مارشال فهیم - وزیر دفاع ملی و شمار دیگری از مقامات سوی افغانی دیدار هایی را انجام دادند. وزیر دفاع کانادا در جریان این دیدار ها روی روش عدم دنباله روی و استقلال عمل حکومت کانادا در عرصه های سیاسی و نظامی تأکید نموده ، از افزایش چشمگیر یاری های کشورش به ارزش یک میلیارد دالر امریکایی در عرصه های سیاسی، نظامی و انسانی در آینده برای افغانستان خبر دادند.

به دنبال آن به تاریخ ۱۳ سرطان ۱۳۸۲ برابر با به۴جولای۲۰۰۳ لوی درستیز اردوی کانادا از کابل دیدار به عمل آورد. وی نیز در جریان این مسافرت روی کمک هایی که از سوی وزیر دفاع آن کشور تعهد شده بود، بار دیگر تاکید نمود.

همین گونه، آقای بل گرا هام Bill Graham - وزیر امور خـارجه کـانادا در یک بازدید یک روزه به تاریخ ۵ سپتامبر ۲۰۰۳ در حالی که داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه و مصطفی کاظمی- وزیر تجارت در مقر سفارت آن کشور در کابل نیز حضور داشتند، با برافراشتن پرچم کانادا رسماً سفارت آن کشور را افتتاح نموده و در پای یادداشت تفاهمی که به اساس آن کشور کانادا معافیت حقوق گمرکی را

برای مواد و کالا های نساجی افغانستان در نظر گرفته است، با سید مصطفی کاظمی وزیر تجارت افغانستان، امضأ نمودند.

کشور کانادا مکتبی به نام " امید افغانستان" را در حومه شمال غربی شهر کابل در اوایل ماه دلو سال روان پس از تکمیل کار ساختمانی آن به بهره برداری سپرد. این مکتب که توسط کرستوفر الکساندر - سفیر کشور کانادا در دشت چمتله طی مراسمی رسماً افتتاح گردید، دوازدهمین مکتب در نوع خود در جهان می باشد. در این مکتب کودکان یتیم و بینوای افغان دست اندر کار آموزش دروس به زبان های پشتو، دری و انگلیسی اند.

## چشم انداز بازدید رسمی داکترعبدالله - وزیر خارجه از کانادا ( ۳۰ تا ۳۱ می ۲۰۰۵ )

داکتر عبدالله برای انجام یک بازدید رسمی روز جمعه به تاریخ ۲۷ می ۲۰۰۵ به کانادا مواصلت ورزید. داکتر عبدالله در نخستین روز اقامت در شهر تورنتو، مصاحبه یی رادیویی را با شبکه سراسری CBO انجام داد. همچنان ایشان به روز دوشنبه مصاحبه تلویزونی یی با شبکه سراسری CBO کانادا داشتند.

داکتر عبدالله در دو روز اقامت شان درکانادا، دیدار های سودمندی را در سطوح مختلف با برخی از مقامات بلندپایه آن کشور به عمل آوردند. در جریان این دید و بازدید ها، قضایای مهم همچو مسایل امنیتی، دفاعی، اقتصادی و بازسازی مورد بحث قرار گرفت.

داکتر عبدالله ظهر روز دوشنبه ۳۰ می ۲۰۰۵ با پیر پتیگرو- وزیر امورخارجه کانادا دیدار نمود. در این دیدار، برخی از دیپلومات های سفارت افغانی نیز حضور داشتند و از سوی کانادا، خانم M. Cain - مشاور وزارت امور خارجه حضور داشت. وزیر امور خارجه افغانستان با ستایش از مساعدت های همه سویه کانادا به افغانستان و

حضور آن کشور در عرصه های سه گانه- دفاعی، دیپلوماتیک و عمرانی- برضرورت تداوم تعهد جامعه بین المللی و کشور کانادا به افغانستان، تأکید نموده و خواهان ادامه کمک های آنان در مقطع کنونی و فراتر از توافقات بن گردیدند.

ایشان ضمن برشماری مختصر پیشرفت های به دست آمده در سه سال و نیم اخیر در همه عرصه ها از جمله جمع آوری سلاح، آموزش افراد برای اردو و پولیس ملی، با ارائه آخرین ارقام اطلاعات، پیرامون اقدامات به عمل آمده در راستای برگزاری موفقانه انتخابات پارلمانی وشورا های ولایتی در کشور ( به عنوان آخرین مرحله تطبیق مواد توافقات تاریخی بن در کشور)، تحکیم امنیت و ثبات، از میان بردن مواد مخدر، بازسازی زیر بنای اقتصاد کشور- به ویژه سکتور انرژی و آب – و ارتقای ظرفیت ها را از اولویت های عمده دولت افغانستان قرار داد.

همچنان وزیر امور خارجه بر ضرورت تقویه سکتور خصوصی و جلب سرمایه گذاری های خارجی در کشور تأکید ورزیده و از جامعه بین المللی خواستار شدند تا با تداوم کمک های شان به افغانستان مردم این کشور را یاری رسانند. افزون بر این، وزیر امور خارجه در مورد توافقات اخیر به عمل آمده میان ایالات متحده امریکا و افغانستان و همکاری های درازمدت استراتیژیک میان این دو کشور اطلاعاتی ارائه کردند.

طی این دیدار، جانب کانادا نیز ضمن تجدید تعهد کشورش در قبال مساعدت به افغانستان و ادامه حمایت از روند روان در کشور، از تأسیس گروه بازسازی ولایتی کانادا در اگوست سال روان در قندهار که شمار سپاهیان این کشور در اوایل سال ۲۰۰۶ را به تقریباً دو هزار نیرو نیز به دنبال خواهد داشت، اطمینان داد. همچنان جانب کانادایی مساعدت ۸ میلیون دالری برای تقویت بودجهء انتخابات پارلمانی به افغانستان را نیز در روند مذاکرات اعلام داشت.

در طی این دیدار، جانب کانادایی در موارد زیر به دولت افغانستان وعده همکاری سپرد:

۱- اعطای ۸ میلیون دالر مساعدت پولی برای تقویت بودجهء انتخابات پارلمانی
۲- همکاری در زمینه استخراج معادن طبیعی در افغانستان و انتقال تکنولوژی لازم به افغانستان
۳- آمادگی برای بلند بردن ظرفیت ها در کشور.

پس ازآن، داکتر عبدالله با آقای بل گرا هام- وزیر دفاع کادا دیدار وگفتگو نمودند. در این دیدار، جنرال ریک هیلیر- لوی درستیز کانادا نیز اشتراک داشتند. دو طرف روی موضوعات مهم در چارچوب مناسبات دو سویهء سیاسی، دفاعی و بازسازی گفتگو نمودند. درین دیدار وزیر امور خارجه افغانستان فرمودند" با انجام انتخابات پارلمانی در ماه سپتامبر سال روان، افغانستان وارد مرحله نوینی از تکامل زندگی سیاسی خویش گردیده و امید بر آنست تا جامعهء بین المللی از جمله کانادا در ادامه کمک های بازسازی و امنیتی شان با دولت و مردم افغانستان همچنان متعهد باقی مانده و در تطبیق و برآورده شدن اهداف دیر پای، روند صلح در کشور مردم مارا یاری رسانند".

در مقابل، آقای بل گراهام- وزیر دفاع کانادا ضمن استقبال از دیدگاه های جانب هیات افغانستان و تأکید بر ضرورت ادامهء همکاری های دو سویه میان دو کشور- افغانستان و کانادا- تعهد کشورش را در زمینه های مختلف از جمله تأسیس یک تیم بازسازی ولایتی در جنوب افغانستان ابراز داشتند.

در پی آن- داکتر عبدالله با خانم تان کارول وزیر کمک های بین المللی کانادا در دفتر کارشان دیدار نموده و دو طرف در مورد ابعاد وسیع کمک های کانادا برای افغانستان که بالغ بر ۶۲۰ میلیون دالر کانادایی در خلال ۷ سال می گردد تبادل نظر نموده و بر مؤثریت امداد برای پیشبرد استراتیژی انکشافی افغانستان و استفاده از

تخصص کانادا در عرصه های کشاورزی، جنگلات، آبیاری، معادن و مبارزه با مواد مخدر برای بلند بردن ظرفیت های حرفه یی تأکید ورزیدند.

سپس وزیر خارجه افغانستان از پارلمان کانادا دیدار نموده و از سوی اعضای پارلمان به شمول صدر اعظم و اعضای کابینه آن کشور رسماً مورد استقبال گرم قرار گرفتند.

باید خاطر نشان کرد که کانادا همواره به عنوان یک کشور مهم جهان توانسته است تا نقش متوازن و مثبتی را در عرصه های مذکور ایفاء نماید و به همین منوال تعهدات دراز مدتش را در افغانستان تحکیم و جامه عمل بپوشاند.

## جمهوری چیلی (Chile)

- نفوس: ۱۶,۲ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: سانتیاگو(Santiago)
- مساحت: ۷۵۶،۰۹۶ کیلومترمربع
- زبان: اسپانیولی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۳ سال مردان، ۷۹ سال زنان(UN)
- واحدپولی: پیسو چیلی
- صادرات: مس، ماهی، میوه، کاغذ، مواد کیمیایی
- درآمد سرانه: ۴،۳۹۰ دالر امریکایی(بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: cl.
- رمز تیلیفونی: ۵۶+
- رییس جمهور: ریکاردولگاس اسکوبار(Ricardo Lagos Escobar)
- وزیر خارجه: اگناسیو واکر (Ignacio Walker)

**چکیده‌یی از تاریخ کشور:**

چیلی نیز همانند دیگر کشورهای امریکای لاتین پیش از یورش اسپانیایی ها در سدهٔشانزدهم زیستگاه قبایل سرخپوست و بومی به شمار می‌رفت. این کشور از سدهٔ شانزدهم تا زمان استقلال در ۱۸۱۸ زیر حاکمیت اسپانیایی ها بود که از آوان ورود به این سرزمین، شهر سانتیاگو را بنا نهاده و در طول سه سده بر آن فرمان راندند تا این که جنبش های آزادیخواهی به تدریج در سدهٔ نزدهم سراسر منطقه را فراگرفت. رهبری این جنبش ها را که از سال ۱۸۱۱ آغاز گردید، جنرال هیگتیا معروف به "پدر چیلی" به دوش داشت تا آن که در سال ۱۸۱۸ موفق به شکست دادن نیروهای خارجی و تأسیس جمهوری شد.

**تشکیلات حکومتی:**

**قوهٔ اجرایی:**

رییس‌جمهور در رأس قوهٔ اجرایی قرار دارد. بر اساس قانون اساسی ۱۹۲۵ رییس‌جمهور برای مدت شش سال انتخاب می گردید و اعضاء کابینه را مستقیماً تعیین می نمود. همچنین بودجهٔ کشور زیر نظر وی و توسط دولت به کنگره ارایه می گردید. در اصلاحاتی که پسان ها در همه‌پرسی جولای ۱۹۸۹ به تصویب رسید، دورهٔ ریاست‌جمهوری از شش سال به چهار سال کاهش داده شد و حق انتخاب مجدد رییس‌جمهور نیز حذف گردید.

**قوهٔ مقننه:**

کنگرهٔ ملی، مرکب از نمایندگان و سنا است. اعضای هر دو مجلس بر پایهٔآرای عمومی در ایالات انتخاب می شوند. کنگرهٔ ملی یک دور نشست عادی و یک دور جلسات فوق‌العاده دارد. روند شکلگیری قوانین(روند قانونگذاری) می تواند با

درخواست رییس‌جمهور و یا یکی از اعضای کنگره با پشتیبانی ۱۰ تن از نمایندگان مجلس و یا ۵ تن از سناتور ها در یکی از دو مجلس آغاز گردد.

**مجلس سنا:**

مجلس سنا کنون دارای ۴۷ عضو است که ۳۸ نفر ایشان سناتور انتخابی‌اند که با رای مستقیم مردم از ۱۹ ناحیه مختلف برگزیده می شوند. ۸ نفر دیگر سناتور های انتصابی‌اند.

**مجلس نمایندگان:**

مجلس نمایندگان دارای ۱۲۰ عضو است که از طریق آرای مستقیم مردم انتخاب شده و متعلق به ۶۰ ناحیهٔ انتخاباتی می شوند که از هر منطقه ۲ نفر به مجلس راه می‌یابد.

**قوه قضایی:**

قوه قضایی ضعیف‌ترین قوه در میان قوای سه گانه است. به ویژه آن که فرمانروایی هفده سالهٔ نظامیان بر چیلی و نفوذ ایشان در نظام قضایی، به ضعف این قوهٔ بیش از بیش کمک نموده است.

شاخه های اصلی سیستم قضایی چیلی عبارت‌اند از:

دادگاه(محکمه) عالی

دادگاه استیناف

دادگاه عالی انتخابات

دادگاه نظامی

## مبانی و اصول سیاست خارجی:

اصول سیاست خارجی چیلی به گونهء فشرده به شرح زیر است:

- عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشور ها
- حق تعیین سرنوشت برای کلیهء ملل
- منع استفاده از جنگ افزار های هسته‌یی
- هواداری از حل مسالمت آمیز اختلافات

## آیین:

بر پایهء قانون اساسی چیلی، آیین رسمی وجود ندارد. مگر آزادی باورها و انجام مراسم آیینی به گونه‌یی که با نظم و ارزش های اخلاقی عمومی منافاتی نداشته باشد، مانعی ندارد. پیروان همه مذاهب می توانند نیایشگاه های خود را برپا نمایند. بخشی بزرگ مردم چیلی مسیحی‌اند که بیشترشان پیرو کلیسای کاتولیک روم هستند. همچنین کلیساهای دیگر مانند پروتستان های انگلیسی و آلمانی و مانند آن فعالیت دارند.

غیر از پیروان کلیساهای مسیحی اقلیت هایی از مسلمانان و یهودیان نیز در چیلی بود وباش دارند.

## اوضاع مالی:

واحد پول چیلی پزو است که ارزش برابری آن به گونهء متوسط ۴۲۰ پزو برابر با یک دالر امریکایی می باشد. یک پزو برابر با صد سنتاوس است.

در ۱۹۸۶ درآمد سرانه هر شهروند چیلی ۲۰۴۶ دالر بود. این میزان در ۱۹۹۳ به ۳۰۷۰ دالر افزایش یافت که حاکی از میانگین رشدی برابر با ۶. ۱٪ با احتساب رشد میانگین جمعیت به میزان ۱. ۶٪ بود.

## جغرافیای طبیعی و اوضاع اقلیمی:

موقعیت جغرافیایی: چیلی کشوری است دراز و باریک و می توان گفت که تنها سرزمینی با طول نزدیک به ۴۳۰۰ کیلومتر در زمین بدین شکل هست. از همین رو، این کشور به کمربند باریک و طویل کره زمین معروف گردیده است. عرض آن بطور میانگین ۲۵۰ کیلومتر است. این کشور که در طول کرانه‌های اقیانوس آرام در امریکای جنوبی و در جنوبی‌ترین بخش نیمکرهء باختری قرار گرفته، از شمال- با پیرو، از خاور- با بولیوی و آرژانتاین همسایه بوده و از باختر- با اقیانوس آرام محدود شده و از جنوب به شکل دماغه Horn هارن کشده شده است.

شکل جغرافیایی این سرزمین مصداق بارز واژهء چیلی است که به زبان بومیان سرخپوست منطقهء بولیو و پیرو —به معنای جایی است که زمین به انتها می رسد.

چیلی از دیدگاه وسعت و بزرگی هفتمین کشور امریکای جنوبی است که ۷۵۶۶۲۶ کیلومتر مربع مساحت دارد. با محاسبهء بخش قطب جنوب که متعلق به چیلی است، مساحت کل این سرزمین به ۲۰۰۶۶۲۶ کیلومتر مربع می رسد.

## جغرافیای انسانی:

کشور چیلی از سدهء ۱۲ میلادی تا سال ۱۸۱۸ که توانست استقلال خود را بازیابد، از سوی حکام اسپانیایی اداره می گردید. جمعیت این کشور از گروه های نژادی Mestizo۱%, AMERIND ۷٪ , ARAUCANIN ۹۲٪ تشکیل گردیده است. از کل جمعیت چیلی نزدیک به ۸۴٪ آن شهرنشین بوده و ۱۶٪ در روستا ها زندگی می کنند.

بیشترین جمعیت کشور را زنان تشکیل می دهند.

## مهاجرت:

مهاجران سهم بس کوچکی در شمار جمعیت کنونی چیلی دارند. لکن خارجی ها- به ویژه آنانی که از شمال اروپا به این سرزمین آمده اند، نفوذ بسیاری در اجتماع، سیاست و توسعهء اقتصادی کشور داشتند. حضور مهاجران دگرگونی هایی را در زمینه های اجتماعی و اخلاقی جامعه از طریق تمرکز در سطوح میانی و فوقانی آن پدید آورده است. این امر باعث گردیده تا بومی ها را در پایین جامعه جا دهند. نخستین مهاجران که نقش اساسی را در توسعهء ساختار اخلاقی کنون جامعه بازی نمودند، بسک ها BASQUES از منطقهء پیرنیه PYRNEES اسپانیا بودند.

## زبان و خط:

با وجود گوناگونی آب و هوا و وضعیت مختلف جغرافیایی در چیلی زبان مردم دارای بافت همگون و یکسان می باشد. به گونه‌یی که مردم شمال با همان لهجهء مردم جنوب سخن می گویند. زبان رسمی کشور اسپانیولی بوده و ۹۲٪ مردم به آن تکلم می‌کنند. ۸٪ نیز به زبان بومی منطقه MAPUDUNGUN تکلم می نمایند. خط رسمی کشور - لاتین است.

## جغرافیای سیاسی:

چیلی جایگاه استراتیژیکی مهمی دارد. این کشور همراه با دیگر کشور های واقع در کرانه های باختری امریکای جنوبی، قطب سیاسی مهمی را در نیمکره باختری تشکیل می دهند. این مجموعه همواره یکی از کانون های جنبش های مربوط به استقلال بیشتر امریکای لاتین از ایالات متحده بوده است. دماغهء هارمون و تنگه های ماژلان که در جنوب چیلی قرار گرفته اند، در صورت مسدود شدن کانال پاناما، مسیر اجتناب ناپذیر کشتی ها برای گذر از اقیانوس آرام و به عکس می باشد.

از سوی دیگر، چیلی در منطقه‌یی قرار گرفته که به دلیل وجود رقابت های سنتی و اختلافات مرزی و ارضی از مستعدترین مناطق برای درگیری های احتمالی می باشد و این موضوع به لحاظ امنیت امریکای جنوبی و همچنین منافع کشورهای پیشرفتهء

صنعتی به برای دسترسی به مواد خام حیاتی و بازرگانی دریایی امن، اهمیت به سزایی دارد. افزون بر این ها، چیلی که از ذخایر کافی برخوردار است، از ثروتمندترین کشور های امریکای جنوبی به شمار می‌رود.

از یک سو، بزرگترین تولید کنندهء مس در جهان است و به همراه آن مواد دیگری مانند، زغالسنگ، سنگ آهن، سرب، منگنز، جیوه، آلومینیوم و... را تولید نموده و روانهء بازار می‌نماید و از سوی دیگر یکی از رشد یابنده‌ترین اقتصاد ها در میان کشور های جهان سوم را دارا است و در نتیجه بازار مناسبی برای کالا های صنعتی، تکنالوژی، سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی بانک ها و موسسات مالی به شمار می‌رود.

وجود ذخایر عظیم مس در چیلی از عوامل اساسی حضور بیگانگان درین سرزمین است. با توجه به افزایش مصرف مس در کشور های شرق آسیا و این که آیندهء اقتصادی این کشور ها بستگی زیادی به واردات مس خواهد داشت؛ چیلی به عنوان یک کشور نزدیک به منطقه- تأمین کنندهء با ثباتی برای آن به شمار می‌رود. گذشته از این هم، روابط چیلی با کشورهای حوزهء اقیانوس آرام در آینده هر روز گسترش بیشتری خواهند داشت. مخصوصاً که این کشور می تواند دروازه امریکایی لاتین در غرب این قاره به شمار رود.

## روابط افغانستان و چیلی:

در سال ۱۳۴۱ سفیر کبیر چیلی در سازمان ملل آرزومندی حکومت خود را در مورد تأسیس روابط سیاسی و قونسلی با افغانستان اظهار داشت. به اساس درخواست وزارت خارجه، مجلس عالی وزیران طی فرمانی به تاریخ اول اسد ۱۳۴۱ برپایی روابط سیاسی غیر مستقیم را در سطح سفارت کبرا میان دو کشور تصویب نمود و هدایت داده شد سفیر کبیر افغانی در واشنگتن متصدی این وظیفه گردد.

به تأسی از این هدایت، موفقتنامهء مربوط به تأسیس روابط سیاسی و قونسلی میان دو کشور به تاریخ ۲۰ سنبله ۱۳۴۱ برابر با ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۲ در نیویارک میان عبدالرحمان پژواک و دانیل شوایتزر- نمایندگان دو کشور در سازمان ملل به امضاء رسید.

بدین منظور اعلامیه‌یی همزمان در هر دو کشور به تاریخ ۲۴ سنبله ۱۳۴۱ برابر با ۱۵ سپتامبر ۱۹۶۲ در کابل و سانتیاگو پخش گردید، که نظر به آن سفارت افغانی در سانتیاگو و سفارت چیلی در کابل به اساس موافقت پسی میان دو کشور تعیین خواهد شد. چنین بر می‌آید که تاکنون چنین موافقتنامه‌یی میان دو کشور به امضاء نرسیده باشد. روی هم رفته، در روابط افغانستان و چیلی از بدو تأسیس تاکنون کدام تحولی صورت نگرفته است.

روابط میان دو کشور هنگامی قایم گردید که چیلی در امریکای لاتین و سازمان ملل دارای وزن سیاسی بود. با واژگونی حکومت سلوادور الیندی(که به گمان بسیار با دخالت کشور های خارجی صورت گرفت)، اقدامات شدید حکومت پنوچت و حکومت راستگرای کنونی نظامی کشور در برابر عناصر مخالف تا جایی که به تطبیق مواد میثاق های حقوق بشر در آن کشور ارتباط می گیرد، موقف بین‌المللی حکومت کنونی آن را به شدت لرزان نموده است.

افغانستان در برخی از فیصله نامه هایی که چندی گذشته در رابطه با نقض حقوق بشر از سوی حکومت کنونی چیلی در سازمان ملل طرح و تصویب گردیده است با اکثریت کشور های عضو ملل متحد علیه حکومت چیلی رای موافق داده است.

## نیکاراگوا (Nicaragua)

- نفوس: ۵,۷ میلیون(UN,۲۰۰۵)
- پایتخت: ماناگوا (Managa)
- مساحت: ۱۲۰،۲۵۴ کیلومتر مربع
- زبان: اسپانیوی، انگلیسی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۶۷ سال مردان، ۷۲ سال زنان(UN)
- واحدپولی: ۱ گولدکارداب= ۱۰۰ سنتاف
- صادرات: قهوه، پنبه، تنباکو، گوشت گاو، بوره،کیله، طلا، ماهی میگو
- درآمد سرانه: ۷۳۰ دالرامریکایی(بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: ni.
- رمز تیلیفونی: ۵۰۵+

- رییس جمهور: انریک بالاناس(Enrique Bolanos)
- نائب رییس جمهور: جوزریزو(Jose Rizo)
- -وزیر خارجه: نارمن کلدیرا (Norman Caldera)

**موقعیت جغرافیایی:**

نیکاراگوا پس از مکسیکو، بزرگترین کشور امریکای مرکزی است که به دلیل واقع شدن در همسایگی امریکا، وضعیت حساسی دارد.

نیکاراگوا از شمال- به کشور های هندوراس و السلوادور، از شرق - به دریای کارایب(اقیانوس اتلس)، از جنوب- به کشور کوستاریکا و از غرب- به اقیانوس آرام محدود می گردد.

این کشور در بخش باختری نیمکرهء شمالی میان یازده درجه و پانزده دقیقه عرض البلد شمالی ۸۳ و ۸۸ درجهء طول البلد باختری واقع است. طول نوار ساحلی آن ۵۴۱ کیلومتر در کرانهء کارایب و ۴۵۲ کیلومتر در کرانهء اقیانوس آرام است.

آب و هوای آن استوایی بوده، در نواحی مرتفع گوارا و در دیگر نواحی گرم مرطوب و بارانی است. از نگاه آب و هوا دو فصل دارد: یکی مرطوب و دیگری گرم و خشک.

شهر های مهم آن لیون، گرانادا، ماسایا، خنیدنگار و... است.

بندر های مهم آن ساندینو، کوانتیو، سن خوزه و دلی مور است.

**نظام سیاسی:**

قانون اساسی نو آن در ۱۹۸۷ تصویب گردید. در راس قوهء اجرایی آن رییس‌جمهور قرار دارد که رییس حکومت و فرماندهء کل قوا و نیروهای امنیت ملی است. رییس‌جمهور از سوی مردم برگزیده شده، و حکومت را تشکیل می دهد.

در رأس قوهء قضایی دیوان عالی عدالت متشکل از هفت قاضی که از سوی مجلس ملی انتخاب می شوند، قرار دارد. مقر آن در ماناگوا است، و وظیفهء آن سازماندهی اجرای مستقیم عدالت است.

قوهء مقننه: مجلس نمایندگان منتخب مردم وظیفهء قانونگذاری را برعهده دارد. مجلس ملی ۹۵ نماینده دارد که با رأی سری و مستقیم مردم گزیده می شود.

**اطلاعات عمومی:**

در هر کیلومتر مربع ۲۹۰۶ نفر بودوباش دارد. باشندگان آن از نژادهای مستیزو، سفید سیاه امرانیدین‌اند که متشکل از اختلاط سه قوم اند: بومی، اروپایی و افریقایی.

آیین رایج کشور مسیحیت است که ۹۳٪ کل جمعیت پیروان رومن کاتولیک اند. آیین پروتستان نیز درصد بسیار کمی از جمعیت را شامل می شود.

جشن های ملی کشور عبارت اند از: جشن دومنگوی مقدس از اول تا ۱۸ اگوست، جشن معراج حضرت مریم به آسمان از ۱۴ تا ۳۰ اگوست. تعطیلات و اعیاد رسمی آن عبارت است از: اول ماه- می روز جهانی کارگر، ۱۹ جولای- روز آزادی، ۷ دسامبر- تعادل حضرت عیسی، ۲۵ دسامبر- کرسمس، اول جنوری- روز اول سال نو.

استقلال کشور در سال ۱۹۳۸ به دست آمد و تعطیل ملی آن روز استقلال - ۱۵ سپتامبر برابر با ۲۵ سنبله است.

پرچم کشور دارای سه سطح افقی است با رنگ های آبی، سفید، آبی با نشان ملی در وسط، سرود ملی درود بر تو نیکاراگوا.

۹۶٪ مردم نیکاراگوا به زبان اسپانیولی سخن می گویند و ۴٪ به زبان های بومی، . میسکیتو و کارایبی. بطور محدود از زبان انگلیسی نیز استفاده می شود. خط رسمی لاتین کشور می باشد.

**نظام اقتصادی:**

اقتصاد نیکاراگوا مختلط (دولتی و خصوصی) است که بیشتر متکی برکشاورزی می باشد. صدور محصولات کشاورزی درآمد اصلی کشور را تأمین می‌کند. صنعت به معنای امروزی در نیکاراگوا فاقد هرگونه پیشرفت است. طلا و نقره معادن عمده اند ولی نمی توانند نقش عمده را در اقتصادی بازی نمایند.

**روابط خارجی:**

مبانی و اصول سیاست خارجی بر پایهء قانون اساسی مبتنی بر اصل عدم تعهد و صلحجویی و احترام به حاکمیت همه کشور های جهان پی ریزی گردیده است و در برابر هر گونه تبعیض می ایستد. همزیستی مسالمت آمیز، حمایت از خلع سلاح، پایان مسابقات تسلیحاتی و هسته‌یی، گسترش روابط با کشور ها با مرام های سیاسی مختلف، تلاش برای صلح در امریکا، حمایت از اتحاد کشورهای امریکای مرکزی و دول همسایه و گسترش روابط سیاسی اجتماعی و اقتصادی با کشور های منطقه، از اصول سیاست خارجی این کشور است.

**تاریخچه:**

پیشینهء تاریخی: نود و سه درصد جمعیت پیش از دورهء استعمار اسپانیا را سرخپوستان تشکیل می‌دادند که باشندگان اصلی نیکاراگوا به شمار می روند. پس از تهاجم اسپانیا و ورود سیاهان از دریای کارایب، ریشه های نژادی و قومی به اختلاط سه قوم بومی، اروپایی و افریقایی شکل گرفت.

در ۱۵۰۲ کرستیف کلمب کرانه های خاوری نیکارگوا را کشف کرد. مناطق دیگر آن در سال ۱۵۱۹ توسط ژبل گوتزالتس داومیدر، کشف گردید. در سال ۱۵۲۲

نخستین گروه اسپانیایی وارد نیکارگوا شده، جامعهء فیودالی را بنیاد نهادند. در ۱۵۲۴ گروهی از مهاجران به رهبری دکوردوبا در غرب کشور شهرهای گرانادا و لیون را بنیاد نهاده، مقاومت سرخپوستان را سرکوب و بر منابع طلا و نیروی انسانی کشور تسلط پیدا کردند.

**مناسبات با افغانستان:**

مناسبات سیاسی میان دو کشور با پخش اعلامیه‌یی به تاریخ ۱۲ مارچ ۱۹۸۳ در دهلی رسماً برقرار گردید و بر مبنای آن سفارت های دو کشور در هاوانا موظف به پیشبرد امور مربوطه و مناسبات دو کشور گردیدند. همچنان نخستین پروتکل همکاری میان دو کشور در ماه اپریل ۱۹۸۳ به امضاء رسید.

افغانستان و نیکارگوا در مجامع بین‌المللی، به ویژه جنبش عدم تعهد با هم همکاری داشته اند. سفارت افغانستان در هاوانا و سفارت کوبا در کابل امور مناسبات متقابل را به پیش می‌بردند.

به تاریخ ۱۲ عقرب ۱۳۶۵ هیأتی به ریاست نوراحمد نور برای اشتراک در مراسم ۲۵ – مین سالگرد آزادی ملی نیکاراگوا از موناگوا بازدید نموده بود.

## ونزویلا(Venezuela)

- نفوس: ۲۶٫۶ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: کراکاس(Caracas)
- مساحت: ۸۸۱،۰۵۰ کیلومترمربع
- زبان: اسپانیوی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۱ سال مردان، ۷۷ سال زنان(UN)
- واحدپولی: ۱ بتاوار= ۱۰۰ سنتیماس
- صادرات: پترولیم، المونیم، فولاد، محصولات کیمیایی، فرآورده های کشاورزی،
- درآمد سرانه: ۳،۴۹۰ دالر امریکایی(بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: ve.
- رمز تیلیفونی: ۵۸+

- رییس جمهور: هوگو چاویز(Hugo Chavez)
- نائب رییس جمهور: خوزه ویسنت رنجل(Jose Vicente Rangel)
- -وزیر خارجه: علی رادریگوز (Ali Rodriguez)

جمهوری ونزویلا ۹۱۲۰۵۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. نفوس آن در سال ۲۰۰۲م. به ۱۹۲۴۰۰۰ نفر می رسید که ۹۶٪ آن پیرو آیین کاتولیک بوده و به زبان اسپانیوی سخن می گویند و مشتمل بر نژادهای مختلف‌اند: ۶۹٪ - سفید پوست، ۲۰ ٪ - سیاهپوست، ۹٪ -سیاهپوست و ۲٪ سرخپوست .

## پس منظر تاریخی:

کریستف کلمب در ۱۴۹۸ م. بازدید سوم خود را آغاز نمود که در این بازدید به امریکا پیاده شد. در سال ۱۴۹۹ شخص دیگری به نام اوجیدا به این منطقه رسید و آن را ونزویلا نامید.

ونزویلا نخستین کشوری است که در برابر اسپانیایی ها در ۱۸۱۰ م. قیام نمود و تا سال ۱۸۲۰ بدون وقفه جنگید تا این که استقلال خود را به دست آورد.

## موقعیت جغرافیایی:

ونزویلا متشکل از ۷۲ جزیره است. از نگاه اداری به دو قلمرو و ۲۰ ایالت تقسیم می شود که در بخش اعظم کرانه های شمال امریکا در دریای کارابین موقعیت دارد.

ونزویلا از شرق محدود است به گیانا و برازیل، از غرب- به کلمبیا، از شمال - به دریای کارابین و از جنوب- به برازیل و کلمبیا.

بندر کاراکاس پایتخت آن است که در ۲۰۰۲ میلادی ۳۲۴۷۰۰۰ نفر در آن زندگی می‌کردند. ونزویلا به چهار حوزه تقسیم می گردد:

- زمین های پست دریاچهء ماراکایبو.
- ناحیه کوهستانی در شمال و شمال باختری.
- دشت های پر علف اورینوکو در شمال
- مناطق بزرگ و گستردهء جنگلی در جنوب و جنوب خاوری.

**اقتصاد:**

نزدیک به ۱۵ ٪ مردم آن دست‌اندر کار کشاورزی اند. قهوه، برنج، میوه و نیشکر تولیدات عمده کشاورزی این کشور به شمار می‌رود. این کشور از دیدگاه منابع معدنی اهمیت بسیار دارد که از آن جمله ذخایر نفت، آهن و طلا بایستهء یادآوری است. پنجمین کشور تولید کننده نفت در جهان می باشد.

در ونزویلا صنایع ماشینی تولیدات نفتی، نساجی، کاغذ، بوت و مانند آن نیز توسعه یافته است. پرورش مواشی و ماهیگیری نیز دراین کشور اهمیت دارد.

صادرات این کشور را نفت، سنگ، آهن و قهوه تشکیل می دهد. برعکس ماشین آلات مواد کیمیایی و استهلاکی را وارد می‌نماید.

در ونزویلا یک شبکهء گستردهء سرک های پخته اعمار گردیده است و دارای بندر های متعدد دریایی است. بیش از ۸۸ ٪ مردم آن باسواد بوده و واحد پولی آن بولیوار است.

**روابط سیاسی با افغانستان:**

نوراحمد نور- سفیر و نماینده دایمی وقت افغانستان در سازمان ملل و اندریاس اگولیار- سفیر و نماینده دایمی ونزویلا در سازمان ملل متن اعلامیهء مشترکی را برای برپایی روابط دیپلماتیک امضاء نمودند.

در بخشی از متن اعلامیه مشترک آمده است: "حکومات افغانستان و ونزویلا، به تاسی از اصول مندرج در منشور سازمان ملل، برای گسترش روابط دوستانه و همکاری سودمند مبتنی بر اصول حقوق بین‌المللی، به ویژه با پیروی از اصول تساوی میان ملل جهان، احترام متقابل به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور همدیگر... تصمیم گرفتند تا روابط دیپلماتیک را به سطح بازدیدا به تاریخ دهم اکتبر سال ۱۹۹۰ بر قرار سازند. "

## یوروگوای Uruguay

- نفوس: ۳٫۵ میلیون (UN,۲۰۰۵)
- پایتخت: مانتیویدو(Montevideo)
- مساحت: ۱۷۶،۲۱۵ کیلومترمربع
- زبان: اسپانیولی، برازیلی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۲ سال مردان، ۷۹ سال زنان(UN)
- واحدپولی: ۱ اوریگوایی پیسو= ۱۰۰ سنتیسیماس
- صادرات: گوشت، برنج، چرم، وسایل نقلیه، لبنیات، پشم و برق
- درآمد سرانه: ۳،۷۹۰ دالر امریکایی(بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: uy.
- رمز تیلیفونی: ۵۹۸+

• رییس جمهور: تابروازکویز(Tabare Vazquez)

• -وزیر خارجه: رینالدوگرگانو(Reinaldo Gargano)

**موقعیت جغرافیایی:**

اوراگوای با داشتن ۱۷۷۵۰۸ کیلومتر مساحت در جنوب برازیل، شرق ارژنتاین، شمال خلیج ریودولاپلاتا و به طول ۱۹۳ کیلومتر در کرانهء اقیانوس اتلس موقعیت دارد. بیشتر خاک این کشور را جلگه ها و نواحی کم ارتفاع پوشانیده و از نگاه جغرافیایی از پست‌ترین کشور های امریکای جنوبی به شمار می‌رود. رود های مشهور آن عبارت‌اند از یوروگوای و ریودوپلاتا.

اوروگوای دارای آب و هوای گوارا و مرطوب و بارانی است. مردم آن پیرو آیین کاتولیک‌اند. زبان رسمی کشور اسپانیولی است. مونت وریدو- پایتخت این کشور است و سالتو، کولونیا و پابساندو از شهر های مهم آن است.

نوع حکومت آن جمهوری است. در سال ۱۹۷۳ فعالیت های احزاب درین کشور ممنوع قرارداده شد.

اوراگوای بار نخست در سدهء هفدهم توسط پرتگالی ها کشف شد. آن ها در سال ۱۶۸۰ شهر کولونیا را بنیاد نهادند. در سال های پسین اسپانیایی ها نیز به این کشور راه یافتند و شهر مونتوویدو را تأسیس نمودند. اوروگوای در ۱۹۳۰ استقلال خود را گرفت و به عضویت سازمان ملل درآمد.

صنایع نساجی، مواد کیمیایی، مواد ساختمانی، مواد غذایی، کنسر و گوشت و... در آن حایز اهمیت بوده و چرم، گندم، جو، جودر، برنج و... از محصولات مهم این کشور به شمار می‌آید.

اوراگوای با ایالات متحده امریکا، برازیل و ارژنتاین روابط نزدیک تجاری دارد. مواد خام، مواد سوخت، ماشین آلات، آهن و فولاد، ادویه، نفت، وسایل برقی و موتر را از این کشور ها وارد می‌نماید و در برابر آن پنبه، پوست، گوشت، مواد غذایی، لبنیات، مواشی و میوه را به این کشور ها، صادر می‌نماید.

**روابط سیاسی با افغانستان:**

افغانستان پس از گفتگوهای پیگیر با نماینده دولت اوراگوای در سازمان ملل، سرانجام متن اعلامیهء مشترک را به امضاء رسانید که در بخشی از آن آمده است: "حکومات افغانستان و اوراگوای با احترام به نظام های متفاوت همدیگر، با آروزمندی به تقویت روابط دوستانه، بار دیگر روی التزام‌شان به اصول حقوق بین‌المللی در مورد روابط دوستانه و همکاری میان دولت ها مطابق به مفاد منشور سازمان ملل متحد تاکید می نمایند".

تاریخ امضای اعلامیه - ۱۴ اکتبر ۱۹۹۰ برابر با ۲۴ ثور سال ۱۳۷۰ است.

عبدالوکیل- وزیر امور خارجه وقت افغانستان و هیکتور کراس آسپایل- نمایندهء دایمی و سفیر کشور اوروگوای در سازمان ملل در پای این اعلامیه امضا نمودند.

روابط دیپلماتیک میان افغانستان و اوروگوای با توجه به موجودیت دو اهرم اساسی قدرت در جهان و فضای آشفتهء جنگ سرد، درست همانند دیگر کشور های امریکای مرکزی و لاتین تنها در برگیرندهء دیدارهای مقطعی در محافل بین‌المللی و مبادلهء پیام ها به مناسبت های گوناگون بوده است.

## کلمبیا (Colombia)

- نفوس: ۴۵,۶ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: باگوتا (Bogota)
- مساحت: ۱,۱۴ میلیون کیلومترمربع
- زبان: اسپانیولی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۶۹ سال مردان، ۷۵ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ پیسو کلمبیایی= ۱۰۰ سنتاف
- صادرات: نفت، قهوه، زغال، طلا، کیله، مواد کیمیایی، پنبه، بوره، حیوانات اهلی، گل، زمرد سبز
- درآمد سرانه: ۱۸۱۰ دالرامریکایی(بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: co.
- رمز تیلیفونی: ۵۷+

• رییس جمهور: الوارو یوریب (Alvaro Uribe)
• نائب رییس جمهور: فرانسیسکو سنتاس (Francisco Santos)
• -وزیر خارجه: البرتو کراسکویلا (Alberto Carrasquilla)

جمهوری کلمبیا دارای هشت ناحیه و ۲۳ حوزه است در حدود ۸۰٪ مردم آن با سواداند. این کشور ۱۱۴۱۷۴۸ کیلومتر مربع وسعت دارد که در سال ۱۹۸۹ م ۳۷۸۲۱۰۰۰ نفر در آن زندگی می نمودند که همه پیرو آیین کاتولیک بوده و به زبان اسپانیولی سخن می زنند.

بوگوتا پایتخت این کشور است که در سال ۲۰۰۲ میلادی ۳۲۶۷۰۰۰ نفر در آن زندگی می نمودند. شهرهای مشهور آن عبارت است از مدلین که دارای ۱۶۶۴۰۰۰ نفر و کتا که دارای ۱۴۵۰۰۰۰ نفر باشنده است. در حدود ۵۸٪ مردم آن به نژادهای گوناگون تعلق دارند که ۲۰٪ آن سفید پوست و ۱۴٪ دیگر نژاد مختلف سفید و سیا ه اند.

## موقعیت جغرافیایی:

کلمبیا در شمال خاوری- با ونزویلا، در شمال باختری- با پاناما، در خاور- با برازیل و در جنوب - با پیرو و اکوادور هم مرز بوده، در شمال باختری امریکای جنوبی و در کرانه های اقیانوس اتلس و دریای کارابین موقعیت دارد.

به سمت غرب آن - کوه های‌اندیز که از شمال به جنوب تا مرز اکوادور امتداد دارد و به سمت شرق کلمبیا زمین های پست و دشت های پوشیده از جنگل که آن را رودخانه های امازون و اورنیکو آبیاری می‌کند، قرار دارد. در میان این جنگل ها قبابل سرخ پوست زندگی دارند. در حالی که بیشتر باشندگان کلمبیا در دره های سرسبز شرقی به سر می برند.

## تولیدات:

شمار بسیار مردم آن به کشاورزی اشتغال دارند. تولیدات عمدهء کشاورزی این کشور را قهوه، برنج، جواری، نیشکر، پنبه و کیله تشکیل می دهد. کلمبیا از نگاه منابع معدنی نیز غنی بوده ذخایر نفت و گاز، طلا، مس، سرب، زغال، آهن، نکل، نمک و... در آن وجود دارد. ۹۰٪ زمرد جهان از همین کشور به دست می‌آید. در

کلمبیا صنایع ماشینی مانند نساجی مواد پروسس شده، چرم، آهن و فولاد، سمنت و مواد کیمیایی پیشرفت کرده است.

جهانگردان بسیاری از سراسر جهان همه ساله برای دیدن مناظر زیبای پیرامون رود آمازون به این کشور می آیند.

**صادرات:** صادرات کلمبیا عبارت است از قهوه که ۵۰٪ صادرات کشور را می‌سازد، نفت، پنبه، تنباکو، شکر و پارچه های نساجی.

**واردات:** واردات کشور عبارت است از فلزات، فرآورده های فلزی، وسایل حمل و نقل و مانند آن.

**تاریخچه:**

در کلمبیا پنج هزار سال پیش از مسیح، سرخ پوستان بود و باش داشتند. در سال های ۱۵۳۰ اسپانیوی ها فرمانروایی سرخپوستان را از میان بردند و در عوض آن تسلط شان را بر این کشور برای سه صد سال دوام دادند. کلمبیا در سال ۱۸۱۹ م به عنوان یک کشور مستقل شناخته شد.

**روابط سیاسی با افغانستان:**

در مقر نمایندگی دایمی جمهوری کلمبیا در شهر نیویارک سوم اگوست سال ۱۹۹۰ سفیر و نمایندهء دایمی افغانستان در سازمان ملل- نور احمد نور و نمایندهء دایمی جمهوری کلمبیا انریکو پینولسا در رابطه به تأسیس روابط دیپلماتیک و با علاقمندی به توسعهء پیوندهای دوستی و همکاری سودمند میان مردمان دو کشور در پای اعلامیه مشترک امضاء نموده، روابط دیپلماتیک را به سطح سفیران غیر مقیم تأسیس نمودند.

سفارت افغانستان در هاوانا و سفارت کلمبیا در دهلی به‌ترتیب از کشور های‌شان نمایندگی می نمودند. حکومت کلمبیا به تاریخ ۱۷ جولای سال ۱۹۹۰ از طریق نمایندگی دایمی افغانستان در سازمان ملل در نیویارک از هیات افغانستان دعوت به عمل آورد تا در مراسم آغاز کار رییس‌جمهور جدید آن کشور که به تاریخ ۷ اگوست همان سال در پایتخت آن کشور برگزار گردید، اشتراک نماید.

آژانس خبر رسانی سینهوا چین به تاریخ ۱۱ دسامبر سال ۱۹۸۴ مطلبی را زیر عنوان اعلام هفتهء همبستگی کشور کلمبیا با جنبش مقاومت افغان به چاپ رسانید. به قول آژانس سینهوا در طی این هفته، ده ها هزار تن از شهروندان بوگاتا و دیگر شهر ها به شمول شمار زیادی از فعالان احزاب سیاسی، اعضای کانگرس، شخصیت های فرهنگی و مطبوعاتی به جاده ها ریخته، در حالی که با مردم افغانستان ابراز همبستگی می نمودند، در برابر تجاوز شوروی پیشین احتجاج نمودند. رویهمرفته رویداد شایان توجهی در روابط دوسویه میان دو کشور به عمل نیامده و تنها در برگیرندهء دیدار های نمایندگان دو کشور در محافل بین‌المللی و مبادلهء پیام ها به مناسبت های مختلف است.

# مکسیکو (مکزیک) (Mexico)

- نفوس: ۱۰۶,۴ میلیون(UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: شهر مکسیکو
- مساحت: ۱,۹۶ میلیون کیلومترمربع
- زبان: اسپانیولی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۰ سال مردان، ۷۶سال زنان(UN)
- واحد پولی: ۱ پیسو= ۱۰۰ سنتافس
- صادرات: تجهیزات نقلیه و ماشینی، غذا، حیوانات زنده، روغن،
- درآمد سرانه: ۶،۲۳۰ دالر امریکایی( بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: mx
- رمز تیلیفونی: ۵۲+
- رییس جمهور: ویسینت فاکس(Fidel Fox)
- -وزیرخارجه: لویس امستودربیز (Luis Emesto Derbez)

**مشخصات و موقعیت جغرافیایی:**

مکسیکو در جنوب ایالات متحده امریکا و در شمال گواتیمالا در امریکای مرکزی در کرانه های خلیج مکسیکو و اقیانوس آرام موقعیت دارد. مکسیکو یک کشور کوهستانی است که دارای دو سلسله کوه بسیار مشهور به نام های سیرامدیرای خاوری در کرانه های خلیج مکسیکو و سیرامدیرای باختری در کرانه های اقیانوس آرام است. این سلسله کوه از سمت شمال باختری به سوی جنوب خاوری امتداد می‌یابد و در جنوب شهر مکسیکو با هم یکجا می شوند.

درین دو سلسله کوه، سطح مرتفع خشک موقعیت دارد به سوی جنوب ارتفاع آن افزایش می‌یابد. به صورت عموم در حدود ۴۵ درصد ساحه‌این کشور از سرزمین های خشک متشکل می باشد. مکسیکو در مناطق ساحلی دارای اقلیم گرم و مرطوب، در مناطق داخلی گرم و خشک و در ارتفاعات دارای آب و هوای گوارا می باشد.

کشور فدرال مکسیکو دارای ۱۹۷۲۵۴۷ کیلومتر مربع وسعت است. در سال ۱۹۸۹ دارای ۸۸۰۸۷۰۰۰ نفر نفوس بود که همه پیرو آیین کاتولیک بوده به زبآن های اسپانوی و محلی سخن می زنند.

حکومت مکسیکو برای سال های پیهم با مردم بومی خویش به رهبری سب کموندانتی مارکوس در ایالت چیاپاس درگیر جنگ و خشونت بود که شورشیان بومی تبار و فادار به مارکوس سال گذشته پس از سال ها خشونت، سرانجام با مقامات حکومتی آن کشور پس از توافق روی شرایط صلح، مصالحه نمودند.

مردم مکسیکو از نگاه نژادی ۶۰ درصد از نژاد مختلط یا سرخ و سفید، ۲۹ درصد سرخپوست و۹٪ سفید پوست‌اند.

مکسیکو دارای منابع سرشار کشاورزی و معدنی است. بیشتر مردم آن در کشاورزی، پرورش حیوانات و ماهیگیری مصروفیت دارند.

پنبه، قهوه، نیشکر، سبزیجات و جواری فرآورده های عمدهء کشاورزی آن را تشکیل می دهد. این کشور از نگاه منابع معدنی نیز دارای اهمیت بوده، ذخایر بزرگ نقره، سرب، جست، طلا، نفت و گاز طبیعی را داراست. به ویژه تولید نفت در اقتصاد این کشور نقش اساسی را دارا است. در سال های اخیر صنعت ماشینی چون آهن و فولاد، مواد کیمیایی، وسایل برقی، نساجی، رابر، نفت و توریزم(جهانگردی) نیز درین کشور پیشرفت کرده است.

مکسیکو نفت، سلفر، پنبه، شکر و قهوه را صادر و ماشین آلات، وسایل حمل ونقل و کالای مصرفی را وارد می‌نماید.

جمهوری مکسیکو دارای یک منطقهء فدرال و ۳۱ ایالت می باشد. پایتخت این کشور شهر مکسیکو است که در سال ۲۰۰۲ نفوس آن به ۲۵ میلیون نفر می رسید. شهر های دیگر آن عبارت‌اند از گوادلاجارا(با سه میلیون جمعیت) و مونتیری.

واحد پولی مکسیکو پیزو است.

در حدود ۹۲ درصد مردم آن باسواد هستند.

**پس منظر تاریخی:**

پیش از سرازیر شدن سفیدپوستان در مکسیکو، قبایل گوناگون سرخپوست چون مایا، تولیتک و ازتک ها بود و باش داشتند. آن ها تمدن بزرگی را درین ناحیه به وجود آورده بودند و با کشاورزی آشنایی داشتند.

هرم های بسیاری را ساختند و تقویم‌شان را نیز به وجود آوردند. بار نخست در سال ۱۵۱۷ سفیدپوستان اروپایی برای جستجوی ثروت داخل این کشور شدند و در سال های بین ۱۵۱۹ و ۱۵۲۱ این امپراتوری(ازتک ها) را از میان بردند. این گونه اسپانیولی ها برای سه صد سال بر این کشور حکومت کردند.

پس از مبارزات طولانی مردم در سال ۱۸۲۱ استقلال مکسیکو به رسمیت شناخته شد.

**روابط سیاسی با افغانستان:**

روابط دیپلماتیک میان دو کشور به تاریخ ۲۸ جون ۱۹۶۱ در سطح سفارت کبرای غیر مقیم برقرار شد. سفارت افغانی در واشنگتن ممثلیت دیپلماتیک کشور را در مکسیکو و سفارت مکسیکو به‌ترتیب در دهلی این مسوولیت را به دوش داشتند.

سفارت مکسیکو در دهلی به تاریخ ۲۲ میزان سال ۱۳۴۹ از یک هیأت افغانی برای اشتراک در مراسم گشایش دورهء رییس‌جمهور آن کشور دعوت نمود که بنا به پاره‌یی معاذیر، از گسیل نمایندهء افغانی در آن مراسم طی یک یادداشت رسمی عنوانی آن سفارت معذرت خواسته شد. ولی به تاریخ اول دسامبر ۱۹۷۶ سفیر افغانی در واشنگتن آقای عبدالله ملکیار به حیث نماینده خاص افغانستان در مراسم آغاز دورهء ریاست‌جمهوری داکتر هوزی لویز پورتیلو در شهر مکسیکو اشتراک نمود.

دو طرف افزون بر از تماس های دوسویه در مجامع بین‌المللی، مبادلهء پیام ها، مواد اطلاعاتی و گاهی مبادله هیأت ها در عرصه های اقتصادی، تجارتی و فرهنگی پیوسته تلاش نمودند تا امکانات جدید را برای تحکیم بیشتر روابط دوسویه مورد ارزیابی قرار دهند. مگر این تلاش ها در نتیجهء کودتای هفت ثور و در پی آن تجاوز شوروی به افغانستان به ناکامی انجامید.

در سال های حضور سپاهیان شوروی در افغانستان، مکسیکو با حکومت کابل رابطه‌یی نداشت، مگر با آن هم، از هرگونه اظهار نظر رسمي بر ضد آن خوداری می نمود. تنها با حضور نیروهای خارجی در افغانستان با دادن رای مثبت به قطعنامه های سازمان ملل مخالفت نمود.

افغانستان به تاریخ ۱۹ حمل سال ۱۳۶۶ کوشید تا دامنهء روابط خود را با شماری از کشور های امریکای مرکزی به خصوص مکسیکو گسترش دهد. به سفارت های افغانی در دهلی نو، واشنگتن و هاوانا هدایت داده شد تا با ایجاد روابط نزدیک وتماس های دوامدار با سفارت های کشور مکسیکو، علاقمندی جانب افغانی را به صورت مستقیم برای بهبود روابط و ارتقاء مناسبات دوسویه به آن کشور ابراز نمایند. با توجه به فقدان مدارک لازم به نظر می رسد این تلاش ها دستاورد های شایان توجهی نداشته است.

## ارژنتاین(Argentina)

- نفوس: ۳۹,۳ میلیون(UN)
- پایتخت: بونس ایریس(Buenos Aires)
- مساحت: ۲,۸ میلیون کیلومترمربع
- زبان: اسپانیولی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۱ سال مردان، ۷۸ سال زنان(UN)
- واحدپولی: ۱ پیسو= ۱۰۰ سنتاف
- صادرات: غذا و حیوانات ، ماشین آلات،مواد معدنی، غله
- درآمد سرانه: ۳،۶۵۰ دالر امریکایی(بانک جهانی، ۲۰۰۳ )
- نشان انترنتی: ar .
- رمز تیلیفونی: ۵۴+
- رییس جمهور: نستر کیچنر(Nestor Kirchner)
- نائب رییس جمهور: دانیال اوسوالدو سیولی(Daniel Osvaldo Scioli)
- -وزیر خارجه: رافایل بیلسا(Rafael Bielsa)

## موقعیت جغرافیایی:

ارژنتاین در نوامبر ۱۸۱۰ استقلال خود را از اسپانیا به دست آورد. کشوری است دارای مساحت ۲۷۶۶۸۸۹ کیلومتر مربع که در نیمکرهء جنوبی در امریکا جنوبی موقعیت دارد و از نگاه وسعت خاک پس از ایالات متحده امریکا، کانادا و برازیل چ هارمین کشور این قاره است.

ارژنتاین از شمال با برازیل، پارگوای و پولویا، از خاور به اقیانوس اتلس و اوروگوی، از باختر و جنوب به چیلی محدود گردیده است که بیشتر مرزهای آن را با کشور های همسایه به غیر از بولویا، مرز های طبیعی(کوه ها، دریا(بحیره) ها و رود ها) می‌سازد.

کشور ارژنتاین دارای نفوس بیش از ۳۷۳۸۴۸۱۶ نفر است که از این برای بیست و پنجمین کشور جهان می باشد. پایتخت این کشور شهر بوینس آیرس است که از نگاه بزرگی دهمین شهر جهان به شمار می‌رود. ۹۵٪ مردم ارژنتاین با سواد بوده و زبان رسمی کشور اسپانیایی یا اصطلاحاً کاستاژانو است. آیین اکثریت مردم ارژنتاین مسیحی(کاتولیک) است که در عین حال آیین رسمی کشور نیز است. همچنان پیروان مذاهب دیگر چون اسلام و یهودیت نیز در این کشور زندگی می کنند.

آب و هوای ارژنتاین به دلیل نزدیکی به خط استوا در شمال و قطب جنوب بسیار متغیر است که این عامل سبب شده است تا تابستان آن بسیار گرم و زمستان آن بسیار سرد باشد.

ارژنتاین کشوری است دارای منابع سرشار و دست ناخورده، اما بحران اقتصادی سال های اخیر مانع عمده در راه رشد اقتصادی آن کشور به شمار می‌رود. به همین دلیل، دولت ارژنتاین درین اواخر ساماندهی اقتصادی را روی دست گرفته است

که تا اندازه‌یی موثر واقع گردیده است. واحد پولی ارژنتاین پیسو است که صد پیسو برابر با یک دالر امریکایی می گردد.

**نظام سیاسی:**

نظام سیاسی کشور بر پایه قانون اساسی۱۸۵۳، جمهوری فدرال مرکب از ۲۳ ایالت متشکل از سه قوهء مقننه، اجرایی و قضایی است.

رییس‌جمهور که در رأس هر سه قوا قرار دارد، یکجا با معاونانش برای مدت چهارسال، به گونهء مستقیم با رای مردم گزیده می شوند. رییس‌جمهور فرماندهء کل قوا بوده، وزیران کابینه را خود تعیین می‌کند. همچنان به عنوان مرجع با صلاحیت ممثل سیاست خارجی، تعیین سران نمایندگی های سیاسی در خارج و پذیرش استوار نامه‌ءسفیران کشور های دیگر و عقد معاهدات با دول دیگر از صلاحیت های وی می باشد.

قوهء مقننه در ارژنتاین مرکب از دو مجلس- مجلس نمایندگان و سنا است که تعداد آن ها بستگی به میزان نفوس کشور دارد. این دو مجلس کنون دارای ۳۰۵ نماینده است که از این میان ۲۵۷ نماینده به مجلس نمایندگان اختصاص دارد و اعضای آن برای یک دوره چهار ساله گزیده می شوند. مجلس سنا دارای ۴۸ عضو است که از هر ایالت دو سناتور در آن انتخاب می شوند دورهء کار سناتور ها ۹ سال است که هر سه سال، یک سوم آن ها تجدید می گردد.

قوه قضایی که در رأس آن دادگاه عالی قرار دارد، متشکل از ۹ قاضی عالی است که به پیشنهاد رییس‌جمهور و تصویب مجلس سنا منصوب می شوند. این دادگاه بر دادگاه های پایینتر که به دو دستهء جزایی و حقوقی تقسیم شده اند، نظارت دارد.

نحوهء شکلگیری قدرت و ادارهء سیاسی در تاریخ ارژنتاین همواره در زمان حکومت نظامیان با کودتا ها و در زمان غیر نظامی آن از کشمکش و رقابت های سیاسی میان احزاب و جناح های سیاسی مختلف تاثیر پذیرفته است. در میان احزاب سیاسی دو حزب رادیکال و پرونیست به عنوان دو حزب اصلی کشور در کسب قدرت سیاسی نقش عمده دارند. با آن که احزاب دیگری چون حزب سوسیالیست، حزب کمونیست و اتحادیه های مرکزی دمکراتیک نیز وجود دارند.

## روابط و سیاست خارجی:

تا رویکار آمدن دولت کارلوس منم در ۱۹۸۹ سیاست خارجی ارژنتاین همواره بر پایهء همزیستی مسالمت آمیز و داشتن روابط حسنه با کشور های جهان سوم استوار بود و این روند در مورد کشور های امریکا لاتین با توجه به تلاش های این کشور به بازی نمودن نقش رهبری در منطقه اولویت ویژه داشت. لیکن عوامل گوناگون باعث شد تا این خط مشی در رابطه با کشور های غربی در رأس آن ها ایالات متحده امریکا تغییر یابد، زیرا در دوره ریاست‌جمهوری منم چرخش ها و دگرگونی هایی ژرفی در مبانی سیاست خارجی ارژنتاین رونما شد که سبب نزدیکی بیش از پیش آن کشور با کشورهای قدرتمند صنعتی جهان به ویژه امریکا و دوری جستن از کشورهای مختلف همتراز و جهان سوم شد.

گیدودتیلا- وزیر خارجه ارژنتاین در مصاحبه‌یی در سپتامبر ۱۹۹۱ به طور بی سابقه و باور نکردنی خطاب به کشور های جهان سوم اعلام داشت: "جهان سومی بودن نوعی مازوخیست بودن به شمار می‌رود و ارژنتاین تلاش دارد تا به جهان اول بپیوندد، زیرا جهان دوم حذف شده و ماهیت جهان سوم نیز یکسره دگرگون گردیده است. "

اندکی پس از اعلام مواضع نسبتاً تند از سوی مقامات ارژنتاین، در سپتامبر ۱۹۹۱ این کشور خروج خود را از نهضت عدم تعهد اعلام داشت که سرفصل جدیدی در سیاست خارجی آن پدید آورد. هرچند که این اقدام در آن هنگام از سوی مقامات مذکور به بهانهء تغییر نظام دو قطبی و زیر سوال رفتن فلسفهء وجودی نامتعهدها توجیه شد، مگر هدف اصلی در نزدیکی با کشور های جهان اول بود که باعث شد تا امروز ارژنتاین در مقایسه با کشور های جهان سوم اولویت را در سیاست خارجی خود به معدود کشور های قدرتمند در رأس آن ها ایالات متحده امریکا دهد.

ناگفته نماند که سیاست و روابط خارجی ارژنتاین نیز مانند کشور های دیگر همواره از عوامل داخلی آن متاثر است که در رأس آن بحران اقتصادی کشور، نفوذ جناح ها و گروه های سیاسی مختلف به ویژه صهیونیزم حاکم در این کشور نقش اصلی را دارند.

ارژنتاین عضویت کلیه سازمان های بین‌المللی را داشته و از همان آغاز کوشیده است تا درین سازمان ها به ویژه سازمان ملل و سازمان کشور های امریکایی نقش مؤثری را بازی نماید.

## روابط سیاسی میان افغانستان و ارژنتاین:

روابط سیاسی میان دو کشور با موافقت دو کشور در جون ۱۹۶۰ به طور غیر مقیم ایجاد گردید که درآن زمان محمد هاشم میوندوال- سفیر کبیر افغانی در واشنگتن اعتماد نامهء خود را به عنوان نخستین وزیر مختار غیر مقیم افغانی در ارژنتاین به رییس‌جمهور وقت این کشور تقدیم کرد و از سوی ارژنتاین سفیر مقیم آن کشور در تهران اعتماد نامهء خویش را به عنوان وزیر مختار غیر مقیم در افغانستان به شاه افغانستان تقدیم نمود.

پسان ها افغانستان با پیشنهاد حکومت ارژنتاین مبنی بر این که نمایندگی های دو کشور به سطح سفارت کبرا ارتقا یابد، موافقت نمود و به تاریخ ۱۱ جوزا ۱۳۴۳ برابر با اول جون ۱۹۶۴ اعلامیهء مشترکی در کابل و بوینوس آیرس انتشار یافت و مناسبات در سطح سفیران غیرمقیم ارتقا کرد که آقای داکتر عبدالمجید - سفیر افغانی در واشنگتن و آقای فریره سواهی - سفیر ارژنتاین در تهران به عنوان نخستین سفیران غیر مقیم میان دو کشور تقدیم اعتماد نامه نمودند.

در سال های ۱۹۶۶ - ۱۹۸۷ مناسبات دو کشور با رکود روبرو بود.

در۱۹۷۹ پیام شادباشی از سوی نور محمدتره کی- رییس رژیم وقت به مناسبت سال نو میلادی عنوانی رییس‌جمهور ارژنتاین فرستاده شد که متقابلاً پاسخ امتنانیه دریافت گردید.

در دسامبر ۱۹۸۳ هیأت بلندپایهء افغانی به دعوت سوی ارژنتاین برای اشتراک در مراسم تفویض مقام ریاست‌جمهوری به راول از این کشور بازدید نمود. این بازدید زمینهء فعال‌سازی و برپایی روابط میان دو کشور شد، اما پیگیری نگردید. در دسامبر ۱۹۸۵ وزیر خارجه ارژنتاین با ارسال نامه‌یی عنوانی شاه محمد دوست - وزیر امور خارجهء وقت افغانستان مراتب سپاسگزاری خویش را به خاطر پشتیبانی حکومت وقت افغانستان از قطعنامه ۲۱/۴۰ چهلمین اسامبله عمومی سازمان ملل ابراز نمود.

از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۱ روابط میان دو کشور کاملاً با رکود روبرو گردید و هیچگونه مناسباتی میان دو کشور وجود نداشت. با ایجاد ادارهء موقت در دسامبر ۲۰۰۱ که بیشتر کشورهای جهان روابط‌شان را با افغانستان دوباره برقرار نمودند، از سوی کشور ارژنتاین هیچگونه علاقه‌یی مبنی به ازسرگیری روابط میان دو کشور نشان داده نشد. با آن که در روز ملی آن کشور به تاریخ ۹ جولای پیام تبریکیه یی از سوی رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان و وزیر امورخارجه افغانستان عنوانی رییس‌جمهور و وزیر خارجه آن کشور ارسال شد که کاملاً یکسویه بوده و از آن تاریخ تا اکنون از سوی ارژنتاین هیچ پیامی به ارتباط مناسبات مختلف دریافت نگردیده است.

## اتریش (آستریا) (Austria)

- نفوس: ۸,۱ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: ویانا (Vienna)
- مساحت: ۸۳۸۷۱ کیلومترمربع
- زبان: جرمنی(دوچ)
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۵ سال مردان، ۸۱ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ یورو= ۱۰۰ سنت
- صادرات: ماشین آلات، فلز، کاغذ، منسوجات، غذا، حیوانات اهلی
- درآمد سرانه: ۲۶،۷۲۰ دالرامریکای (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: at.
- رمز تیلیفونی:۴۳+

- رییس جمهور: هینز فیشر (Heinz Fischer)
- صدراعظم(چانسلر): وُلفگنگ اسچوسل (Wolfgang Schuessel)
- وزیر خارجه: یورُسلا پلاسنیک (Ursula Plassnik)

نیروی کار: ۳. ۷ میلیون از جمله ۶۸٪ در خدمات، ۲۹٪ در صنایع و م هارت ها و ۳٪ در کشاورزی و جنگلداری مصروف‌اند.(آمار ۱۹۹۹)

شریکان عمده تجاری: اتحادیه اروپا، سویس، ایالات متحده و مجارستان.

## تاریخچه:

جمهوری اتریش در نوامبر ۱۹۱۸ پس از فروپاشی امپراتوری اتریش- هنگری به وجود آمد. در ماه مارچ ۱۹۳۸ نیرو های آلمان فاشیستی اتریش را اشغال کردند. در اپریل ۱۹۴۵ ویانا و بخش چشمگیر اتریش به تصرف اردوی شوروی پیشین درآمد. از ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۵ در اتریش رژیم اشغالی اعمال می‌شد. اتریش به زون های اشغالی شوروی پیشین، امریکا، انگلیس و فرانسه تقسیم گردیده بود.

در ماه می ۱۹۵۵ نمایندگان شوروی، ایالات متحده، فرانسه و انگلستان در ویانا معاهدهء دولتی در مورد استقرار اتریش مستقل و دموکراتیک را امضاء کردند.

پارلمان اتریش در اکتبر ۱۹۵۵ قانون بیطرفی دایمی کشور را تصویب نمود. تعهدات اتریش مطابق معاهدهء دولتی و وضعیت بیطرفی دایمی پذیرفته شده از سوی این کشور در اساس سیاست خارجی آن قرار دارد. اتریش جمهوری فدراتیف، متشکل از ۹ ولایت است. ویانا نیز با حقوق ولایت در آن شامل می باشد. ولایات دارای قانون اساسی، پارلمان و حکومات خود اند. رییس‌جمهور فدرال که از سوی مردم برای شش سال برگزیده می شود، رییس دولت می باشد. ارگان عالی قانونگذاری- پارلمان – متشکل از دو مجلس: شورای ملی و شورای فدرال است. نمایندگان شورای فدرال را لندتاگ ها (پارلمان های ولایات) تعیین می‌کنند.

**احزاب سیاسی:**

- حزب سوسیالیست اتریش: در سال ۱۹۴۵ تأسیس شد و در میان کارگران، کارمندان و سرمایه داران کوچک دارای نفوذ است. سیاست رفرمیستی دارد و خواهان همکاری اجتماعی کارگران و کارفرمایان می باشد.

- حزب مردم اتریش: در سال ۱۹۴۵ بنیاد گذاشته شده است. از سرمایه داران بزرگ و زمینداران نمایندگی می‌کند و با محافل کاتولیک بسیار نزدیک است.

- حزب لیبرال اتریش: در سال ۱۹۵۵ تأسیس شده و بخش سرمایه داری کوچک و متوسط را متحد می‌سازد و به آلمان فدرال تمایل دارد.

- حزب کمونیست: در سال ۱۹۱۸ تأسیس گردیده است.

**روابط با افغانستان:**

به تاریخ ۷ اپریل ۱۹۵۰ روابط میان دو کشور(افغانستان و اتریش) به سطح قونسلی ایجاد گردید و در سال ۱۳۳۰ به وزارت مختاری و سپس در سال ۱۳۳۱ به سطح سفارت غیر مقیم ارتقاء یافت.

در آغاز سفارت افغانی در بن از سال ۱۹۷۲ سفارت افغانی در پاریس و سپس سفارت افغانستان در بلگراد امور مربوطه را به صورت غیرمقیم اجرا می نمودند.

در سال ۱۳۶۶ سفارت افغانستان در ویانا به صورت مقیم گشایش یافت. این سفارت در دفتر سازمان ملل متحد در ویانا نیز از افغانستان نمایندگی می‌کند.

– بازدید داکتر عبدالله – وزیر امورخارجه به اتریش در حاشیه بازدیدشان به هالند به تاریخ ۱۴ /۹/ ۱۳۸۲

- سکرتر اول سفارت افغانستان در اتریش با آقای پیتر شتورر- مسوول امور افغانستان در وزارت خارجه اتریش دیدار نمود. در جریان این دیدار اشاره گردید که:

- چون افغانستان یکی از کشورهای کمترین توسعه یافته در جهان است و در جریان سال های جنگ به ویرانه مبدل گردیده است، با درک این مطلب که اتریش در مورد رشد اقتصادی شماری از کشورهای کمتر توسعه یافته برنامه های درازمدت و همکاری های اقتصادی دارد و آن ها را در فهرست اولویت های خویش قرار داده است، از این رو، افغانستان آرزومند است تا شامل این فهرست گردد و از همکاری های اقتصادی اتریش بهره مند شود.

- کشور اتریش در گذشته درعرصه های مختلف فرهنگی به لیسه موزیک در کابل با گسیل استادان و تهیه وسایل تدریسی همکاری نزدیک داشت و همچنان بر بازسازی تیاتر "کابل ننداری" نیز تاکید به عمل آمد.

## آلمان (Germany)

- نفوس: ۸۲٫۵ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: برلین (Berlin)
- مساحت: ۳۵۷،۰۲۷ کیلومترمربع
- زبان: جرمنی ( دویچ)
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۵ سال مردان، ۸۱ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ یورو= ۱۰۰ سنت
- صادرات: وسایط نقلیه، ماشین آلات، فلزباب، دارو
- درآمد سرانه: ۲۵،۲۵۰ دالرامریکایی (۲۰۰۳)
- نشانی انترنتی: de.
- رمز تیلیفونی: ۴۹+
- رییس جمهور: هارست کوهلر (Horst Koehler)
- صدراعظم(چانسلَر): گر هارد شرودِر (Gerhard Schroeder)
- وزیر خارجه: یوشکا فیشر (Joschka Fischer)

**موقعیت جغرافیایی:**

کشور آلمان در نیمکرهء شمالی و در اروپای مرکزی میان مدار ۴۸ تا ۵۵ درجهء عرض شمالی و نصف النهار ۶ تا ۱۵ درجه طول شرقی واقع شده است. طول آلمان از شمال تا جنوب ۸۷۶ کیلومتر و پهنای آن از شرق تا غرب ۵۴۰ کیلومتر می باشد.

**حدود و مساحت:**

آلمان محدود است: از شمال- به بحیره(دریای) بالتیک، دانمارک، دریای شمال، و از غرب- به هالند، بلجیم، لوکزامبورگ، فرانسه، و از جنوب- به سویس، اتریش و از شرق - به چک و پولند.

مساحت آلمان ۳۵۶ هزار و ۹۷۴ کیلومتر مربع است و ازین نگاه در جهان در ردیف ۶۱ قرار دارد. از مساحت آلمان ۳۴۹ هزار کیلومتر مربع خاک و ۸ هزار کیلومتر مربع آب است. سطح این کشور پوشیده است از:

- مناطق کشاورزی و چمنزار ۱۹۵ هزار کیلومتر مربع(۵۴. ۷٪ سرزمین آلمان).
- جنگل ۱۰۴ هزار کیلومتر مربع(۲۹. ۲٪ سرزمین آلمان)
- مناطق مسکونی و ساختمان ۲۱ هزار کیلومتر مربع(۵. ۸٪ سرزمین)
- جاده و شاهراه های بزرگ ۱۶ هزار کیلومتر مربع(۴. ۶٪ سرزمین)
- دریاچه و رودخانه ۸ هزار کیلومتر مربع(۲. ۲٪ سرزمین)
- مناطق صنعتی و تجاری و بندر ها ۲ هزار کیلومتر مربع(۰. ۷٪ سرزمین)
- مناطق ییلاقی و گردشگاهی ۲ هزار کیلومتر مربع(۰. ۷٪ سرزمین)

آلمان با ۹ کشور دارای مرز مشترک است و ازین نگاه در میان کشور های اروپایی بیشترین تعداد همسایه را دارد. طول مرز های زمینی آلمان ۳۷۵۸ کیلومتر و بدین قرار است:

- دنمارک ۶۷ کیلومتر در شمال
- هالند ۵۶۷ کیلومتر در شمال باختری و باختر
- بلجیم ۱۵۶ کیلومتر در باختر
- لوکزامبورگ ۱۳۵ کیلومتر در باختر
- فرانسه ۴۴۸ کیلومتر در باختر
- سویس ۳۱۶ کیلومتر در جنوب
- اتریش ۸۱۶ کیلومتر در جنوب
- چک ۸۱۱ کیلومتر در خاور
- پولند(لهستان) ۴۴۲ کیلومتر در خاور

**جغرافیایی طبیعی:**

شمال کشور دشت، مرکز آن تپه دار و جنوب آن کوهستانی و دارای عوارض طبیعی است. فلات باواریا در جنوب باختری واقع است که بلندی آن به طور میانگین ازتراز دریا ۴۸۸ متر است. اما در کوه های زوگس پیتنزه بلندی آن به ۲۹۶۳ متر می رسد.

رودخانه های قابل کشتیرانی آن عبارت است از:

- دانوب که از جنگل سیاه سرچشمه می گیرد و در سر تا سر شرق باواریا جریان دارد و به اتریش می ریزد.

- رود راین که از سویس سرچشمه می گیرد و از هالند می گذرد و با دو کانال به دریای شمال متصل گردیده است و با کشتی های کوچک قابل کشتیرانی است. رود راین و آلب به دریای شمال می ریزد.

- رود وسر که به سوی دریای شمال جاری است.

- رود ماین و موسل که هر دو از شاخابه های رود راین و دارای اهمیت‌اند.

اراضی پست آلمان غربی از هالند تا آلمان شرقی در شمال و نواحی بلند، از ۲۱ درجه فارن هایت در منطقهء کوهستانی در زمستان و ریزش باران سالانه از ۲۰ تا ۷۸ انچ در دره ها و در تابستان به ۶۷ درجه فارن هایت می رسد.

## جا های دیدنی:

آلپ ها، جنگل سیاه، کوه های هارز، تپه های وس، رود های دانوب و راین، هایدلبرگ، برمن، بایویوت، برشت گادن، خانهء گوته در فرانکفورت، موزیم ملی آلمان در نورنبورگ، باغ های گیاهشناسی و باغ گل ها در هامبورگ، کلیسای جامع کلن، تخت و تاج شارلمانی در آخن، شهر قرون وسطایی پاسایو.

در برلین: دیوار میان دو برلین، گرونوالد هانتینگ لوژ Loudge کلیسای یاد بود قیصر و یلهلم، هانساکوارتر، موزیم داهلم.

## حکومت:

در ۲۳ می ۱۹۴۹ قانون اساسی آلمان غربی بر پایهء حکومت آلمان فدرال و پارلماتی دموکراسی تدوین گردید. پارلمان شامل دو مجلس است: مجلس اعلی(بوندس تاگ Bundestag) و مجلس سفلی(بوندس رات Bundesrat) که با رأی عمومی چهار ساله انتخاب می شوند.

رییس‌جمهور را مجلس قانونگذاری برای دوره‌ء پنج ساله تعیین می‌نماید. اما بوندس رات به تنهایی صدر اعظم را تعیین می‌نماید.

**احزاب مهم سیاسی:** حزب دموکرات مسیحی، اتحاد سوسیال مسیحی، حزب سوسیال دموکرات مسیحی و حزب دموکراتیک لیبرال.

مکلنبورگ، براندنبورگ، لوساتیا، ساکسونی و تورنجیا در برگیرنده‌ء آلمان شرقی‌اند. ارتش سرخ شوروی این پنج منطقه را در ۱۹۴۵ از جنگ نازی ها خارج و تصرف کرد. در تقسیم سال ۱۹۴۵ مناطق پنجگانه‌ء فوق به شوروی اختصاص یافت. نیروهای روسیه کشوری را به نام آلمان شرقی به شیوه‌ء یک حزبی(اتحاد سوسیالیست- کمونیست) تأسیس کردند.

کارخانه هایی که بر اثر جنگ به گونه‌ء وحشیانه ویران شده بود، بازسازی گردید. همزمان با اتحاد جمهوری فدرال آلمان، در ناحیه‌ء کنونی آلمان غربی، حکومت آلمان شرقی بر پایه‌ء حکومت مرکزی، قانون اساسی خود را به تاریخ هفتم اکتبر ۱۹۴۹ بر اساس جمهوری دموکراتیک برای اجراء، تدوین و تصویب پیشکش نمود.

با این که روسیه‌ء شوروی آلمان شرقی را از یک ناحیه‌ء اشغال خارج کرد، با این هم شماری از نیروهای روسیه در آلمان شرقی ماندگار شدند. غربی ها با سرو صدای بسیار خواستار خروج کامل ارتش سرخ از آلمان شرقی و به رسمیت شناختن خودمختاری شدند، ولی آلمان شرقی در اردوگاه شرق باقی ماند.

در ۱۹۵۳ با این که حکومت از نظامیان به غیر نظامیان انتقال یافت، سختگیری و موانع آزادی های سیاسی بطور کامل در برلین شرقی و دیگر شهر ها لغو نشد و گاه و بیگاه درگیری هایی در آلمان شرقی پدید آمد.

آلمان شرقی در ۱۹۵۵ به رهبری والتر اولبریخت به پیمان نظامی دفاعی وارسا پیوست. به سال ۱۹۶۰ اقتصاد کشور رو به بهبود نهاد. در اپریل ۱۹۶۸ تغییراتی در قانون اساسی کشور صورت گرفت و روزنه هایی از آزادی های فردی و اجتماعی پدیدار گردید. تا سال ۱۹۷۰ میان دو آلمان برخورد های لفظی و سیاسی فراوانی بروز کرد؛ اما درین سال دو آلمان گفتگوهای خود را بر پایهء به رسمیت شناختن یکدیگر و ارتباط های سیاسی و اقتصادی آغاز کردند. در ۱۹۷۱ بار دیگر قراردادی میان دو آلمان به امضاء رسید. در ۱۹۷۴ در قانون اساسی آلمان شرقی تغییراتی به منظور برپایی روابط بیشتر با آلمان غربی صورت گرفت و در چهارم سپتامبر همین سال رفتار خصمانهء دو آلمان تقریباً پایان گرفت.

در جولای ۱۹۷۸ موافقت آلمان شرقی افزایش یافت تاجایی که درین تاریخ کارتر - رییس‌جمهور ایالات متحده امریکا از برلین غربی دیدار کرد و از راه اتوبان آلمان شرقی وارد برلین غربی گردید.(برلین غربی کلاً در منطقهء آلمان شرقی قرار دارد و دیواری برلین غربی را درمیان گرفته است) در ۱۹۷۷ اتوبان میان برلین غربی و آلمان غربی را آلمان شرقی بست که مایهء اعتراض ایالات متحده امریکا، فرانسه و انگلستان گردید.

سختگیری هایی صدراعظم و رییس شورای دولتی آلمان شرقی- اریخ هونیکر در برای آزادی های فردی، شاید از بیم آشوب های پولند در ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ بوده باشد، زیرا این کشور مرزهای خود را با پولند زیر مراقبت بیشتر درآورد. در حالی که مدت ده سال بود که مرز های این دو کشور تقریباً به روی هم باز بود. به گونه‌یی که پنج میلیون پولندی در ظرف یکسال از آلمان شرقی دیدار و کالا های مصرفی ارزان از آلمان خریداری می‌کردند.

در فبروری ۱۹۸۱ هونیکر با شگفتی بسیار ناظران به شانزدهمین کنگرهء حزب کمونیست تاخت و تسهیلات مرزی زیادی برای مبادلات و رفت و آمد ها برای آلمان غربی فراهم ساخت.

در ۱۹۶۱ ناگهان شب هنگام، شهر برلین غربی با دیوار کانگریتی بوسیلهء آلمان شرقی محصور گشت.

پس از به پایان رسیدن دوران صدارت آدنایر، کورت جورج کی زینگر در ۱۹۶۶ به مقام صدارت عظمی دست یافت. در سال ۱۹۶۹ ویلی برانت شهردار برلین غربی به مقام صدارت عظمی نایل آمد.

در ۱۹۶۸ والتر اولبریخت- رهبر آلمان شرقی موافقتنامه های اصولی چندی با آلمان غربی به امضاء رسانید. در ۱۹۷۴ ویلی برانت- صدراعظم با گام های بلندی که در راه نزدیک ساختن دو آلمان و تحکیم روابط حسنه و صلح آمیز میان آن دو به عمل آورد، به دریافت جایزهء صلح نوبل موفق شد. او در همین سال به دلیل وارد آمدن اتهام جاسوسی به یکی از وزیرانش، ناگزیر به کناره گیری از مقام صدارت عظمی‌شده و یکی از اعضای کابینهء وی- هلموت اشمیت از حزب سوسیال دموکرات به مقام صدارت عظمی نایل گشت.

در ۱۹۷۴ دو آلمان یکدیگر را به رسمیت شناختند و نمایندگان سیاسی برای یکدیگر فرستادند. چون در ۱۹۷۶ با ائتلاف دموکرات های آزاد و سوسیال دمکرات ها پیروزی به دست آوردند، هلمت اشمیث در مقام صدارت عظمی باقی ماند. در ۱۹۷۹ پس از والتر شل -کارل کارشتنس به مقام ریاست‌جمهوری رسید.

در ۱۹۸۱ هلمت اشمیث با استقرار موشک های اتمی ایالات متحده امریکا در آلمان غربی موافقت کرد. در نتیجه تظاهرات عظیمی در برابر این تصمیم برپا گشت.

هلموت شمیث با ماجراجویی های تسلیحاتی و دیگر اقداماتی که کرد در انتخابات ۱۹۸۲ موفقیت به دست نیاورد و به جای وی هلموت کول به مقام صدارت عظمی رسید. در ۱۹۸۴ ریچارد فن وایزسکر به ریاست‌جمهوری آلمان غربی دست یافت.

انتخابات پارلمانی در جمهوری فدرال آلمان در هر چهار سال یکبار صورت می گیرد و مردم آلمان با رأی آزاد به تعداد ۶۰۴ تن اعضای پارلمان بوندس تاگ خود را انتخاب می نمایند. سیزدهمین دورهء انتخابات آلمان به روز یکشنبه مؤرخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۲ صورت گرفت. ۶۱، ۵ میلیون نفر از باشندگان کشور حق رأی دارند که از جمله ۷۷٪ درین انتخابات شرکت نمودند.

شمار احزاب سیاسی آلمان به ۲۸ حزب می رسد، بر پایهء قانون انتخابات آلمان تنها احزابی که بیشتر از ۵٪ آراء را به دست آورند، به پارلمان داخل شده می توانند.

تعداد آرای احزابی که در انتخابات امسال برنده شدند، قرار زیر است:

- سوسیال دموکرات ها۳۸,۵
- احزاب متحد سوسیال مسیحی ۳۸,۵
- حزب سبز ها ۸ ۶٪
- لیبرال ها ۷. ۴٪
- چپی های سوسیالیست با انتخابات دو عضو آن شامل پارلمان گردید.

در اثر این انتخابات، حزب سوسیال دموکرات در ائتلاف با حزب سبز ها از ۶۰۴ کرسی مجموعاً ۳۰۳ کرسی پارلمان را به دست آوردند. در حالی که احزاب متحد سوسیالیستی در ائتلاف باحزب سوسیال مسحی ۲۹۹ کرسی را در پارلمان به دست آورد.

ائتلاف بر سر اقتدار با به دست آوردن یک اکثریت ضعیف، برای چهار سال دیگر تحت صدارت گر هارد شرودر زمام حکومت فدرال آلمان را در اختیار دارد.

در ترکیب حکومت کنونی یوشکا فیشر Jscska Fischr که از محبوب‌ترین چهره های سیاسی آلمان است، به عنوان وزیر خارجه تعیین گردیده است.

## پایتخت و شهرها:

پایتخت آلمان برلین است. این شهر مرکز ایالت برلین نیز است که از اهمیت تاریخی، فرهنگی و اقتصادی بسیاری برخوردار است. شهر برلین در سال ۱۷۰۱ به وسیلهء فردریک بزرگ- شاه پروس به عنوان پایتخت آن دولت انتخاب گردید.

برلین از تاریخ ۳۱ اگوست ۱۹۹۰ که عهدنامهء وحدت میان دو آلمان به امضاء رسید، بار دیگر پایتخت کشور گردید. پارلمان آلمان نیز برلین را به عنوان پایتخت کشور انتخاب کرد و حکومت آلمان تصمیم گرفت تا در تابستان ۱۹۹۹ انتقال پارلمان و ادارات دولتی از بن به برلین انجام شود. وزارتخانه های مهم مانند، وزارت امور خارجه، دفاع و مالیه به برلین منتقل شدند، ولی هنوز چند وزارتخانه در بن باقی مانده است.

این شهر که زادگاه کنراد ادناور- نخستین صدراعظم آلمان بود، در سال ۱۹۴۹ به عنوان پایتخت موقت جمهوری فدرال تعیین گردید.

## شهر ها و بندر های مهم:

طبق تعریف کنفرانس بین‌المللی ارقام در سال ۱۸۸۷ شهر های بزرگ- شهر هایی‌اند که حد اقل یکصد هزار نفر باشنده دارند. درین جدول از شهرهایی یادآوری می گردد که بنابر دلایل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارای اهمیت اند.

| شهر | شمار باشندگان | اهمیت |
|---|---|---|
| برلین | ۳٫۵ میلیون | پایتخت و مرکز صنعت، تجارت و فرهنگ |
| هامبورگ | ۱٫۷ میلیون | بزرگترین بندرآلمان، مرکز تجارت |
| مونشن(مونیخ) | ۱٫۳ میلیون | مرکز ایالت بایرن، شهر صنعتی و علمی |
| کلن | ۹۶۳ هزار | شهر تاریخی، فرهنگی و صنعتی |
| فرانکفورت | ۶۶۰ هزار | مرکز بازار بورس آلمان و بانک ها، سومین میدان هوایی اروپا |
| اسن | ۶۲۰ هزار | مرکز صنایع فولاد و منابع زغالسنگ |
| دورتموند | ۶۰۰هزار | مرکز صنعتی و کارگری، فولادسازی و معدن |
| اشتوتگارت | ۵۹۵هزار | مرکز ایالت بادن ورتمبرگ، موترسازی |
| دوسلدورف | ۵۷۵هزار | مرکز ایالت نوردراین، و وستفالن، شهر نمایشگاه ها |

| | | |
|---|---|---|
| برمن | ۵۵۰هزار | مرکز ایالت برمن، شهر صنعتی و تجاری |
| دویسبورگ | ۵۳۷ هزار | شهر صنعتی، معدنی وتجاری |
| هانور | ۵۲۵هزار | مرکز ایالت نیدرساکسن، شهر نمایشگاه ها |
| نورنبورگ | ۴۹۹هزار | شهر تاریخی، فرهنگی، مرکز نازی ها و محل محکمه عدالت بین‌المللی |
| لایپزیگ | ۴۹۰هزار | مرکز صنایع کیمیایی، شهر تاریخی و فرهنگی، شهر انقلاب |
| درسدن | ۴۸۰ هزار | مرکز ایالت ساکسن، شهر تاریخی، فرهنگی و صنعتی |
| بن | ۳۰۰هزار | مرکز پیشین حکومت فدرال، تاریخی و فرهنگی |
| کمنیتس | ۲۸۰ هزار | شهر صنعتی و تجاری |
| کارلسروهه | ۲۷۸ هزار | مرکز اتمی، مقر دادگاه قانون اساسی و دادستانی فدرال |

| | | |
|---|---|---|
| ویسبادن | ۲۷۸ هزار | مرکز ایالت هسن، پایگاه امریکا در آلمان |
| کیل | ۲۷۰ هزار | بندر بزرگ، مرکز ایالت شلسویگ هلشتاین |
| هایدلبرگ | ۲۵۰ هزار | شهر علمی و مرکز صنایع چوب |
| پوتسدام | ۱۴۰ هزار | مرکز ایالت براندنبورگ، تاریخی و فرهنگی |
| برمر هافن | ۱۳۹ هزار | بندر بزرگ و مرکز تجاری و کشتی‌سازی |

## جغرافیای انسانی:

آلمان پر جمعیت‌ترین کشور عضو اتحادیه اروپا است. نفوس کنونی آلمان برپایه‌ءسرشماری سال ۲۰۰۲ (۸۳۲۵۱۸۵۱) نفر است که در ردیف دوازدهمین کشور پرجمعیت جهان قرار دارد. از جمعیت آلمان ۴۰,۰۹۱ میلیون نفر مرد و ۴۲,۷۹ میلیون نفر زن هستند. شمار افراد متاهل ۴۰ میلیون نفر، مجرد ۳۲ میلیون نفر و جدا شده از همسران ۱۱ میلیون نفر است. جمعیت بخش غربی آلمان ۶۷ میلیون نفر و جمعیت بخش شرقی آن ۱۶ میلیون نفر است.

جمعیت نسبی آلمان ۲۳۰ نفر در هر کیلومتر مربع است. در پراگندگی جمعیت دو عامل دارای اهمیت است:

عامل اول سیاسی است و آن این که حدود ۱۳ میلیون نفر از گریزیان و آوارگان اروپای شرقی و ایالت های پیشین کشور مانند پروس شرقی در ماه های پایان جنگ جهانی دوم از مقابل ارتش سرخ گریختند و در بخش غرب آلمان مستقر شدند.

جرمن ها اقوامی از مردم اروپا بودند که در سویدن، ناروی، آلمان، اتریش، آیسلند و دنمارک بودو باش داشتند، تا این که در سدهء هفتم پیش از میلاد منشعب شدند و به بخش های جنوبی آلمان، شرق و غرب سرازیر شدند. آنچه به خوبی ازین قوم در طول تاریخ نام برده شده، مربوط به سدهء اول پیش از میلاد است و آن برخورد با رومیان است. آنچه در بارهء جرمن ها ازین عهد می دانیم، آنست که جرمن ها درین عصر جنگجو و نیمه وحشی بودند. همان گونه که گفتیم یکبار در سدهء هفتم پیش از میلاد جرمن ها انشعاب یافتند، سپس در سدهء دوم یا سوم میلادی بار دیگر منشعب شدند. اقوام آلمان در آنوقت عبارت بودند از: فرانک ها، لمبار ها، آنگلوساکسون ها و ویزیگوت ها.

نخستین ادبیات آلمان به وسیلهء اقوام اسکاندیناوی و آیسلند پدید آمد. در سده های قدیم و وسطی جرمن ها به اقوام و شاخه های دیگری تقسیم شدند. با این حال در سال های ۱۰۱ تا ۱۰۵ پیش از میلاد، سه بار سپاهیان رومی را شکست دادند، اما در سال ۱۰۲ شکست خوردند. در آتیه گاه پیروزی و زمانی شکست نصیب ایشان می‌شد. تا این که در سدهء چهارم و پنجم میلادی باز به روم حمله نموده و زمین های شرق رودخانهء آلب را به تصرف درآوردند. چندی پس فرانک ها دیگر اقوام آلمان را مطیع خود کردند و امپراتوری بزرگی در اروپا پدید آوردند. ایشان در سدهء هفتم و هشتم به آیین حضرت مسیح گرویدند.

در سال ۸۴۳ میلادی بخش شرقی امپراتوری فرانک ها محل آلمان کنونی زیر نفوذ(لویی) آلمان درآمده و امپراتوری قرون وسطایی آلمان به وجود آمد. پس از آن، در دوران حکومت(اتوی اول)آلمان قدرتی به هم رسانید تا جایی که در سده‌ء یازدهم یکی از دول مقتدر گیتی به شمار می آمد.

در میان سال های ۱۱۳۸ و ۱۲۵۴ میان قدرت کلیسا و امپراتوری آلمان بر سر بسط نفوذ و قدرت کلیسا اختلاف به وجود آمد که(فردریک دوم) از هواداران پاپ شکست خورد و آلمان به صورت شهر های آزاد درآمد که اساس امپراتوری آن سخت سست شده بود.

پس از جنگ های سی ساله(۱۶۱۸-۱۶۴۸) قدرت پادشاهان آلمان کم و محدود شد تا جایی که تنها نامی برای ایشان باقی ماند و قدرت در دست فیودال ها قرار گرفت. درین احوال اتریش و پروس به رقابت برخاستند تا این که ناپلیون اول در ۱۸۰۶ برای چندیَ به این رقابت ها پایان داد. پس از کشمکش ها و درگیری های فراوان و جنگ میان پروسی ها و اتریشی ها و فرانسوی ها سرانجام وحدت کشور به وسیله‌ء بیسمارک و امپراتور(ویلهلم) در ۱۸۷۱ تامین گردید.

از سال ۱۸۷۱ رایش دوم آلمان را در راه‌ترقی و وحدت سوق داد. به گونه‌یی که چنان از نگاه صنعتی و نظامی پیشرفت کرد که خطرات جدیی برای همسایگان آفرید. سرانجام طبع سرکش ویلهلم و علل دیگر، آتش جنگ جهانی اول را بر افروخت تا این که در سال ۱۹۱۸ آلمان شکست خورد و ویلهلم از کار افتاد و در سال ۱۹۱۹ جمهوری به وجود آمد و این تا حدی پیشرفت هایی نصیب آلمان ساخت. اما بحران عمومی سال ۱۹۲۹ آلمان را به ورشکستگی نزدیک کرد تا این که هیتلر و یارانش با تزویر، حیله و تبلیغ در ۱۹۳۲ قدرت را قبضه و آلمان را بار دیگر به یک ماشین جنگی تبدیل کردند.

از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ هیتلری ها بنای تجاوز را گذاشتند و به دست‌اندازی در کشور های همسایه پرداختند. حکومت خودکامه دیکتاتوری در سراسر آلمان ریشه دوانید و آلمان به صورت انبار اسلحه درآمد تا این که در سال ۱۹۳۹ آتش جنگ را برافروخت، اما سرانجام پس از تحمل مصایب فراوان آلمان در سال ۱۹۴۵ شکست خورد.

جمهوری فدرال آلمان همچون یک دولت پس از جنگ جهانی دوم به تاریخ ۱۹۴۹/۹/۷ در میان مرز های زون های اشغال ایالات متحده، انگلستان و فرانسه ایجاد گردید. پس از شکست قطعی آلمان نازی اداره‌ء این کشور میان فاتحان نبرد(فرماندهان نیروهای شوروی در هشتم ماه می ۱۹۴۵ وارد برلین شدند و پس از آن نیروهای فرانسوی، انگلیسی و امریکایی وارد برلین گردیدند.)

شوروی، فرانسه، انگلستان و ایالات متحده امریکا در پنجم جون همین سال کشور را تقسیم نمودند. شورای اداره و کنترول حکومت د فاکتو **Defacto** آلمان تشکیل گردید. در کنفرانس برلین یا پوتسدام ۱۷ جولای تا دوم اگوست همین سال(ترومن) رییس‌جمهور ایالات متحده امریکا، استالین- رهبر شوروی، کلمنت اتلی- صدراعظم انگلستان تشکیل شورای کنترول آلمان را ارائه کردند.

در سراسر خاک آلمان خلع سلاح لازم الاجراء اعلام گشت. کارخانه های ویران شده بازسازی گردید تا خسارات جنگی فاتحان پرداخته شود و همهء آن ها زیر نظارت فاتحان قرار گرفت. سه فاتح جنگ پیشنهاد بی قید و شرط تسلیم آلمان را پذیرفتند و پیشنهاد های صلح از سوی متفقان مورد پذیرش قرار گرفت. همچنان این پیشنهاد ها از سوی رهبران پس از جنگ آلمان نیز قرار گرفت. شهر کالنینگراد(کونیسبرگ)و مناطق پیرامون آن به روسیه و شرق خط اودرنیسه به پولند واگذار گردید.

اداره‌ء آلمان پس از قرارداد صلح به چهار فرمانده نظامی چهار دولت فاتح سپرده شد. نیروهای غربی با روسیه برای الحاق بخش اشغال آلمان به وسیله‌ء نیروهای ارتش سرخ موافقت نکرد و مسأله به شورای امنیت محول گردید. روسیه پیشنهاد غرب را ویتو کرد و در بیستم مارچ ۱۹۴۸ از شورای چهار سویه‌ء فاتحان خارج گردید. درین احوال ایالات متحده امریکا و انگلستان شورای سه سویه‌یی را در ۳۱ ماه می برای اداره‌ء بخش باختری آلمان تشکیل دادند.

روسیه، سرانجام ناگهانی به دور برلین در نیمه های شب دیوار کشید و دیگر رفت و آمد از راه زمینی برای کسانی که به برلین غربی رفت و آمد داشتند، ناممکن و تنها از راه هوا امکان پذیر شد و شهر نیمه‌ء غربی برلین با ۶۰۰۰۰۰ نفر باشندگانش در محاصره قرار گرفت. آلمان فدرال در۲۳ می ۱۹۴۹ پایتخت خود را به بن منتقل کرد. در انتخابات پارلمانی حزب دموکراتیک مسیحی پیروزی به دست آورد و کنراد آدنایر به مقام صدارت عظمی رسیده و تئودور هس از سوی دموکرات های آزاد به عنوان نخستین رییس‌جمهور پس از جنگ جهانی دوم برگزیده شد.

آلمان فدرال نخست به عضویت اتحادیه‌ء اروپایی زغالسنگ و فولاد و در پی آن به عضویت بازار مشترک اروپا درآمد. در ۱۹۵۰ برلین غربی دارای قانون اساسی خاص و مجلس قانونگذاری گردید.

به موجب قرارداد سال ۱۹۵۴ پاریس، آلمان فدرال به استقلال کامل رسید و دوران سلطه‌ء نظامی ایالات متحده امریکا، انگلستان و فرانسه در پنجم ماه می ۱۹۵۵ پایان یافت و به موجب همین پیمان ایتالیا و آلمان غربی پس از امضای معاهده‌ء بروکسل که در ۱۹۴۸ سازمان یافته بود، وارد اردوگاه کشور های اروپایی شدند که پسان ها اتحادیه‌ء اروپا نامیده شد. آلمان غربی عضویت سازمان ناتو را نیز به دست آورد. در ۱۹۵۵ روسیه آلمان غربی را به رسمیت شناخت. در اول جنوری ۱۹۵۷ آلمان غربی

با فرانسه روابط اقتصادی برقرار کرد. در ۱۹۶۳ صدراعظم آدنایر قرارداد مودت، دوستی و همکاری بیشتر اقتصادی با فرانسه بست.

وحدت آلمان به تاریخ سوم اکتبر ۱۹۹۱ صورت گرفت. پایتخت جمهوری اتحادی شهر بن بود، اما پارلمان در جلسهء مورخ ۲۰ جون ۱۹۹۱ خویش با ۳۷۷ رأی موافق و ۳۲۰ رأی مخالف فیصله نمود که پایتخت از بن به برلین انتقال یابد.

**مناسبات افغانستان و آلمان:**

رشته های بیساری افغانستان را با آلمان پیوند می دهد، که اساس این پیوند در سال ۱۹۱۶ با بازدید یک هیأت آلمانی به رهبری نیدر مایر به کابل در زمان امیر حبیب الله خان گذاشته شد.

در سال ۱۹۲۰ مناسبات سیاسی میان افغانستان و آلمان برقرار گردید. این علایق پس از حصول کامل استقلال کشور به ویژه پس از بازدید امان الله خان به آن کشور، استحکام خود را در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تجاری کسب کرد.

هنگامی که آلمان درگیر جنگ جهانی دوم بود، افغانستان سیاست بیسویانهء خود را در قبال جنگ دوم جهانی حفظ نمود که اتخاذ این سیاست نقطهء عطفی در دوستی میان افغانستان و آلمان به شمار می‌رود. در سال ۱۹۲۳ انجمن افغان –آلمان در کشور ایجاد گردیده و در ۱۹۲۴ لیسهء امانی با مساعدت کشور آلمان افتتاح گردید و در پهلوی آن شماری از انجنیران آلمانی برای اعمار ابنیه از کشور بازدید نمودند.

در ۱۹۲۶برابر با ۱۳۱۵ معاهدهء دوستی میان حکومات افغانستان –آلمان به امضاء رسید.

پس از سقوط حکومت شاه امان الله، علایق جمهوری فدرال آلمان به سردی گرایید و در سال ۱۹۳۰ با اعلان اقتصاد آزاد توسط مجید زابلی، همکاری آن کشور دوباره جلب گردید که در پرتو آن هیأت کمپنی زیمنس از کشور بازدید نموده و پسان ها

آمد و رفت متخصصان آلمانی در رشته های گوناگونه به کشور ادامه یافت. ایجاد نمایندگی بانک ملی افغانستان در آلمان در همین آوان صورت گرفته.

در جریان جنگ دوم جهانی هیأت های آلمانی کشور را ترک گفتند.

مرحلهء سوم دوستی افغانستان – آلمان در ۱۹۴۸ آغاز گردید و مناسبات دیپلماتیک با آلمان در ۱۹۵۴ به سطح نمایندگی های سیاسی تأمین گردید. و این روابط در سال ۱۹۵۸ به سویهء سفارت کبرا ارتقاء نمود. همکاری های آلمان پیش از ۱۹۶۱ بیشتر جنبهء فنی داشت ولی پس ها همکاری های انکشافی را نیز در بر گرفته است.

در سال ۱۹۲۶ معاهدهء دوستی میان افغانستان و آلمان به امضاء رسید. پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل دولت جدید جمهوری فدرال آلمان، دولت افغانستان، آلمان غرب را به رسمیت شناخت و با آن مناسبات سیاسی قایم نمود.

در سال ۱۹۶۰ برابر با ۱۳۳۹ داکتر ار هارد - وزیر اقتصاد آلمان غرب (پسان ها - صدراعظم آن کشور) از کشور بازدید رسمی و دوستانه نمود. در سال ۱۹۶۱ برابر با ۱۳۴۰ محمد داوود خان- صدراعظم وقت افغانستان از جمهوری آلمان بازدید رسمی و دوستانه نمود. پس از بازدید محمدظاهر- شاه پیشین، به جمهوری اتحادی آلمان در سال ۱۹۶۲ برابر با ۱۳۴۲، رییس‌جمهور اتحادی آلمان در مارچ ۱۹۶۷ برابر با حوت ۱۳۴۵ از افغانستان بازدید دوستانه نموده و در ۱۳۶۶ صدراعظم آن کشور- آقای داکتر کسینجر نیز از افغانستان دیدن کرد. همچنان در سال ۱۳۴۲ وزیر تلیفون و تلگراف آلمان فدرال از کابل بازدید نمود و در ماه ثور ۱۳۴۸ وزیر مخابرات افغانستان از جمهوری اتحادی آلمان بازدید نمود.

در سنبلهء ۱۳۵۱ برابر با ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۲ داکتر عبدالظاهر- صدراعظم وقت به دعوت ویلی برانت- صدراعظم جمهوری فدرال آلمان از آن کشور بازدید رسمی کرد. همچنان در ماه ثور ۱۳۵۲ برابر با می ۱۹۷۳، نعمت الله پژواک- وزیر داخلهء وقت از جمهوری فدرال آلمان بازدید کرد.

جمهوری فدرال آلمان به تاریخ ۱۶ ثور ۱۳۵۷ دولت وقت افغانستان را به رسمیت شناخته و مناسبات عادی میان دو کشور ادامه یافت. پس از ۱۹۸۰ و اشغال افغانستان از سوی ارتش سرخ روابط میان حکومت وقت افغانستان و جمهوری فدرال آلمان به سردی گرایید. هنگامی که به سفارت افغانستان در برلین حمله شد، این عمل با بی تفاوتی مقامات آلمانی رو به رو گردید.

پس از اشغال افغانستان توسط شوروی، سازمان های زیر به ابتکار مجاهدان در آلمان ایجاد گردید:

- سازمان همکاری برای افغانستان
- دفتر اطلاعاتی مجاهدان در بن
- انجمن افغان- آلمان برای مجاهدان
- انجمن افغان- آلمان برای پناهگزینان
- مراکز فرهنگی افغان ها در بن، فرانکفورت و مونشن
- انجمن حمایهء حقوق بشر و کرامت انسانی

رهبران جهادی زیردر دوران جهاد، بنا به دعوت مقامات آلمانی به آن کشور بازدید نمودند:

- برهان الدین ربانی دو بار از آلمان دیدن نموده و در بازدید دوم با اشتراوس- رهبر حزب سوسیال مسیحی و رییس ایالت بایرن دیدار نمود.

- مولوی محمد یونس خالص سه بار از آلمان بازدید نموده، در بازدید اول با البرشت صدراعظم ایالتی ام-کی معاون فراکسیون حزب سوسیال دموکرات آلمان در پارلمان و در بازدید سوم با فرانس جوزف اشتراوس دیدار نمود.

- حضرت صبغت الله مجددی دو بار از آلمان بازدید نموده و در بازدید دوم در پارلمان آن کشور صحبت نمود.

- گلبدین حکمتیار دو بار از جمهوری آلمان دیدن نموده و با وان ول- معین وزارت امور خارجهء وقت و ویلی برانت- رییس حزب سوسیال دموکرات آلمان دیدار نمود.

- پیرسید احمدگیلانی سه بار از آن کشور بازدید نموده و افزون از دیدار با فرانس جوزف اشتراوس در پارلمان آن کشور نیز سخنرانی نمود.

**مناسبات اقتصادی:**

کمک‌های آلمان فدرال به افغانستان بر پایهء موافقتنامهء همکاری اقتصادی و فنی سال ۱۹۵۸ که در سال ۱۹۶۵ تعدیل گردید، صورت می‌گرفت. مساعدت آن کشور به افغانستان تا سال ۱۳۵۶ به ۲۴۹ میلیون مارک می رسید.

نخستین جلسهء کمیسیون مشترک افغان- آلمان در ماه می ۱۹۷۷ در کابل برگزار شد و در نتیجه موافقتنامهء مساعدت ۲۰ میلیون مارک میان دو سوی امضاء گردید.

جلسهء دوم کمیسیون مشترک افغان- آلمان در ماه اکتبر ۱۹۷۸ در بن برگزار گردید. درین کمیسیون پروژه های جدید زیر مورد تأیید قرار گرفت:

- پروژهء مرحلهء اول توسعهء رادیو افغانستان
- پروژهء مرحلهء اول شبکهء چهارم برق کابل و اطراف آن
- پروژهء پایه‌سازی
- پروژهء آبیاری
- تهیهء سامان آلات و لوازم فالتو برای دستگاه برق ماهیپر و دیگر تأسیسات انرژی
- تهیهء تجهیزات انستیتوت کیمیا به منظور ترجمهء آثار علمی.
- پروژهء انکشاف پکتیا
- توسعهء پروژهء کلنیک دندان کابل و تأسیس فاکولتهء طب دندان و مراکز صحی دندان در روستا ها
- مرکز تریننگ کارمندان نساجی، مکاتب حرفه‌یی و رادیو افغانستان.
- استفاده از انرژی آفتاب در فابریکهء پایه‌سازی کانگریتی به صورت تجربی
- اعطای ۲۳ اسکالر شیپ و ۵۴ فیلو شیپ در سال ۱۹۸۰
- ادامهء کار رضاء کاران آلمانی در افغانستان
- پروژهء آبیاری علی آباد

آلمان از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۶ برای اجرای پلان پنجساله ۳ میلیون مارک مساعدت نموده بود.

برای دومین پلان انکشافی سال ۱۹۶۱ چهار میلیون مارک مساعدت نموده بود.

برای سومین پلان انکشافی سال های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۶(۲۳. ۲ میلیون مارک) مساعدت نموده است.

همچنان تصدی افغان‌ترکانی، فابریکهٔ نساجی قندهار و فابریکهٔ پشمینه بافی پلچرخی در ۱۹۶۱ به کمک آلمان احداث گردیده است.

لیسه های میخانیکی کابل و قندهار در سال ۱۹۵۷ و لیسهٔ صنایع در سال ۱۹۵۸ با سرمایه گذاری کشور آلمان احداث گردیده است. در سال ۱۹۵۶ آلمان با آکادمی پولیس در بخش آموزش افسران افغانی قراردادی را به امضاء رسانید. شرکت های هوخست، هوختیف و زیمنس نیز در همین آوان به فعالیت های خویش آغاز نموده است.

**کمک های فرهنگی:**

در سال ۱۹۶۷ پس از سوختن لیسهٔ امانی، سنگ تهداب این لیسه توسط ویلی برانت - صدراعظم وقت آلمان گذاشته شد.

در سال ۱۹۶۱ قرارداد توأمیت فاکولتهٔ اقتصاد دانشگاه کابل با یونورستی کلن آلمان به امضاء رسید. که براساس آن در سال ۱۹۶۱ شماری از محصلان افغانی عازم آلمان گردیده و در سال ۱۹۶۶ دو باره به میهن بازگشتند.

افزون بر این، قرارداد توأمیت فاکولته های علوم و ادبیات یونورستی کابل در سال ۱۹۶۶ به امضاء رسید که مصارف آن سالانهء آن به دو میلیون مارک بالغ می گردید.

## چهارچوب مناسبات سیاسی:

جمهوری فدرال المان پس از واژگونی حکومت طالبان، برای استقرار امن و ثبات در افغانستان ابتکار عمل را به دست گرفته و طرف های درگیر در قضیهء افغانستان را به سوی گفتگو و حل و فصل مسالمت آمیز معضلهء افغانستان دعوت کرد. همان بود که در شهر پیترزبورگ بن آلمان نمایندگان احزاب مختلف افغانستان دور هم آمدند که منجر به فیصله‌یی شد که بر مبنای آن باید در کشور حکومت موقتی برای مدت شش ماه تشکیل گردد و پس از سپری شدن شش ماه لویه جرگهء اضطراری برگزار و در پرتو این لویه جرگه حکومت انتقالی طرح ریزی گردد و پس از هژده ماه یعنی پایان کار حکومت انتقالی لویهء جرگهء دیگر برگزار و در روشنی آن انتخابات سراسری براه بیفتد.

## مساعدت های فنی:

هم اکنون مؤسسات زیر آلمان در چهارچوب خدمات توسعه و بازسازی کشور سرگرم فعالیت‌اند:

- German Agency for tcchnical cooperation-GTZ
- Kreditanstalt fur Wiederaufbau- KFW
- Technisches hilfswerk- THW
- DED
- Fridrich Nauman Stitung
- Kunrad Adenauer Stiftung

در مورد آرزومندی کمپنی (SPEIKER MANN) آلمان برای کاوش های معدنی با وزارت معادن و صنایع تماس گرفته شده است.

در مورد اختصاص مبلغ ۶.۵ میلیون یورو از سوی حکومت آلمان برای افغانستان در برنامه های آموزشی، بهداشتی و آبیاری شهری که از جمله مبلغ ۲.۵ میلیون یورو برای برنامه آموزشی و ۲ میلیون یورو برای برنامه آبیاری شهری با وزارت های مورد نظر تماس حاصل گردیده و موافقه وزارت های مورد نظر طی یادداشت رسمی به سفارت کبرای آلمان در کابل ابلاغ گردیده است.

در مورد تصمیم وزارت معادن و صنایع مبنی بر فروش یک مقدار لاجورد بدون سورت از طریق سفارت افغانستان در برلین با مراجع مورد نظر تماس حاصل گردیده است.

به اساس تقاضای وزارت آب و برق برای تمدید لین برق به ولایت لغمان و احیای تجهیزات نیروگاه های برق در جاهایی که در گذشته از سوی کمپنی زیمنس آلمان ایجاد شده بود، با سفارت افغانی در برلین تماس گرفته شده است که پس از تماس مقامات مربوط آلمان وعدهء هر گونه همکاری را در مورد ابراز نموده است.

ارایه پیام موسسه ساختمانی (SPEIKER MANN) آلمان مبنی بر ساختمان میدان های هوایی، احداث و ترمیم سرک و استفاده از معادن به وزارت های فواید عامه، بازسازی، معادن و صنایع و هوانوردی ملکی و توریزم.

در مورد شرکت ( ILSE MANN UNTERNERHMENSBETATUNG) مبنی بر اعمار یک هوتل پنج ستاره در شهر کابل با وزارت های بازسازی، هوانوردی ملکی و توریزم و پلان تماس حاصل گردیده است.

**مساعدت های مالی :**

حکومت آلمان در سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ به افغانستان مبلغ ۲۳۰ میلیون دالر مساعدت نمود.

همچنان حکومت فدرال آلمان از مبالغی که بین سال های ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۹ به افغانستان بطور قرضه مساعدت نموده بود، انصراف کرده است.

حکومت آلمان مبالغ چشمگیر قابل پرداخت زیر را به تاریخ اول می ۲۰۰۲ صد درصد به حکومت افغانستان واگذار شد. این مبالغ که به ( ۳۴، ۳۸۹، ۳۵۷. ۱۴ ) یورو بالغ می گردد اعطای قرضه یی است که در نتیجهء توافقات برای مساعدت های مالی به حکومت افغانستان توسط آلمان بین سال های ۱۹۶۲ و ۱۹۷۹ در بخش های زیر صورت گرفته بود:

۱. موافقتنامه ء قرضه ۲۴ نوامبر ۱۹۶۴ نیروگاه برق ماهیپر.

۲. موافقتنامهء قرضه مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۷۵ نیروگاه برق ماهیپر.

۳. موافقتنامه ء قرضه مورخ ۲۶ اکتبر ۱۹۷۰ شبکهء شهری کابل.

۴. موافقتنامه ء قرضه مورخ ۹ اکتبر ۱۹۷۴ مساعدت کالا و جنس (II) .

۵. موافقتنامه ء قرضه مورخ ۳ دسامبر ۱۹۷۴ مساعدت کالا و جنس (III).

۶. موافقتنامه ء قرضه مورخ ۱ جون ۱۹۷۶ پروژه تیلی کمونیکشن.

۷. موافقتنامه ء قرضه مورخ ۱۸ مارچ ۱۹۷۶ تامین آب آشامیدنی.

۸ موافقتنامه ء قرضه مورخ ۱۰ می ۱۹۷۹ پروژه ء پایه سازی کابل.

پرداخت اجرت برای مبالغ تعهد شده موافقتنامه ها پس از اول می ۲۰۰۲ مطالبه نخواهد شد. مبالغ استفاده ناشده موافقتنامه قرضه یی که رقم مجموعی آن به ( ۶۹. ۴۷۶۰۴،۸) بالغ می گردد، به واگذاری تبدیل خواهد شد.

حکومت جمهوری فدرال آلمان به موسسه ( KFW ) صلاحیت داده که برای بازسازی افغانستان مبلغ ( ۸۹ ۵۵۰، ۷۸۵، ۴۱ ) یورو با افغانستان مساعدت مالی نماید این مساعدت مالی برای پروژه های زیر تخصیص یافته است :

| | |
|---|---|
| ۱- برنامه آموزش و پرورش | ۱۷. ۰۴۳، ۵۷۹، ۳، یورو |
| ۲- برنامه صحی | ۱۷. ۰۴۳، ۵۷۹، ۳، یورو |
| ۳- برنامه تامین برق | ۸۱ ۹۱۸، ۱۱۲، ۵ یورو |
| ۴- برنامه تهیه آب آشامیدنی | ۳۴. ۰۸۶، ۱۵۸، ۷ یورو |
| ۵- وجوه کارشناسان و مطالعات | ۴۱. ۴۵۹، ۵۵۶، ۲ یورو |
| ۶- بازسازی سرک های کابل | ۵۰۰، ۳، ۰۰۰ یورو |
| ۷- تهیه آب آشامیدنی در هرات | ۰۰۰، ۵۰۰، ۷ یورو |
| ۸- بازسازی استیشن مولد برق سروبی و ماهیپر | ۰۰۰، ۸۰۰، ۲ یورو |
| ۹- بازسازی شبکه تامین برق کابل | ۰۰۰، ۰۰۰، ۶ یورو |

ارقام مذکور در بین سال های ۱۹۶۲ و ۱۹۷۹ از سوی حکومت جمهوری فدرال آلمان به حکومت افغانستان تعهد شده ولی در مرحله اجراء در نیامده بود.

به منظور تسریع و مراقبت موثر همکاری آلمان برای بازسازی افغانستان و به تاسی از کنفرانس پیترزبورگ(بن) حکومت فدرال آلمان به(KFW) اجازه می دهد تا تطبیق و تفصیل پروژه های فوق را مستقیماً با وزارت های مربوطه افغانی مطرح و موافقه نماید.

حکومت فدرال آلمان برای موسسه دولتی(KFW) صلاحیت داده است تا در مورد مساعدت مالی بیست میلیون و پنجصد و سی ویک هزار و هفتصد و هفتاد و هفت یورو به افغانستان با مراجع ذیصلاح افغانی مفاهمه نماید. این مساعدت برنامه های آموزشی، بهداشتی، تهیه انرژی برق، ترمیم سرک های کابل، مساعدت های زمستانی و بازسازی نیروگاه های برق سروبی و ماهیپر را در بر می گیرد.

ا- ارایه یادداشت سفارت آلمان در کابل مبنی بر مساعدت حکومت آلمان با وزارت دفاع ملی کشور در عرصه ء اعطای وسایط نقلیه و ایجاد ورکشاپ ترمیم عراده جات.

- تماس با وزارت پلان برای راجستر موسسه دولتی آلمان ( Friedrich Naumann Stiftung).

- ارایه تصمیم (Control Union) مبنی بر همکاری این شرکت در بخش های تجارت به وزارت تجارت.

- تماس با وزارت های بازسازی، معادن و صنایع و هوانوردی ملکی و توریزم در مورد تصمیم موسسه ساختمانی ( Speiker Mann ) آلمان پیرامون ساختمانی میدان های هوایی ، احداث و ترمیم سرک و بهره برداری از معادن.۵- ارایه تصمیم کمپنی آلمان ( GMBH) به وزارت ترانسپورت.

این کمپنی آمادگی خود را برای همکاری های متقابل برای بازدید به افغانستان اظهار نموده است.

- تماس با وزارت تحصیلات عالی و مسلکی در مورد تصمیم پروفیسور (MARTIN WIENBECK) برای تدریس در انستیتوت طب کابل.

- در مورد ترمیم ماشین های طباعتی صدمه دیدهء وزارت اطلاعات و فرهنگ با سفارت افغانی در برلین تماس گرفته شده است.

- تماس با سفارت افغانی در برلین و سفارتکبرای آلمان در کابل در مورد عقد قرار داد هوایی میان آلمان و افغانستان به منظور تسهیل در امر پرواز های آریانا به اساس مطالبه وزارت هوانوردی ملکی و توریزم.

- برای آغاز دوباره فعالیت های شرکت سهامی هوخست افغانستان با سفارت افغانی در برلین تماس حاصل گردیده و سوی آلمان آمادگی خویش را در بازسازی این موسسه اظهار نموده است. شایان یاد آوریست که شرکت هوخست آلمان به شرکت داروسازی AVENTIS ادغام گردیده است.

## بازدیدهای هیات های دو کشور:

- بازدید نعمت الله شهرانی- معاون ریاست د.ا.ا.ا و هیات همراه از آلمان بنا بر دعوت انجمن کنراد ادنائر برای دیدار از مراجع عدلی و حقوقی آلمان و جلب همکاری های حقوقی و عدلی مراجع ذیصلاح آن کشور برای تسریع پروسه تسوید قانون اساسی افغانستان.

- بازدید وزیر امورخارجه آلمان- آقای یوشکا فیشر از کابل. وی هنگام بازدید ازکابل از سوی داکتر عبدالله - وزیر امورخارجه، آقای ناصر ضیاء سفیرکبیر افغانستان در برلین و نماینده خاص اتحادیه اروپا برای افغانستان و قوماندان (KMNB) نیروهای آلمانی حافظ صلح بین المللی مورد استقبال قرار گرفت.

وی نخست از مراکز نیروهای آلمانی مستقر در پلچرخی بازدید نموده، سپس با حامد کرزی - رییس د.ا.ا.ا و داکتر عبدالله- وزیر خارجه دیدار نمود.

در پی آن ، صحبت مشترکی داشتند با حامد کرزی و اعضای کابینه: وزیران امور خارجه، داخله، مالیه، معارف، بازسازی، امور زنان، و قاضی القضات.

آنگاه دیداری داشتند با محمدظاهر- بابای ملت و مارشال فهیم- وزیر دفاع ملی.

- در مورد حل معضله نمایندگی بانک ملی افغان در هامبورگ با مقامات بانک ملی افغان در کشور تماس حاصل گردیده است.

- در مورد بازسازی کارخانه های نساجی قندهار و گلبهار که از سوی یک کمپنی آلمانی امور مونتاژ آن صورت خواهد گرفت، با وزارت صنایع خفیفه و مواد غذایی تماس حاصل گردیده است.

- بازدید هیات وزارت مخابرات در ماه فبروری به دعوت کمپنی گلوبال

- **ترتیب برنامه دیدار رسمی هیات چهار نفری پارلمان آلمان ۱۳۸۱/۱۱/۸.**

- **دیدار رسمی وزیر دفاع هالند، وزیر دفاع آلمان، وزیر دفاع ترکیه تسلیم دهی قوماندانی ایساف ۱۳۸۱/۱۱/۲۱.**

- گسیل ۱۵ تن از دیپلومات های افغانی به کورس های دیپلوماسی

- دعوت از حامد کرزی از سوی صدراعظم آلمان در کنفرانس بین المللی برای انرژی های قابل تجدید که به تاریخ ۱-۴ جون ۲۰۰۴ در بن برگزار گردید.

- بازدید وزیر دفاع آلمان از کابل که از تاریخ ۹ تا ۱۱ فبروری ۲۰۰۳ به کابل صورت گرفت.

- بازدید داکتر عبدالله - وزیر امور خارجه و انور انورزی - مدیر دفتر چهارم سیاسی به آلمان و کشور هالند برای اشتراک در افتتاح دادگاه بین المللی جنایی

- پیشبرد موضوعات مربوط به مساعدت دو میلیون یورو از سوی کشور آلمان به وزارت تعلیم و تربیه و (۵،۲) میلیون یورو برای آب آشامیدنی شهر کابل، دومیلیون یورو برای صحت عامه.

- ترتیب و تنظیم برنامه وزیر دفاع آلمان و ۲۵ نفر هیات معیتی اش به تاریخ ۸۱/۵/۵

- بازدید حامد کرزی- رییس د.ا.ا.ا. برای اشتراک در دومین کنفرانس بن (آلمان) ۱۰/ ۱۱/ ۱۳۸۱.

- حمایت افغانستان از کاندید جمهوریت آلمان برای انتخاب مجدد در International civil service commission.

- گسیل هشت نفر از کارمندان وزارت امورخارجه با استفاده ازیک بورس تحصیلی کوتاهمدت به کشور آلمان.

- یکصد برنامه ترینگ کورس کشور آلمان به وزارت تحصیلات عالی و گسیل کاندیدان آن به آن کشور در سال ۱۳۸۱

- برای ۱۰ تن از استادان دیپارتمنت بیولوژی فاکولته ساینس دانشگاه کابل شامل برنامه یک ماه کشور آلمان از طریق ریاست قونسلی پاسپورت صدور یافته است.

- برای ۴ نفر از استادان دانشگاه کابل با استفاده از بورس های ساختمانی کشور آلمان از طریق ریاست قونسلی پاسپورت صدور یافته است.

- حمایت افغانستان ازکاندید جمهوری اتحادی آلمان برای عضویت در دیوان بین المللی عدالت.

- بازدید داکتر ایلیک لیون هارد - عضو پارلمان کشور آلمان، رییس انجمن پارلمانی و گزارشگر بودجه دفاعی پارلمان آن کشور به کابل (جولای ۲۰۰۳)،

- بازدید هیات هفت نفری آلمان به ریاست خانم کرستا نکلس ( اتحاد نود / سبز ها )، عضو پارلمان، رییس کمیته حقوق بشر و کمک های بشری در ماه اکتبر ۲۰۰۳.

- بازدید هیات بلندپایه وزارت خارجه آلمان به ریاست گرهارد شلادوف به کابل مورخ ۵ حوت ۱۳۸۲

- بازدید داکترجاشم ویرگو- نماینده خاص کشور آلمان در امور اصلاحات امنیتی به کابل مورخ ۲۷ میزان ۱۳۸۲

- بازدید خانم وفیروریک- وزیر همکاری های اقتصادی و انکشافی آلمان به کابل مورخ ۶ سنبله ۱۳۸۲

- بازدید آقای پیترشتروگ- وزیر دفاع کشور آلمان به کابل مورخ ۲۰ اسد ۱۳۸۲

- بازدید آقای جارج میل برت- صدراعظم ایالت تسکنی آلمان به کابل مورخ ۶ جوزا بازدید آقای فولکر ستیزل- رییس امورخارجه جمهوری فدرال آلمان به تاریخ ۲۲ /۳/ ۱۳۸۲ به کابل ۱۳۸۲

- بازدید مارشال فهیم- معاون اول ریاست دولت انتقالی اسلامی افغانستان و وزیر دفاع به جمهوری فدرال آلمان،

- دیدار وزیر امورخارجه آلمان - آقای یوشکا فیشر از ولایت کندز به تاریخ ۲۰ اپریل ۲۰۰۴ که در آنجا سپاهیان آلمانی در تیم های PRT مصروف فعالیت اند.

وی با حامد کرزی دیدار کرد که طی این دیدار از تعهد کشورش به ادامه همکاری های اقتصادی و حمایت از روند صلح در افغانستان تاکید کرد.

- برگزاری کنفرانس دوحه به منظور بازسازی پولیس افغانستان در شهر دوحه پایتخت کشور قطر به تاریخ ۱۸ تا ۱۹ می ۲۰۰۴. این کنفرانس دو روزه به همکاری و هماهنگی دولت فدرال آلمان و دفتر مساعدت سازمان ملل برای افغانستان( یوناما) و میزبانی دولت قطر برگزار شده بود.

- یادداشت تفاهم همکاری بین المللی میان موسسه بنیاد " هانس زایدل فوندیشن" جمهوری فدرال آلمان و مرکز مطالعات استراتیژیک وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان.

- پروتکل حمایت و تشویق سرمایه گذاری خصوصی میان جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری فدرال آلمان.

- برگزاری کنفرانس بازسازی پولیس افغانستان در دوحه به تاریخ های ۱۸ و ۱۹ می ۲۰۰۴، این کنفرانس به ابتکار دولت آلمان و میزبانی دولت قطر برگزار گردید، در این کنفرانس ۲۶ کشور ( از ۶ کشور همسایه) از جمله نمایندگان سازمان ملل، کمیسیون اروپا و سازمان امنیت و همکاری اروپا اشتراک نموده بودند، درکنفرانس دوحه ۳۵۰ میلیون دالر برای تمویل پروژه های بازسازی پولیس افغانستان تعهد گردید.

## انگلستان (England)

- نفوس: ۵۹,۶ میلیون (آمار ملی، ۲۰۰۳)
- پایتخت: لندن
- مساحت: ۲۴۲،۵۱۴ کیلومترمربع
- زبان: انگلیسی
- آیین: مسیحی
- مرگ و میر: ۷۶ سال مردان، ۸۱ سال زنان(UN)
- واحدپولی: ۱ پوند استرلینگ= ۱۰۰ پنس
- صادرات: اشیایی تولیدی، فرآورده های کیمیایی، ماده غذایی
- درآمد سرانه: ۲۸،۳۵۰ دالر امریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی:uk.
- رمز تیلیفونی:۴۴+
- رییس دولت: ملکه الیزابت دوم (Queen Elizabeth II)
- صدراعظم: تونی بلیر (Tony Blair)
- -وزیر خارجه: جک استرا (Jack Straw)

بریتانیا کشوری است جزیره‌یی در باختر اروپا. این کشور از شمال به اقیانوس اتلس، از شرق به دریای شمال و از جنوب به دریای لامانش محدود است.

فرانسه و بریتانیا را بحیرهء مانش(دریای لا مانش) به فاصله ۲۱ میل از هم جدا می‌سازد. ایجاد دولت مرکزی و انقلاب بورژوازی ۱۶۴۹-۱۶۴۲ در مقایسه با کشور های اروپایی دیگر زمینهء خوبی را برای رشد و تکامل بریتانیا به وجود آورد. این امر باعث آن گردید که بریتانیا حاکمیت دریایی به دست آورده و مستعمرات غنی را در سیطره خود قرار بدهد.

پس از جنگ جهانی دوم، مساحت امپراتوری بریتانیای به ۳۴. ۶ کیلومتر مربع و نفوس آن به بیش از ۷۰۰ میلیون می رسید.

جزایر بریتانیا دارای نشیب طبیعی است که ارتفاع آن از تراز اقیانوس از ۲۰۰ تا ۳۰۰۰ پا می رسد. این امر زمینهء بس مساعدی را برای پرورش ماهی فراهم کرده است. با موقعیت خاص این جزایر در میان ابحار هیچ نقطه‌یی از سرزمین بریتانیا بیش از ۷۵ میل از دریا فاصله ندارد. جزایر بریتانیا دارای آب و هوایی گوارا بوده، در تابستان درجهء حرارت از ۲۷-۳۲ و در زمستان بطور میانگین به ۷ درجهء سانتی گرید می رسد.

پس از جنگ، فروپاشی امپراتوری به سرعت آغاز گردید. اکنون همه مستعمرات بریتانیا را حدود ۱۲ جزیره کوچک تشکیل می دهد. سرزمین اصلی بریتانیا عبارت است از انگلند، استکاتلند و ایرلند شمالی.

کشور بریتانیا دارای گروه های نژادی مانند، انگلیس ۸۱ ٪، سکاتیسن ۹. ۴٪، اریس ۲. ۴٪، ویلز ۱. ۹٪ و هندوستانی غربی، پاکستانی و دیگران ۲. ۸٪ می باشد.

زبان اصلی انگلیس ویلزی سکاتیی و گتاک است و مذاهب عبارت از کنسایی انگلیس و کاتولیک رومی می باشد

الیزابت دوم- ملکه بریتانیا به شکل ارثی سنتی به سمت ملکه که محض جنبهء تشریفاتی دارد و از محبوبیت خاص برخوردار است.

در بریتانیا ذو حزب عمده محافظه کار و کارگر گرداننده‌ء پالیسی کشور اند که از راه انتخابات پارلمانی حزب محافظه کار و کارگر سال های متمادی است که به صورت مستقیم کشور را رهبری می‌کند. در نیمهٔ دوم سال ۱۳۶۹ در اثر بحران سیاسی‌یی که در حزب محافظه کار پدید آمد، مارگریت تاچر، ناگزیر به کناره گیری گردید. در نتیجه انتخاباتی که در ۲۷ سپتامبر صورت پذیرفت، جان میجر از حزب محافظه کار به حیث صدراعظم و آقای دوگلاس هرد به عنوان وزیر خارجه انتخاب گردید. جان میجر که حدود پنجاه سال دارد، در یک خانواده هنرمند(که به سرکس سر و کار داشت) به جهان آمده و تحصیلات خود را تکمیل نکرده به کار آغاز نمود. او پیش از آن که به سیاست روی آورد، مصروف امور بانکی بود. پس از دو بار شکست در سال ۱۹۷۷ بحیث وکیل به پارلمان راه یافت. در سال ۱۹۸۵ به عنوان معین وزارت صحت عامه و در سال ۱۹۸۷ به عضویت کابینه(رییس خزانه) ارتقاء یافت. در سال ۱۹۸۹ وزیر امور خارجه و در اکتبر همان سال به عنوان وزیر مالیه که تا ۲۷ نوامبر ۱۹۹۵ به آن وظیفه ادامه دارد.

**مناسبات افغانستان – بریتانیا:**

در ۲۲ نوامبر ۱۹۱۹ معاهدهٔ مودت میان افغانستان و بریتانیا به امضاء رسید که بر مبنای همین معاهده قونسلگری های دو کشور در مراکز یکدیگر رسماً تأسیس و آغاز به کار نمود.

عبدالهادی داوی به عنوان نخستین نماینده فوق‌العاده و وزیر مختار افغانی در لندن تعیین گردید. به سلسله بازدید های رهبران دو کشور در سال ۱۳۵۱ سر اولگ دوگلاس هیوم- وزیر خارجه بریتانیا از افغانستان بازدید.

در سال های جهاد، سیاست بریتانیا در قبال افغانستان از دیگر کشور های اروپایی بیشتر به هواداری از تحقق اهداف و خواست های مجاهدان سیر می نمود. بریتانیا در مجامع و گردهمایی های بین‌المللی از جهاد پشتبانی جدی می نمود. پس از پیروزی مجاهدان، جانب افغانی پیوسته علاقمند رشد و توسعهء روابط با بریتانیا بود. مگر بریتانیا، در نظر داشت کمشنری عالی این کشور در اسلام آباد - آقای نیکولای بارینگتن به عنوان سفیر کبیر غیر مقیم در کابل پذیرفته شود.

چون کشور بریتانیا پس از تأسیس مناسبات میان دو کشور همیشه در کابل سفارت مقیم داشت، از این رو جانب افغانی پیشنهاد بریتانیا را مبنی بر تعیین سفیر غیر مقیم مورد تردید قرارداد. چه این امر در لحظهء حساس تاریخی کشور سبب تشویق دیگر کشور های جهان در رابطه به گماشتن سفیر در کابل می گردید.

**روابط اقتصادی:**

از موافقتنامه ها و مساعدت های عمدهء بریتانیا می توان به صورت زیر نام برد:

در سال ۱۹۶۵ حکومت بریتانیا مبلغ ۶۵۰ هزار پوند استرلنگ را به منظور احداث دستگاه روغن نباتی هلمند در افغانستان طور کریدت مساعدت کرد.

در سال ۱۹۶۸ هتل بین‌المللی انترکانتیننتال از طریق اعطای قرضهء خصوصی یکی از بانک های آن کشور توسط کمپنی ساختمانی می‌کرد اعمار گردید.

به موجب موافقتنامهء مورخ میزان ۱۳۵۳ مبلغ یک میلیون پوند استرلنگ(۶۰٪ بدون ربح و ۴۰ ٪ گرانت) برای توسعه فابریکه جن و پرس در گرشک کمک نموده است.

همچنان مبلغ ۶۸۷ هزار پوند استرلنگ کمک بلاعوض برای تمویل مصارف اضافی اصلاح فابریکه جن و پرس و روغن نباتی هلمند و فابریکه جدید جن و پرس گرشک نموده است.

همین گونه، نظر به یادداشت های شفاهی دلو ۱۳۳۵ و میزان ۱۳۵۶ به‌ترتیب مبلغ ۳۷۲ هزار و ۳۰ هزار پوند استرلنگ کمک بلاعوض برای مصارف اضافی پروژه جن و پرس لشکرگاه نموده است.

به اساس موافقتنامهء مورخ ۲۳ جوزای ۱۳۵۶ بریتانیا مبلغ شش میلیون پوند استرلنگ مساعدت بلاعوض که در پروژه های استفاده شده به سوی افغانی نموده است:

۵۰۰۰۰ پوند استرلنگ برای بانک انکشاف زراعتی

۱۸۰ هزار پوند استرلنگ برای پروژه مجادله با ملاریا

برای تهیه سامان و تجهیزات مورد ضرورت تصدی ساختمانی وزارت تعلیم و تربیه در نظر بود تا از مساعدت شش میلیون پوند بریتانیا استفاده به عمل آید.

در ماه اسد ۱۳۵۵ قرارداد میان "دتیلو ملی موسسه" و کمپنی "ترای سنترال" بریتانیا عقد شد که منظور از آن سروی جیولوجی در غرب افغانستان(بلاک فراه) بود. مصارف سروی آن ۵۰ هزار دالر تخمین شده بود که آن را کمپنی‌ترای سنترال به دوش داشت. کار ساحوی این شرکت در سرطان ۱۳۵۶ پایان یافت. مگر گزارش ها به دسترس جانب افغانی قرار نگرفت.

پس از روی کار آمدن دولت دموکراتیک خلق، بریتانیا کلیه کمک ها و مساعدت های خود را قطع و یا به حالت تعلیق قرارداد.

**کمک ها و مساعدت های کشور بریتانیا:**

طی سال ۱۹۷۸ بریتانیا مبلغ ۱۳. ۸۵ میلیون دالر کمک بلاعوض نقده را وعده داده بود که از جمله ۱. ۶۳ میلیون دالر استفاده شده متباقی به حالت تعلیق قرار گرفته است.

به تعداد چهار پایه دستگاه آخذه ساخت کمپنی ماردرنی با سامان و وسایل فنی آن که مشخصات آن نزدشان موجود است از جمله کمک های بلاعوض کشور بریتانیا بود که با اشغال افغانستان در حالت تعلیق قرار گرفت.

بازسازی مطبعه دولتی و تعلیم و تربیه: چون تمام ماشین آلات این موسسه به وسیله انگلستان تهیه شده بود، به نسبت جنگ های ۱۹۹۲ این مؤسسات تخریب و ماشین آلات نابود گردیده است. امید می رود تا از مدرک کمک های بلاعوض به بازسازی آن پرداخته شود.

پیش از سال ۱۳۵۷ انگلستان در عرصهء زراعت در زمینهء گسیل مشاوران در ساحات متذکره کمک می نمود. در سال ۱۹۶۸ هوتل انترکانتیننتال از طریق اعطای قرضه خصوصی یکی از بانک های آن کشور توسط کمپنی ساختمانی تیلرودود اعمار گردید.

## تاریخچه مناسبات:

از اواخر سدهء ۱۸ بدین سو، افغانستان نسبت موقعیت جغرافیایی خاصی که داشت، مورد توجه دولت استعماری بریتانیا قرار داشت. بریتانیا در سه مرحله با افغانستان داخل جنگ شد و هر سه بار در شکست های بزرگی را متحمل گردید. در نتیجه تجاوزات بریتانیا بخشی از خاک کشور در جنوب و شرق کشور از خاک اصلی کشور جدا گردید که در آغاز به عنوان یک معضله سیاسی میان افغانستان و انگلیس و سپس میان افغانستان و پاکستان تبارز کرد.

نخستین تماس مستقیم میان افغانستان و انگلیس در پیشاور صورت گرفت که منجر به معاهدهء شاه شجاع الملک و الفستن گردید. در این معاهده، بریتانیا تعهد نمود که در امور داخلی افغانستان مداخله نکند. اما جریان وقایع نشان داد که نه تنها

انگلیسی ها از دخالت در امور افغانستان خود داری نکردند، بلکه زمینهء تجاوزات نظامی خود را به داخل کشور فراهم نمودند. تا این که پس از یک رشته قیام های ملی قوای انگلیس ناگزیر شد از افغانستان خارج گردد و عبدالرحمان خان زمام امور را به دست گرفت و معاهده دیورند را به امضاء رسانید.

در مارچ ۱۹۱۹ امان الله خان استقلال افغانستان را اعلام نمود و در پی آن در سه جبهه جنوبی و شرقی و قندهار میان اردوی افغانستان و قوای بریتانیا پیکار آغاز شد و پس از شکست، انگلیس حاضر شد با افغانستان گفتگو نماید. درین گفتگوها استقلال افغانستان به رسمیت شناخته شد. ولی مطلب عمده و مهم مورد اختلاف که مسأله ایالات از دست رفتهء شرقی افغانستان و به ویژه موضوع مردمان قبایل آزاد بود، به اثر پافشاری لاینحل ماند تا این که به تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۱۹ معاهدهء کابل به امضاء رسید. و دایس نماینده انگلیس طی نامه‌یی که ضمیمهء نامه بود، اطمینان داد که با مردم قبایل آزاد رفتار نیک صورت خواهد گرفت.

به اساس همین معاهده، افغانستان و بریتانیا به برپایی روابط سیاسی و تأسیس قونسلگری ها میان خود موافقه نمودند.

کشور بریتانیا پشتیبانی عمیق خویش را از تلاش هایی که محمود مستیری ابراز داشت و همین اکنون بالفعل ۲۰ ٪ مجموع کمک های بشری برای افغانستان از طریق سازمان ملل به وسیله بریتانیا تمویل و همچنان شماری از موسسات خیریه انگلیسی در داخل و خارج از کشور به مردم افغانستان کمک می‌نمایند.

## مناسبات جمهوری دموکراتیک افغانستان با انگلستان:

دولت دمکراتیک افغانستان با انگلستان روابط دیپلماتیک خوبی نداشت و در جریان حاکمیت رژیم دموکراتیک خلق مناسبات کشور با کشور های غربی از هم پاشیده بود.

## مناسبات با دولت مجاهدان:

پالیسی دولت انگلیس در مورد شناخت دولت ها چنین است که دولت ها را د فاکتو به رسمیت می شناسد. چنانچه دولت افغانستان به رهبری استاد ربانی- رییس‌جمهور د. ا. ا را شناخته و پیام شادباشی عنوانی وی گسیل داشته بود که خود به عنوان شناخت آقای ربانی به حیث رییس‌جمهور د. ا. ا از سوی حکومت انگلیس ارزیابی می گردید. همچنان دولت انگلیس خواهان تأمین روابط دیپلماتیک بود و پیوسته تقاضای پذیرش آقای نیگلاس برنگتن -کمشنر عالی انگلیس در پاکستان را به حیث سفیر غیر مقیم به افغانستان از د. ا. ا می نمود.

بازتاب رخداد های افغانستان در مطبوعات کشور انگلستان پس از پیروزی مجاهدان بسیار پیچیده، مبهم، تاریک و تباهکن تعریف گردید که اذهان عامه از افغانستان به جز از یک پایگاه تندروان تروریست، بازار مواد مخدر و جامعهء فاقد رسیدگی سیاسی و اجتماعی دیگر تصویری نداشت. تا جایی که از پالیسی مطبوعات در انگلستان تجربه است یک اصل اینست که تغییر در روند مطبوعات انگلیسی در رابطه با قضایای امریست خیلی مشکل و درازمدت. برای مثال، چهارده سال آزگار از مجاهدان در برابر تجاوز شوروی پشتیبانی می‌شد و تلاش پیهم شوروی ها نتوانست این روند را تغییر بدهد.

## دیدار های دیپلمات های افغانی با مقامات کشور انگلیس:

- دیدار داکتر شمس- معین اداری وزارت امور خارجه با مایزفیلد- مسوول دیپارتمنت بخش آسیا که در آن در بارهء موضوعات مختلف سیاسی فرهنگی و اقتصادی گفتگو صورت گرفت.

- دیدار سید سلمان گیلانی- معاون صدراعظم و وزیر امور خارجه و آقای حامد کرزی- معین سیاسی وقت با آقای مارتین ویلیم- مسوول دیپارتمنت آسیا و دو نفر از اعضای وزارت خارجه- آقای تیسری و آقای هیون به تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۹۹۲ که در بارهء فعال ساختن نمایندگی کشور انگلیس در کابل و ارایهء کمک های

اقتصادی در بازسازی و ارسال ادویه و لوازم طبی تمویل بررسی هایی صورت گرفت.

**روابط پس از روی کار آمدن دولت موقت:**

پس از روی کار آمدن دولت مؤقت و دولت انتقالی اسلامی مناسبات میان دو کشور به گونهء بنیادی گسترش یافت. در این راستا بازدید های متعدد مقامات رسمی دو طرف بایستهء یادآوری است. برای مثال، حامد کرزی- رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان دو بازدید رسمی از این کشور داشتند. بار نخست در سال ۲۰۰۲ و بار دوم در اکتبر ۲۰۰۳.

دیدار وزیر امورخارجه با Jehn Sawers - مسوول بخش عمومی سیاسی وزارت امور خارجه کشور انگلستان.- دیدار وزیر امور خارجه با کمیشنر عالی موظف در پاکستان Mark Grant و سفیر مقیم آن کشور در کابل- داکتر روزالایند ( Dr Rosalind).

بازدید انجنیر محمدطاهر غوثی- رییس آبرسانی و حفظ الصحه محیطی و انجنیر محمد حنیف ظریف- رییس مصوونیت اجتماعی و پاسخ اضطراری وزارت احیا و انکشاف دهات تحت برنامه معیشت روستائی و مصونیت اجتماعی به انگلستان.

- کمک و مساعدت کشور بریتانیا در زمینه ارسال سامان آلات و لوازم سپورتی به المپیک کابل از طریق بندر کراچی

- ارایه مطالبهء شرکت سمون در مورد آغاز فعالیت مجدد آن به سفارت در کابل.

- اجراآت در مورد بازدید ۹ نفر عمله پرواز هواپیمایی آریانا به لندن برای ترینگ، در تفاهم با ریاست امور قونسلی.

- بازدید محمد حنیف اتمر، که برای اشتراک در کنفرانس ویلتون پارک به تاریخ ۲۴ اکتبر عازم لندن گردید.

- ارایه فهرست اقلام صادراتی افغانستان به سفارت افغانستان در لندن برای بازاریابی.

- ارایه دعوتنامه سفارت انگلستان در کابل به وزارت امور زنان مبنی بر دعوت حبیبه سرابی، فاطمه گیلانی و جمیله اکبرزی برای اشتراک در (Gender Strategy Seminar) از تاریخ دهم تا دوازدهم فبروری سال روان

- دعوت از داکتر محمد حیدر رضا- معین امور اداری وزارت برای اشتراک در کنفرانس ویلتون پارک از تاریخ ۱۳ جنوری تا ۱۶ جنوری ۲۰۰۳ در لندن. معین اداری در این کنفرانس شرکت نموده و گزارش مقدماتی کنفرانس گذشته که در ماه اکتبر ۲۰۰۲ برگزار شده بود، به ملاحظه شان تقدیم شده است.

- دعوت از محمدمعصوم استانکزی - وزیر مخابرات برای اشتراک در

- (Central Asia & Caspian Summit Telecommunications Minster) که در ماه اپریل سال ۲۰۰۳ در استانبول برگزار می گردد، کشور از جمله میزبان این نشست می باشد.

- تقدیم اعتماد نامه خانم داکتر روسالند مارس دن- سفیر کشور شاهی انگلستان ۱۳۸۲/ ۱۰/۱۹

- کارمندان وزارت امور خارجه کورس های آموزش زبان های خارجی را برگزاری نموده و همچنان در سال ۱۳۸۲ کارمندان وزارت امورخارجه برای اشتراک در کشور انگلستان ۱۰ نفر.

- بازدید آقای جک آسترا - وزیر امور خارجه انگلستان به تاریخ ۴/۹/ ۱۳۸۲ از کابل

- بازدید وزیر امور زنان از لندن برای اشتراک در سمپوزیم بین المللی به تاریخ ۷مارچ ۲۰۰۳.

- بازدید وزیر امور زنان از لندن به تاریخ ۱۲ فبروری ۲۰۰۳.

- بازدید هیات بریتانوی به ریاست مایکل انگرام- نایب حزب محافظه کار به تاریخ ۲۹ /۴/ ۱۳۸۲ از کابل

- بازدید آقای بل رامبل- وزیر دولت در امور کامنولت انگلستان به تاریخ ۵/۱/ ۱۳۸۲.

- بازدید آقای تام فلیپس- نماینده خاص تونی بلر صدراعظم انگلستان به تاریخ ۶/۹/ ۱۳۸۲ به کابل.

- بازدید هیات پارلمانی انگلستان به تاریخ ۸/۷/ ۱۳۸۲ به کابل.

- بازدید داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه در ترکیب هیات بلندپایه د.ا.ا.ا. به ریاست حامد کرزی به کشور انگلستان در جوزای ۱۳۸۲.

- بازدید جک استرا - وزیر امور خارجه بریتانیا از کابل مورخ ۱۵ حوت ۱۳۸۲

- بازدید هیاتِ پارلمانی کشور بریتانیا به کابل به تاریخ ۱۰ عقرب ۱۳۸۲

- بازدید مایک اوبراین- وزیردولت در امور خارجه و تجارت بریتانیا به کابل در ۳۰ میزان ۱۳۸۲

- بازدید خانم مارگریت بونیور - معین وزارت خارجه کشور بریتانیا از کابل به تاریخ ۲۸ میزان ۱۳۸۲

- بازدید تام فلیپس- نماینده صدراعظم کشور بریتانیا از کابل به تاریخ ۱۹ سنبله ۱۳۸۲

- بازدید آقای مایک اوبراین- وزیر دولت در امور خارجه و تجارت بریتانیا به تاریخ ۷/۳۰/ ۱۳۸۲ از کابل.

- بازدید آقای مایکل انکرام- وزیر امور خارجه حزب مخالف حکومت بریتانیا و هیات معیتی شان به تاریخ ۱۱/۲۵/ ۱۳۸۲ به کابل.

- بازدید حامدکرزی- رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان به کشور شاهی بریتانیا به تاریخ۱۵ ثور ۱۳۸۲

- تقدیم اعتماد نامه احمد ولی مسعود- سفیرکبیر افغانستان در لندن ۱۳۸۲/۳/۲۱

- دیدار داکتر عبدالله - وزیر امور خارجه با داکتروس لایند Rosalind - سفیر مقیم آن کشور در کابل.

- دیدار حامد کرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان با جک استرا در رابطه به کمک های دوامدار کشور بریتانیا به افغانستان که حامد کرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان در دیدار با وزیر امور خارجه انگلستان ضمن ابراز سپاس از کمک های دوامدار دولت بریتانیا، روی مسایل زیر بحث و صحبت های همه جانبه نمودند: برنامه تطبیقی مبارزه علیه مواد مخدر، تعهد دولت بریتانیا مبنی بر افزایش کمک های آن کشور در مبارزه علیه مواد مخدر از ۵۰ میلیون دالر امریکایی به ۱۰۰ میلیون دالر امریکایی به افغانستان.

- بازدید Gareth Thomas - وزیر انکشاف بین المللی کشور انگلستان برای بازدید از افغانستان.

- دیدار داکتر عبدالله - وزیر امورخارجه جمهوری اسلامی افغانستان با داکترس روزّالیند Rosalind - سفیر کشور انگلستان در کابل که طی این دیدار روی مسایل همکاری های سه سویه، برگزاری اجلاس ADF ( همایش توسعه افغانستان) در وزارت امور خارجه افغانستان و یک سلسله مسایل دیگر گفتگو صورت گرفت.

## اسپانیا (Espain)

- نفوس: ۴۳ میلیون (آمار رسمی، ۲۰۰۴)
- پایتخت: مادرید (Madrid)
- مساحت: ۵۰۵،۹۸۸ کیلومترمربع
- زبان: اسپانیولی، کتالان، گلیگو
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۶ سال مردان، ۸۳ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ یورو= ۱۰۰ سنت
- صادرات: تجهیزات ترانسپورتی، تولیدات کشاورزی
- درآمد سرانه: ۱۶،۹۹۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: es.
- رمز تیلیفونی: ۳۴+

- رییس دولت: پادشاه جان کارلس اول(King Juan Carlos I)
- صدراعظم: جاوز لویس رادرویگیز زاپترو(Jose Luis Rodriguez Z.)
- وزیرخارجه: میگل انجل ماریتینس (Miguel Angel Moratinos)

نوع حکومت: مشروطه سلطنتی با دو مجلس قانونگذاری از ۱۹۷۸
نژاد: اسپانیایی کاتالان باسک و گتاسی.
روز ملی: ۱۲ اکتبر(سالروز کشف امریکا توسط کریستف کلمب).
بزرگترین شهر ها: مادرید، بارسلونیا، والنیسیا، سویل

## جغرافیای طبیعی:

اسپانیا کشوری است در جنوب باختری اروپا که ۸۵ جزیره‌نما دارد. این کشور از شمال- به خلیج گاسکونی(بیکسی) و کشورهای فرانسه و اندورا، از خاور و جنوب- به دریای مدیترانه و تنگهء جبل الطارق و خلیج کادیز و از باختر- به کشور پرتگال و اقیانوس اتلس محدود است. این سرزمین ۸۲ درصد جزیره‌نمای ایبری را شامل است که در جنوب باختری اروپا قرار گرفته و با فرانسه جدا گردیده است و خلیج کوچک بیسکای در شمال، اقیانوس اتلس در باختر و دریای مدیترانه در جنوب و خاور آن واقع است. افریقا کمتر از ۱۶ کیلومتر با تنگهء جبل الطارق، از اسپانیا فاصله دارد. فلات پهن مرکزی که با رشته کوه ها و رودخانه ها قطع گردیده است. از جزایز مهم دیگر این کشور بالئار و قناری است.

بخش های مرکزی اسپانیا را فلات بزرگی به ارتفاع متوسط ۶۰۰ متر فرا گرفته است که رشته کوه های کانتابری در شمال تا کوه های سیرامورنا و سیرانوادا در جنوب ممتد است. این فلات با دره های رودخانه های دوئرو، تاگوس و گوادیانا قطع می گردد. درهء پهناور رود آبرو، در شمال خاوری آن را از رشته کوه های پیرنیه که مرز میان اسپانیا، و فرانسه واندورا را تشکیل می دهد، جدا می‌سازد.

قلهء مولاسن با بلندی ۳۴۸۲ متر واقع در کوه های سیرانوادا - بلندترین نقطهء کشور به شمار می‌رود. و کوه های پیکو د آنتو ۳۴۰۴ متر در کوه های پیرنیه و آلمانزو ۲۵۹۲ متر واقع در ۱۵۰ کیلو متری غرب مادرید از دیگر کوه های مرتفع اسپانیا به شمار می‌رود.

رود های مهم کشور عبارتند از: آبرو - در شمال خاوری، تاگوس(تاخوس)- در ناحیهء مرکزی، دوئرو و گوادا دالکوئیویر - در جنوب جزایر بالاریک، زانکارا و گوادیانا، که در دریای مدیترانه پراگنده اند. جزیره مهم توریستی مایورکا- در غرب افریقا در اقیانوس اتلس نیز مربوط اسپانیا است.

اسپانیا از کشور های مهم اروپا است و در تولید سمنت، صید ماهی و تهیهء اورانیوم حایز درجهء اول است.

سالانه بیش از سی میلیون جهانگرد ازین سر زمین دیدن می کنند. زیرا هوای ملایم و بناهای تاریخی فراوان دارد. اسپانیا به هفده ناحیه خودمختار تقسیم گردیده است. و هر یک از آن ها اعضای پارلمان های محلی خود را انتخاب می نمایند. ۶ رشته کوه مرغزار ها فلات مرکزی وسیع، دشت ها ؛ کرانه های سنگی و صخره‌یی اسپانیا را در بر گرفته است.

## انرژی و منابع طبیعی:

تولید برق سالانه- حدود ۱۵۱۴۵۱ کیلوات در ساعت، نفت -۸۳۰۰۰۰ تن، گاز- ۱۳۰۰۷ متر مکعب، جنگل - ۱۵. ۷ میلیون هکتار، صید ماهی- سالانه حدود ۶۵۰۰۰ تن، زمین کشاورزی ۴۱ ٪، نیروی کار در کشاورزی و پرورش مواشی -۱۹٪، نیروی کار در صنعت- ۳۷٪

**تولیدات**: محصولات غذایی، تکه، بوت، پترول، فولاد، موتر، کشتی.

منابع طبیعی آن عبارت است از زغالسنگ، لینت، نیروی برق، آبی، اورانیوم، جیوه، فلوراسپار، گچ، سنگ آهن، سرب، تنگستن، مس.

**صادرات**: میوه های تازه، تولیدات آهن و فولاد، تکه، بوت، موتر، سبزی.

**واردات**: ماشین آلات، مواد کیمیایی، موتر، آهن و فولاد.

**دیدنی ها :**

در مادرید - موزیم پراد و کاخ شاهی، کاخ و صومعه آل اسویال، در تولدو- کلیسای جامع سرو، کلیسای تومه، در بارسلون- کلیسای ساگراد فاملیا، کلیسای جامع سب گوتیک، در ویل- برج جیرال دار، کاخ های الکازار، در پرانادا- کاخ الحمرا، کاخ مسلمانان، در قرطبه(کردبا) - مسجد بزرگ منطقه پناهگاهی و بنای رومی.

**تاریخچه اسپانیا:**

نژاد کنونی اسپانیا از اثر اختلاط و آمیزش مردم ایبری(مردم قدیم اسپانیا) و سلط ها به میان آمده است. پیش از سدهء پنجم پ. م. یونانیان با این سرزمین رابطه داشتند و نفوذ قدرت‌شان به جایی رسید که اسپانیا را جزو متصرفات خود قلمداد کردند. اما در سدهء پنجم پیش از میلاد، فینقی ها اسپانیا را زیر نفوذ خود در آوردند تا این که در ۱۳۳ پیش از میلاد رومیان آن ها را از سرزمین اسپانیا بیرون راندند و نفوذ خود را بر آن بسط دادند. چون رومیان رو به ضعف نهادند، اسپانیا در معرض تاخت و تاز قرار گرفت تا این که در ۴۰۱ میلادی یکی از قبایل آلمان در اسپانیا حکومت تأسیس کرد که تا سال ۹۲ برقرار بود.

اما از آن تاریخ به پس، اعراب دست یافتند و شهرهای تازه بنا نهاده و تمدن اسلامی را در آن جا نشر دادند به گونه‌یی که اسپانیا دارالعلم اروپا در سده های میانه شد و شماری از طالبان علم و دانش اروپا به این سامان روی نهاده و از محضر استادان کسب فیض می کردند.

نفوذ اعراب همچنان در اسپانیا پا بر جا بود، تا این که آن ها نیز بر سر اختلافات داخلی در جهان اسلام ضعیف شدند. در این هنگام، فردینانت پادشاه ارگون که در شمال اسپانیا حکومت داشت، همچنان ایزابل- ملکه کشور کاستیل در شمال اسپانیا بود، در

سال ۱۴۴۵ اعراب را با خشونت و بیرحمی تمام اخراج یا قتل عام کرد. پس از آن که اعراب رانده شدند، ولایات دیگر به حکومت و منطقه نفوذ ایزابل و فردینانت که متحد شده بودند، ضمیمه شد و به صورت یک کشور واحد درآمد. پس از آن که فردینانت درگذشت، پسرش-شارل کن در سال ۱۵۱۶ به سلطنت رسید.

مردم اتریش نیز وی را به سلطنت پذیرفتند. پس از وی پسرش فلیپ به حکومت رسید. در مدتی که پرتگال زیر نفوذ اسپانیا بود، پس از فلیپ سوم مارشال دوم و فلیپ چارم، روی کار آمد. درین زمان پرتگال از زیر نفوذ وی خارج شده و پس از فلیپ چارم، چارل دوم روی کار آمد و چون جانشین نداشت وصیت کرد که لویی چهاردهم پادشاه فرانسه- پادشاه اسپانیا باشد و پس از وی در سال ۱۷۰۰ شخصی به نام فلیپ پنجم روی کار آمد. پس از چند ارشیدک شارل -پسر پادشاه اتریش قیام کرد و ادعا کرد که اسپانیا متعلق به او و حق اوست و در نتیجه جنگ میان فلیپ پنجم و ارشیدک درگرفت. درین میان فرانسوی ها شکست خورده و فلیپ پنجم پسر لویی چ هاردهم از سلطنت خلع گردید.

چون ناپلیون بوناپارت- امپراتوری فرانسه را به دست آورد، برادرش جوزف به سلطنت اسپانیا رسید و پادشاه اسپانیا را خلع کرد. اما هنگامی که ناپلیون در جنگ واترلو شکست خورد، برادرش را از پادشاهی اسپانیا برانداختند و فردینانت را به سلطنت گماشتند. پس از فردینانت ایزابل دوم دخترش به پادشاهی رسید.

**مناسبات افغانستان و اسپانیا در دوره جدید:**

- تقرر زلمی حقانی سفیر افغانستان در پاریس به عنوان سفیر کبیر غیرمقیم و وزیر مختار د.ا.ا.ا در اسپانیا و سویس.

- ۲۷ نفر از افسران وزارت دفاع برای تعقیب کورس شش هفته یی کشور اسپانیا در سال ۱۳۸۱

- کمک ۱۲ میلیون دالری اسپانیا برای تمویل پولی کلینیک کابل، شفاخانه لوگر و یونت های سیار صحی

## ایرلند(Irland)

- نفوس: ۴ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: دوبلین (Dublin)
- مساحت: ۷۰،۱۸۲ کیلومترمربع
- زبان: انگلیسی، آیرِشی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۴ سال مردان، ۸۴ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ یورو= ۱۰۰ سنت
- صادرات: ماشین آلات، تجهیزات، کیمیایی، مواد غذایی
- درآمد سرانه: ۲۶،۹۶۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: .ie
- رمز تیلیفونی: +۳۵۳

• رییس جمهور: ماری مک تاسی (Mary McAleese)
• صدراعظم: بِرتی اهرِن (Bertie Ahern)
• -وزیر خارجه: درمات اهرِن (Dermot Ahern)

جمهوری ایرلند در اقیانوس اتلس(اروپا) قرار دارد. پایتخت آن- شهر دوبلین و نفوس آن ۵۵۰۰۰۰۰ نفر است و ۹۹ ٪ آن باسواد اند. بزرگترین شهر های آن دوبلین، کورک، لیمه ریک، می باشد.

به تاریخ ۶ دسامبر ۱۹۲۱ استقلال خود را از انگلستان به دست آورد. و به تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۳۷ قانون اساسی آن تدوین گردید و ۱۷ مارچ روز ملی آن می باشد. دین مسیحی، نژاد مردم آن ایرلندی، زبان رسمی آن انگلیسی و ایرلندی است.

پیشهءاصلی مردم آن کشاورزی و ماهیگیری است.

محصولات عمدهء آن: لبنیات، کچالو، جو، لبلبو، علوفه و گندم است. نیروی کار در صنعت ۳۲. ۴ تولیدات عمدهء صنعتی آن خوراکه باب، مشروبات، تکه، موادکیمیایی و طبی، ماشین آلات و وسایل ساختمانی، منابع طبیعی، سرب، گاز طبیعی، باریت، مس، گچ، سنگ آهک، دینامیت، زغال نارس، و نقره است.

طرف های عمده تجاری داد و ستد: انگلستان کانادا، ایالات متحده و کشور های اروپای باختری.

## جغرافیای طبیعی:

کشور ایرلند در کرانه های اقیانوس اتلس قرار گرفته و از انگلستان با دریای ایرلند جدا مانده و به جز بخش های شمال همهء جزیرهء هایی ایرلند جنوبی است. مناطق داخلی و مرکزی آن به جز ناحیهء دوبلین کوهستانی است. کوه های آن نسبتاً کوتاه بوده و بلندترین نقطهء آن ۱۰۴۱ متر از سطح دریا بلند است.

رود شانون، به طول ۳۶۸ کیلو متر از شمال به سوی جنوب و جنوب باختری با اقیانوس اتلس می ریزد، قلمرو کشور ایرلند، حدود ۵/۶ جزیرهء ایرلند بوده و بقیه ایرلند شمالی است که با انگلستان برای کسب استقلال خویش در ستیز است. نیم بیشتر مردم در روستا ها و شهرک ها زندگی و کشاورزی نموده و مهمترین صادرات آن را محصولات کشاورزی و حیوانی تشکیل می دهد.

از نگاه صنعت نیز کشور به پیشرفت های در دههء ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دست یافته و توریزم از منابع مهم در آمد آن می باشد.

زمین های بلند ساحلی و دشت های مرکزی کشور ایرلند را به شکل بشقاب در آورده است. باد های ملایم از اروپا و باد های گرم و مرطوب از جریان(گلف ستریم) وزیده و درجهء متوسط حرارت آن را در زمستان ۴۰ درجهء فارن هایت و ۶۰ درجه فارن هایت در تابستان می باشد.

## دیدنی ها:

دژبلارنی، در نزدیکی کورگریت روک کاسل، دریاچه های کیلارنی، رودشانون، دژ های گالوی لیمه ریک، واتر فورد، خانهء خانواده کندی و پارک یاد بود در دانگاستون دوبلین دژ کلیسای سنت پاتریک، بنای یاد بود دانیل اوکونل فونیکس، پارک تاترابی.

## جغرافیایی تاریخی:

در ایرلند در عصر حجر(پیکت ها) در شمال و مردمی به نام ارایِن در جنوب، پیش از آن که انگلوساکسون ها در سدهء ۴ پیش از میلاد به این سرزمین بیایند، می زیستند.

تمدن گتاک توسط گتاسیا و قبایل سلتی به وجود آمده است. در آغاز دوران مسیحیت ایرلند به پنج قلمرو شاهی اوفهرستر، مونستر، کوناچت، میث و لینستر تقسیم گردیده بود. نرت ها، سواحل ایرلند را از ۷۹۵ تا ۱۰۱۴ داشته و پسان هاً ازین ناحیه رانده شدند.

در سدهء دوازدهم پاپ همهء سرزمین ایرلند را به حکومت سلطنتی انگلستان واگذاشت. در سال ۱۱۷۱ هنری دوم انگلستان لارد ایرلند گردید. تسلط انگلستان بر ایرلند تا سدهء ۱۷ ادامه یافت و سرانجام در سال ۱۸۰۰ میلادی هر دو کشور تشکیل اتحادیهء بریتانیای کبیر و ایرلند را دادند.

اقتصاد ایرلند رفته رفته دچار آشفتگی گردیده و افزون برآن جمعیت آن افزایش یافت. در نتیجه عدهء کثیری از آنان در نیمهء سدهء ۱۹ به امریکا مهاجرت کردند.

**مناسبات افغانستان و ایرلند در دوره جدید:**

- **تقدیم استوارنامه سفیر کبیر غیر مقیم ایرلند ۱۳۸۱/۱۱/۲۲.**

- بازدید هیات سه جانبه اتحادیه اروپا به ریاست وزیر امورخارجه ایرلند از کابل به تاریخ ۲۸ دلو ۱۳۸۲

- بازدید هیات سه عضوی شورای رهبری اتحادیه اروپا به ریاست آقای بزاین کاوون - وزیر امور خارجه آیرلند به تاریخ ۱۱/۲۸/ ۱۳۸۲ از کابل.

- بازدید هیات "ترویکا" ( از روسی به معنای سه گانه) به سطح - وزیران متشکل از براین کوین- وزیر امور خارجه آیرلند، برنارد بوت- وزیر امور خارجه هالند و کریسپتن -کمیشنر روابط خارجی اتحادیه اروپا به تاریخ ۲۸ دلو در کابل معاهده اعطای امتیازات دیپلوماتیک به دفتر کمیسیون اروپایی را امضا نمود این معاهده از سوی داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه و آقای کریس پتن- کمیشنر روابط خارجی اتحادیه اروپا امضا شد.

## آیسلند (Iceland)

- نفوس: ۲۹۴،۰۰۰ (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: ریکجاویک (Reykjavik)
- مساحت: ۱۰۳،۰۰۰ کیلومترمربع
- زبان: آیسلندی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۸ سال مردان، ۸۲ سال زنان (UN)
- واحدپولی:۱۰ کرونا= ۱۰۰ اورار
- صادرات: انواع ماهی ها ، فلزباب
- درآمد سرانه: ۳۰،۸۱۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی:is.
- رمز تیلیفونی:۳۵۴+

- رییس جمهور: اولفر راگنار گریمسان (Olafur Ragnar Grimsson)
- صدراعظم: هالدر اسگریمسان (Halldor Asgrimsson)
- -وزیر خارجه: داوید آدسن (David Oddsson)

جمهوری ایسلند در اقیانوس اتلس قرار دارد. پایتخت آن ریکجاویک است که ۹۶۰۰۰ نفر نفوس دارد، واحد پول آن کرونا کرون ایسلندی است.

باسواد: ۱۰۰٪

روز استقلال: به تاریخ ۷ جون ۱۹۴۴ از دنمارک.

تدوین قانون اساسی: ۱۶ جون ۱۹۴۴ که از ۱۷ جون همین سال به مرحلهء اجراء درآمد.

روز ملی: سالروز تأسیس جمهوری ایسلند(۱۷ جون ۱۹۴۴).

فرآورده های عمدهء کشاورزی: علوفه و ماهیگیری

تولیدات عمده: المونیوم، ماهی

صادرات: ماهی، محصولات حیوانی و المونیوم.

واردات: تولیدات نفتی، ماشین آلات، وسایل حمل و نقل، نفت، مواد غذایی، تکه.

سوی های مهم داد و ستد: ایالات متحده امریکا، روسیه و کشور های اروپای غربی.

دیدنی ها: جزیره سارتری، آبشار طلایی، یخچال های بزرگ(می و اتن)، کوه هکلا، در ریکجاویک چشمه های آب گرم و کلیسای لوتری.

**جغرافیای طبیعی**: کشور آیسلند جزیره‌یی است در اقیانوس اتلس شمالی در ۲۰۰ میلی جنوب شرقی جزیرهء گرینلند. و در جنوب مدار قطب شمال قرار گرفته است و یکی از پر آتشفشان‌ترین نقاط جهان است که چشمه ها و آبفشان های بسیار دارد و از آبِ های گرم در گرم کردن خانه ها و موسسات با لوله کشی استفاده به عمل

می‌آید. همچنان دریاچه های آب شیرین رودخانه های کوچک درین جزیره فراوان است.

آبشار های متعدد داشته و ۱۳٪ خاک ایسلند پوشیده از برف و یخچال های طبیعی است.

بیشتر مردم در ۱۷٪ جزیره در خط ساحلی حاصلخیز زندگی می‌کنند. از گرمای(جیوترمال) حرارت آب گرم و حرارت آتشفشان ها حتا برای گرم کردن کشتزار ها و گلخانه ها بهره می گیرند.

تراز زندگی مردم بالا است. اما به ورود نفت و وسایل زندگی نیازمند اند. بلندترین قلهء کوه های آیسلند ۶۹۵۲ بلندی دارد. یخچال های بزرگ بخش گسترده‌یی از اراضی داخلی جزیره را پوشانیده و جریان(گلف استریم) منطقهء ساحلی را معتدل و ملایم نموده است.

**جغرافیای تاریخی:**

برای نخستین بار پیش از سال ۹۰۰ میلادی(نورث ها) در آیسلند مسکن گزین گردیده و در سال ۹۳۰ دارای حکومت دموکراسی و مجلس گردیدند.

از سال ۱۲۶۲-۱۲۶۴ آیسلند زیر فرمان کشور ناروی بوده و سپس زیر نفوذ دنمارک قرار گرفته و در سال ۱۴۸۳ زیر نفوذ اتحادیهء(کتامار) قرار گرفت. در سال ۱۸۷۴ تا حدی حکومت خود را باز یافته و در ۱۹۱۸ دنمارک حقوق حقه و جدایی آیسلند را از قلمرو سلطنتی خود به رسمیت شناخت. در ۱۷ جون ۱۹۴۴ حکومت جمهوری آیسلند پس از برگزاری یک رفراندوم عمومی تشکیل گردید.

در ۱۹۴۰ - هنگامی که نازی ها بر دنمارک دست یافتند، انگلستان بر آیسلند مسلط گشت.

از ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ آیسلند تحت الحمایهء امریکا بود. در ۱۹۴۹ به پیمان ناتو پیوسته و تأسیسات ناتو در آنجا قرار دارد. در ۱۹۷۲ آیسلند حدود آب های خود را گسترش داده و در نتیجه در سال ۱۹۷۳ میان آیسلند و انگلستان جنگ رخ داد. در سال ۱۹۷۴ سازمان های بین‌المللی آب های مرزی را تا پنجاه میل محدود کردند. اما آیسلند این پیشنهاد را نپذیرفت. در سال ۱۹۷۶ به موجب پیمانی آیسلند پذیرفت که انگلستان حق ندارد بیش از ۲۰۰ میل ا زخاک خود به سوی آیسلند برای صید ماهی نزدیک شود.

**حکومت:**

در آیسلند رییس‌جمهور برای ۴ سال با رای عمومی انتخاب می شود و قدرت حکومت در دست صدراعظم و هیأت وزیران قرار دارد. پارلمان آن متشکل از دو مجلس بوده و ۶۰ نفر نماینده دارد : ۲۰ عضو مربوط مجلس اعلی و ۴۰ عضو مربوط مجلس سفلی .

**احزاب مهم سیاسی:**

حزب استقلال(۲۲ کرسی از ۶۰ کرسی) به رهبری جیر هال گریمس.

حزب‌ترقی خواه(۱۷کرسی) به رهبری م. ن. س( هارمونسون)

حزب اتحاد(۱۱ کرسی) به رهبری گست سون.

**مناسبات افغانستان و آیسلند:**

امضای موافقتنامه برپایی روابط دیپلوماتیک و دیدار نمایندگان دو کشور در نیویارک- در اقامتگاه سفیر آیسلند در سازمان ملل.

دیدار رسمی وزیر امور خارجه جمهوری آیسلند- Halldor Asgrimsson از افغانستان و دیدار با حامد کرزی- رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان و دیدار از قطعات نظامی شان.

## ناروی(Norway)

- نفوس: ۴٫۶ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: اوسلو (Oslo)
- مساحت: ۳۲۳،۷۵۹ کیلومترمربع
- زبان: نارویژی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۶ سال مردان، ۸۲ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ کرانِ نارویژی= ۱۰۰ اور
- صادرات: نفت و مواد نفتی، ماشین آلات، فلزباب
- درآمد سرانه: ۴۳،۳۵۰ دالر امریکای (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: no.
- رمز تیلیفونی: ۴۷+

- پادشاه: هارلد پنجم (Harald V)
- صدراعظم: جِل ماگنی باندویک (Kjell Magne Bondevik)
- -وزیر خارجه: جان پیترسن (Jan Petersen)

کشور پادشاهی ناوری در شمال اروپا در جزیره نمای اسکاندیناوی قرار دارد. پایتخت آن اسلو با ۴۵۴۰۰۰ نفر جمعیت است. بزرگترین شهر های آن: اسلو، برگن، تروندهم است. واحد پول آن کرون است. شمار باسوادان ۱۰۰٪ است.

### مناطق زیر قیومیت ناروی:

اسوالبارد: در اقیانوس منجمد شمالی به مساحت ۶۲۷۰۰ کیلومتر مربع و حدود ۴۰۰۰۰ نفر جمعیت.

جزیره بروت: به مساحت ۶۰ کیلومتر مربع در نزدیکی دماغهء امید نیک در ۱۶۰۰ میلی کشور که در سال ۱۹۲۸ زیر ادارهء ناروی قرار گرفت.

جزیرهء ژان ماین: به مساحت ۳۸۰ کیلومتر مربع در اقیانوس یخبستهء شمالی میان ناروی و گرینلند در ۱۹۲۹ زیر فرمان کشور قرار گرفت.

جزیرهء پتر اول: به مساحت ۲۴۹ کیلومتر مربع در جنوب.

کویین مایودلند: در سال ۱۹۲۹ زیر فرمان کشور قرار گرفت.

روز استقلال: ۲۶ اکتبر ۱۹۰۵ از سویدن،

تدوین قانون اساسی: ۱۷ می ۱۸۱۴ و اصلاح آن در ۱۸۸۴ صورت گرفته است. روز ملی روز تدوین قانون اساسی ۱۷ می است.

دین: مسیحی

نژاد: نارویژی

زبان: نارویژی، لاپ

نیروی کار در کشاورزی: ۳٪، ۷٪ ماهیگیری.

محصولات عمده: لبنیات، غله، سبزی، میوه، خز، پشم،

نیروی کار در صنعت ۳۹.

تولیدات عمده: نفت و گاز، ماهی، کاغذ، کشتی، المونیم، آهن و فولاد، نکل، کود کیمیایی، وسایل حمل ونقل نیروی برق آبی، پتروشیمی، ابزار الکترونیک، منابع طبیعی، سنگ فلز، نفت گاز.

صادرات: نفت و گاز طبیعی، کشتی، تولیدات ماهی، مواد کیمیایی، کاغذ.

واردات: ماشین آلات، موتور، وسایل حمل و نقل، مواد خوراکی، آهن و فولاد، تکه، لباس.

سوی های مهم داد و ستد: انگلستان، سویدن، آلمان، امریکا و دنمارک.

**جغرافیای طبیعی، و وضعیت سیاسی - اقتصادی:**

کشور پادشاهی ناروی در بخش باختری جزیره‌نمای اسکاندیناوی به طول ۱۷۷۰ کیلومتر در شمال اروپا از دریای شمال در طول دریای ناروی و بیشتر از ۴۸۳ کیلومتر بالای خط قطب شمال قرار گرفته و دورترین ناحیهء اروپایی به شمار می‌رود. با سویدن در شرق، و با روسیه و فنلند در شمال شرقی هم مرز است.

نزدیک هفتاد درصد کشور غیر مسکون بوده که کوه ها، یخچال ها، و زمین های بایر و رودخانه ها آن را فرا گرفته است. صد ها خلیج خیلی کوچک خط ساحلی ناروی را دندانه‌یی کرده است. و بیش از ۱۹۳۱۲ کیلومتر خط کرانه‌یی اقیانوسی دارد و نزدیک به ۱۵۰۰۰۰ جزیرهء خورد و کوچک دارد که برای پهلو گرفتن کشتی ها تا حدی مناسب است.

ناروی از نگاه تجاری و صنعتی در شمال اروپا از مهمترین کشور ها به شمار می‌رود. ذخایر نفت و گاز طبیعی فلات قاره‌یی به کشور رونق فراوان بخشیده است. ناروی از نگاه ناوگان دریایی در جهان جایگاه سوم را دارد. از این رو، از راه حمل و نقل مواد اولیه و صنعتی، درآمد سرشاری به دست می‌آورد. از نگاه استخراج مواد معدنی، کشتی‌سازی و وسایل زندگی و استفادهء صنعتی از چوب های جنگلی کشاورزی و ماهیگیری پر رونق بوده و درآمد باشندگان آن بالا است. همچنان منابع عظیم درآمد دولت باعث شده که مردم از پرداخت مالیات معاف باشند و حکومت برای رفاه اجتماعی گام هایی بردارد.

جریان آب های گلف استریم باعث شده که هوای این سرزمین ملایم باشد.

در شمال دور، آفتاب نیمه شب با ادامهء روز های روشن از نیمهء ماه می تا پایان جولای تابان است. از اواخر ماه نوامبر تا پایان ماه جنوری خورشید تابان نیست. و مدت زمانی که در نواحی قطبی باید شب باشد، بالای افق تاریک است.

**دیدنی ها** : دماغهء شمال و زمین نیمه شب خورشید کشور، خلیج های بسیار کوچک برگن کهن، کلیسای جامع نیداروس- در تروندهیم، کلیسای جامع استاوانجر، موزیم هایوجن- در لیله هامر، دژ نظامی اکه رشوش، مجسمه های ویجه لند، پارک فرونگر و دیگر موزیم ها - در اسلو.

**جغرافیایی تاریخی:**

نارویژی ها مانند دانمارکی ها و سویدنی ها در اصل- توتنی‌اند.

در ۱۸۱۵ ناروی زیر اثر سویدن آمد. آنگاه در کشور ماهیگیران، دریانوردان، تاجران و روستایان بود و باش داشتند. مردم سویدن یک کشور با رژیم

اشرافی(اریستوکراتیک) ثروتمند و بزرگ که در آن دهقانان مستأجر هیچیک از کار و زندگی خود خشنود نبودند.

در ۱۹۰۵ پارلمان سویدن طرح جدایی از دنمارک را تصویب کرد. در جنگ جهانی اول سویدن دنمارک و ناروی برای منافع مشترک با یکدیگر هم پیمان شدند. در جریان جنگ جهانی دوم نهم اپریل ۱۹۴۰ ناروی مورد حملهء نازی ها قرار گرفت. نارویژی ها دو ماه مقاومت کردند. ولی ناروی بطور کامل به دست آلمانی ها افتاد. شاه هاگن و حکومتش به لندن گریخت. چون جنگ جهانی دوم به پایان رسید، ناروی دو باره به استقلال رسید و به یک نوع تجربهء سوسیالیستی دست زد. ناروی از میان همسایگان خود با روسیه روابط حسنه داشت. بدون این که روابطش با کشور های غربی تیره باشد. در ۱۹۴۹ به پیمان نظامی ناتو پیوست.

در دریای شمال روزانه ۹۰۰۰۰۰ گیلن نفت استخراج می‌کند. در ۱۹۷۶ پارلمان کشور تصویب کرد تا پالایشگاه ملی نفت و یک شرکت نفت برای عرضهء نفت در بازار های داخلی و خارجی تأسیس گردد.

## طرز حکومت:

قانون اساسی کشور بر پایهء رژیم پادشاهی مشروطه استوار است. قوهء اجرایی در دست شاه و شورای وزیران قرار دارد. شورای وزیران شامل صدراعظم و حد اقل هفت نفر وزیر می باشد. پارلمان یا استورتینگ دارای ۱۵۵ عضو بوده و نمایندگان آن با رأی مردم انتخاب می شوند. درین مجلس ثروتمندان، احزاب سیاسی و مانند آن عضویت می یابند. اما خود آن به دو بخش(لاکتینک و اولدستینگا) که قوانین کشوری را به تصویب می رساند، تقسیم می شود.

شاه حق انحلال مجلس را پیش از پایان دورهء نمایندگی نمایندگان ندارد. دورهء نمایندگی چهار سال است.

قانون اساسی کشور در ۱۸۱۴ تدوین گردیده و کشور دارای ۱۹ استان یا ایالت بوده و زیر نظر فرماندار و شورای منتخب اداره می گردد. قانون اساسی و حکومت ائتلافی در ۱۶ اکتبر ۱۹۸۹ تشکیل گردیده است.

**انرژی و منابع طبیعی:**

کشور سالانه در حدود ۱۲۱۶۰۱ میلیون کیلووات برق تولید دارد، که از جمله ۹۹. ۶٪ آن آبی است.

در سال ۱۹۹۰ مقدار ۸۱ میلیون تن نفت و گاز در ۱۹۸۹ به مقدار ۱۱۲۸۳۰۰ میلیون فوت مکعب گاز تولید کرده بود.

وسعت زمین های کشاورزی حدود ۹۷۶۴۰۰ هکتار، مرغزار و مراتع ۵۴۰۸۰۰ هکتار، جنگل ۶۳۵۲۸ هکتار کیلومتر است.

مقدار صید سالانهء ماهی بیش از ۱. ۵ میلیون تن و زمین قابل کشت ۳٪ است.

نیروی کار کشور به ۲۱۲۸۰۰۰ نفر(از جمله ۱۷. ۲٪ در معادن) می رسد.

**آب و هوا:** به علت ازدیاد عرض جغرافیایی، دارای آب و هوای گوناگون است. تاثیرات عوامل جغرافیایی وزش باد ها و جریان گلف استریم در آب ِ هوایی ناروی سخت موثر است. در طول زمستان ها همه کرانه های باختری به گونهءاستثنایی ملایم است اما باران بسیاری می بارد. اسلو در جنوری ۴. ۷ درجه و در جولای ۱۵. ۳ درجه گرما داشته و مقدار باران سالانهء آن ۲۱۰۸ میلی متر می باشد.

از طریق تماس تیلفونی وزارت امور خارجه ناروی با سفارت کبرای افغانستان در لندن در باره گشایش نمایندگی سیاسی افغانستان به سطح سفیر با دولت شاهی ناروی موافقه صورت گرفته است.

دیدار سفیر ناروی و هیأت وزارت امور خارجه آن کشور از کابل و دیدار شان با زلمی عزیز - معین سیاسی وزارت امورخارجه.

گزارش کاری و تقدیم اعتماد نامه یحیی معروفی- سفیر و نماینده فوق العاده افغانستان در ناروی.

- بازدید خانم Cathrin Bretzeg - وزیر دولت در امور توسعه منطقه یی کشور ناروی در راس یک هیات سه عضوی به کابل و دیدار شان با عنایت الله نظری- وزیر عودت کنندگان و مهاجرین، سیما ثمر- رییس کمَیسیون مستقل حقوق بشر و چند تن از اراکین سازمان ملل در کابل.

- پیشنهاد پروپوزل ترمیم بند سلطان میدان وردک و تقاضای کمک ۷۰۰۰۰ دالر امریکایی وزارت پلان از سفارت ناروی در کابل.

- تقرر یحیی معروفی به سمَت سفیر و نماینده فوق العاده د ا.ا.ا در کشور ناروی و تقاضای اگریمان شان از دولت آن کشور.

- در حوزه کشورهای اروپای شمالی از جمله دنمارک، فنلند، ناروی و سویدن پس از استقرار حکومت انتقالی سفارت های غیر مقیم این کشور ها در کابل افتتاح گردیده است.

- **بازدید حامد کرزی - رییس د.ا.ا.ا. از ناروی ۲۴/ ۱۳۸۱/۹.**

- **حمایت از کاندیدی ناروی برای عضویت در دیوان بین المللی جرایم برای روندا در سال ۱۳۸۱**

- تقدیم اعتماد نامه آقای جینس بوان کاناوین- سفیر غیر مقیم کشور ناروی ۱۳۸۲/۶/۱۱

- بازدید خانم هیلد فراجورد جانسن- وزیر انکشاف بین المللی کشور ناروی از کابل به تاریخ ۲۶ سنبله ۱۳۸۲

- بازدید خانم هیلدوا جورد جانسن- وزیر انکشاف بین المللی کشور شاهی ناروی از تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲۸ به کابل.

- بازدید آقای ویدر ایلیگس - معین وزارت خارجه کشور ناروی به تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۸ از کابل.

- حکومت افغانستان بنابر موجودیت روابط دوستانه و حسن نیت، موافقت خویش را از نامزدی کشور ناروی در کمیته حقوق طفل CRC که انتخابات آن طی دهمین اجلاس کشور های عضو کنوانسیون حقوق طفل در مقر سازمان ملل در نیویارک برگزاری می گردد، ابراز می دارد که موضوع به سفارت کشور شاهی ناروی ارسال گردید.

## فنلند (Finland)

- نفوس: ۵,۲ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: هلسینکی (Helsinki)
- مساحت: ۳۳۸،۱۴۵ کیلومترمربع
- زبان: فینش، سویدنی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۴ سال مردان، ۸۱ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ یورو= ۱۰۰ سنت
- درآمد سرانه: ۲۷،۰۲۰ دالرامریکایی (بانک جهانی ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: fi.
- رمز تیلیفونی:۳۵۸+

• رییس جمهور: تارجا هالونن (Jarja Halonen)
• صدراعظم: ماتی ونانین (Matti Vanhanen)
• -وزیر خارجه: رکی تومیوجا (Erkki Tuomioja)

روز استقلال: ۶ دسامبر ۱۹۱۷ از روسیه

روز قانون اساسی: ۱۷ جولای ۱۹۱۹

محصولات کشاورزی: لبنیات، غله، لبلبو، و کچالو

تولیدات عمده: لوازم فلزی، چوبی، مس و کشتی‌سازی

منابع طبیعی: الوار

صادرات: الوار، کاغذ، کشتی، ماشین آلات، آهن و فولاد،

واردات: مواد خوراکی، نفت و تولیدات نفتی، مواد کیمیایی، وسایل حمل و نقل، آهن و فولاد، ماشین آلات، تکه.

## جغرافیای طبیعی:

فنلند در شمال شرقی اروپا به طول ۱۱۲۷ کیلومتر از خلیج فنلند در جنوب تا سویت پت سامو - در شمال قطب شمال قرار گرفته و در شمال غربی روسیه واقع است. در کرانه های جنوب باختری آن جزایر الاند که کنترل ورود به خلیج پوت نیا را دارد، قرار دارد.

فنلند را کشور دریاچه ها نیز گفت هاند، زیرا بیش از ۶۰۰۰ دریاچه و تعداد معدودی رودخانه دارد. از جمله تنها رودخانهء اویولو از نگاه کشتیرانی اهمیت دارد. جزیرهء آلاند ۵۸۱ کیلومتر مربع مساحت داشته و از سال ۱۹۵۱ به فنلند واگذار گردیده است. یک سوم مردم فنلند در شهر ها در زمینهء صنعت و خدمات به سر برده و بقیه در شهرک ها و مناطق کشاورزی بسر می برند.

## دیدنی ها:

در هلسنگی، کلیسا و معبد زیر زمینی، خانهء مانریهم، کلیسای جامع جزیره سومن لاینا در جارون خانهء جان سیلیوس در ووکاتی، پارک بازی، اوپرای ساون لینا، جشنوارهء جولای راه های آبی دریاچه ها و سرزمین لاپ ها.

## جغرافیایی تاریخی:

در اواخر سدهء هفتم فین ها از خاستگاه خود در کرانه های ولگا به فنلند سرازیر شدبند و این کشور را از لاپ ها گرفتند و آن ها به سوی شمال عقب نشینی کردند. فین ها به پیشروی خود تا سواحل اسکاندیناوی ادامه دادند و اریک نهم شاه سویدن در سال ۱۱۵۷ فنلند رافتح کرد. در سال ۱۳۶۲ فنلند را زیر تأثیر خود قرارداد.

## حکومت:

فنلند در سال ۱۹۱۷ به استقلال رسید. در ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۴ سوی هیتلر را گرفت و پس از جنگ شیوهء محتاطانه‌یی را در پیش گرفت. فنلند عضو شورای شمال سازمان همکاری و توسعهء اقتصادی بوده و در سال ۱۹۷۳ به شورای کمک های متقابل اقتصادی پیوست.

رژیم کشور جمهوری بوده و رییس‌جمهور رییس کشور است. دورهء ریاست‌جمهوری در فنلند مدت ۶ سال است. مگر در ۱۹۷۳ پارلمان با یک جلسهء فوق‌العاده بر مدت ریاست‌جمهوری(ککونن) افزود.

قوهء قانونگذاری آن از یک مجلس تشکیل گردیده و ۲۰۰ نماینده دارد. قوهء اجرایی در دست رییس‌جمهور و شورای دولتی است.

فنلندمرکب از ۱۲ ایالت است که قرار زیر اند: اهوه نانما(ماری هامن)، اوسیما(هلسنگی)، اولو(اونو)، بویویس، کاریالا(یوئنسو)، تورکو یاپوری(تورکو)، کسکی سوئومی(بیوسکیکا)، کوئوپیو(کوئوپیو)، کیمی(کوولا)، لاپی(روانیمی)، میکلی، واسا، همه همنلتیا.

اتحادیه ها و کنفدراسیون های فنلند بالغ بر ۲۹ می باشد. از جمله اتحاد دموکراتیک زنان، اتحاد سوسیال دموکرات زنان، زنان حزب کارگر مرکز، اتحاد دموکراتیک جوانان.

**قانون اساسی و حکومت:**

قانون اساسی کشور در سال ۱۹۱۹ تدوین گردید. در ۱۹ مارچ ۱۹۹۱ انتخابات با شرکت ۳. ۸ میلیون نفر رای دهنده و ۲۰۰ نمایندهء پارلمان صورت گرفت و ۱۷ حزب ۷۲٪ اراء را به دست آوردند. حزب کارگر مرکز ۵۵ کرسی، سوسیال دموکرات ۴۸ کرسی، حزب ائتلاف ملی(محافظه کار) ۱۲ کرسی، لیگ مسیحی فنلندی ۸ کرسی، حزب روستایی ۷ کرسی و حزب لیبرال ۱ کرسی.

**آب و هوا:** آب و هوای کشور در زمستان خیلی سرد بوده و ۶ ماه ادامه می‌یابد. اما در جنوب و جنوب باختری کمتر از ۱-۶ درجه زیر صفر بوده و در شمال حتا به ۱۳ درجه زیر صفر می رسد. در جنوب برف زمین را برای مدت ۳ ماه و در شمال دور برای مدت ۶ ماه می پوشاند. تابستان های آن کوتاه و بسیار گرم و گاهی در تابستان بیشتر باران می بارد. در خزان همچنان. در هلسنگی مقدار ریزش باران ۶۱۸ میلی متر است.

**مناسبات فنلند و افغانستان:**

- بازدید هیات پارلمانی کشور فنلند از کابل و دیدار شان با هیات بلند پایه دولتی.

- دیدار Tarja Laitinien سفیر غیر مقیم فنلند در کابل با هدایت امین ارسلا

- گسیل پیام های حامد کرزی- رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان و داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان به مناسبت های مختلف عنوانی پادشاه، صدر اعظم و وزیران خارجه کشور های مربوطه.

- دیدار داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه با سفیر غیر مقیم جمهوری فنلند در کابل که طی این دیدار پیرامون وضع حقوق بشر و مبارزه با مواد مخدر در افغانستان و عواید گمرکی کشور گفتگو شده در اخیر سفیر جمهوری فنلند از مساعدت مبلغ ده میلیون یوروی کشورش برای افغانستان تعهد نمود.

- در گفتگوی تیلفونی یی که سفیر افغانی در بلجیم با سفیر جمهوری فنلند داشت، سفیر جمهوری فنلند تذکر داده است که کشور فنلند مبلغی را برای مطالعات محیط زیست برای افغانستان تخصیص داده که متاسفانه تا اکنون دولت جمهوری اسلامی افغانستان قادر به جذب آن نگردیده است. موضوع طی مکتوبی به وزارت انرژی و اداره محیط زیست اخبار گردید.

- حکومت فنلند در کنفرانس توکیو اعطای مبلغ سی میلیون یورو را از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ به افغانستان مساعدت نموده که از جمله مبلغ سیزده میلیون یورو را در سال ۲۰۰۲ در بخش های مختلف به مصرف رسانیده است. در بخش بازگشت پناهگزینان به کشور مبلغ چهار میلیون یورو را اختصاص داده است. همچنان مساعدت مالی کشور فنلند برای کمیسیون مستقل حقوق بشر، قربانیان جنگ و برنامه ماین پاکی و تقویهء کلینیک های طبی و طبقه بیشترین آسیب پذیر صورت گرفته است. در سال ۲۰۰۳ مساعدت های آن در بخش های آموزش پولیس، مطبوعات و تقویت امنیت ملی صورت گرفت.

## هالند (Netherland)

- نفوس: ۱۶٫۳ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: آمستردم (Amsterdam)
- مساحت: ۴۱،۸۶۴ کیلومترمربع
- زبان: دویچی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۶ سال مردان، ۸۱ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ یورو= ۱۰۰ سنت
- صادرات: تولیدات فلزی، کیمیایی، مواد غذایی
- درآمد سرانه: ۲۶،۳۱۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: nl.
- رمز تیلیفونی: ۳۱+

- رییس دولت: ملکه بیریکس (Queen Bearix)
- صدراعظم: جن پیتر بال کندی (Jan Peter Balkenende)
- -وزیر خارجه: برنارد بات (Bernhard Bot)

هالند کشور مشروطه پادشاهی بوده و دارای نظام حکومت پارلمانی است. ملکه هالند بترکس، صدراعظم هالند- ویم کوک و وزیر خارجه آن - جیجی جوزن وان آرتسن نام دارد.

هالند در اروپای باختری واقع است که از شمال باختری با دریای شمال(بحیرهء شمال)، از شرق با آلمان، از جنوب با کشور بلجیم و لوگزامبورگ هم مرز است.

پایتخت آن هاگ و شهرهای بزرگ آن آمستردام و روتردام است. بخش بیشتر باشندگان هالند را دوچ ها تشکیل می دهند.

آیین مردم ۳۴٪ کاتولیک، ۲۷٪ پروتستانت، ۴٪ مسلمان و ۳۴٪ بدون آیین اند.

۱. ۳ میلیون شاگرد در مکاتب ابتدایی و متوسطه، ۱. ۴ میلیون شاگرد در موسسات حرفه‌یی و عالی شامل‌اند. در یونورستی ها ۴۶۹۹۰۰ محصل سرگرم تحصیل‌اند.

اقتصاد هالند نقش خاصی را در اقتصاد کشور های شامل اتحادیهء اروپا بازی می‌نماید. از سدهء ۱۹ بدین سو کشتیرانی، ماهیگیری، تجارت و بانکداری جریان دارد. هالند صادر کننده بزرگ انرژی و گاز طبیعی است. در آمد ملی آن ۳۶۴. ۸ میلیارد دالر می شود. هالند به سیستم نمایندگی متناسب در انتخاب شهرداران و والایان در اسامبلی های‌شان استفاده می کنند. که این طریقه اجازه می دهد تا حزب کوچک سیاسی نیز از آن کشور نمایندگی نماید.

در کشور ۱۲ حزب سیاسی وجود دارد که قرار زیراند:

کمریتسن دموکراتیک اپیل، حزب کارگر، سازمان سوسیالیست، حزب مردم، لیبرال، حزب بزلنن دورنتید و دموکرات ها. احزاب کوچک یا بی حد لیبرال و یا بی حد محافظه کاراند.

آب و هوا هالند دریایی است. مشکل محیطی آن کشور عبارت از باران اسیدی است که حاصلات زراعت و خاک را تخریب می‌کند. زغالسنگ منحیث مواد سوخت به کار می‌رود.

هالند صادر کننده گوشت، سبزیجات، مسکه، حبوبات، و گل های گوناگون است. مزارع ۲۷٪ خاک هالند را تشکیل می دهد.

تولیدات آن نمک، غذاهای پروسس شده، نوشابه، تنباکو، ماشین آلات، وسایل ترانسپورتی، آهن و مانند آن است.

پول هالند - یورو است که به تاریخ اول جنوری ۱۹۹۹ رایج شد. هالند پالیسی ECB بانک مرکزی اروپا واقع در فرانکفورت را که مسوءل سیاست های مالی اتحادیه اروپا است، تعقیب می کند.

امستردام مرکز بانکی، بیمه و محل بازار اس هام می باشد.

**تجارت خارجی:**

اقتصاد هالند برای تجارت جهانی بی حد باز است. بسیاری از کالا های بازرگانی به بندر آن کشور به منظور انتقال به کشور های دیگر بیشتر اعضای دیگر اتحادیه اروپا وارد می گردد.

واردات کشور در ۱۹۹۰، به ارزش ۱۹۶ میلیارد دالر و صادرات آن ارزش ۲۰۹ میلیارد دالر می رسد.

**صادرات** آن: غذاها، سبزیجات و میوه جات، لبنیات، تخم، گوشت، ماشین آلات، مواد کیمیایی، تجهیزات ترانسپورتی، تولیدات پترولیم و گاز طبیعی تشکیل می دهد.

مشتریان آن کشور عبارت اند از آلمان، بلجیم، لوگزامبورگ، فرانسه، بریتانیا، ایالات متحده امریکا و اسپانیا.

**واردات** عمدهء هالند ماشین آلات، کاغذ، اجناس، منسوجات، فلزات، حیوانات، مواد کیمیایی، و تولیدات نفتی است.

## ساختار حکومت:

حکومت هالند متشکل است از: قوای سه گانه اجرایی، تقنینی و قضایی، حکومات محلی، احزاب سیاسی، نهاد های خدمات اجتماعی و سیاسی، دفاعی و سازمان های بین المللی.

هالند از نگاه اداری به ۱۲ ولایت تقسیم گردیده است که توسط وتا و یا گورنر اداره می شود که از سوی ملکه تعیین می گردد. در مجموع هالند به ۶۵۰ ناحیه تقسیم شده است که از شهر بزرگ آغاز و به روستاهای کوچک می انجامد، که هر کدام از سوی شورا های منتخب، اداره می شود.

## خدمات اجتماعی و سیاسی:

درآمد کشور در عرصه های آموزش و پرورش، صحت عامه، تشویق کار و رفاه اجتماعی، کمک به بیماران، ناداران، بیوه ها، یتیمان و کهنسالان و کمک هزینه های خانوادگی مصرف می شود.

هالند نخستین کشوریست که در آن جوره های همجنس گرا اجازهء ازدواج دارند.

## خدمات نظامی و دفاعی:

خدمات دفاعی هالند شامل اردو، نیروی دریایی و هوایی است. هالند شامل پیمان ناتو بوده و طبق مقررات آن کشور هر مرد باید نه ماه در قوای مسلح خدمت کند. تعداد افراد در قوای مسلح به ۵۰۴۳۰ نفر می رسد.

**عضویت در سازمان های بین‌المللی:**

هالند در ۱۹۴۹ میلادی شامل شورای اتحادیه اروپا و در سال ۱۹۵۷ شامل اتحادیه کشور های بنی لکس گردیده است که کشور بلجیم و لوگزامبورگ را با هم وصل نماید. همچنان هالند عضو فعال سازمان ملل و سهم گیرندهٔ عمده به برنامه هایی انکشافی و اقتصادی کشور های نادار است. این کشور همچنان عضو پیمان ناتو و دیگر سازمان توسعه و همکاری اقتصادی است.

**مناسبات افغانستان با هالند:**

- موافقتنامه در ارتباط به برنامه برای مارکیت های جدید پس از تأییدی وزارت امور خارجه برای امضاء میان وزیر تجارت افغانستان و وزیر همکاری های انکشافی هالند.

- تقاضای همکاری از سفارت هالند برای کمک به ایجاد یک کلینیک صحی بخش نسائی و ولادی برای باشندگان جبل السراج و معرفی کلینیک مناره در این ولسوالی برای کمک و همکاری کشور هالند. پروتکل برنامه های بازارهای نوظهور (Psom) میان وزارت تجارت و وزارت همکاری های انکشافی کشور هالند.

- افتتاح جنرال قونسلگری د.ا.ا.ا در هالند و تقرر انجنیر نور احمد سلطانی- بحیث سکرتر دوم و سرپرست آن جنرال قونسلگری.

- در این اواخر آقای داکتر احسان طره باز به عنوان قونسول افتخاری افغانستان در هالند گماشته شده اند که در پهلوی آقای سلطانی در بخش جلب کمک های هالند و نیز سازماندهی امور مربوط به این کمک ها دست به یک رشته فعالیت ها و ابتکارات زده اند.

- از سرگیری فعالیت های دفتر نماینده‌ء خاص وزارت امورخارجه دولت شاهی هالند در کابل.

- اشتراک مدیر شعبه‌ء چهارم سیاسی هنگام بازدید وزیر دفاع ملی کشور هالند از مراسم استقبال و دیدارهای وی با مقامات افغانی به تاریخ ۲۳ اکتبر.

- دیدار وزیر دفاع هالند با حامد کرزی- رییس د.ا.ا.ا، مارشال فهیم- وزیر دفاع ملی و قوماندان عمومی نیروهای حافظ صلح بین المللی

- هیات "ترویکا" از سطح وزیران متشکل از براین کوین- وزیر امور خارجه آیرلند، برنارد بوت وزیر امور خارجه هالند و کریسپتن کمیشنر روابط خارجی اتحادیه اروپا به تاریخ ۲۸ دلو در کابل معاهده اعطای امتیازات دیپلوماتیک به دفتر کمیسیون اروپایی را امضا نمود این معاهده از سوی داکتر عبدالله - وزیر امور خارجه و آقـ، کریس پتن- کمیشنر روابط خارجی اتحادیه اروپا امضا شد.

- بازدید اکتر عبدالله- وزیر امور خارجه از هالند برای اشتراک در کنفرانس - وزیران سازمان امنیت و همکاری اروپا مورخ ۹/۹/ ۱۳۸۲

- اشتراک داکتر عبدالله در جلسات وزیران خارجه کشورهای مربوط به سازمان امنیت و همکاری اروپا اوسکا منعقده شهر ماسترچوست در هالند.

## بلجیم یا بلژیک (Belgium)

- نفوس: ۱۰,۳ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: بروکسل یا بروسل (Brussels)
- مساحت: ۳۰،۵۲۸ کیلومترمربع
- زبان: دوچی، فرانسوی،
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۶ سال مردان، ۸۲ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ یورو
- صادرات: ماشین آلات، تجهیزات برقی، وسایل نقلیه، کیمیایی، فلزباب، الماس
- درآمد سرانه: ۲۵،۸۲۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: be.
- رمز تیلیفونی: ۳۲+

• پادشاه: البرت دوم (Albert II)
• صدراعظم: گِوی ورآفستادت (Guy Verhofstadt)

شمار باسوادان: ۹۷٪

شهر های مهم: بروکسل، انتورب، گانت، شارل روی، لیژ،

روز استقلال: ۴ اکتبر ۱۸۳۰ از هالند.

قانون اساسی: ۷ فبروری ۱۸۳۱ آخرین بازنگری و اصلاح قانون اساسی روزهای ۹ و ۸ اگوست ۱۹۸۰.

روز ملی: ۲۱ جولای.

بافتار تباری: بلژیکی ایتالیایی، مراکشی، فرانسوی، هالندی و ترکی

**اقتصاد:**

زمین قابل کشت ۲۴٪، نیروی کار ۴۰۰۰۰۰۰ نفر(۳۱٪ در صعنت).

محصولات: مرغ، غله، لبلبو، تنباکو، کچالو، سبزیجات، میوه.

تولیدات عمده: فلزات، زغالسنگ، تکه، مواد کیمیایی.

صادرات: آهن وفولاد، سنگ های گرانبها، تکه ( پارچه)

واردات: موتر، تکه ( پارچه)، مواد سوخت

سوی های مهم داد و ستد: آلمان، فرانسه، هالند، انگلستان، امریکا و ایتالیا

**جغرافیایی تاریخی:**

بلجیم در همسایگی فرانسه،آلمان، هالند و لوکزامبورگ قرار دارد و در حدود چهل میل نوار ساحلی در دریای شمال در تنگه دوور دارد. یک بر سوم خاک بلژیک دشت است که به سوی مشرق دوام دارد. در شمال که در آن قله کم ارتفاع قرار دارد، دو رودخانه جریان دارد. ارتفاع این قله در حدود ۷۰۰ متر است. رود

شلدر که از فرانسه شرچشمه می گیرد، از سرزمین بلژیک گذشته و به شلد می ریزد.

نام بلجیم از یک قبیله به نام بلگانه گرفته شده است. این قبیله در روزگار ژول سزار که دو هزار سال پیش سر زمین بلژیک را گشود، می زیست. بلژیک دو نام رسمی دارد رویامه بلژیک و در زبان مردم فلاندر نام آن کنونیکار ریجک بلژی می باشد.

سرزمین بلجیم در دوران ژول سزار جزو متصرفات روم به شمار می‌رفت. و پس از آن در تصرف اقوام مختلف مانند نورس ها، فرانک ها، بورگاندی ها و اسپانوی ها بود. تا این که فرانسوی ها خاک بلجیم را تصرف کردند و مدت ۱۸ سال یکی از مناطق الحاقی فرانسه به شمار می‌رفت. تا این که در سال ۱۸۱۵ به موجب عهدنامهء پاریس بلجیم به هالند واگذار گردید.

بلجیم چندی زیر نفوذ هالندی ها بود تا این که در اثر قیام مردم در برابر ویلیام اول اعلام استقلال نموده و در سال ۱۸۳۱ وپولد اول، به عنوان شاه بلجیم انتخاب گردید. پس از وی لیوپولد دوم در سال ۱۸۶۵ به سلطنت رسید و در دورهء وی بلجیم به سرعت صنعتی گردید. در سال ۱۹۰۹ البرت اول، پس از مرگ لیوپولد دوم به پادشاهی رسید.

در جریان جنگ جهانی اول، با این که بلجیم بیسویی خود را اعلام کرده بود، مورد یورش آلمانی ها قرار گرفت و سرانجام آلمانی ها بلجیم را متصرف شدند. با این حال، البرت اول در برابر آلمان و متفقان اعلام جنگ کرد و سپاهیان بلجیمی در برابر متجاوزان می جنگیدند.

آلبرت اول در سال ۱۹۳۴ در کوهنوردی کشته شد. پس از وی پسرش لیوپولد سوم، به پادشاهی رسید. چون آتش جنگ جهانی دوم زبانه کشید، درآثر آن بلجیم آسیب پذیر گردید. زیرا آلمانی های متجاوز به سوی بلجیم سرازیر گردیدند.

لیوپولد سوم برای جلوگیری از خونریزی و ویرانی کشور را به آلمان ها سپرد. اما کابینهء حکومت خود را در لندن تشکیل داد و سپاهیان بلجیم باز در برابر آلمانی ها با متفقان پیوستند.

در سپتامبر سال ۱۹۴۴ نیروهای متفقان و سپاهیان چریکی بلجیم کشور را از چنگ آلمانی ها نجات دادند. اما در مدت زمان اشغال از سوی آلمان بلجیم زیان های زیادی را متحمل گردید که افزون بر دیگر زیان ها و لطمات، آتش سوزی در کتابخانهء بلجیم بود که در اثر آن ۹۰۰۰۰۰ جلد کتاب سوخت و در یک آتشسوزی دیگر بیش از ۵۰۰۰۰ نفر در یکی از اردوگاه های آلمان تلف گردیدند.

در سال ۱۹۵۱ لیوپولید سوم به سود پسرش بودوین به دلیل مخالفت سر سخت سوسیالیست از سلطنت کناره گیری نمود.

در سال ۱۹۵۷ عضو جامعهء بنولوکس گردید و در پیمان های بازار مشترک اشتراک کرد. در سال ۱۹۶۰ برای کنگو که مستعمرهء آن بود استقلال داد.

در بلجیم به زبان های هالندی و فرانسوی تکلم می شود. این دو زبان در امور انتخابات و حکومت آن سخت موثر است. در سال ۱۹۷۲ برخورد شدیدی انتقال قدرت از فلمیش به والون صورت گرفت(انتقال اداری و قضایی در ۶ روستای کوچک) چون تعادل برقرار نگشت، حکومت سقوط کرد و یک نفر به نام ادموند لبورتن به جای لئوتیتد ماتس از حزب سوسیال مسیحی فلیمش، گزیده شد.

بحران های اقتصادی حکومت را در ۳۱ مارچ ۱۹۸۱ به سقوط کشانید. هنگامی که سوسیالیست ها از افزایش قیمت ها جلوگیری کردند، در معرض سقوط قرار گرفتند و صدراعظم ویل فرید ماتنس پس از آن کوشید که تعادل را میان دست مزد و قیمت ها بر قرار نماید. *

حکومت اسکنس در ۲۱ سپتامبر سقوط کرد و اداره‌ء کشور به کوکریل، سامبره رسید. اما در ۱۷ دسامبر ۱۹۸۱ باز پست صدارت به ویل فرید مارتین واگذار شد. در حالی که میزان بیکاری بیش از ۱۰٪ بود، پارلمان و صدراعظم اقداماتی در راه حل مشکلات بحران زا انجام داد.

## حکومت:

حکومت بلجیم پارلمانی و دموکرات سلطنتی است.

بلجیم مشتمل بر ۹ ایالت دارای دو مجلس قانون گذاری یک مجلس سنا با یکصد و هشتاد و یک نماینده که به مدت چهار سال انتخاب می شوند، است. ۲۱۲ عضو مجلس برای یک دوره چهار ساله انتخاب می شوند.

حکومت سلطنتی از پدر به پسر بزرگتر به ارث می رسد. با این که شاه در رأس حکومت قرار دارد، اما در واقع قدرت ندارد و قدرت واقعی در دست صدراعظم و هیأت وزیران است. زیرا آن ها از رهبران احزاب مهم‌اند. سناتور ها بیشترشان به اثر اراء عمومی مردم انتخاب می شوند و هر هشتاد هزار نفر حق دارند یک نفر سناتور برگزینند. هر ایالت یک نفر استاندار(گورنر) دارد که از سوی مجلس ایالتی برای مدت شش سال انتخاب گردیده به وسیله شاه تأیید می گردد. هر شهرک شهرداری دارد که بطور تشریفاتی از سوی شاه تعیین می شود. هر فر ۲۱ ساله بلجیمی حق انتخاب کردن و عضویت در احزاب را دارد.

## احزاب مهم سیاسی در بلجیم:

حزب سوسیال مسیحی، سوسیالیست و حزب لیبرال(یعنی آزادی وترقی).

حزب سوسیال مسیحی ۲۲ سناتور و ۴۳ نماینده در پارلمان دارد. حزب سوسیال مسیحی که به زبان فرانسوی صحبت می کنند ۸ سناتور و ۱۸ نماینده در پارلمان دارد.

حزب سوسیالیست فلامان زبان ۲۲ سناتور و ۲۶ نماینده در پارلمان دارد.
حزب سوسیالیست فرانسوی زبان ۱۸ سناتور و ۳۵ نماینده در پارلمان دارد.
حزب لیبرال فلامان زبان ۴ سناتور و ۲۸ نماینده در پارلمان دارد.
حزب مردم فلامان ۱۰ سناتور و ۲۰ نماینده در پارلمان دارد.
حزب لیبرال فرانسوی زبان ۱۱ سناتور و ۲۴ نماینده در پارلمان دارد.

**جامعه فرهنگی:**

آموزش و پرورش در مکاتب بلجیم رایگان و اجباری است. اداره مکاتب و دانشگاه ها(موسسات عالی تحصیلی) به دوش دولت می باشد. یونورستی های معتبر بلجیم عبارت اند از: یونورستی لواین، بروکسل، گنت، دانشگاه لیژ. یک یونورستی هم است که از سال ۱۹۳۰ در آن به زبان فلامانی تدریس صورت می گیرد. درین کشور مدارس اختصاصی نیز وجود دارد و شامل انستیتوت زراعت، موسیقی و طراحی می باشد. درین کشور بیش از ۲۵۰۰ کتابخانه وجود دارد که مردم می توانند به طور متوسط ۱۰. ۵ میلیون جلد کتاب بطور عاریت برای مطالعه بگیرند.

**هنر:**

دوره‌ء هنری فلامان دوره‌ء درخشان تاریخ هنر بلجیم از ۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ بود. درین دوره آثار با ارزشی به میان آمد. زیرا هنرمندان برجسته‌یی ظهور کردند مانند: هوبرت، جان وان ایک، پیتر بروگل، پیتر پل، بروکسل، گنت، لیژ، و تورانی. در بسیاری از کلیساها و سایر بنا ها آثار کندن کاری و هنری هنرمندان بلجیمی وجود دارد. چارلزد کوسنتر و موریس مترلینگ، از چهره های نامدار بخش فلسفه، شعر و داستان نویسی‌اند.

بلجیمی ها در صنایع دستی مهارت فراوانی از خود نشان داده و اشیای فلزی شیشه‌یی و چوبی جالبی ساخته اند. صنعت کریستال و کندن کاری روی آن و بافتی های دستی آن شهرت فراوان دارد.

**اقلیم:**

آب و هوا در تابستان ها گوارا و در زمستان ها سرد است. دما در بروکسل در جنوری ۲. ۲ درجه و در جولای ۱۷. ۸ درجه بوده و ریزش باران سالانه ۷۷۵ میلی متر است. دما در تابستان به ۲۱ درجه سانتی گرید می رسد. بلندترین کوه آن دارای ۶۹۴ متر بلندی است.

**انرژی و منابع طبیعی:**

تولید برق سالانه بیش از ۶۸۱۰۰ میلیون کیلومتر وات درساعت می رسد. تولید گاز بیش از ۷۰۰ میلیون متر مکعب است.

**مناسبات افغانستان و بلجیم در دوره جدید:**

- گشایش سفارت افغانی در بروکسل در اوایل سال ۱۳۸۱.
- تعیین سفیرکبیر بلجیم در اسلام آباد به حیث سفیر مقیم آن کشور در جنوری سال روان.
- در مورد مساعدت سه عراده موتر توسط حکومت بلجیم به وزارت امور زنان از طریق سفارت افغانی در بروکسل.
- تماس با ریاست افغانستان بانک در مورد پیشنهاد بانک مرکزی بلجیم برای ایجاد همکاری میان بانک ملی افغان و بانک مرکزی بلجیم.

- بازدید معاون صدراعظم بلجیم از کشور به تاریخ اول جولای ۲۰۰۲ که در آن اعلامیه مشترکی میان افغانستان و بلجیم از سوی داکتر عبدالله - وزیر اموز خارجه و لورتی ان کلکنیس- معاون صدر اعظم بلجیم پیرامون همکاری های دو جانبه در عرصهء پیشرفت های مساوی میان ذکور و اناث به تاریخ دوم جولای ۲۰۰۲ به امضاء رسید.

- ارایه مسوده اعلامیه مشترک میان وزارت کار و تساوی امکانات دولت شاهی بلجیم و وزارت امور زنان به آن وزارت و مدیریت حقوق معاهدات. این اعلامیه هنگام بازدید معاون صدراعظم بلجیم به کابل به تاریخ دوم جولای به امضاء رسید. این اعلامیه پشتیبانی از پروسه دموکراسی در افغانستان ایجاد حکومت قانونی، احترام به حقوق بشر، ابراز تهنیت از لویه جرگه اضطراری که در آن شمار قابل ملاحضه ء زنان نقش فعال داشتند و سایر مسایل را احتواء مینماید.

- تقدیم اعتماد نامهء سفیر غیر مقیم بلجیم در کابل

- **بازدید معاون صدر اعظم بلجیم و هیات معیتی اش از کابل به تاریخ ۸۱/۴/۱۱**

- بازدید وزیران دفاع بلجیم و لوگزامبورگ از کابل مورخ ۴ سنبله ۱۳۸۲

- **تقدیم استوار نامه سفیر کبیر غیرمقیم بلجیم برای افغانستان ۱۳۸۱/۱۰/۲۹.**

- **دیدار داکتر عبدالله - وزیر امور خارجه با وزیر دفاع کشور بلجیم**

- **بازدید داکتر عبدالله وزیر امور خارجه از بروکسل (بلجیم).**

- اشتراک در مراسم استقبال و دیدارهای وزیر دفاع بلجیم آقای اندری فلت با مقامات افغانی، هنگام بازدید شان از کابل به تاریخ ۱۹ جنوری (۲۰۰۳). وی نخست با حامد کرزی - رییس د.ا.ا.ا و سپس با داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه دیدار نموده و خاطر نشان ساخت که در سال روان، ۱۵۰ سپاهی آن کشور به نیروهای حافظ صلح بین المللی خواهد پیوست.

- بازدید جان کریولس- معاون وزارت امور خارجه بلجیم به تاریخ ۵ /۱۳۸۲/۳ از کابل

## سویس (Switzerland)

- نفوس: ۷,۱ میلیون (۲۰۰۵ ,UN۹
- پایتخت: بیرن (Bern)
- مساحت: ۴۱،۲۸۰ کیلومترمربع
- زبان: جرمنی، فرانسوی، ایتالوی، رومانیایی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۶ سال مردان، ۸۳ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ فرانک سویسی= ۱۰۰ راپن
- صادرات: ماشین آلات، اشیایی برقی، کیمیایی، اشیای گرانبها، ساعت
- درآمد سرانه: ۳۹،۸۸۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: ch.
- رمز تیلیفونی: ۴۱+
- رییس جمهور: ساموییل شمیت (Samuel Schmid)

**موقعیت جغرافیایی:**

سویس در نیمکرهء شمالی و شرقی میان ۲۶ تا ۴۸ درجه عرض شمالی و ۶ تا ۱۰. ۵ درجه طول شرقی در "قلب قاره اروپا" و به دور از دریاهای آزاد قرار گرفته است.

این کشور با قلل پر برف و یخچال های طبیعی و دریاچه های ژرف و نیلگون و دره های سرسبز و زیبای آن "زمین بازی اروپا" نام گرفته و نیز به علت واقع شدن آن در مرکز قارهءاروپا به چهار راه اروپا و بام اروپا معروف است. این سرزمین کوهستانی به دریا راه ندارد و به علت وجود آلپ ها "آب انبار بزرگ اروپا" نیز نام گرفته است، زیرا که سرچشمه چهار رود بزرگ اروپا یعنی راین، رن، دانوب، پو در آبریز و دامنه کوهستانی آن جاری است.

**اطلاعات عمومی در بارهء سویس:**

شهر های مهم سویس عبارتند از: برن(پایتخت)، ژنو، زوریخ، بال، لوزان، سن گال، آپترل و لوگانو.

از سال ۱۸۴۸ برن پایتخت کنفدراسیون سویس و مرکز دولت فدرال بوده است. این شهر بر ارتفاعات کنار "رود آر" واقع است که از سه سوی آن را در بر می گیرد و یک جزیره‌نمای کوچک را به وجود می‌آورد. امروز شهر برن بیشتر مرکز اداری ایالت و کشور سویس است و سازمان های بین‌المللی چندی نیز مانند اتحادیهء جهانی پست، اتحادیهء مخابرات از راه دور و شماری از ارگان های اجرایی سازمان مُلل را در خود جای داده است.

برن شهر صنعتی‌یی است که در آن صنایع زیر متمرکز است: چاکلیت‌سازی، مبلمان‌سازی، رادیوسازی و نساجی.

شهر ژنو که مرکز ایالت نیز هست، دروازهء سویس از سوی فرانسه است. رود رن این شهر را به دو بخش تقسیم می‌کند. صنعت اصلی این شهر از سال ۱۵۸۷ ساعت‌سازی بوده است. اما صنایع مهم دیگری نیز درین شهر جای دارند مانند: صنعت ساخت لوازم برقی، ساخت زینت آلات از طلا و نقره، ابزار دقیق، شوکولاد و مبلمان، افزون بر این مراکز مالی و شرکت های بیمه بسیاری دراین شهر فعالیت دارند: این شهر به موازات اهمیت اقتصادی، از نگاه سیاسی هم مهم است زیرا که سازمان های مانند: دفاتر اروپایی سازمان ملل، صلیب سرخ جهانی، سازمان بهداشت جهانی، سازمان پژوهش های اتمی اروپا و کاخ ملت های سازمان ملل متحد در آن جای دارند. موقعیت مناسب جغرافیایی این کشور در قلب اروپاست.

**اقوام، نژاد ها و روابط آن ها:**

مردم سویس آریایی نژاد و سفید پوست و از چهار شعبه مختلف اند: نواحی شمال که از نژاد ژرمن و آلمانی زبان هستند، شمار شان حدود ۶۸ درصد باشندگان کل سویس است. نواحی جنوب باختری از نژاد سلت و نواحی جنوبی از نژاد لاتینی هستند. نواحی شمال که از نژاد قدیمی رت هستند.

زبان ها: در قانون اساسی سویس از سه زبان "رسمی" و چهار زبان ملی یاد شده است.

-زبان امانش که پیوند نزدیکی با لاتین دارد و می توان گفت که تقریباً ۱ درصد سویسی ها به آن سخن می گویند.

زبان آلمانی -- نزدیک به ۷۰ درصد مردم سویس به شکلی خاص از آلمانی سخن می گویند که آلمانی سویسی نامیده می شود. این زبان در شمال خاوری و بخش های مرکزی این کشور رواج دارد. آلمانی سویسی یک زبان جداگانه و مخصوص

است. به گونه‌یی که مردم آلمانی زبان دیگر بخش های اروپا به سختی آن را درک می‌کنند. در نواحی مختلف سویس این زبان و نامش فرق می‌کند.

در بال به آلمانی بال و در زوریخ به آلمانی زوریخ می گویند. اما هر کجا که آلمانی و سویسی رایج است در مطبوعات و رادیو و تلویزیون از زبان آلمانی استاندارد کار گرفته می شود.

- زبان فرانسوی که نزدیک به ۲۰ درصد از مردم به آن سخن می گویند، در غرب سویس رایج است.

- ایتالیایی هم زبان ۱۰ درصد از مردم این کشور است که در جنوب سویس و در مرز ایتالیا زندگی می‌کنند.

## اهمیت استراتیژیک کشور سویس در منطقه:

سویس مستقیماً روی راه بازرگانی مدیترانه قرار دارد و نخستین راه تجاری در اروپای امروز است. موقعیت قرار گرفتن این کشور، آن را مهمترین انبار مطمئن امانتگاه اروپا گردانیده است.

از نگاه تاریخی در سال ۱۸۰۲ ناپلیون واقعیتی را شناسایی کرد و کلیهء زمامدارانی که پس از او سر کار آمدند نیز به آن ارج گذاردند و آن این بود که وجود یک منطقه طبیعی کوچک در قلب اروپا سودمند خواهد بود. ناپلیون پس از آن که انقلابیون فرانسه چندی کانتون های سویس را مورد تهاجم قراردادند، استقلال و بیطرفی این کشور را تضمین نمود.

بیطرفی، آزادی سرمایه و ثبات داخلی سویس همواره باعث سرازیر شدن سرمایه کشورها به ویژه کشور های همسایه، پناهگاه مناسبی برای قربانیان جنگ و به ویژه برای پول هایشان است. همواره رویدادهای سایر کشور های اروپایی، از جنگ و

هرج و مرج گرفته تا آزار و ستمگری، موجب حرکت موجی از اشخاص و تخصص ها و پول بیشتر به آن سوی کوه های آلپ می گردیده است.

سویس را باید در مجموعهء بازیگران نظام بین‌المللی، کشوری با ویژگی های خاص و منحصر به فرد آن دانست. شکل توپوگرافیک و موقعیت ژئوپولیتیک، بافت و ساخت متنوع اجتماعی، گوناگونی زبان، فرهنگی و نژادی، تاریخچه انحصاری، نظام دیرپای حکومتی، نقش فراوان مردم در سرنوشت سیاسی جامعه و کشور مبتنی بر مدل دموکراسی مستقیم، نظام سیاسی کنفدرال با پیشینهء هفتصد ساله، توسعه یافتگی و پیشرفت وسیع اقتصادی و سرانجام ثبات سیاسی، امنیت پولی و آرامش اجتماعی ناشی از اصل اصیل "بیطرفیی" از مهمترین شاخصه ها و مختصات کشور سویس به شمار می‌رود.

**عضویت در پیمان ها و سازمان های اقتصادی و بین‌المللی و منطقه‌یی:**

سویس کشوری است که تنها عضو شورای اروپا می شود و در سازمان ملل به رغم این که بخشی از تشکیلات این سازمان در سویس قرار دارد، در این اواخر عضویت دارد. مردم سویس در همه‌پرسی انجام گرفته با عضویت این کشور در سازمان ملل بار ها مخالفت نمود ه اند. سویس تنها کشوری است که عضو صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است که عضویت خود را در این دو سازمان از طریق آرای عمومی و پس از نظر مثبت مردم اعلام داشت. بنابه اظهار رییس هیات نمایندگی سویس در بانک جهانی وضعیت سویسی ها در بانک جهانی مهمتر از صندوق بین‌المللی پول می باشد و از ۷۰۰ نفر پرسونل بانک جهانی ۴۰ نفر سویسی هستند. وی بر آن است که عضویت این کشور در این دو سازمان مساعدتی خواهد بود تا دز آینده از موقعیت بهتری در بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برخوردار گردند.

سویس از ۱۹۶۰ در کنار دیگر کشور های بیسوی اروپا مانند سویدن، ناروی، فنلند و اتریش در قالب سازمانی زیر عنوان اتحادیهء تجارت آزاد اروپا، فعالیت دارد.

## تشکیلات حکومتی:

### قوه اجرایی:

در رأس قوه اجرایی شورای فدرال قرار گرفته است. این شورا دارای هفت عضو است که با رأی دو مجلس در یک جلسه مشترک برگزیده می شوند و تا هنگامی که خود کناره گیری نکنند، در مقام مربوطه باقی خواهد ماند. هیچ دو عضو از اعضای شورا نمی توانند از یک ایالت باشند. مجمع فدرال یک نفر از اعضای شورای فدرال را هر ساله به ریاست شوری بر می‌گزینند. برخلاف جمهوری های دیگر رییس شورای فدرال که رییس‌جمهوری کنفدراسیون خوانده می شود، هیچ تفاوتی با دیگر اعضای شورا ندارد و این مقام بیشتر جنبهء تشریفاتی دارد.

برپایهء قانون اساسی به جز روحانیون، اعضای دیگر قشرها حتا اعضای مجلیسین می توانند نامزد عضویت در شورای فدرال گردند. اما عملاً تنها افرادی که از تجربهء فراوان در امور کشورداری برخورداراند، به عضویت شورا برگزیده می شوند. منتهی در این انتخاب، نواحی مختلف، زبان ها و احزاب گوناگون را در نظر می گیرند. فرد برگزیده شده باید از تمامی مشاغل خود در بخش خصوصی یا دولتی که ممکن است مغایرتی با عضویت در شورا داشته باشد، استعفاء دهد. در شورای فدرال در مورد مسایل مهم کشوری، مشترکاً تصمیم گرفته و رأی اکثریت باید از سوی همه اعضاء پذیرفته شود، حتا اگر با مواضع و سیاست های حزبی آن ها مغایرت داشته باشد.

هرچند تصامیم مشترکاً صورت می گیرد، اما نظر وزیر مربوطه از اهمیت بیشتری برخوردار است. نتیجه این نوع تصمیم‌گیری محدود شدن قدرت تک تک اعضا تمرکز اطلاعات، هماهنگی سیاست ها و استمرار خط مشی شورا – به رغم تغییر اعضای آن است.

بر طبق قانون اساسی مجلسین فدرال نمی توانند شورای فدرال را منحل نمایند ولی اعضای این شورا در قبال مجمع مسوول و پاسخگو هستند. وزیر فدرال نقش رابط میان قوه اجرایی و مقننه را بازی می‌کند.

به طور کلی دولت فدرال تصمیم‌یری در موارد زیر را به عهده دارد:

حقوق مدنی، تجاری و جزایی– قوانین مربوط به ازدواج و اقامت، صادرات و واردات، امور دفاع، خدمات تیلفون و تلگراف، زراعت، شکار و ماهیگیری، ضرب سکه و چاپ پول، اقتصاد، راه آهن، پل ها و جاده های مهم، بیمه اجتماعی، روابط بین‌المللی و سیاست خارجی.

**قوه مقننه:**

سویس نمونه عالی و منحصر به فردی است که در آن پارلمان دوگانه از جایگاه رفیع و بالایی برخوردار است و عالی‌ترین نهاد حاکمیت به شمار می‌رود. این بدان معنا است که مردم سویس به یاری فرهنگ سیاسی غنی و پیشرفته تا درجه بالای رشد و توسعه یافتگی فرهنگی – اجتماعی و اقتصادی و به پشتوانه قانون اساسی و تجارب گرانبار تاریخی این کشور، در فرآیند های قانونگذاری و اجرایی کشور، به شیوه‌یی بدیع و فعال مشارکت دارند. در صحنهء فدرال قدرت قانونگذاری به وسیله "مجمع فدرال" که مرکب از دو مجلیسین می باشد، اعمال می گردد. این دو مجلس عبارتند از:

- مجلس شورای ملی

- **مجلس شورای ایالت ها**

مجلس ملی به نمایندگی از ملت و مجلس ایالات یعنی نمایندگی کانتون ها می باشد. در اصطلاح مجلس ملی را "خانه پایین مجتمع" و مجلس ایالات را "خانه بالای مجمع فدرال" می خوانند.

مجلس شورای ملی دارای ۲۰۰ عضو است که از سوی مردم برای مدت ۴ سال برگزیده می شوند. تعداد نمایندگان هر ایالت در این مجلس بستگی به تعداد جمعیت آن دارد. در شورای ایالتي هر کانتون کامل دارای ۲ نماینده و هر نیمه کانتون دارای یک نماینده است. این گونه، با احتساب ۲۰ کانتون و ۶ نیمه کانتون سویس، مجلس شورای ایالات متشکل از ۴۶ نماینده و عضو است. مدت نمایندگی هریک از اعضاء مجلس ملی و مجلس سنا ۴ سال است. این مجلس در واقع نماینده ایالت ها در سطح فدرال است. نمایندگانی که ایالت ها به مجلس می فرستند.

بر پایهء قوانین خاص هر ایالت از سوی مردم تعیین می شوند. حداقل سن برای انتخاب کردن و انتخاب شدن، بیست سال است، لوایحی که در زمینه قانونگذاری و امور مالی ارائه می شود، برای اجراء باید به تصویب هر دو مجلس برسند. جلسات شوری مجلسین به طور مجزا تشکیل می شود و هریک از مجلیسین می توانند مصوبات مجلس دیگر را ویتو نمایند.

**قوه قضایی:**

قوه قضایی مرکب است از دادگاه عالی فدرال با ۲۶ قاضی فدرال که هر یک برای ۶ سال انتخاب شد هاند و از حقوقدانان و دانشمندان طراز اول به شمار می آیند. این دادگاه عالی‌ترین مرجع قضایی کشور است. محاکم و قضات کشور در سطح کانتون ها و بخش ها از امور داخلی کانتون ها به شمار می آیند و تابع مقررات هر استان می باشند. مقر دادگاه عالی فدرال پیش بینی شده است.

این نهاد مسوول امور قضایی است و به موارد مربوط به قانون مدنی، قانون جزایی و یا پیگرد مجرمان می پردازد. آراء صادره توسط محاکم کانتون ها با استقلال کامل صادر می شود. محاکم فدرال به عنوان بالاترین مرجع قضایی نحوهء تفسیر حقوق مربوط به تمام کشور را به طرز قطعی تعیین می‌کند و به هنگام بروز اختلافات میان کانتون ها و یا یک کانتون و کنفدراسیون، محاکم فدرال به عنوان "محکمه دولت" وارد عمل می شود. بالاخره این محکمه عالی، زمانی که صحبت از حقوق عمومی در میان است نقش عمده‌یی بازی می‌کند و در برابر مقامات و دستگاه اجرایی، به پشتیبانی از حقوق شهروندان می پردازد.

## تقسیمات کشوری:

از هنگام ورود کانتون به داخل کنفدراسیون در ۱۹۷۹ شمار کانتون های عضو به ۲۴ می رسد مگر تنها ۲۳ ایالت وجود دارد و سه کانتون نیز به دو نیمه تقسیم شده.

| نام ایالت | نام مرکز | نام ایالت | نام مرکز |
|---|---|---|---|
| آراگو | آراگو | سنت گانن | سنت گانن |
| آپنرل او سررودن | آپنرل | شاف هاوزن | شاف هاوزن |
| آپترل | آپترل | زولوتورن | زولوتورن |
| برن | برن | شویتس | شویتس |

| | | | |
|---|---|---|---|
| فرایبورگ | فرایبورگ | تورگائو | فرائنفلند |
| ژنو | ژنو | تی چی | بلین زونا |
| گلاروس | گلاروس | اوری | آلتدروف |
| گراوبوندن | خور | وتاز | سیون |
| ژورا | ژورا | وود | لوزان |
| لوسرن | لوسرن | زوگ | زوگ |
| نوشاتل<br>نیدوالدن | نوشاتل<br>ستانس | زوریخ<br>بال | زوریخ |

کانتون ها و نیز نیمه کانتون ها به طور خودمختار سازمان می یابند. شهروندان مقامات خود را برگزیده و نسبت به پیشنهادهای کانتونی، اتخاذ مواضع می‌کنند. عوامل اجرایی آن ها و دولت های کانتونی که عموماً با رأیگیری سری برگزیده می شوند، مرکب از ۷. ۵ و یا ۹ عضو می باشند و بر اساس سیستم همگانی عمل می‌کنند.

پارلمان کانتون موسوم به شورای بزرگ یا شورای کانتون تنها از یک مجلس شده که اعضای آن برحسب کانتون ها متغییر است. دوره کاری مقامات قضایی نیز بیشتر

۴ سال است. کانتون ها سیستم های تحصیلی و آموزشی و نیز ن هاد های اجتماعی خودرا آزادانه سازمان می دهند و درآمد های مستقیمی به شکل مالیات دریافت می دارند.

## ساختار سیاسی:

سیاست سویس هم مانند کشور ها پیش از هر چیز حفظ استقلال ملی و دفاع از منافع کشور را در جهان، در نظر دارد و در این راستا بر اصولی چند استوار است که در نخستین رده آن بی طرفی دایمی است. قدمت این‌اندیشه به سدهءشانزدهم باز می گردد. سویس در دوران کنفدراسیون سادهء دولت های حاکم، بر اثر تنش هامیان کانتون های کاتولیک و پروتستان رخ داده هریک در جناح همکیشان خود در کشور های دیگر صف آرایی کرده و جنگ های بی پایانی را در پیش گرفته بودند.

بیطرفی دایمی امکان داد که ناهمنگری ها کاهش یافته و پیوند همبستگی فشرده‌تر گردد و در عین حال آهسته آهسته به عنوان یک عامل اساسی در توازن اروپا مطرح شود. کنگره وین در سال ۱۸۱۵ این بی سویی را پذیرفت و در سال ۱۹۱۹ و به دنبال جنگ جهانی اول، عهدنامه ورسای آن را مورد تایید قرارداد و از آن زمان به پس به رغم تمامی آشفتگی هایی که رخ داده است، این حالت بی سویی هنوز هم تمامی ارزش خود را حفظ کرده است. البته بی سویی سویس باعث نشده است که این کشور دارای سیاست خارجی فعال نباشد. اصل همبستگی کشور را واداشته تا کمک های بشر دوستانه و همکاری خود با ملل جهان را گسترش دهد و برای نیل به این اهداف، طی چند سال اخیر و به هنگام هر مصیبت و مشکلی که در خارج از کشور صورت پذیرد، سازمان کمک ها تشکیل شده و به طرز مؤثر به یاری کشور های مختلف می شتابد و مردم آن ها را نیز که بر اثر فجایع طبیعی و... صدمه دیده باشند، یاری می رساند.

اصل جهانگرایی ایجاب می‌کند که سویس با بیشترین رقم ممکن از کشور ها رابطه داشته باشد و در این راستا نوع رژیم سیاسی و یا اجتماعی آن کشور اصلاً مطرح نیست. سرانجام به موجب اصل حاضر خدمت سویس به میانجیگری میان سوی های درگیر می پردازد و حافظ منافع شمار فروانی از کشور ها در نزد دولت های خارجی است. در چهار چوب این سیاست است که سویس اهمیت زیادی برای نقش ژنو به عنوان مقر بسیاری از سازمان های بین‌المللی و مرکز کنفرانس هایی که با شرکت نمایندگان سراسر جهان برگزار می شود، قایل است.

سویس در روابط با کشورها، توجه کاملاً ویژه‌یی به احترام حقوق بین‌المللی مبذول داشته و در پی گسترش آن است. در واقع این عامل مهمی است برای نظم و توازن و در عین حال دارای اهمیت ویژه یی در دفاع از حقوق و حاکمیت کوچکتر جهان می باشد.

دستیابی به استقلال در حدود ده کشور جهان سوم که به تدریج صورت گرفت و برقراری روابط سریع بین‌المللی، خود موید آغاز یک مرحلهء جدید است. در قرارداد های فراوانی که در زمینه های کاملاً متفاوت به امضا رسیده است، نقش بسیار فعال سویس کاملاً بارز بوده است. سویس به عنوان مهد صلیب سرخ، ریاست کنفرانسی که در سال ۱۹۷۱ به عهده داشته و دو پروتکل مکمل کنوانسیون ژنو را به تصویب رسانده است. این مدارک از نقش ارزنده‌یی در وفق دادن حقوق مربوط به درگیری های مسلحانه با شرایطی که در جنگ های مدرن وجود دارد، برخوردار است.

**احزاب سیاسی:**

عمده‌ترین احزاب سیاسی در سویس عبارتند از: حزب رادیکال، حزب دموکرات مسیحی، اتحادیه دموکراتیک مرکز، حزب لیبرال، حزب سوسیالیست، حزب سبز ها، حزب کار، حزب آزادی، حزب دموکرات های سویس.

**عضویت در پیمان های نظامی:**

سویس به لحاظ پایبندی به اصل بی سویی عضو هیچ پیمان نظامی نبوده و متحد نظامی ندارد.

**مبانی اصول سیاست خارجی:**

سیاست خارجی در گام نخست به معنای حفظ منافع کشور در خارج، شرکت در گفتگوهای بین‌المللی و تأثیر گذاری روند گفتگو ها از شرایط نخستین و تعیین کننده سیاست خارجی سویس در سال های دهه ۹۰ است.

۱- حفظ صلح و امنیت و گسترش روابط دوستانه

۲- حفظ و گسترش حقوق بشر، دموکراسی و توسعه حکومت قانون

۳- توسعهء رفاه و آسایش برای مردم

۴- کاهش اختلاف طبقات اجتماعی

۵- حفظ شرایط طبیعی زندگی برای همه، رعایت و توجه به حقوق بشر و احترام به قانون همواره سهم و نقش تعیین کننده‌یی در حفظ و توسعه امنیت دارد.

امنیت و صلح وقتی تضمین شده است که دولت ها سیاست خارجی و داخلی خودرا با منشور حقوق بشر تطبیق داده و به اصول دموکراسی احترام بگذارند. سیاست های بشر دوستانه بر عملکرد های خودسرانه آن ها رجحان داشته و نظام قدرت سیاسی تابع عملکرد های دموکراسی باشد.

شورای فدرال سویس در گزارش سیاست امنیتی مورخ ۱۹۹۰ احترام به اصول و مبانی حقوق بشر، در رأس برنامه های سیاست خارجی و داخلی، به نقش حقوق بشر در امنیت ملی و بین‌المللی توجه ویژه داشته است.

از دیدگاه شورای فدرال بدون توجه و تضمین حقوق بشر صلح و ثبات نبوده و خدشه دار ساختن حقوق بشر تشنج و بحران در جامعه را دامن می زند.

برای بسیاری از سویسی ها سیاست های بیطرفانه کشور چونان بخشی از هویت آن ها بوده و به یک اصل تبدیل شده است. از دیدگاه آن ها اگر سویس از سیاست های بیطرفانه دست بردارد، دیگر استقلال نخواهد داشت و زیر نفوذ دیگر کشورها در خواهد آمد.

برخلاف این گروه، شمار دیگر بر آنند که پس از فروپاشی اردوگاه شرق، سیاست های بیطرفانهٔ سویس در قبال نیازهای نوین پاسخگو نبوده و سویس نباید در قبال وقایع بین‌المللی، شرکت در تصمیم‌گیری های سیاسی اقتصادی بیطرف مانده و نامسوولانه برخورد کند.

پس از بررسی کامل در گزارشی که در اواخر ماه مارچ ۱۹۹۲ زیر عنوان سیاست های بیطرفانهٔ سویس و تأثیرات آن بر روی سیاست خارجی منتشر شد؛ سیاست های بیطرفانه سویس در تدوین سیاست های امنیتی، نظامی و خارجی در آینده تعیین کننده اعلام شد، زیرا سویس می تواند به رغم ملاحظات مربوط به سیاست های امنیتی بیطرفانه، در برنامه های نظامی سازمان ملل و جامعهٔ اروپا با شرایط خاصی شرکت کند. در این گزارش آمده است، وضعیت امنیتی سیاسی در این برهه تغییر نموده و سویس باید کماکان کوشش نماید تا در بحران های نظامی شرکت نکند و خود را از تنش ها و درگیری ها به دور نگهدارد.

به طور کلی وجه تمایز سیاست خارجی سویس مبتنی بر دو اصل است: یک اصل بیسویی و دیگری اصل همبستگی. اما اساساً وجه مشخصهٔ سویس بیسویی آن است. در واقع شناخته شده‌ترین و مشهورترین ابعاد وجودی کشور سویس در میان افکار عمومی جهان، مسأله بیسویی این کشور و ثبات سیاسی، آرامش اجتماعی و امنیت مالی – پولی ناشی از آن است.

## نقش عوامل خارجی موثر در سیاست خارجی:

اروپا با مشکل بی‌ثباتی روبرو است. آن هم به گونه‌یی که شکل خطرات تعدیل شده و بحران های جدید زمینه پیدا کرده اند. ارتش ها در اروپا برچیده نشده و بسیاری از کشورهای اروپایی کماکان برای ایجاد و حفظ صلح و تضمین آزادی و حاکمیت کشور به وجود ارتش ها واقف هستند. در اروپا کماکان خطر تهدید نظامی وجود دارد. تا زمانی که اروپا به یک سیاست امنیتی مشترک و همه سویه دست نیابد، سویس به اصل بیطرفی دایمی خود وفادار می ماند.

تاریخ و تجربهء گذشته نشان داده است که اوضاع و احوال سیاسی همیشه کاملاً قابل پیش بینی نبوده و خطرات غیر قابل پیش بینی همواره وجود دارد. در این راستا سیاست های بیطرفانه می تواند در برای اهداف ملی، حفظ حقوق بین الملل و حاکمیت کشور غلبه بر بحران ها نقش عمده داشته باشد.

سویس پس از سال های ۱۹۵۰ به این واقعیت پی برد که دیگر نمی تواند به تنهایی و بدون در نظر گرفتن منافع دیگر کشور ها منافع اقتصادی و نظامی خود را پیش ببرد.

سویس یک کشور صادر کننده است و ۵۰ درصد درآمدش را از طریق صادرات به خارج از کشور تأمین می‌کند. برای این منظور سویس نیاز دارد میان سیاست های خارجی، داخلی و اقتصادی خود هماهنگی به وجود آورد.

پیداست که سیاست های داخلی، خارجی و اقتصادی لازم و ملزوم یکدیگر اند. اتخاذ هرگونه سیاست داخلی و اقتصادی نمی تواند در تضاد با اهداف سیاست خارجی باشد. برخلاف، عضویت سویس در جامعهء اروپا که به داخل کشور و مردم مربوط می گردد، برخی مسایل و مشکلات مانند موضوع پناهندگان، اعطای وام، اعتبار و رعایت حقوق بشر تنها به سویس مربوط نمی گردد.

سویس باید به لحاظ سیاست خارجی با دیگر کشور ها گفتگو و برای مشکلات مربوط به راهیافت های اروپایی و جمعی توجه نماید. بسیاری از دشواری هایی که سویس با آن درگیر است، ریشه درونی نداشته و به خارج مربوط می گردد. سویس باید نسبت به مشکلات و تهدیدات برونمرزی به ویژه رویارویی باتروریزم و جلوگیری از قاچاق مواد مخدر با دیگر کشور ها همکاری نماید. در ایجاد سیاست های امنیتی اروپا سهیم گردد و در حال بحران ها فعالیت مستقیم داشته باشد.

از سوی دیگر، عضویت در اتحادیهء اروپا نیز می تواند میان اتخاذ سیاست های جدید و دکترین سیاست بیسویی شگاف عمیقی ایجاد نماید و عملکرد مستقلانه آن کشور را زیر سایه قرار دهد. شرکت در تحریم علیه عراق، لبنان و یوگوسلاوی پیشین، اجازه به عبور هواپیما های آواکس ناتو در عملیات مربوط به یوگوسلاوی پیشین از آسمان سویس از جمله این عملکرد هاست. سویس قصد دارد اصول سیاست های بیسویانه خود را با معیار های اتحادیه اروپای غربی هماهنگ سازد. در همین راستا، در گزارش سیاست خارجی سویس در دهه ۱۹۹۰ سه موضوع زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

۱- حفظ سیاست بیطرفانه مسلحانه

۲- نقش سیاست های بیطرفانه در برقراری صلح

۳- سیاست خارجی فعال و شرکت سویس در حل مشکلات و نشان دادن همبستگی با دیگر کشورها، در گزارش سیاست خارجی سویس در دهه ۱۹۹۰ به خوبی روشن گردیده که اوضاع و احوال جهانی به لحاظ سیاست های داخلی، خارجی و روند وحدت اروپا و سرانجام فروپاشی شوروی و از میان رفتن کمونیزم، دستخوش تغییرات عمده شده اند. در این مقطع، سویس نیز برای حفظ منافع خود، در سیاست های گذشته به ویژه دکترین سیاست های بی سویی مسلحانه بازنگری می کند و این سیاست ها را با وضعیت موجود وفق می دهد. هرگاه شورای فدرال

موفق گردد سیاست های بیسویی را با سیاست های امنیتی اروپا تطبیق دهد، سویس می تواند همگام با دیگر کشور ها در ایجاد سیاست های امنیتی اروپا سهیم شود.

### موقعیت منطقه‌یی سویس:

سویس بخشی از اروپا است و از نگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با اروپا همکاری دارد. از نگاه صنعتی روابط نزدیکی میان اروپای باختری و ناتو وجود دارد. این امر موجب مشارکت های امنیتی با سویس می شود. اگرچه سویس عضو پیمان ناتو نیست، اما از طریق طرح مشارکت برای صلح می تواند تبادل اطلاعات نظامی داشته باشد. در برنامه های بشر دوستانه و مقابله با موانع شرکت نماید و در آموزش های نظامی شرکت کند. سیاست های امنیتی وحفظ صلح در اولویت سیاست خارجی قرار گرفته و سویس علاقمند به ثبات در اروپاست.

ابزار متعارف سلطه گری برای مقاصد تجاروزکارانه در رابطه با حکومت و کشور سویس نامحسوس است و این کشور هیچگونه اختلاف مرزی با چهار همسایه خود ندارد و برعکس دارای حسن همجواری و اعتقاد به مزیستی مسالمت آمیز و رعایت حقوق بشر می باشد.

روابط بازرگانی خارجی سویس در صدر با سه همسایه آلمان، فرانسه و ایتالیا و سپس اتریش در درجات پایین گرفته است. تنها درمورد فرانسه به هنگام روی کارآمدن سوسیالیست ها مراکز مالی سویس در آغاز دستخوش نگرانی از ناحیه روابط ویژه دوسویه در زمینه های گمرکی و بازرگانی گردیدند، ولی با گذشت زمان این نگرانی کاهش یافت.

پس از امریکا و هالند، سویس سومین کشور از نگاه سرمایه گذاری در فرانسه است وتراز بازرگانی کنونی کشور شاغل می باشند.

**روابط سیاسی سویس با افغانستان:**

روابط افغانستان و سویس در سال ۱۹۲۸ به تاریخ ۱۷ فبروری طی یک معاهده دیپلماتیک در شهر برن آغاز گردید. افغانستان و سویس در گذشته ها و همچنان تا کنون سفارت های مقیم ندارند. در گذشته، سفارت افغانستان در پاریس و سفارت سویس در تهران ممثل روابط دو کشور بودند. تا مدت زمانی جنرال قونسلگری افغانستان در بن این مسوولیت را عهده دار بود.

پیش از تجاوز شوروی پیشین به افغانستان، قونسلگری سویس در کابل فعال بود. پس از آن سفارت اتریش در کابل امور قونسلی سویس را تا زمانی عهده دار بود.

اکنون سفارت افغانستان در پاریس ممثل روابط میان دو کشور است و پرفیسور زلمی حقانی- سفیر کبیر افغانستان در فرانسه در عین حال سفیر کشور در سویس است.

همچنان نمایندگی دایمی افغانستان در مقر اروپایی ملل متحد در ژنو فعال است و از کشور نمایندگی می کند.

سویس درکابل نمایندگی دارد و سفارت آن کشور در اسلام آباد نیز در تأمین روابط میان دو کشور فعال است.

**بازدید هیات های دو کشور:**

- اشتراک یکتن از کارمندان ریاست امور قونسلی در پنجمین جلسه سه جانبه میان افغانستان، ایران و UNHCR در شهر ژنو کشور سویس. در رابطه به دعوت پناهگزینان از کشور و حل مشکلات آن ها.
- اشتراک معین تدریسی و سرپرست وزارت معارف همراه با داکتر عبدالغفور غزنوی- رییس شورای علمی وزارت معارف و خلیل الله مینوی - سکرتر جنرال کمیسیون ملی یونسکو در چهل و هفتمین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش در ژنو.

- دعوت از حبیبه سرابی- وزیر امور زنان و داکتر سیما ثمر- رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر در کنفرانس بین المللی Women Defending Peace منعقده در ژنو سویس.

- بازدید هیات افغانی به ریاست شاروال کابل به دعوت شهردار ژنو از کشور سویس به تاریخ ۵ فبروری.

- بازدید داکتر عبدالله-وزیر امور خارجه از سویس (کنفرانس داووس). در سال ۱۳۸۱

- نمایندگی دایمی افغانستان در مقر اروپا از بازدید دوتن تبعه سویسی که علاقمندی ویژه برای اعمار بت های بامیان دارد به تاریخ اول سپتامبر به افغانستان اطلاع داده بودند که مراتب فوق به وزارت اطلاعات و فرهنگ ارقام و از موافقت وزارت مذکور به ورود اشخاص متذکره به نمایندگی افغانی در واشنگتن اطلاع داده شد.

- گسیل دو تن از استادان دانشگاه با استفاده از بورس یونسکو به سویس.

## فرانسه (France)

- نفوس: ۶۰,۷ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: پاریس (Paris)
- مساحت: ۵۴۳،۹۶۵ کیلومترمربع
- زبان: فرانسوی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۵ سال مردان، ۸۳ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ یورو= ۱۰۰ سنت
- صادرات: ماشین آلات، تجهیزات ترانسپورتی، فرآورده های کشاورزی و شراب(Wine)
- درآمد سرانه: ۲۴،۷۷۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: fr.
- رمز تیلیفونی: ۳۳+
- رییس جمهور: ژاک شراک (Jacques Chirac)
- صدراعظم: دومینیکو دی ویلپین (Dominique de Villepin)
- -وزیر خارجه: فلیپ دوست بلیزی (Philippe Douste-Blazy)

**موقعیت جغرافیایی:**

فرانسه در اروپای باختری واقع است که از شمال- با دریای مانش، از خاور- با بلجیم، لوکزامبورگ، آلمان، سویس و ایتالیا، از جنوب - با دریای مدیترانه و اسپانیا و از باختر - با اقیانوس اتلس محدود می شود.

**اطلاعات عمومی:**

فرانسه از کشور های مهم اروپا و جهان است که نقش برجسته‌یی را در سیاست های جهانی بازی می‌نماید. همچنان نقش این کشور در فرهنگ و ادب، علم و هنر و تکنولوژی برجسته است.

**شهر های مهم:**

مارسی، لیون، تولوز، نیس، استراسبورگ، مانتیس، باردو، سنت استین، مون نولیه، لو هاور، اننس، ریمس، تولون، لیل، برست و کرونوبل.

**روز ملی** : ۱۴ جولای

قانون اساسی فرانسه در سال ۱۹۵۸ تدوین شد و در سال ۱۹۶۲ برخی تعدیلات در آن رونما گردید.

**کشاورزی:** اراضی قابل کشت در کشور ۳۵٪ و محصولات غله، مواد غذایی، لبنیات و میوه می باشد.

در بخش صنعت قوه کار ۳۵٪ بوده و تولیدات عمده‌شان عبارتند از: مواد کیمیایی، موتر، آهن فولاد و هواپیما می باشد.

منابع طبیعی کشور عبارت است از زغال‌سنگ و جنگلات.

## تاریخ فشرده:

فرانسه یکی از قدیمی‌ترین کشور ها است و تاریخ بسیار پیچیده و مغلق با فراز و نشیب بسیار دارد.

پیشینهء تاریخی فرانسه را می توان به چند دوره تقسیم کرد. از تولد تا انقلاب، از انقلاب تا جنگ دوم جهانی، از جنگ دوم جهانی تا امروز.

### ۱- فرانسه از تولد تا انقلاب:

همه تاریخدانان و پژوهشگران دیدگاه یکسانی در بارهء تاریخ دقیق تاسیس کشور فرانسه ندارند. اما بیشتر برآنند که فرانسه به گونهء رسمی به تاریخ ۴۹۴ میلادی در زمان به قدرت رسیدن کلویس Clovis به عنوان پادشاه فرانسوی ها ایجاد گردید.

پس از ۱۹۵۷ میلادی این کشور دارای نظام شاهی ثابت شد، به دلیل این که در این سال که هوگ کاپی humus cope به عنوان پادشاه به قدرت رسید و خانوادهء او ۹ سدهء ازگار بر فرانسه حکومت کرد. در طول این مدت، نظام سیاسی فرانسه شاهی مطلقه بود.

### ۲- فرانسه از انقلاب تا جنگ جهانی دوم:

انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ م. رژیم شاهی مطلقه را درهم کوبید. اما انقلابیون بی درنگ اعلام جمهوریت نکردند و لوی‌شانزده Louis xvi را، کاملا از قدرت برکنار نساختند. در سال ۱۷۹۱ مجلس ملی(National Assembly) به خود صلاحیت تدوین قانون اساسی تحریری داده و آن را تصویب کرد. این دومین قانون اساسی تحریری در جهان پس از قانون اساسی امریکا(۱۷۸۷) است.

قانون اساسی ۱۷۹۱ فرانسه رژیم شاهی مشروطه را برقرار کرد. اما انقلابیون فرانسه در سال ۱۷۹۲ م پادشاه را متهم به خیانت و او را اعدام کردند و در همین سال رژیم جمهوری اعلام گردید.

## ۳- فرانسه از جنگ دوم جهانی تا امروز:

طی قرن ها کشور فرانسه به عنوان یکی از نیرومندترین دولت ها در جهان نقش برجستهء نظامی، دیپلماتیک و سیاسی در صحنهء بین‌المللی داشت. جنگ دوم جهانی و به خصوص نتیجهء آن به این وضع پایان داد.

ین جنگ در ۱۹۳۹ آغاز شد و کشور آلمان در سال ۱۹۴۴ م فرانسه را اشغال کرد. مخالفان اشغال فرانسه توسط آلمان، دست به مقاومت یازیدند و به دو جبهه تقسیم شدند. از یکسو کمونیست ها و از سوی دیگر ملی گرایان.

جنرال دوگل(De Gaulle) به عنوان رهبر مقاومت ملی شناخته شد. مرکز رهبری مقاومت ملی در لندن قرار داشت. فرانسه از سوی نیروهای نظامی به خصوص امریکا و با همکاری مقاومت فرانسه آزاد شد. پس از شکست آلمان و متحدان توسط امریکا با همکاری انگلیس و شوروی، وضع جیوپولتیک جهان یکسره دگرگون گردید. دو قدرت بزرگ در صحنه جهانی به میان آمد: امریکا و شوروی.

اما برای فرانسویان پذیرش این واقعیت سخت بود. شکست سریع فرانسه در برابر آلمان و اشغال آن کشور از سوی آلمانی ها، ناتوانی نظامی مقاومت ملی فرانسه و بی پروایی انگلستان(دشمن دیرین آن در صحنهء بین‌المللی) و امریکا به خواست های دوگل زخم روحی بسیار عمیق برای فرانسوی ها و به خصوص دوگل بود. دوگل می خواست به رغم شکست نظامی و ناتوانی نظامی مقاومت ملی، امریکا و انگلستان او را به عنوان رهبر مقاومت ملی شناخته و در همه تصامیم مهم شریک سازند. خواستی که برای امریکایی ها و انگلیسی ها پذیرفتنی نبود.

این واقعیت شاید یکی از دلایلی باشد که همه رهبران فرانسه و به خصوص دوگل از ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۶ و از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۹ با سیاست امریکا در صحنهء بین‌المللی پیوسته مخالف بود و آن را به باد نکوهش می‌گرفت.

## روابط فرانسه با افغانستان:

### روابط سیاسی فرانسه با افغانستان:

افغانستان برای نخستین بار در سدهء ۱۸ میلادی مورد توجهء فرانسه قرار گرفت.

ناپلیون بناپارت(Napoleon Bonaparte) امپراتور فرانسه که بیشتر کشور های اروپایی را فتح و اشغال کرده بود و در اندیشهء شکست دادن انگلستان بود، یکی از برنامه های نظامیش برای شکست آن، اشغال هند بریتانیایی بود. برای پیاده کردن پیروزمندانهء این برنامه، به همکاری و اتحاد روسیه و ایران(و نیز افغانستان به دلیل موقعیت جغرافیایی و مرز های مشترک آن با هند بریتانیایی) نیاز داشت. به دلیل این که هرگونه حملهء نظامی از راه زمین باید از طریق افغانستان و ایران می‌شد. اما طرح فرانسوی ها عملی نشد.

در واقع روابط میان فرانسه و افغانستان پس از به دست آوردن استقلال در ۱۹۱۹ آغاز شد و می توان آن را به دو دوره تقسیم کرد:

### ۱- سیاست فرانسه در افغانستان از ۱۹۲۲ تا ۲۰۰۲

بررسی سیاست فرانسه در این دوره در افغانستان، بازتابدهندهء این واقعیت است که افغانستان برای فرانسه دارای اهمیت استراتیژیکی نبوده و به همین دلیل همکاری های دو کشور محدود به باستانشناسی و آموزش و پرورش(و به پیمانه‌یی هم زمین شناسی) مانده بود.

روابط فرانسه با افغانستان در ۲۸ اپریل ۱۹۲۲ با نخستین معاهدهء مؤدت و دوستی آغاز شد.

فرانسه در سال ۱۳۵۷ رژیم دمکراتیک خلق وقت را به رسمیت شناخت و پس از تجاوز شوروی روابط آن با افغانستان سرد شد و سفیر خود را از کابل فراخواند و روابط تا برقرار شدن حکومت مجاهدان به همین حال بود و پس از پیروزی مجاهدان حکومت‌شآن را به رسمیت شناخت.

**- سیاست فرانسه از ۲۰۰۲ تا امروز:**

دولت فرانسه مانند همه کشورهای جهان حملهءتروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیوپارک و واشنگتن را محکوم کرد و از دیپلوماسی امریکا برای سپردن اسامه بن لادن برای محاکمه و پس از حملهء نظامی امریکا در برابر طالبان پشتیبانی کرد.

از روند بن و قرارداد بن نیز پشتیبانی کرد و با آمدن حکومت مؤقت به رهبری حامد کرزی همکاری خود را دوباره با افغانستان از سر گرفت.

**همکاری های سنتی دو کشور:**

آ: همکاری در بخش باستانشناسی

نخستین سنگ های همکاری میان فرانسه و افغانستان در بخش باستانشناسی گذاشته شد.

در سال ۱۹۲۲ یک هیات فرانسوی به افغانستان آمد و یک قرارداد در این بخش با دولت افغانستان امضا کرد. این قرارداد برای ۳۰ سال امضا شد و به فرانسوی ها اجازه داده شد که کاوش های باستانشناسی را در هر بخشی از افغانستان که خواسته باشند، آغاز کنند.

باستانشناسان فرانسوی در سال ۱۹۲۴ م کاوش های خود را در بامیان آغاز کردند و از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۸ در جلال آباد ادامه دادند.

این فعالیت ها به پیمانه های گوناگون تا سال های اخیر جمهوری داوود خان ادامه داشت. اما اشغال کشور از سوی شوروی، به فعالیت فرانسوی ها در این بخش پایان داد.

## ب: همکاری فرانسه در بخش آموزش و پرورش:

در سال ۱۹۲۲ فرانسه همکاری خود را با افغانستان در بخش آموزش و پرورش آغاز کرد. نمونهء این همکاری لیسه پسرانهءاستقلال و لیسه دخترانهء ملالی است.

باید افزود که فاکولتهء حقوق کابل با فاکولته سوربن پاریس و فاکولتهء طب کابل با فاکولتهء طب شهر لیون همکاری بسیار نزدیک داشتند. استادان فرانسوی در این فاکولته تدریس می‌کردند و دانشجویان افغانی در رشته های حقوق و طب در فرانسه آموزش می دیدند.

یورش شوروی به افغانستان، به همکاری های فرانسه و افغانستان پایان داد. فرانسه اشغال افغانستان را محکوم کرد و با مجاهدان و به خصوص با احمدشاه مسعود همکاری می‌کرد.

فرانسه پس از موافقتنامهء بن و ایجاد ادارهء موقت در افغانستان بسیار فعال است. فرانسه از مهمترین همکاران افغانستان در عرصه‌های مختلف بازسازی مانند بازسازی اردوی ملی، کشاورزی، مخابرات، صحت عامه، آموزش و پرورش، امور فرهنگی، امور قضایی، حقوقی و دیگر فعالیت های مثبت است.

همچنان بیش از ۲۰ موسسه غیردولتی(NGO) فرانسوی در ساحات و سطوح مختلف در رابطه به بازسازی افغانستان در سالیان دراز بیشتر از دیگر کشور های جهان مصروف فعالیت‌اند که پویایی های آنان بر مردم مصیبت دیدهء افغانستان در

ولایات و محلات دور و نزدیک تاثیر مستقیم و مثبت داشته است. اگر چه حجم این کمک ها کم است اما رساندن و توزیع آن کیفیت بهتر داشته است.

**همکاری های اقتصادی دو کشور:**

به گونه‌یی که از جدول کمک های کشور های باختری به افغانستان بر می‌آید، در مقایسه با کشورهای مهم غربی میزان کمک های فرانسه کمتر است.

**کمک های وعده شده کشورهای اروپای غربی به افغانستان در کنفرانس توکیو**

| | | |
|---|---|---|
| ۱ | آلمان | ۱۵۴ میلیون دالر |
| ۲ | انگلستان | ۱۳۰ میلیون دالر |
| ۳ | هالند | ۸۷ میلیون دالر |
| ۴ | ایتالیا | ۶۶ میلیون دالر |
| ۵ | فرانسه | ۴۳ میلیون دالر |

فرانسه امروز در چند بخش با ما همکاری می کند:

## آ-در بخش کشاورزی

| | |
|---|---|
| ۱ | ۱۳ میلیون یورو برای سال ۲۰۰۲ – ۲۰۰۳ |
| ۲ | ۲ میلیون یورو در جون سال ۲۰۰۲ |
| ۳ | ۲۰۰۰۰ تن حبوبات در ۲۰۰۲ |
| ۴ | ۹۵۰۰ تن آرد در زمستان ۲۰۰۲ |
| ۵ | ۱۵۰۰ تن تخم بذری گندم برای ۲۰۰۴ |
| ۶ | ۱۰۱۰۰ تن آرد برای زمستان ۲۰۰۴ |
| ۷ | ۲۲۰۰۰۰ یورو برای کندن چاه |

به گونه‌یی که دیده می شود، فرانسه در این بخش بسیار فعال است. از ۴۰ میلیون یوور کمک وعده شده برای سال های ۲۰۰۲ – ۲۰۰۳، ۱۳ میلیون آن به بخش زراعت اختصاص داده شده است: کمک عاجل برای آموزش متخصصان افغانی در فرانسه، فرستادن متخصصان فرانسه به ولایات افغانستان. در مقابل حکومت افغانستان پذیرفت که از تخم های اصلاح شدهء فرانسوی استفاده شود. این تخم ها که در

اسپانیا آزمایش شده بود، در افغانستان نتیجه نداد و زیآن هایی به بار آورد. فرانسه تعهد کرد که این زیآن ها را جبران کند و تخم های تازه بدهد.

هنگام بازدید رییس عمومی همکاری های بین‌المللی توسعه در اوایل جنوری ۲۰۰۲، تصمیم گرفته شد تا صندوق کمک بلاعوض فرانسه ایجاد شود. این صندوق ۴۰۰۰۰ تن حبوبات را برای سال ۲۰۰۲ در بر می‌گرفت، این ماموریت در اواخر سال ۲۰۰۲، تصدیق دوباره گردید. در سال ۲۰۰۲ توسط صندوق یاد شده ۹۵۰۰ تن آرد به قیمت ارزان وارد می گردید که در زمستان به فروش رسید. پولی که از فروش آن به دست آمد، این امکان را می‌داد که عملیات آزمایشی در بخش زراعت مانند ایجاد یک مرکز برای بهبود بخشیدن به نسل گاو ها، تکثیر نهال ها در باغ بالا، بازسازی و حاصل برداری از چهار فارم تکثیر تخم ها، بازسازی ادارات محلی در ولایات کاپیسا و وردک صورت گیرد.

باید افزود که تا کنون:

۱۵۰۰ تن تخم بذری گندم برای سال ۲۰۰۳

۱۰۱۰۰ تن آرد برای زمستان ۲۰۰۴

۲۲۰۰۰ یورو برای کندن چاه ها

کمک شده است.

در جون ۲۰۰۴ پروژهء صندوق بخش همبستگی – دو میلیون یورو در بخش زراعت، تصویب شد. با این پول توسعهء پروژه هایی از وزارت زراعت مانند بخش تخم های بذری و توسعهء مالداری در ولایت وردک به انجام خواهد رسید.

ب: در بخش صحت عامه

| | |
|---|---|
| ۱ | ۲۵۱۰۰۰ یورو برای نقل شفاخانه از پشاور به کابل |
| ۲ | ۲۲۶۰۰ یورو برای جراحی پلاستیک |
| ۳- | ۱۵۷۰۰ یورو برای لابراتوار انتاز |

همکاری میان فاکولتهء طب کابل و فاکولتهء طب شهر لیون دوباره آغاز شده است. محصلان افغانی در فاکولته طب لیون فرانسه آموزش خواهند دید و استادان فرانسوی در فاکولتهء طب کابل تدریس خواهند کرد.

فرانسوی ها از جون ۲۰۰۴ افغان ها را در کابل و ولایات در بخش آزمایشگاه(لابراتوار) طبی آموزش می دهند.

دولت فرانسه ۲۵۱۰۰۰ یورو برای نقل شفاخانه کودکان از پشاور پاکستان به کابل اختصاص داد و ۲۲۶۰۰ یورو طی دو سال برای جراحی پلاستیکی و ساختن پای مصنوعی و ۱۵۷۰۰۰ یورو طی ۱۸ ماه به لابراتوار آنتاز کمک کرد.

## پ: در بخش آموزش و پرورش:

لیسهءاستقلال به عنوان نماد این همکاری یاد می گردد. اما از لیسه ملالی زیاد سخن به میان نمی‌آید. یکی از رادیوهای فرانسه از شنوندگان خود درخواست کمک برای بازسازی و ترمیم لیسه استقلال کرد. نزدیک ۲۲۰۰۰۰ یورو جمع شد و لیسه استقلال را برای سال تحصیلی ۲۰۰۳ترمیم کردند.

باید یادآور گردید که فرانسه از ۱۹۲۲ تا امروز در بخش آموزش و پرورش فعال می باشد و کمک می کند. در سال ۲۰۰۳ مبلغ ۳۰۰۰۰۰ یورو برای ساختن وترمیم مکاتب کمک شده است.

| | |
|---|---|
| ۱ | ۳۰۰۰۰۰ یورو برای ساختن مکتب |
| ۲ | ۲۲۰۰۰۰ یورو برای‌ترمیم لیسه استقلال |
| ۳ | ۵۵۰۰۰۰ کتابچه |
| ۴ | ۱۰۰۰۰۰ قلم |

**ت: همکاری فرانسه در بخش نظامی:**

فرانسه در مبارزه در برابرتروریزم و برقراری ثبات و امنیت در افغانستان فعال است.

در سازمان ملل، دولت فرانسه از همه قطعنامه ها(Resolution) و به خصوص شورای امنیت آن در باره افغانستان حمایت کرده است.

فرانسه در افغانستان ۵۰۰ سرباز و برپایهء برخی از منابع ۲۵۰ سرباز دارد که در چهارچوب نیرو های ISAF مانند کشورهای دیگر در برقراری امنیت، به خصوص در کابل همکاری می کنند.

فرانسه ۱۰۰ سرباز(بر پایهء برخی از منابع ۲۵۰ سرباز) از نیروهای ویژهء خود را در August ۲۰۰۳ به قندهار فرستاد، که در چوکات مبارزه در برابرتروریزم با امریکای ها همکاری می‌کنند و ۶۰ آموزشگر( مربی) نظامی فرانسوی سرگرم آموزش منصبداران بلند پایهءافغانی در اردوی ملی‌اند.

**بازدید های رسمی میان دو کشور:**

امان الله خان نخستین رهبر افغانستان بود که از فرانسه بازدید نموده بود. او ضمن بازدید از کشور های اروپایی بازدیدی به پاریس نیز داشت.

محمد ظاهر شاه - پادشاه افغانستان در سال ۱۹۶۴ بازدیدی از فرانسه داشت که از سوی جنرال شارل دو گل- رییس‌جمهور فرانسه استقبال گردید.

در سال ۱۹۶۸ ژورژ پامپیدو- صدراعظم فرانسه از کابل بازدید رسمی به عمل آورد، مگر در همین هنگام در فرانسه تظاهرات دانشجویی در برابر طرح پیشنهادی دوگل صورت گرفت که به نام انقلاب کوچک ۱۹۶۸ مسمی گردید. از این رو پامپیدو ناگزیر گردید پیش از موقع به پاریس برگردد. بایسته است یادآور گردیدم که سنگ تهداب ساختمان جدید لیسهء استقلال از سوی ژرژ پامپیدو گذاشته شده بود.

تا روی کار آمدن دولت مؤقت هیات های بلندپایهء افغانی بار ها از پاریس بازدید نموده اند که یکی از مهمترین این بازدید ها - بازدید فرمانده احمد شاه مسعود از پاریس است که در این بازدید وی را داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه، داکتر روان فر هادی - نمایندهء دایمی افغانستان در سازمان ملل، مسعود خلیلی- سفیر کبیر افغانستان در دهلی همراهی می نمودند. در این بازدید احمد شاه مسعود از سوی رییس پارلمان اروپایی پذیرایی گردید.

در سال ۲۰۰۲ آقای حامد کرزی- رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان نیز بازدید رسمی‌یی از پاریس انجام دادند. بار دوم رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان پس از بازدید سویس بازدیدی از پاریس انجام دادند که طی این بازدید با ژاک شیراک- رییس‌جمهور و و دیگر رهبران فرانسه دیدار نمودند.

به تاریخ ۱۲ فبروری ۲۰۰۴ آقای دولیپن- وزیر امور خارجهء پیشین فرانسه از افغانستان بازدید و گفتگو هایی با حامد کرزی - رییس دولت انتقالی اسلامی

افغانستان، داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه و دیگر مقامات افغانی انجام داد. وی همچنان با استادان، روشنفکران، و شماری از بانوان افغانی دیدار های انجام داده، در بارهء قانون اساسی جدید و انتخابات آینده ریاست‌جمهوری گفتگو های مفصلی انجام داد.

وزیر امور خارجه پیشین فرانسه در این بازدید از پیشنهاد کشورش به جامعهء اروپایی در زمینهء دادن اولویت به مساعدت ها به افغانستان اطلاع داد و همچنان وعده کرد فرانسه سیاست پویاتری در افغانستان خواهد داشت و افزود افغانستان را در فهرست کشورهایی داخل کرده که از نگاه کمک اقتصادی فرانسه حق اولیت را دارند.

– امضاء موافقتنامهء همکاری میان انستیتوت طب کابل و دانشگاه کلود برنارد لیون و بیمارستان های ملکی لیون فرانسه که به اساس این موافقتنامه متعاقدین آرزوی انکشاف شراکت برای تطبیق یک برنامه همکاری در ارتباط به بیمارستان ها و تحصیلات دانشگاهی طبی دارند.

– پذیرائی از استادان و محصلان انستیتوت در صورت اقتضاء برای مدت لازمه برای تکمیل اطلاعات و تحصیلات آن ها در شهر لیون.

– دعوت فاکولته فارمسی لیون فرانسه از استادان فاکولته فارمسی دانشگاه کابل (آقای بابری، پاینده و سیفی) برای اشتراک در کنگرهء فدراسیون بین المللی فارمسی از ۲۷ اگوست تا ۸ سپتامبر

– وزیر امور خارجه فرانسه به تاریخ سوم سپتامبر ۲۰۰۲ با هیات همراه به کابل رسید، ایشان پس از رسیدن به کابل با حامد کرزی- رییس د.ا.ا.ا، داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه، مارشال فهیم، محمد ظاهر شاه - بابای ملت، لخضر ابراهیمی و فرمانده عمومی نیروهای حافظ صلح آقای اکین زورلو دیدار هایی را انجام دادند.

- در دیداری که با داکتر عبدالله - وزیر امور خارجه داشت، دو طرف در رابطه با اوضاع روان کشور، تامین امنیت، عودت دواطلبانه مهاجرین به وطن، کمک های کشور فرانسه در عرصه های مختلف، توسعه و گسترش روابط دوستانه میان دو کشور به تفصیل تبادل نظر نمودند.

- آقای دومینیک دو ویلپین- وزیر امور خارجهء فرانسه از ادامه کمک های کشور متبوعش در بازسازی افغانستان و علاقمندی کمپنی های فرانسوی به سرمایه گذاری در افغانستان اطمینان داد. همچنان موافقتنامه بازسازی مرکز فرهنگی فرانسه در کابل توسط -وزیران امور خارجه دوکشور در حالی که داکتر رهین- وزیر اطلاعات و فرهنگ نیز حضور داشت، در سالون تشریفات وزارت امور خارجه، به امضاء رسید.

- همچنان وزیر امور خارجه فرانسه هنگام بازدیدش کابل، از لیسه های استقلال و ملالی دیدن کرد.

- اشتراک(آقای برنر اوربینی)- مشاور مالی اقتصادی سفارت در نیویارک و آقای کاپیتن ایریک موی لیفرین- افسر نظامی در جلسهء مورخ دوازدهم و سیزدهم اکتبر ۲۰۰۲ که از سوی بانک جهانی در کابل ترتیب گردیده بود.

- دعوت دانشگاه کلود برنارد و شفاخانه های ملکی شهر لیون فرانسه از رییس و کادر علمی انستیتوت طب کابل برای بازدید از شهر لیون فرانسه و بیمارستان های ملکی آن شهر از تاریخ ۲۳ نوامبر تا اول دسامبر.

- هدف از این بازدید بازدید از شهر لیون فرانسه، گفتگو در ارتباط به نوعیت برنامه همکاری میان انستیتوت طب کابل و دانشگاه کلود برنارد شهر لیون فرانسه برای سال ۲۰۰۳ بود.

- تماس با وزارت زراعت و مالداری از آمادگی موسسه بین المللی شیرولیز فرانسوی (International Charolais France) برای پرورش مواشی و انتقال یک تعداد گوسفند تربیه شده به کشور.

- بازدید وزیر دفاع فرانسه - خانم ژان ماری تاور از کابل و اشتراک ایشان در دیدار هایی که با حامد کرزی، مارشال فهیم وزیر دفاع د.ا.ا.ا صورت گرفت.

- در مورد موضوع بازسازی فابریکه شکر بغلان توسط کمپنی (FCB) فرانسوی، که از سوی وزارت صنایع خفیفه و مواد غذایی تقاضا شده بود به سفارت افغانستان در پاریس اطلاع گردید.

- مواصلت پیام وزیر امور خارجه فرانسه عنوانی داکتر عبدالله به مناسبت برگزاری کنفرانس حسن همجواری مسمی به(اعلامیهء کابل) و نشر آن از طریق رسانه های خبری.

- ارایه یادداشت به سفارت فرانسه در کابل در مورد گسیل شش نفر از کارمندان وزارت هوانوردی ملکی و توریزم در بخش ترافیک هوایی و برگزاری کورس های زبان فرانسوی در کابل، بازدید این کاندید ها در آینده نزدیک به کشور فرانسه بر اساس دعوت مقامات آن کشور صورت می گیرد.

- بازدید وزیر امورخارجه فرانسه به کابل مورخ ۸/۶/۱۴

- سفارت فرانسه درکابل طی یادداشتي تقاضای موافقت وزارت اطلاعات و فرهنگ را مبني بر تحقیقات باستانشناسي در افغانستان مخصوصاً در بامیان توسط

پروفیسور زمریالی[۱]- از دانشمندان سرشناس دانشگاه استراسبورگ فرانسه را نموده بودند. مراتب به اطلاع وزارت اطلاعات و فرهنگ رسانیده، سپس از موافقت آن وزارت موضوع ورود پروفیسور مذکور در افغانستان طی یاداشتی به سفارت فرانسه در کابل اطلاع داده شد. در سال ۱۳۸۱

- بازدید دومینیک دو ویلپین- وزیر امور خارجه کشور فرانسه به کابل به تاریخ ۲۳ دلو ۱۳۸۲

- بازدید خانم میشل -وزیر دفاع کشور فرانسه کابل به تاریخ ۲۱ قوس ۱۳۸۲

- بازدید خانم برنادت شیراک- همسر ژاک شیراک رییس جمهور فرانسه از کابل مورخ ۵ جوزا ۱۳۸۲

- بازدید آقای رونو موزله - وزیر دولت در امور خارجه کشور فرانسه به تاریخ ۵ جوزای ۱۳۸۲ از کابل

- بازدید خانم نیکول فانتین- وزیر خارجه کشور فرانسه به تاریخ ۶/۱۶/ ۱۳۸۲ از کابل.

- بازدید آقای دومنیک دویلپن -وزیر امور خارجه فرانسه به تاریخ ۱۱/۲۳/ ۱۳۸۲.

- بازدید بیرنارد شیراک- همسر رییس جمهور فرانسه و آقای رونو مولیه - وزیر دولت در امور خارجه آن کشور به تاریخ ۲۷ می ۲۰۰۳ ازکابل که با حامدکرزی- رییس دولت و وزیر امور خارجه و دیگر مقامات افغانی دیدار هایی داشت. وی در جریان اقامت سنگ تهداب شفاخانه بزرگ طفل و مادر را در کابل گذاشت که هزینه آن از سوی حکومت فرانسه پرداخته می شود. این شفاخانه

---

[۱]. شاید منظور از آقای داکتر زمریالی طرزی- رییس پیشین باستانشناسی کشور باشد که پس از آقای داکتر شاهی بای مستمندی ریاست باستانشناسی را در دوره داوود خان به دوش داشتند و اکنون در شهر اشتراسبورگ فرانسه همراه با همسر فرانسوی و خانواده خود بودوباش دارند.

ظرفیت گنجایش ۲۰۰۰۰ مریض را در یک سال داشته و به تعداد ۵۰۰۰ عملیات نسایی را سالانه می تواند بپذیرد.

- آقای دومینیک دی ویلپین - وزیر امور خارجه فرانسه به تاریخ ۲۳ دلو ۱۳۸۲ در کابل با حامدکرزی- رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان و داکتر عبدالله- وزیر امورخارجه و دیگر مقامات افغانی دیدار هایی را انجام داد که وی از کمک یک میلیون یوروی کشور فرانسه برای برگزاری انتخابات آینده افغانستان خبرداد. همچنان وزیر امور خارجه فرانسه ابراز داشت که کشور متبوعش، افغانستان را در فهرست کشورهایی که حق اولیت در همکاری های فرانسه را دارا می باشند، شامل ساخته است.

- مسافرت جنرال بنگتیف - رییس ستاد (لوی درستیز) قوای مسلح فرانسه به کابل به تاریخ ۷ عقرب ۱۳۸۲

- در دیداری که پروفیسور زلمی حقانی- سفیر افغانی در پاریس با مقامات شرکت ایربوس فرانسه انجام داد، این شرکت علاقمندی خود را مبنی بر ترمیم طیارات شرکت هوایی آریانا توسط آن شرکت که یا مجانی صورت خواهد گرفت و یا هم به قیمت ارزانتر ترمیم خواهد شد، نشان دادند.

- نخستین پرواز شرکت هوائی آریانا ازکابل به جانب فرانکفورت-باکو-پاریس و دومین پرواز آن دوباره به روز جمعه ۲۸ ماه می از پاریس-فرانکفورت-باکو- کابل به اشتراک ماموران بلند پایه دولتی و شخصیت های برجسته به شمول وزیر هوانوردی ملکی و توریزم انجام یافت.

- جنرال هانری بنیژه- لوی درستیز کشور فرانسه به کابل بازدید رسمی داشت که طی این بازدید وی با مارشال فهیم- وزیر دفاع ملی دیداری داشت. وی هدف

بازدید خودرا توسعه همکاری کشور فرانسه مخصوصاً در نیروهای حافظ صلح بین المللی وانمود کرد.کشور فرانسه اکنون به تعداد ۹۰۰ سپاهی در آیساف دارند.

- وزیر هوانوردی ملکی و توریزم بازدید رسمی یی از پاریس داشت که طی این بازدید با مقامات شرکت ایربوس فرانسه و مقامات هوانوردی آن کشور بر توسعه همکاری های آن ها با وزارت هوانوردی ملکی افغانستان گفتگو نمود.

- در دیداری که داکتر عبدالله- وزیر امورخارجه با خانم مارتین بواتارد - مدیر عمومی امور اروپایی و روابط بین المللی ولسی جرگه کشور فرانسه داشتند، خانم مارتین تصمیم کشورش را مبنی بر این که ولسی جرگه فرانسه در نظر دارد تا یک تعداد ماموران افغانستان را برای اداره ولسی جرگه در پاریس ترینیگ دهند، به وزیر امورخارجه ابراز کردند که در مقابل داکتر عبدالله از تصمیم کشور فرانسه قدردانی کرد.

## ایتالیا (Italy)

- نفوس: ۵۷,۲ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: رُم (Rome)
- مساحت: ۳۰۱،۳۳۸ کیلومترمربع
- زبان: ایتالیایی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۵ سال مردان، ۸۲ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ یورو= ۱۰۰ سنت
- صادرات: ماشین آلات، تجهیزات ترانسپورتی، موادکیمیایی، لباس، شراب
- درآمد سرانه: ۲۱،۵۶۰ دالر امریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: it.
- رمز تیلیفونی: ۳۹+
- رییس جمهور: کارو ازیگلیو سیَمپی (Cario Azeglio Ciampi)
- صدراعظم: سِلفیو بِرلسکونی (Silvio Berlusconi)

## موقعیت جغرافیایی:

ایتالیا در نیمکرهء شمالی، در اروپای باختری در طول جغرافیایی ۶ تا ۸ درجهء شرقی و عرض جغرافیایی ۳۶ تا ۴۶ درجهء شمالی، در جزیره‌نمایی که از جنوب اروپا تا درون مدیترانه ادامه یافته، قرار دارد.

شماری از جزایر مجاور آن ۳۰۱۲۷۷ کیلومتر مربع و عرض متوسط آن در حدود ۲۰۹ کیلومتر است. دو جزیره اصلی ایتالیا جزیره سیسیل در جنوب باختری و جزیرهء ساردنی واقع در غرب کوه های آلپ، این دو جزیره در شمال این کشور مرز های طبیعی به وجود آورده اند و کشور فرانسه در شمال باختری، سومین و اتریش در شمال و یوگوسلاوی در شمال خاوری را از ایتالیا جدا می‌سازد.

این کشور در غرب- با دریای تیرنه و لیگوریا، در جنوب -با دریای ایونی و تنگهء سیسیل و در شرق- با دریای آدریاتیک محدود می شود.

ایتالیا به علت وضعیت جغرافیایی خاص، آب و هوای گوارای مدیترانه‌یی دارد. وجود رشته کوه های آلپ از ورود باد های سرد شمال به این کشور جلوگیری می‌کند و در جریان خلیج سبب اعتدال آب و هوای آن می گردد. زمستان ملایم و تابستان گرم بارندگی کافی در بهار و پاییز باعث سرسبزی و آب و هوای مطبوع این سرزمین شده است.

این کشور از نگاه آب و هوا، پستی و بلندی به سه منطقه تقسیم شده است:

آ: شمال ایتالیا را کوه های آلپ با مناظر گوناگون پوشانیده است.

ب: جلگه پهناور پو که با ۱۵ درصد از خاک ایتالیا برابری برابری می‌کند.

پ: منطقهء جزیره‌یی: سومین بخش ایتالیا، گستره جزیره‌یی است که از جنوب جلگه پو آغاز شده تا جزیره سیسیل ادامه می‌یابد.

کوه ها و آتشفشان ها: از میان آتشفشان های فعال که همه در جنوب ایتالیا قرار دارند، می توان از آتشفشان های ولکانو، استرومبولی، انتاو و زوو نام برد.

خلیج ها: ایتالیا سواحل بسیار دراز و قابل کشتیرانی دارد. خلیج های مهم ایتالیا عبارت‌اند از: ترسیت ونیز، ما تکردونیا، تارانتو، اسکوئیلاس، کاتانیا و توتو، جنوا، سالرتو، پلی کاسترو و سنت اوفمیا.

بندر های مهم: سواحل مناسب و خلیج های فراوان موجب به وجود آمدن بندر های مهمی در کرانه های ایتالیا شده است که مهمترین آن ها ونیز وتریست در دریای آدریاتیک و لااسپزیا در خلیج جنوا، ناپل و تارانتو است.

**اطلاعات عمومی:**

شهر های مهم: پایتخت ایتالیا شهر باستانی روم است که برپایهء افسانه های ملی ایتالیا به وسیله دو برادر به نام های رمولوس و رموس ساخته شده است.

شهرهای مهم ایتالیا عبارتند از: میلان، ناپل، تورنو، جنوا، پالرمو، بلوفا، فلورانس، کاتانیا، یاری، ونیز، مسنیا، ورونا، تریست، تورنتو، پادوابرسیا، مدانا، پارما، لیورتا، پراتو، فوجیا و سالرتو.

زبان ایتالیایی بر پایهء زبان لاتین استوار است. بیش از ۹۰ درصد مردم ایتالیا پیرو کلیسای کاتولیک‌اند.

ایتالیایی ها ملتی با فرهنگ بوده و از ادبیات و هنر و شعر و موسیقی بسیار غنی برخوردار اند و باورآن ها به آیین کاتولیک بر همه جنبه های هنری و فرهنگی این

کشور نفوذ داشته است. نظام آموزش و پرورش در ایتالیا میان سنین ۶ تا ۱۳ سالگی رایگان و اجباری است.

**وضع اقتصادی:** کشور ایتالیا یکی از اعضای "گروه ۷ کشور صنعتی جهان" به شمار می‌رود. در پایان جنگ دوم جهانی یک کشور کشاورزی به شمار می‌رفت و از نگاه اقتصادی در حد یک پایگاه کوچک صنعتی مطرح بود. بیست سال پس از آن، همچون دیگر کشورهای اروپایی توانست به اقتصادی که بیشتر می‌شد آن را " معجزهٔ‌اقتصادی " نامید، دست یابد. صنایع ایتالیا بیشتر صنایع تبدیلی است و محصولات عمده صادرات آن: صنایع ماشین‌سازی، نساجی، اتومبیل و صنایع شیمیایی است.

**تشکیلات حکومتی:**

رییس‌جمهور از سوی پارلمان برگزیده می شود و بالاترین مقام حکومتی را دارد و نمایندهٔ وحدت ملی و تداوم آن به شمار می‌رود. هر شهروندی که پنجاه سال عمر داشته باشد، از کلیهٔ حقوق اجتماعی و سیاسی خود برخوردار باشد، می تواند به ریاست‌جمهوری برگزیده شود. رییس‌جمهور قوانین مصوب مجلس را توشیح می‌کند. رییس‌جمهور نخست وزیر را منصوب می‌کند. و وزیران به پیشنهاد وی انتخاب می شوند. رییس‌جمهور همچنین فرمانده کل نیروهای مسلح است و ریاست شورای عالی قضایی و شورای عالی دفاع را نیز بر عهده دارد. دورهٔ قانونی ریاست‌جمهوری ایتالیا هفت سال است و این مدت می تواند تجدید شود.

**سازمان ها و احزاب سیاسی:**

- حزب سبز- حامی محیط زیست و سیاست های ضد هسته‌یی است و بخشی از جنبش سبز اروپا است که در سال ۱۹۸۷ تأسیس شد.

- جنبش "سوسیالیستی – راست ملی ایتالیا"
- حزب لیبرال
- حزب رادیکال
- حزب جمهوریخواه
- حزب سوسیال دموکرات

- حزب سوسیالیست

همچنان در ایتالیا شمار زیاد از احزاب سیاسی وجود دارد که عبارتند از: حزب منطقه‌یی برای اقلیت فرانسوی، حزب خودمختار، پرولتاریای دموکراتیک.

## سیاست خارجی

ایتالیا از سال ۱۹۴۹ عضو ناتو است. این کشور به دلیل موقعیت جغرافیایی در معرض مخاطرات منطقه‌یی قرار دارد، مگر در عین حال خود نقش عمده‌یی در دفاع از منافع اروپا در منطقه جنوب دارد.

## روابط خارجی:

سیاست خارجی ایتالیا به گونهء سنتی از طریق تعهد قاطع آن به اروپا با شرکت در "جامعه اقتصادی اروپا"، (EEC) و نقش ایتالیا در ناتو اداره می شود. هیچ کشوری به خوبی ایتالیا نتوانسته است درگیری های خود را با کشورهای دیگر تاحد ممکن کاهش دهد و روابط حسنه را تا آنجا که ممکن است، افزایش دهد.

ایتالیا طی سال های اخیر بر رغم دشواری های مالی و اقتصادی سعی نمود در صحنهء بین‌المللی پویاتر باشد و در همین راستا ماموریت های نظامی برونمرزی و کمک های مالی به مناطق بحرانی و کشور های مورد نظر خود انجام داده که از جمله این کمک ها در سومالی و موزامبیک بوده است.

ایتالیا در خاورمیانه نیز در صدد است خود را همچون پلی میان جهان باختر و اروپا مطرح سازد. در اکتبر ۱۹۹۲ آقای کلمبو- وزیر خارجه ایتالیا از سوریه و مصر و در جنوری ۱۹۹۳ از اردن و لبنان بازدید نمود. محور مذاکرات همه این بازدید ها مسالهء طرح صلح خاورمیانه بوده است.

**روابط افغانستان و ایتالیا:**

روابط میان دو کشور بر پایهء معاهده مودت مورخ ۳ جون ۱۹۲۱ توسط جنرال محمد ولی خان- سفیر افغانستان و وزیر امور خارجه ایتالیا ایجاد گردید.

ایتالیا نخستین کشور اروپای باختری و دومین کشور در جهان بود که پس از استقلال در سال ۱۹۱۹ کشور ما را به رسمیت شناخت و مناسبات میان دو کشور به سطح وزارت مختاری ایجاد گردید.

در ۲۶ جولای ۱۹۶۰ سطح مناسبات افغانستان – ایتالیا به سفارت کبرا ارتقا یافت.

ایتالیا در دوران جهاد همان مشی را پیگیری می نمود که دیگر کشور های عضو جامعه مشترک اروپا .

ایتالیا در سال ۱۳۵۲ یک مقدار لوازم مخابراتی را از کمپنی ایتال کیبل برای تقویهٔ امور مخابراتی و همچنان ادویه مورد نیاز برنامهء امحای ملاریا را به افغانستان مساعدت نمود.

بازسازی شفاخانه و پروسس زیتون در ننگر هار، فابریکه سنگ مرمر و رخام در کابل به اساس قرارداد ۱۹۸۲ با کمپنی Co. Repanili با مساعدت ایتالیا آغاز گردیده است.

- بایستهء یادآوری است شماری از محصلان افغانی در رشتهء باستانشناسی از بورس های ایتالیا استفاده نموده اند.

- از همکاری های عمدهٔ ایتالیا می توان از فعالیت مؤسسه آزمیو به ریاست پروفیسور توچی در بخش باستانشناسی و حفریات در غزنی یادآوری نمود. پیشنهاد وزارت فواید عامه در مورد ترمیم سرک میدان شهر –بامیان به جمهوری ایتالیا.

- در مورد امضای موافقتنامه و برگزاری کورس های آموزشی در بخش های موزیم باستانشناسی و آرشیف ملی میان وزارت اطلاعات و فرهنگ و جمهوری ایتالیا.

- علاقمندی یک تاجر ایتالیائی در مورد تأسیس فابریکه تولید انرژی بادی در کشور ما که موضوع طی مکتوب به وزارت آب و برق ارسال گردید.

- بازدید وزیر صنایع خفیفه و هیات همراه برای امور رسمی به کشور جمهوری ایتالیا.

- اشتراک هشت افسر پولیس در یک کورس تحقیقات فنی در کشور ایتالیا.

- بازدید مطالعاتی معین وزارت عدلیه و ده نفر هیات همراه شان از کشور ایتالیا.

- پیشنهاد وزارت صحت عامه در مورد نقایص کار ترمیم شفاخانه کارته سه که از سوی NGO- HOPE انجام گردیده است.

- تقاضای موسسهء انکشاف بین المللی قانون یا IDLO در مورد تعیین نماینده آن موسسه برای کمک به فعالیت های شان در افغانستان.

- ابراز موافقه وزارت ترانسپورت در مورد بازدید تیم سه نفری کارشناسان حکومت ایتالیا به افغانستان برای تحقیقات در مورد اجساد سقوط طیاره کام ایر.

- آمادگی همکاری (International Development Law Institute با وزارت عدلیه.

- مدیر شعبه چهارم سیاسی در کنفرانس اصلاحات نظام عدلی، قانونی و حقوقی افغانستان در روم اشتراک کرد. این کنفرانس در پی سیمینار (نقش قانون در افغانستان) که به تاریخ شانزدهم و هفدهم دسامبر ۲۰۰۲ در شهر روم برگزار شده بود، دایر گردید

- بازدید معاون وزیر امور خارجه کشور ایتالیا به تاریخ ۸۱/۷/۹

- مسافرت هیاتترویکا اتحادیه اروپا به ریاست مارگریت بونیور- معین وزارت خارجه کشور ایتالیا به تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲۸ به کابل.

- امضای موافقتنامه میان وزیر دفاع کشور ایتالیا و وزیر دفاع ملی دولت انتقالی اسلامی افغانستان در رابطه به ( عملیاتِ تامین آزادی )، که هدف این عملیات تامین ثبات و بازسازی افغانستان زیر نظر و اداره‌ء یک حکومت قانونی می باشد.

- قرارداد تخنیکی اعمار سرک کابل – بامیان میان د.ا.ا.ا. و کشور ایتالیا

- بازدید ماریو پسکانتی- معین وزارت اطلاعات و فرهنگ ایتالیا و هیات همراه به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۱۵ به کابل.

- مسافرت معاون وزارت امورخارجه ایتالیا به کابل مورخ ۲۱ جوزا ۱۳۸۲

- تضمین و اطمینان دولت جمهوری اسلامی افغانستان از ادامه همکاری افغانستان در جریان عملیه رای دهی اتباع ایتالیایی مقیم در افغانستان در جریان انتخابات ایتالیا در ریفراندم های مردم ایتالیا و دیگر انتخابات.

## کوبا (Cuba)

- نفوس: ۱۱,۳ میلیون(UN,۲۰۰۵)
- پایتخت: هاوانا (Havana)
- مساحت: ۱۱۰۸۶۰ کیلومترمربع
- زبان: اسپانیولی
- آیین: مسیحی
- مرگ و میر: ۷۵ سال مردان، ۷۹ سال زنان
- واحدپولی: ۱ پیسو کوبایی= ۱۰۰ سنتاف
- صادرات: بوره، تنباکو، محصولات طبی، نیکل، صدف، قهوه،
- درآمد سرانه: n/a
- نشان انترنتی: cu
- رمز تیلیفونی: ۵۳+
- رییس جمهور و صدر اعظم : فیدل کاسترو(Fidel Castro)
- نائب اول رییس جمهور: راول کاسترو روس (Raul Castro)
- -وزیر خارجه: فلیپ رامان پیریز راکو(Felipe Ramon Perez Roque)

گروه های عمدهٔ نژادی: ۵۱ ٪ - موالتو، ۳۷ ٪ - سفید پوست، ۱۱٪ سیاهپوست

موقعیت جغرافیایی: در دریا(بحیرهٔ) کاربین در منتها الیه شمال بهاماس

مساحت : ۴۲۸۰۰ میل مربع

همسایگان : ایالات متحده، مکسیکو، جامایکا و هایتی

نوع رژیم : سوسیالیستی

تقسیمات اداری: ۱۴ ایالت

صنایع عمده : نفت، مواد غذایی، تنباکو، شکر، برنج، قهوه، سیتروس

منابع معدنی : کوبالت، نیکل، آهن، کوپر، نمک، ذخایر نفت خام

## مناسبات سیاسی افغانستان و کوبا:

به تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۸ میان دولت دموکراتیک خلق افغانستان و کوبا روابط دیپلماتیک به سطح سفارت های غیر مقیم برپا گردید. در همین ماه نخستین موافقتنامهٔ برقراری مناسبات میان جمهوری دمکراتیک افغانستان و جمهوری کوبا در مسکو به امضاء رسید.

حفیظ الله امین - وزیر خارجهٔ دولت‌ترکی نخستین مقام رسمی افغانستان بود که از این کشور بازدید رسمی کرد.

به تاریخ ۵ حوت ۱۳۶۰ موافقتنامه‌یی میان وزارت امور خارجه افغانستان و سفیر کوبا در مسکو برای صدور مجوز برای حاملین پاسپورت های سیاسی و خدمت دولت افغانستان و کوبا که بدن ویزا بتوانند به کشور های یک دیگر بازدید نمایند؛ به امضاء رسید.

# برازیل (Brazil)

- نفوس: ۱۸۲٫۸ میلیون (UN,۲۰۰۵)
- پایتخت: برازیلیا
- مساحت: ۸٫۵۵ میلیون کیلومترمربع
- زبان: پورتگنا(Portuguese)
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۶۴ سال مردان، ۷۳ سال زنان(UN)
- واحدپولی: ۱ ریل= ۱۰۰ سنتافس
- صادرات: مواد تولیداتی، آهن، قهوه، نارنج و فرآورده های کشاورزی
- درآمد سرانه: ۲،۷۱۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۵)
- نشان انترنتی: br
- رمز تیلیفونی: ۵۵+

• رییس جمهور: لایز انسیو لولادا سلفا(Luiz Inacio Lula da Silva)
• نائب رییس جمهور: جوزه النکار گومیز داسلفا(Jose Alencar Gomes)
• -وزیر خارجه: سلسو لایزاماریم(Celso Luiz Amorim)

گروه های نژادی: سفید پوست ها(شامل پرتگالی'ها، آلمانی ها، ایتالیایی ها، اسپانیولی ها، و لهستانی ها — ۵۵٪)، نژاد مخلوط سیاه و سفید ۳۸٪ و سیاهپوست ها ۶٪)

همسایگان : در شمال گیانا — فرانسه، سورینام، گیانا، ونزویلا، در غرب پیرو، کلمبیا، بلویا و پاراگوی و در جنوب اروگوی.

نوع حکومت: جمهوری فدرال

تقسیمات اداری: ۲۶ ایالت با یک ناحیهء فدرال — برازیلا

صنایع عمده: پولاد، موتر، صنایع نخی، بوت دوزی، صنایع کیمیایی، ماشین آلات، کاکاؤ، برنج، غله ، گندم، منرال ها، آهن، یورانیوم، طلا، نیکل، نفت.

**مناسبات دیپلماتیک میان افغانستان و برازیل:**

به تاریخ ۲۵ فبروری ۱۹۶۲ میان دو کشور روابط دیپلماتیک به سطح سفارت های غیر مقیم برقرار گردید.

نخستین سفیر غیر مقیم برزازیل- آقای تالو برانز پینتو دی سیلوا بود.

پسان ها روابط دو کشور، پس از روی کار آمدن رژیم دموکراتیک خلق از هم گسیخت.

پس از روی کار آمدن دولت جدید، به تاریخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۴ آقای سید طیب جواد - سفیر کبیر افغانی در واشنگتن، ضمن بازدید از برازیل، در دیداری با آقای لویز لولا د سیلوا - رییس‌جمهور برازیل در کاخ ریاست‌جمهوری آن کشور، اعتماد نامهٔ خود را به منظور از سرگیری روابط دیپلماتیک غیر مقیم، تقدیم نمود. وی در ضمن، پیام های گرم آقای حامد کرزی- رییس د. ا. ا. و آقای داکتر عبدالله وزیر- امور خارجه را به رییس‌جمهور و وزیر امور خارجهٔ برازیل رسانید.

## روسیه (Russia)

- نفوس: ۱۴۱٫۵ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: مسکو (Moscow)
- مساحت: ۱۷ میلیون کیلومتر مربع
- زبان: روسی
- آیین: مسیحی، اسلام
- مرگ ومیر: ۶۱ سال مردان، ۷۳ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ روبل= ۱۰۰ کپیک
- صادرات: مواد نفتی، گاز طبیعی، چوب، تولیدات چوبی، فلزات، تجهیزات نظامی(اسلحه) ، مواد کیمیایی
- درآمد سرانه: ۲،۶۱۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: ru.
- رمز تیلیفونی: ۷+

• رییس جمهور: ولادمیر ولادمیرویچ پوتین (Vladimir Vladimirovich Putin)

• صدراعظم: میخایل فرادکوف (Mikhail Fradkov)

• -وزیر خارجه: سرگی لاوروف (Sergei Lavrov)

**موقعیت جغرافیایی**:

فدارسیون روسیه بزرگترین کشور جهان است که بخش اعظم آن در آسیا و بخشی از آن در اروپای خاوری موقعیت دارد. از خاور- به اقیانوس آرام، از شمال، - به اقیانوس یخبستهء شمالی و از باختر- به دریای(بحیره) بالتیک و در انتها با اقیانوس اتلس متصل است.

روسیه بیشتر از دشت های هموار، دریاچه ها(جهیل ها) و آب های ایستاده تشکیل گردیده است و بخش اروپایی آن پوشیده از جنگل است. کوه های اورال و دریای اورال بخش آسیایی آن را از بخش اروپایی جدا می‌سازد. فدراسیون روسیه در خاور و جنوب خاوری- با چین، کازاخستان و کوریا شمالی همسایه است. در باختر و شمال باختری- با استونیا، لتوانیا و فنلند همجوار است. در جنوب باختری این کشور- روسیه‌سفید، اوکرایین و در جنوب آن جمهوری های قفقاز(گرجستان، ارمنستان و آذربایجان) و دریای خزر(کسپین) قرار گرفته است. روسیه از بخش باختری از طریق خلیج فنلند به آب های دریای بالتیک راه می‌یابد.

**بافتار ملی:** ۸۱، ۵٪ روس، ۳٪ اوکرایینی، ۳، ۸٪ تاتار، ۰. ۹٪ باشقیر، ۰، ۸٪ بیلاروس و شماراقلیت های دیگر که جمعاً بیش از صد ملیت‌اند.

**آیین:** مسیحی ارتدکس و بیش از سی میلیون مسلمان.

**شهرهای مهم**:

شهرهای مهم روسیه عبارتند از: مسکو، سان پتربورگ، کرسنادار، گورکی، ولادی وستوک و...

روسیه ۲۱ جمهوری خودمختار، ۶ ناحیه و دو شهر دارای مقام فدرال(مسکو و سان پتربورگ) دارد. جمهوری های خودمختار از سوی رییس‌جمهور و صدراعظم

اداره می شود. دیگر واحد های فدرال دارای دستگاه های اداری محلی‌اند که شورا خوانده می شود.

## سیاست و حکومت در روسیه:

در قانون اساسی جدید فدراسیون روسیه که پیش‌نویس آن در بهار ۱۹۹۳ منتشر و در نوامبر همان سال به تصویب رسید، اقتدار عالیه به شخص رییس‌جمهور داده شد، که خطوط اصلی سیاست داخلی و خارجی را تعیین می‌کند. رییس‌جمهور برای ۴ سال گزیده می شود و بیش از دو بار نمی تواند به این پست انتخاب گردد. او باید حداقل ۳۵ سال عمر داشته باشد، شهروند روسیه باشد و حداقل ۱۰ سال پیشینهء بود و باش در فدراسیون روسیه داشته باشد. او صدراعظم را با تأیید مجلس روسیه بر می‌گزیند و در هنگام ضرورت می تواند صدراعظم یا کل هیأت دولت را برکنار نماید.

## نگاهی به تاریخ روسیه:

تاریخ روسیه از سده های پیش از میلاد تا نیمه سدهٔ ۱۵ میلادی، دورانی آگنده از تهاجم و تجاوز خارجی بود. قبایل کشاورز اسلاو که در استپ(دشت) های جنوبی روسیه زندگی می‌کردند، همواره مورد تاخت و تاز اقوام آسیایی و اروپایی قرار می‌گرفتند. قرن ها تاخت و تاز اقوام گوناگون سبب مهاجرت های گسترده در میان اسلاو ها گردید، و آن ها را به سه گروه اصلی تقسیم کرد:

اسلاو های باختری: لهستانی ها، چک ها، سلواک ها؛

اسلاو های جنوبی: صرب ها، کروات ها، مقدونی ها، سلوانی ها، مونتی نگروی ها و بلغار ها و اسلاو های خاوری: روس ها، اوکراینی ها و روس های سفید.

اسلاو های خاوری در نیمه دوم سدهٔ هشتم میلادی دولت شهر های مستقلی را به وجود آوردند، که به اهداف مناسبی برای حملات وایکینگ ها و اقوام آسیایی تبدیل گردید.

## دولت کییف:

در حوالی سال ۸۶۲م. یکی از فرمانروایان روسی به نام روریک رهبری یک دولت متحد روسی را در نووگرود به دوش گرفت. نووگرود در شمال خاوری مسکو امروزی قرار داشت.

اولگ جانشین او، این مرکز قدرت را به کییف(مرکز اوکرایین کنونی) منتقل کرد. اولگ کوشیذ قبایل اسلاو خاوری را زیر سیطرهء خویش قرار دهد. دولت روسی کییف مرز های خود را از کرانه های بالتیک تا دریای سیاه گسترانید.

## حمله مغول:

دولت روسی کییف تا سال ۱۲۳۶ م. ادامه یافت. رقابت های درونی و تجاوزات خارجی دولت کییف را در برابر حملات مغول ها از هرگونه دفاع جدی ناتوان ساخته بود. مغول ها که روس ها آنان را تاتار می‌خواندند، در سراسر روسیه شهزادگان دست نشاندهء خان بزرگ خویش را حاکم کردند. سیطرهء مغول ها تا حوالی پایان سدهء پانزدهم تأثیرات ژرفی بر ساختار های سیاسی اجتماعی روسیه نهاد. در این دوران، مسکو به عنوان مرکز دولت تجزیه شدهء روسی جایگاه خود را به دست آورد و کییف در جریان تهاجمات مغول ها به شدت ویران گردید.

از نیمهء سدهء چهاردهم میلادی به تدریج تلاش هایی از سوی شاهزادگان روسی برای استقلال از سلطه مغول ها آغاز گردیده بود و سرانجام در سال ۱۴۸۰ م. ایوان سوم(ایوان بزرگ) از پذیرش حاکمیت مغول ها سرباز زد و توانست بخش گسترده‌یی از روسیه را از سلطهء آنان خارج نماید.

## روسیه مسکوی:

ایوان سوم با سوفیا- فرزند آخرین امپراتور بیزانس پیوند زناشویی بست. این امر سبب گردید زمینه‌یی برای پرورش ایدهء انتقال امپراتوری مسیحی(روم دوم) به روسیه فراهم آید.

ایوان سوم خود را تزار خواند، که برگرفته از نام سزار(قیصر) روم بود. اقتدار راستین دولت مسکوی از دوران ایوان چهارم(ایوان مخوف) شکل گرفت(۱۵۴۷-۱۵۸۴) او بنای اقتدار مطلقه در روسیه را استحکام بخشید. جانشینان ایوان به رغم اختلافات اشراف و تزار در کسب و توزیع قدرت و فشارهای خارجی توانستند با حمایت کلیسا نظام سیاسی روسی را امتداد دهند.

جنگ با سویدن و اشغال روسیه توسط نیرو های نظامی سویدن با نفوذ گستردهء کلیساء ارتدکس در برابر کلیسای کاتولیک حاکم بر سویدن و با توسعه یک جنبش ملی‌گرایانهء روسی و رویکار آمدن سلسلهء رومانوف همراه گردید.

## خاندان رومانف:

میخاییل رومانوف(۱۶۱۳-۱۶۴۵) سر سلسلهء خاندان رومانف از ۱۶۱۷ با عقب نشینی نیرو های نظامی سویدنی، با آن ها با سازش هایی دست یافت. مگر درگیری میان روس ها و سویدنی ها پایان نیافت و در سال ۱۶۳۴ طی پیمانی روسیه ناگزیر شد بخش باختری سرزمین خود را به سویدن واگذار نماید. جانشینان میخاییل رومانف به تلاش خود برای تحکیم وحدت دولت روسیه در مسکو ادامه دادند.

در سال ۱۶۷۲ پتر اول تلاش برای مبدل ساختن روسیه به یک قدرت برتر اروپایی را پیگیرانه آغاز کرد. پتر اول که پسان ها به پترکبیر شهرت یافت، طی سال های ۱۶۷۲-۱۷۲۵ کوشید روسیه را از وضعیت یک دولت عقب افتاده و منزوی خارج سازد. پتر اقدامات گسترده‌یی را برای تبدیل روسیه به یک قدرت اروپایی با الگو

گرفتن از کشورهای اروپایی انجام داد. او راه نجات روسیه را در غربی‌شدن آن می‌دانست.

در دوران پتر، در سال ۱۷۱۲ پایتخت روسیه از مسکو به پتروگراد(سان پتربورگ) انتقال یافت. او برای گسترش قلمرو روسیه جنگ های پیوسته‌یی با همسایگان به راه انداخت. پتر برای کاهش نفوذ کلیسا برنامه هایی را طراحی و اجرا کرد. بسیاری از مردم روسیه اصلاحات غرب گرایانهء پتر را تهاجمی بر سنت ها و آداب روسی می‌دانستند و با آن مخالفت می‌ورزیدند.

الکساندر اول(۱۸۰۱-۱۸۲۵) دارای تمایلات آزادیخواهانه بود. جنگ او با ناپلیون بناپارت سبب اشغال خاک روسیه توسط نیروهای فرانسوی در سال ۱۸۱۲ گردید. تسخیر مسکو توسط نیروهای ناپلیون با آتش زدن این شهر از سوی روس ها همراه گردید.

تزار نیکولای اول(۱۸۲۵-۱۸۵۵) سیاست داخلی و خارجی خود را مبنی بر جلوگیری شدید از هرگونه تغییر قرارداده بود. او نظام سرکوب و فشار داخلی روسیه را شدت بخشید و شمار بسیاری از مردم روسیه به دست پولیس سیاسی او کشته یا تبعید شدند. محافظه‌کاری نیکولای اول در سیاست خارجی با شکست روسیه در جنگ های کریما(۱۸۵۳-۱۸۵۴) همراه گردید. روسیه در این دوران در منطقهء بالکان به تلاش های نافرجامی برای گسترش نفوذ خود مبادرت ورزید. برخلاف تلاش های ناکام نیکولای اول، سال های ۱۸۲۰-۱۸۶۰ در روسیه سال های زرین ادبیات نام گرفت. سال هایی که نویسندگان بزرگ روسیه به آفریدن بزرگترین آثار ادبی خود نایل آمدند. نوشته های الکساندر پوشکین، نیکولای گوگول، ایوان تورگینیف، و فیودر داستایوفسکی به این دوران مربوط می شود.

الکساندر دوم ۱۸۱۸-۱۸۵۵ - فرزند نیکولای اول بیشترین نگرانی ها را از مسایل داخلی داشت. او در سیاست خارجی توانست به پیروزی های جدی دست یابد. تحکیم سلطهء روسیه در خاور اروپا پس از پیروزی بر دولت عثمانی، تسلط برآسیای میانه و قفقاز از دستاوردهای او در سیاست خارجی بود. مسأله اصلی الکساندر دوم وضعیت روستاییان وابسته به زمین(سرف ها) در روسیه بود.

الکساندر سوم(۱۸۸۱-۱۸۹۴) تلاش بسیاری برای کنترل جنبش انقلابی رو به گسترش در روسیه انجام داد. دستگیری، تبعید و از میان بردن انقلابیون در دستور کار او قرار گرفت. او یک ملی‌گرای روس بود و کوشید سیاست های روسی کردن ملیت های گوناگون در امپراتوری را به اشکال رنگارنگ گسترش دهد. الکساندر سوم در سیاست خارجی روسیه کوشید با ائتلاف های جدی با اتریش، هنگری و آلمان اهداف قدرت طلبانهء خود را دنبال نماید. این ائتلاف پس به سوی فرانسه گرایش یافت و تغییر شکل داد.

پس از مرگ الکساندر سوم، آخرین تزار روسیه نیکولای دوم(۱۸۹۴-۱۹۱۷) جانشین او شد. او نیز سیاست های محافظه‌کارانهء پدر را پی گرفت. وی در برابر فشار های جنبش انقلابی روسیه در سال ۱۹۰۵ پس از شکست از جاپان، فرمان ایجاد مجلس مشورتی دوما را صادر کرد. نیرو های انقلابی در سپتامبر ۱۹۱۱ صدراعظم پتر استولی پین راترور کردند. او اقدامات پیگیری را برای سرکوب نیرو های انقلابی انجام داده بود.

پس از ورود روسیه به جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴، فشار نیرو های انقلابی بر رژیم تزاری افزایش یافت. بلشویک ها که پس از انشعاب، در حزب سوسیال دموکرات کارگران روس در سال ۱۹۰۳ مبارزهء خود را با رژیم تزاری شدت بخشیده بودند، با شرکت روسیه در جنگ جهانی اول مخالفت می‌ورزیدند. منشویک ها گروه دیگر منشعب از حزب یاد شده، برپایهء نظریه های مارکس

چشم به راه تحول در اوضاع اقتصادی- اجتماعی روسیه بودند، تا زمینه برای برپایی انقلاب کمونیستی فراهم آید.

در آستانهء جنگ جهانی اول، لنین که در سویس در تبعید به سر می‌برد، به روسیه بازگشت و خواستار به دست آوردن قدرت سیاسی توسط بلشویک ها شد. آن ها تظاهرات و اعتصابات مردم را زمینهء مناسبی برای پیشبرد اهداف خود یافتند.

با افزایش فشار مردم و گروه های انقلابی از جمله بلشویک ها و منشویک ها، تزار- نیکولای دوم در مارچ ۱۹۱۷ به سود برادرش میخاییل کناره‌گیری کرد. حکومت موقت در روسیه به رهبری پرنس گورگی لوف تشکیل شد، مگر در برابر فشار شوراهای کارگران و سربازان که در سراسر روسیه گسترش می یافت، قادر به کنترل اوضاع نبود.

## نظام کمونیستی:

لنین پس از بازگشت به روسیه در اپریل ۱۹۱۷، در رساله " تزهای اپریل" به یاران خود توصیه کرد برای دستیابی به قدرت سیاسی تلاش خود را افزایش بخشند. او انتقال قدرت از تزار به شورا ها را مطرح ساخت. شورا های کارگران و سربازان در سراسر روسیه تشکیل گردید.

## کمونیزم جنگی:

پیروزی بلشویک ها به زودی با فشار های ضد انقلاب داخلی و خارجی همراه شد. از جنوری ۱۹۱۸ لنین و یارانش نظام تزاری را از میان بردند و ایجاد ارتش سرخ به ابتکار لئون‌تروتسکی مورد توجه قرار گرفت. بر اساس فرمان لنین، تأمین نیاز جبهه های جنگ در سراسر کشور در اولویت قرار گرفت و فرآورده های کشاورزی به سود آن مصادره گردید. لنین سپس با امضای پیمان صلح برست- لیتوفسک، روسیه را از جنگ جهانی خارج کرد. در همین ایام پولیس سیاسی"چکا" تشکیل گردید.

زیر تاثیر نیاز های جبهه های جنگ با بیگانگان و عوامل آن ها فشار شدیدی برمردم روسیه در سال های جنگ داخلی(۱۹۱۸-۱۹۲۱) وارد آمد.

در سال های ۱۹۲۰-۱۹۲۱ حکومت مسکو که در آن هنگام روسیه را در بر می‌گرفت، به نام "جمهوری فدراتیف روسیه" به تدریج با جمهوری های همسایه خود معاهدات دوسویه را به امضاء رسانید. از نگاه حقوقی در این موافقت نامه ها دو طرف متساوی الحقوق به شمار می‌آمدند. در زمینهء همکاری های نظامی که با تأسیس ارتش سرخ دنبال شد، روسیه برتری کامل روسیه یافت. روسیه شوروی به تدریج جمهوری های پیرامون خود را به عنوان جمهوری های عضو اتحاد در خویش ادغام کرد. در سال ۱۹۲۲ اتحاد شوروی تکوین یافت. با وحدت چهار جمهوری روسیه، روسیه‌سفید، اوکرایین و جمهوری های قفقاز، اتحاد شوروی شکل گرفت.

در دسامبر ۱۹۲۲، رژیم بلشویکی ایجاد اتحاد جمهوری های سیوسیالیستی شورایی را اعلام کرد، که از روسیه، روسیه‌سفید، اوکرایین و جمهوری های قفقاز تشکیل شده بود. در ۱۹۲۹ جمهوری های ترکمنستان ازبیکستان و تاجیکستان به آن پیوستند. جمهوری های قفقاز نیز به سه جمهوری آذربایجان، ارمنستان، و گرجستان تقسیم شدند.

یکی از مباحث اصلی در نخستین سال های شکل گیری نظام کمونیستی، مسوولیت آن در گسترش انقلاب جهانی بود. با شکست جنبش کمونیستی در اروپا، بلشویک ها از ۱۹۱۹ گسترش انقلاب به خاور را مورد توجه قراردادند. با پایان جنگ داخلی، لنین سیاست همزیستی مسالمت آمیز با باختر را در کنار "سیاست نوین اقتصادی" دنبال کرد و همکاری های اقتصادی با آلمان و انگلیس گسترش یافت.

با مرگ لنین در سال ۱۹۲۴ وظیفهء بنای سوسیالیزم برعهدهء استالین قرار گرفت.

در پایان جنگ جهانی دوم که شوروی در کنار متحدان اروپایی و امریکایی خود به پیروزی رسید، رهبری کشورهای سوسیالیست جهان را عهده‌دار گردید. استالین که در پی توسعهء خطر فاشیزم در آلمان، به امریکا و انگلستان و فرانسه پیوسته بود، در پایان جنگ، تضاد ایدیولوژیک خود را با این کشور ها برای افزایش سلطهء جهانی مطرح ساخت. گستره‌جویی شوروی در پایان جنگ جهانی دوم با اقدامات امریکا برای مهار آن همراه گردید. در این راستا اتحادیه های منطقه‌یی برای رویارویی با گسترش نفوذ شوروی شکل گرفت. رویارویی استالین با امریکا در جنگ کوریا و در آغاز دهه ۱۹۵۰ شدت یافت.

با مرگ استالین در سال ۱۹۵۳، پس از چندی، نیکیتا خروشچف قدرت را در دست گرفت. او با خوشبینی مفرط نسبت به پیروزی نهایی کمونیزم بر سرمایه‌داری، کوشید آثار سیاست های سرکوبگرانهء استالین را در شوروی کاهش دهد. خروشچف در بیستمین کنگرهء حزب کمونیست شوروی در سال ۱۹۵۶ سیاست های سرکوبگرانهء استالین را به شدت محکوم کرد. او با اقدامات خود سبب آزادی گروه های گسترده‌یی از زندانیان سیاسی و محکومان اردوگاه های کار اجباری گردید.

استالین زدایی خروشچف، سبب گردید در اروپای خاوری در برابر رهبران وابسته به شوروی شورش هایی به راه افتد، که در جریان آن ارتش شوروی برای کنترل اوضاع، شهر پراگ مرکز چکسلواکی را اشغال کرد.

خروشچف کوشید برای رفع دشواری های اقتصادی کشور، اصلاحاتی انجام دهد، که به گونهء شتابزده و بدون ارزیابی واقعی صورت گرفت و در نتیجهء وضعیت نا به هنجارتر گردید. اقدامات خروشچف سبب سقوط او گردید.

او در روابط شوروی و امریکا، روند تنش‌زدایی را شکل داد و کوشید با حمایت از جنبش های انقلابی در کشور های جهان سوم توازن نیروها را در سطح جهانی به سود شوروی تغییر دهد. در دوران خروشچف، میان شوروی و چین کمونیست

اختلافات ایدیولوژیک شدت یافت. رهبری چین خروشچف را به رویزیونیزم(بازنگری طلبی) و انحراف از مارکسیسم متهم ساخت. مائو سازش خروشچف با امریکا را به شدت محکوم کرد و سیاست همزیستی مسالمت آمیز را انحراف از اصول مارکسیزم-لنینیسم خواند.

پس از برکناری خروشچف در ۱۹۶۴، لیونید برژنف به زودی برتری خود را در نظام سیاسی شوروی تثبیت کرد. در دوران هژده سال حاکمیت برژنف تا ۱۹۸۲ شوروی توانست به برابری استراتیژیک با امریکا دست یابد. طی این دوران مشکلات اقتصادی شوروی شدت یافت و مخالفان سیاسی آن به یکی از عناصر مهم در تصویر چهره بین‌المللی شوروی تبدیل شدند.

روند رشد اقتصادی شوروی از دهه ۱۹۷۰ رو به کاهش نهاد. مسابقهء تسلیحاتی با امریکا و رهبری جنبش جهانی کمونیستی بر وخامت شرایط اقتصادی آن افزود.

در پایان دهه ۱۹۷۰ شوروی با تجاوز به افغانستان وارد مرحلهء دیگری از جنگ سرد با امریکا شد. پروژهء جنگ ستارگان ریگن رییس‌جمهوری امریکا، بار دیگر هزینهء مسابقهء تسلیحاتی را برای شوروی شدت بخشید.

با مرگ برژنف در سال ۱۹۸۲، یوری‌اندروپوف رییس ک. گ. ب. به قدرت رسید و کوشید روند جدیدی از تنش‌زدایی را به راه بیندازد. او دشواری های اقتصادی-اجتماعی شوروی را مورد توجه قرارداده، کاهش هزینه های مسابقهء تسلیحاتی را ضرورت دانست. ولی رهبری امریکا به این سیاست پاسخ مثبتی نداد.

اندروپوف اصلاحات اقتصادی را در شوروی دنبال کرد. مبارزهء همه سویه با فساد از اولویت های سیاست داخلی اندروپوف بود. او برای کاهش مسابقهء تسلیحاتی در اروپا پیشنهادهای متعددی داد، که ریگن پاسخی به آن نداد. مرگ اندروپوف

در ۱۹۸۳ و رویکار آمدن کنستانتین چرننکو مجال کوتاهی را برای بازگشت سیاست های برژنفی در شوروی فراهم آورد.

چرننکو به عنوان جانشین‌اندروپوف، روند مبارزه با فساد و دگرگونی در رهبری حزب کمونیست را متوقف کرد. او برخلاف سیاست داخلی، در سیاست خارجی شوروی کوشید روند تنش زدایی با باختر را دنبال کند. مگر بیماری و کهولت او مجال زیادی را برای رهبری جدید فراهم نکرد.

در مارچ ۱۹۸۵ پس از مرگ چرننکو، میخاییل گورباچف - از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست، و از یاران اندروپوف رهبری شوروی را عهده‌دار گردید. گورباچف تلاش برای جلوگیری از فروپاشی را آغاز کرد.

او نخستین اولویت برنامه های خود را مبارزه با فساد و احیای اقتصادی شوروی قرارداد. او برای اجرای ساماندهی اقتصادی در داخل، اصلاحات در سیاست خارجی را مورد توجه قرارداد.

این گونه،پروسترویکا (دگرگونسازی یا دگرسازی) و تفکر نوین آزادسازی سیاسی(گلاسنوست) به عنوان دو سیاست ضروری برای موفقیت یکدیگر در برنامهء کار او بودند با توجه به اصلاحات اقتصادی کاسیگین در دوران برژنف، گورباچف اجرای اصلاحات اقتصادی را بدون اصلاحات سیاسی و ایجاد فضای باز سیاسی(گلاسنوست، یا فاشگویی) غیرممکن می‌دانست.

گورباچف برای نشان دادن حسن‌نیت خود به امریکا، برای تحکیم روند تنش‌زدایی، نیروهای شوروی را از افغانستان بیرون برد و کاهش وسیع نیروهای نظامی و از میان بردن بخش مهمی از جنگ افزار های هسته‌یی شوروی را در برنامه قرارداد.

گورباچف تا سال ۱۹۹۰ نقش برتر حزب را مورد تأکید قرار می‌داد. ولی در فبروری همین سال پیشنهاد کرد مادهء قانون اساسی که این امر را تثبیت کرده بود، تغییر کند. او پست ریاست‌جمهوری را برای رویارویی با مخالفان حزبی خود به میان آورد. این گونه، در مسیری قرار گرفت که جدایی قدرت حزب و دولت را پذیرفته بود. گورباچف گزینش ریاست‌جمهوری شوروی از راه انتخابات عمومی را نیز دنبال کرد.

ناکامی گورباچف در اجرای اصلاحات، برای بهبود شرایط نابسامان اقتصادی-اجتماعی روسیه، سبب توجه مردم از آغاز ۱۹۹۰ به بوریس یلتسین- عضو پیشین دفتر سیاسی حزب کمونیست روسیه گردید.

در آخرین کنگرهء حزب کمونیست شوروی در جون همین سال، آشکار شد که برخی از اعضای حزب مانند بوریس یلتسین حزب کمونیست را اصلاح ناپذیر یافتند. او به عنوان رییس‌جمهور فدراسیون روسیه انتخاب شد. روند جدایی و استقلال طلبی جمهوری های بالتیک و دیگر جمهوری های اروپایی مانند اوکرایین و فدراسیون روسیه در سال های ۱۹۹۰-۱۹۹۱ ادامه یافت. گورباچف نیز به تلاش های خود برای اصلاحات اقتصادی ادامه داد، ولی به رغم برنامه های گوناگون برای انتقال به نظام اقتصادی بازار همچنان بر مشکلات اقتصادی افزود و برای جلوگیری از فروپاشی و تجزیهء اتحاد، انعقاد پیمان جدیدی برای اتحاد جمهوری ها را دنبال می‌کرد.

کودتای اکتبر ۱۹۹۱ از سوی مخالفان تندرو گورباچف در اوضاعی رخ داد که ۹ جمهوری خود را برای بستن قرارداد جدید اتحاد آماده ساخته بودند.

کمیتهء اضطراری که قدرت را در غیاب گورباچف به دست گرفت، با مخالفت های گستردهء داخلی و خارجی روبرو شد. آن ها پس از سه روز راهی جز تسلیم نداشتند. شوروی در مسیر فروپاشی قرار گرفته بود، و کودتای ماه اکتبر این روند را شدت بخشید. یلتسین در برابر کودتاگران در مسکو به مقاومت پرداخت. هر چند گورباچف کودتاگران را محکوم کرد، مگر همچنان نسبت به حزب کمونیست وفاداری خود را حفظ کرده بود. این امر به کاهش محبوبیت او کمک کرد. چ هار ماه پس اتحاد شوروی به تدریج فروپاشید.

با ایجاد جامعهء کشورهای مستقل همسود(مشترک‌المنافع) در ۸ دسامبر ۱۹۹۱ از سوی رهبران روسیه، روسیه‌سفید و اوکرایین، فروپاشی رسمی اتحاد شوروی اعلام شد. در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ گورباچف کناره‌گیری خود را در پی ایجاد جامعهء جدید اعلام کرد. درفش سه رنگ سفید، آبی و سرخ فدراسیون روسیه به جای پرچم سرخ شوروی بر فراز کرملین افراشته شد.

**تشکیل جامعه کشور های مستقل همسود(مشترک المنافع):**

جامعه کشورهای مستقل همسود CIS، در دسامبر ۱۹۹۱ در پی توافق رهبران فدراسیون روسیه، اوکرایین و روسیه‌سفید به میان آمد. هشت جمهوری دیگر نیز پس از صدور اعلامیهء الماآتا به آن پیوستند.

ایجاد CIS به معنای اعلام فروپاشی شوروی بود. این گونه، یازده جمهوری از پانزده جمهوری شوروی به این نهاد شکل دادند. آذربایجان در آغاز از پیوستن به جامعه خودداری کرد، مگر از سپتامبر ۱۹۹۳ به عضویت آن درآمد.

جمهوری های بالتیک در پی فروپاشی شوروی حاضر نشدند به مجموعهء تازه‌یی که جمهوری ها را گرد می‌آورد، بپیوندند. رهبران این جمهوری ها در نیمهء ۱۹۹۲ در تاشکنت در مورد تأمین امنیت جمعی در منطقه جامعهء کشور های مستقل همسود به

توافق رسیدند. در سال ۱۹۹۳ فرماندهی مشترک جامعهء کشور های مستقل همسود از میان رفت، مگر تلاش برای ایجاد یک گسترهء اقتصادی واحد ادامه یافت. مرکزیت جامعه کشور های مستقل همسود در مینسک(مرکز روسیه‌سفید) قرار گرفت و یک کمیتهء اجرایی مستقل در آن به وجود آمد. ولی اجرای توافق های پسی به مرکزیت فدراسیون روسیه انتقال یافت.

**اعلامیهء آلماآتا:**

اعلامیهء آلماتا در دسامبر ۱۹۹۱ از سوی یازده کشور در کازاخستان به تصویب رسید. در این اعلامیه، جمهوری های آذربایجان، روسیه‌سفید، کازاخستان، قرغیزستان، مولداوی، روسیه، تاجیکستان، ترکمنستان، اوکرایین و ازبیکستان ایجاد حکومت های مبتنی بر قانون را هدف خود اعلام کردند. احترام به حق حاکمیت و حقوق هر یک از اعضا و عدم مداخله در امور یکدیگر، در استفاده از زور در روابط با یکدیگر و حل‌و فصل اختلافات با توسل به ابزار های سیاسی و شیوه های مسالمت جویانه و حفظ حقوق اقلیت ها از نکات مورد توجهء امضاء کنندگان این اعلامیه بود.

در این سند، روابط دوستانه و همسایگی نیک اعضا و شناسایی حقوق یکدیگر بر اساس حقوق بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفت. هر یک ازاین کشور ها با توجه به مسوولیت خود برای حفظ صلح و همزیستی اقوام باشنده از هر یک آن ها خود را متعهد دانستند.

اعضای جامعهء کشور های مستقل همسود در این بیانیه، برپایهء برابری اعضای اتحادیه به منظور تأمین امنیت استراتیژیک بین‌المللی و ایجاد فرماندهی مشترک و نیروهای متحد نظامی را پذیرفتند. درین بیانیه، پیوستن اعضای دیگر نیز به جامعهء کشور های مستقل همسود مقدور دانسته شد. این مجموعه ایجاد یک حوزهء اقتصادی مشترک در میان اعضا را از اهداف خود اعلام کرد. اعضای جامعه کشور

های مستقل همسود با توجه به فروپاشی شوروی، اجرای تعهدات بین‌المللی خود را در چارچوب قوانین اساسی خود قابل پیگیری دانستند.

### پیمان همگرایی چهار سویه:

چهار جمهوری روسیه‌سفید، کازاخستان، قرغیزستان و فدراسیون روسیه این پیمان را در مارچ ۱۹۹۶ به امضاء رسانیدند. این چهار کشور بر پایهٔ پیوند های تاریخی، برای شگوفایی استعداد های مردم و سرزمین های خود، با شناسایی و احترام به حق حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، و با تأیید ضرورت توسعهء همکاری ها در چارچوب جامعهء کشور های مستقل همسود و اجرای فرآیند همگرایی در درون آن، اهداف خود را برای همکاری های سیاسی اقتصادی اعلام نمودند.

### پیمان ایجاد جامعهء کشور های مستقل:

روسیه و روسیه‌سفید در اپریل ۱۹۹۶ برای تحقق فرآیند یکپارچگی، پیمانی را به امضا رساندند. دو کشور در مقدمهء این پیمان، پیوندهای تاریخی خود را مطرح کرده، برای از سرگیری پیوندهای نزدیک خود بر اساس نتایج همه‌پرسی می ۱۹۹۵ در روسیه‌سفید و تصمیم مجمع فدرال اکتبر ۱۹۹۵ در فدراسیون روسیه، بر پایه پیمان همسایگی نیک و روابط دوستانه دو کشور در فبروی ۱۹۹۱ و تأیید منشور جامعه کشورهای مستقل همسود، چهار سویه تعمیق همگرایی میان روسیه‌سفید، روسیه، کازاخستان و قرغیزستان عزم خود را اعلام کردند.

### روسیه و جامعهء کشور های مستقل همسود:

همان گونه که اشاره شد، در سال ۱۹۹۱ یازده کشور به عضویت جامعه کشورهای مستقل همسود درآمدند. دوازدهمین عضو آن گرجستان بود که در پایان سال

۱۹۹۳ به این مجموعه پیوست. این کشور ها حفظ استقلال سیاسی خود را مبنای سیاست داخلی و خارجی خویش قراردادند.

ولی درگیری های تباری داخلی این روند را زیر تاثیر قرارداد. روشن بود که در روابط خارجی این جمهوری ها فدراسیون روسیه با قدرت نظامی و ظرفیت اقتصادی خود نقش برتر را بازی خواهد کرد. به زودی روابط جمهوری های جامعهء کشورهای مستقل با جهان خارج زیر تاثیر روابط آن ها با روسیه قرار گرفت. این مساله، در میان جمهوری های مختلف شدت و ضعف متفاوت داشت.

جمهوری های بالتیک(لاتوانیا، لیتوانیا، و استوانیا) را باید از این مجموعه جدا کرد. آن ها حاضر به پذیرش عضویت در جامعه کشور های مستقل همسود نشدند.

هویت تاریخی روسیه جدا از ویژگی امپراتوری آن نیست، لذا فروپاشی شوروی برای بسیاری از سیاستمداران روسیه پذیرا نبود. پذیرش دو واژه "خارج نزدیک" و "خارج دور" برای اشاره به جمهوری های پیشین شوروی و دیگر کشور ها، حاکی از برداشت خاص امنیتی نسبت به اعضای پیشین شوروی در فدراسیون روسیه است.

از سوی دیگر، تعارضات و ستیزهای منطقه‌یی در این جمهوری ها پس از فروپاشی شدت یافت. در چند سال پس از فروپاشی شوروی، اختلاف نظر ها میان روسیه و اروپا و امریکا نیز شدت یافته است. در برابر برنامهء توسعه ناتو به سوی خاور، روسیه برای پیشگیری مواضع استوارتری را در پیرامون خود مورد توجه قرارداده است.

به هر رو، جمهوری های بازمانده از شوروی، پس از استقلال، دستگاه سیاست خارجی خاص خود را به وجود آوردند. ولی تنها اوکرایین و روسیه‌سفید دارای تجارب عملی در عرصهء سیاست خارجی بودند. آن ها که جمعیت دارای تحصیلات عالیتری دارند، شرایط بهتری برای سامان دادن به سیاست خارجی خود

دارند، اما به هررو، تجارب محدود و یا فقدان تجربه در سیاست خارجی برای اعضای جامعه کشور های مستقل همسود غیر از روسیه دشواری های جدی به وجود آورد. بسیاری از آن ها روابط خارجی خود را آغاز از طریق مسکو دنبال کردند.

روسیه نسبت به دیگر جمهوری ها در عرصهء بین‌المللی از موقعیت های برتری برخوردار است. نمایندگی های خارجی، سازمان های بین‌المللی، تشکیلات برجستهء غیردولتی و نمایندگی های خبری در مسکو، این برتری را تحقق بخشیده است. وزارت خارجهء فدراسیون روسیه در همان ساختمان وزارت خارجهء شوروی استقرار یافته است.

نمایندگی های شوروی و هیأت های اقتصادی در خارج به زودی در خدمت فدراسیون روسیه قرار گرفتند. ارتباطات بین‌المللی شوروی کاملاً به فدراسیون روسیه انتقال داده شد. جایگاه شوروی را در سازمان ملل و شورای امنیت روسیه به دست آورد. روسیه پس از فروپاشی شوروی، جایگاه آن را در نظام بین‌المللی تحویل گرفت. مگر این روند به مفهوم رفع چالش های سیاست خارجی روسیه نبود. روسیه هیچگاه یک کشور ملی نبود. هرچند برخی از روس ها از فروپاشی شوروی خرسند شدند، ولی برای بسیاری از آن ها نیز جدایی بخش هایی از امپراتوری روسیه پذیرا نبود. حضور جمعیت های عظیم روس در پیرامون روسیه بر حساسیت این امر می‌افزود، تعیین هویت جدید روسیه در این اوضاع با دشواری روبرو گردید. در خود روسیه نیز در مورد هویت آن بحث های اساسی وجود داشت. در مورد نقش و جایگاه منطقه‌یی و جهانی آن نیز اختلاف نظر زیادی مطرح بود.

به هررو، روسیه کوشید روابط گسترده‌یی را با جمهوری های پیرامون خود سازمان دهد.

## روابط دو سویه و چند سویه در جامعه کشور های مستقل همسود:

شورای سران جامعهء کشور های مستقل همسود که در ۱۹۹۶ یلتسین برای سومین بار به ریاست آن برگزیده شد و شورای رهبران دولت ها، وزیران امور خارجه، وزیران دفاع در تنظیم روابط اعضای جامعه کشور های مستقل همسود برای بهبود اوضاع سیاسی اقتصادی این کشور ها تلاش داشت هاند.

یکی از عوامل عدم تحقق اهداف جامعه کشورهای مستقل همسود برداشت تفاوت اعضای آن از اهداف و آینده این سازمان است. برخی از اعضاء مانند اوکرایین که از بنیادگذاران کشورهای مستقل همسود است، آن را ابزاری برای تنظیم واگرایی جمهوری های پیشین شوروی و رسیدن آن ها به استقلال به شمار می‌آورند.

برخی نیز مانند کازاخستان امیدوارند این سازمان چهار چوبهء کارآمدی را برای نزدیکی اقتصادی و همگرایی سیاسی اقتصادی اعضا فراهم آورد. ولی حتا این جمهوری ها نیز از بازسازی سلطهء روسیه بر این سازمان هراسناك اند. ظرفیت ها و توانایی های روسیه با جمهوری های پیرامون آن قیاس پذیر نیست. مسالهء حضور ۲۵ میلیون روس در جمهوری های پیرامون روسیه، به نوبهء خود، نگرانی آن ها را در بر داشته است.

حمایت از روس های باشندهء پیرامون روسیه، همواره یکی از نگرانی های مسکو بوده است. هرچند این پشتیبانی جنبهء منطقی تا عملی داشته است، ولی نشان می دهد که روسیه برای حفظ حقوق آنان به خود حق مداخله در امور داخلی جمهوری های دیگر را قایل است.

روسیه در همان حال، خود نسبت به تقویت و تحکیم جامعهء کشور های مستقل همسود بسیار توجه نشان داده است. دولت روسیه بار ها بر ضرورت ایجاد فضای واحد اقتصادی و همکاری نظامی مؤثر تأکید نموده است. در همان حال فدراسیون

روسیه خواستار نقش مشترک همه جمهوری ها در تأمین منابع مالی لازم نیز بوده است.

روسیه دیگر مایل به ارائهء سوبسیدی های عظیم تجاری دوران شوروی برای تحکیم مبادلات تجاری با جمهوری های پیرامون خود نیست.

نتیجهء این برداشت متفاوت در میان اعضای جامعهء کشور های مستقل همسود این بود که از نخستین سال تأسیس آن دو گروه کشورهای مرکزی که خواستار تقویت روند همگرایی‌اند: ارمنستان، روسیه‌سفید، کازاخستان، قزغیزستان، روسیه و تاجیکستان و دولت های حاشیه‌یی که در برابر همگرایی مقاومت می‌کنند: (ترکمنستان و اوکرایین) به وجود آمده است.

یک گروه از کشورهای دیگر(آذربایجان، گرجستان، مولداوی و ازبیکستان)، در حالی که جامعهء کشور های مستقل همسود را مورد توجه قرار می دهند، آن را ابزاری برای تقویت سلطهء روسیه یافت هاند. این مرزبندی در توافق های داخل این مجموعه نیز بازتاب یافته است. تنها هفت کشور پیمان امنیتی تاشکنت را در ۱۹۹۲ به امضا رساندند. اوکرایین، آذربایجان، ترکمنستان و ملداوی پیمان ایجاد سیستم دفاعی مرز های خارجی جامعهء کشور های مستقل همسود در می ۱۹۹۵ را نپذیرفتند. آذربایجان و ملداوی حاضر به امضای پیمان ایجاد سیستم دفاع هوایی مشترک جامعه کشور های مستقل همسود نیز نشدند. هر چند در پیمان تاشکنت به ایجاد نیرو های حافظ صلح اشاره شد، ولی همه اعضای آن حاضر به فعالیت درین زمینه نشدند. این گونه، روسیه عنصر اصلی در نیروهای حافظ صلح جامعه کشورهای مستقل همسود گردید، که این امر سبب بروز و شدت بدبینی نسبت به روسیه در درون و خارج از جامعه کشور های مستقل همسود گردید.

به همین سان، برخی از اعضای جامعه کشور های مستقل همسود به انعقاد قرادادهای دوسویه با یکدیگر پرداخت هاند، که ارتباطی به جامعهء کشور های مستقل همسود ندارد. در فبروری ۱۹۹۵ رهبران جمهوری های کازاخستان، قرغیزستان و ازبیکستان اتحادیه‌یی را به وجود آوردند که آن ها را در مسیر ایجاد اتحادیهء اقتصادی کمک کند. در جنوری ۱۹۹۶ کازاخستان برای ایجاد یک اتحادیهء گمرکی با روسیه‌سفید و روسیه قرارداد بست که قرغیزستان نیز به آن پیوست.

در پایان مارچ ۱۹۹۶ رهبران روسیه‌سفید، کازاخستان، قرغیزستان و روسیه تحکیم همگرایی اقتصادی برای ایجاد یک فضای اقتصادی واحد با بازار مشترک حمل‌و نقل واحد، سیستم انرژی و اطلاعات و سیستم تنظیم قیمت ها و سیاست های واحد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی را مطرح کرده، در مورد آن پیمانی را منعقد کردند. پس از آن نیز روسیه و روسیه‌سفید پیمان دیگری را برای ایجاد اتحادی از دولت های مستقل با نهاد های فوق‌ملی اعلام کردند. یک نهاد فوق‌ملی که بتواند روند تصمیمگیری را در سطح وحدت در جمهوری تحقق بخشد، نیز مورد توجه دو کشور قرار داشت. آن ها بر اساس توافق دوسویه، تنظیم داوطلبانهء مقررات اقتصادی و اجتماعی را نیز پذیرفتند.

درمیان جمهوری های عضو جامعه کشور های مستقل همسود، مهمترین توافق ها به روابط روسیه و اوکرایین- که در میان اعضای جامعه کشور های همسود دومین قدرت سیاسی اقتصادی است، پیوند دارد.

بدون حضور اوکرایین توافق های همگرایی سیاسی و اقتصادی اعتبار زیادی ندارد. ولی اوکرایین به گونه روزافزونی نسبت به توسعهء روابط همه سویه با کشور های اروپایی توجه نشان داده است. از نگاه اوکرایین روند رو به افزایش نفوذ روسیه در جامعه کشور های مستقل همسود تهدیدآمیز به شمار می‌آید. در شرایط توسعهء

ناتو، اوکرایین می تواند به کشوری حایل میان روسیه و کشور های ناتو مبدل شود. هنگامی که لیونید کوچما در سال ۱۹۹۴ به ریاست‌جمهوری اوکرایین برگزیده شد، با توجه به گرایش مثبت او به سوی روسیه، انتظار بهبود روابط دو کشور می‌رفت.

مهمترین موضوع در روابط دو کشور، مساله‌ء تملک بر جزیره‌نمای کریما و ناوگان دریای سیاه بود. استقرار ناوگان این دریا(بحیره) در بندر سواستوپل نیز به اختلاف در مورد تملک این بندر همراه بوده است. هرچند توافق هایی میان دو کشور به امضا رسید، ولی نگرانی اوکرایین از توسعه‌ء نفوذ روسیه در جامعه کشور های مستقل همسود کاهش نیافت. روابط این دو کشور بر روند انسجام در جامعه کشور های مستقل همسود تاثیر تعین کننده دارد.

## درگیری های درونی جامعه کشور های مستقل همسود و اختلافات آن ها:

با فروپاشی شوروی، زمینه‌ء تشدید برخی از اختلافات که از پیش در میان جمهوری ها وجود داشت، فراهم گردید. درگیری میان آذربایجان و ارمنستان و نیز درگیری های درونی گرجستان دراین راستا قابل اشاره است. آذربایجان و ارمنستان در منطقه‌ء خودمختار قره‌باغ کوهستانی که اکثریت باشندگان آن را ارمنی ها تشکیل داده اند، و نیروهای معارض در درون گرجستان در حالی که جدایی‌طلبان آبخازی نیز به تلاش گسترده‌یی پرداخته بودند، از حادترین مسایل در میان جمهوری ها و در داخل آن ها جدایی‌طلبان ماورای رودخانه‌ء دنی هستند و دولت مولداوی نیز شرایط دشواری را تجربه کرد. غیر از جمهوری خودمختار چیچن که روسیه به گونه‌ء مستقیم در درگیری نظامی حضور یافت، نیروهای حافظ صلح روسیه در گرجستان فعال شدند و کوشیدند بی‌ثباتی سیاسی را متوقف ساخته، از سرایت آن به دیگر مناطق جلوگیری کنند.

فدراسیون روسیه از دسامبر ۱۹۹۴ نیروهای نظامی خود را برای درهم شکستن مقاومت چیچنی ها به این جمهوری گسیل داشت: این جنگ تلفات عظیمی برای دو سوی در بر داشته است. حتا مرگ دودایف در اپریل ۱۹۹۶ نتوانست تسلیمی چیچنی ها را در برداشته باشد. به نظر دولت روسیه، این جنگ از مسایل داخلی فدراسیون روسیه به شمار می‌رود. جنگ چیچن تاثیر عمیقی در روابط روسیه و غرب داشته است. از نظر مسایل داخلی جامعهء کشورهای مستقل همسود، این جنگ روسیه را از توسعهء جنبش های جدایی‌طلبانه هراسناک ساخته است، و در همان حال نگرانی دیگر کشور ها را برانگیخته که روسیه برای احیای اتحاد شوروی ممکن است از زور کار گیرد. مشکل چیچن بر کل مناسبات روسیه در قفقار سایه افگنده است.

با کشته شدن اصلان مسخدوف در مارچ۲۰۰۵ بار دیگر امکان دستیابی به یک راه‌حل بحران چیچن دشوارتر شده است

مناسبات روسیه با گرجستان حتا تا مرز خطر برخورد مسلحانه تیره گردیده است.

اکنون موضعگیری رسمی روسیه در چند نکته خلاصه می شود:

- با مسخدوف و یارانش که از تروریست ها در حادثهء مسکو حمایت نمودند، نباید گفتگو شود.

- مسالهء چیچن مسالهء داخلی روسیه است و باید در تفاهم با مردم چیچن حل گردد.

- گروه های‌تروریستی و جدایی‌طلب در هر جایی که پنهان شده باشند، بایست سرکوب شوند.

- پس از حادثهء گروگانگیری در مسکو فعالیت نظامی روسیه در چیچن افزایش یافته است.
- به منظور تأمین امنیت منطقه، وزارت امور داخله چیچن تشکیل می شود.
- روسیه دیدگاه های اتحادیهء اروپا و دیگر کشورهای علاقمند به قطع جنگ و تأمین صلح در چیچن را می شنود و به آن احترام می گذارد.
- در مورد تعیین سرنوشت چیچن همه‌پرسی(رفراندوم) باید صورت بگیرد که چندی پیش همه‌پرسی راه اندازی شده بود ۸۰٪ مردم چیچن در آن اشتراک کردند.
- پشتیبانی مردم چیچن از قانون اساسی آن کشور- ۹۶٪
- پشتیبانی مردم چیچن از قانون انتخابات ریاست‌جمهوری- ۹۵٪.
- پشتیبانی مردم چیچن از قانون انتخابات پارلمانی- ۹۶٪.

**تاریخچهء جمهوری خودمختار چیچن:**

جمهوری چیچن در شمال قفقاز واقع است. فدراسیون روسیه در این بخش با گرجستان همجوار است. جمهوری خودمختار داغستان در شرق و جمهوری خودمختار اوستی شمالی و اینگوش در غرب آن قرار گرفت هاند.

مرکز آن شهر گروزنی- منطقهء کوهستانی است. در نواحی شمالی آن تپه ها و دشت های زیبایی وجود دارد. این جمهوری ۱۹۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. شهر گروزنی حدود ۴۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که بیشتر آنان سنی آیین‌اند. اقتصاد این جمهوری در بخش منطقه اقتصادی شمال قفقاز قرار می گیرد. در سدهء ۱۸ روسیه، امپراتوری عثمانی، و ایران برای کنترول این منطقه به جنگ های طولانی وارد شدند. استان خودمختار چیچن در سال ۱۹۲۲ تأسیس شد. سپس در سال ۱۹۳۴

جمهوری خودمختار چیچن، انگوش به میان آمد. همکاری شورشیان چیچن با آلمانی ها در جنگ جهانی دوم سبب گردید استالین آن ها را به کازاخستان تبعید نماید. پس از مرگ او بار دیگر آن ها توانستند جمهوری خودمختار خود را به دست آورند.

در سال ۱۹۹۱ کنگرهء سراسری مردم چیچن- انگوش تقسیم این جمهوری را به دو بخش اعلام کرد و چیچن ها از انگوش ها جدا شدند. جوهر دودایف- رییس این جمهوری در سال ۱۹۹۱ پیش از فروپاشی شوروی استقلال آن را اعلام کرد.

سرانجام در سال ۱۹۹۴ ارتش فدراسیون روسیه برای پایان دادن به جدایی‌طلبی جوهر دودایف وارد این جمهوری شد. در برابر فشار روسیه، چیچن ها در دیگر جمهوری مانند داغستان و ناحیه استاوروپول به گروگانگیری پرداختند. در نتیجه زد و خورد های خونین، بالغ بر ۵۰ هزار نفر کشته و ۵۰۰ هزار آواره شدند.

به هر رو، پیش از انتخابات مجدد ریاست‌جمهوری در دوران یلتسین آتش‌بس برقرار شد. جنرال الکساندر لیبد در این زمینه نقش جدی بازی کرده بود.

بر پایهٔ قانون اساسی فدراسیون روسیه، هر جمهوری خودمختار در مسایل داخلی‌شان آزاد بوده از خود قانون اساسی، پارلمان، نشان و درفش جداگانه دارند که البته آزادی های داخلی‌شان مغایر با قانون اساسی فدرال نباشد. اما در مسایل خارجی تابع حکومت مرکزی‌اند.

جمهوری خودمختار چیچن از جمله ۲۱ جمهوری خودمختار فدراسیون روسیه به شمار می‌آید. چیچن یک منطقه کشاورزی است که تولیدات صنعتی آن به فرآورده‌های نفتی مربوط می گردد. این جمهوری در مسیر خط لوله های اصلی انتقال نفت از قفقاز قرار گرفته است.

مشکل بزرگ فدراسیون روسیه جنگ چیچن است. دو برخورد به تدریج مشخص می شود. پس از حادثهء ۲۳ اکتبر ۲۰۰۲ یعنی گروگانگیری نزدیک ۸۰۰ نفر به شمول کودکان و زنان در تالار تیاتر مسکو توسط جنگجویان چیچن، این دو برخورد برجسته‌تر شده است. برخورد اولی موضعگیری دولتی به ویژه نظامیان و سیاستمدران متمایل به ناسیونالیسم و نیروهای مرکز است که بر تشدید سرکوبی جدایی‌طلبان به عنوان تروریست ها پافشاری می نمایند. روحیهء عمومی باشندگان نیز چنین برخوردی را استقبال می‌نماید. اگر تا پیش از این حادثه، اصلان مسخدوف- رییس‌جمهور چیچن و احمد زکایف- نمایندهء خاص وی در خارج به عنوان سیاستمدارانی معتدل در برابر شامیل باسایف، خطاب و باریف که تروریست شناخته شده اند و با القاعده و طالبان ارتباط دارند، پذیرفته شده بودند، اینک ولادیمیر پوتین و رسانه های گروهی رسمی وی را نیز هوادار تروریزم معرفی می‌کند و به درخواست روسیه احمد زکایف که در دنمارک بود، بازداشت شده است.

دستهء دوم رزمندگان چیچن را به دو گروه تقسیم می‌کنند: تروررست ها و جدایی‌طلبان. تروریست ها بایست نابود شوند. لکن با جدایی‌طلبان می شود گفتگو کرد.

اتحادیهء اروپا بیشتر روی حل‌وفصل سیاسی قضیهء چیچن پافشاری دارد و از نقض حقوق بشر از سوی نیرو های روسیه نکوهش می‌کند.

**توانمندی نظامی:**

شوروی پیشین یکی از دو ابر قدرت جهان دو قطبی بود که زراد خانه بزرگی در اختیار داشت. پس از فروپاشی شوروی- به ویژه پس از آن که روسیه یک دهه آزگار دچار بحران عمیق و عظیم اقتصادی گردید، در بسیاری از رسانه های گروهی جهان به نادرست چنین شایع گردید که گویا کار روسیه دیگر تمام است . در حالی که این اشتباه بزرگی بود و است. روسیه، پس از فروپاشی شوروی تنها از

جایگاه اقتصادی اش افتاد. مگر توان نظامی اش کماکان سر جایش بود. به هر رو، باید در نظر داشت که روسیه هم اکنون هم از دیدگاه نظامی یک ابر قدرت است که با ایالات متحده همسری می کند.

شمار نیروهای مسلح روسیه به یک میلیون نفر می رسد که در بر چهار نوع اند: زمینی، هوایی، دریایی و نیروهای بازدارنده استراتیژیک. این نیروها در شش حوزه چهار فرماندهی ناوگان دریایی،۸ ارتش ، ۶ ارتش هوایی و پدافند هوایی و ۶ ناوگانچه، دو سپاه و دو اسکادر مستقل تنظیم شده اند. قرار است تا پایان سال ۲۰۰۵ شمار این نیروها به نصف برسد.

بودجه نظامی این کشور در سال ۲۰۰۲ به ۶۰ میلیارد دالر می رسید که با آهنگ روزافزونی رو به افزایش دارد.

شمار نیروهای زمینی ارتش روسیه به ۳۲۱۰۰۰ نفر می رسد. شمار لشکر های تانک روسیه به پنج و شمار لشکر های موتوریزه آن به ۱۹ و شمار لشکر های کماندویی آن به ۴ می رسد.

ارتش روسیه مجهز با ۲۲۰۰۰ تانک از جمله ۹۷۰۰ دستگاه تانک تی-۷۲ و شش هزار و پنجصد دستگاه تانک تی-۶۲ و ۵۰۰۰ تانک های بسیار پیشرفته تی-۸۰ و تی-۹۰ ( ۱۵۰ دستگاه) و پی.تی- ۷۶ می باشد. همچنان این ارتش ۲۸۰۰۰ دستگاه نفربر و خودرو زرهی دارد. شمار توپ های آن به ۱۰۰۰۰ و شمار خودرو های موشک انداز آن به ۵۰۰۰ دستگاه می رسد. این کشور ۲۶۰۰ پایگاه پرتاب موشک دارد. این گونه، روسیه بزرگترین و مجهز ترین نیروی زمینی جهان را در اختیار دارد.

روسیه نیروی پدافند هوایی بسیار نیرومندی دارد که شمار موشک های زمین به هوای آن به ۲۶۷۰ (از جمله ۱۹۰۰ دستگاه موشک های بسیار پیشرفته نسل سوم و چهارم) می رسد.

شمار هلیکوپترهای آن به ۱۷۰۰ فروند ( از جمله: ۷۰۸ فروند جنگی از نوع می-۲۴ و ک.-۵۰ ) می رسد.

نیروی هوایی روسیه پس نگاه تهاجمی و استراتیژیک پس از امریکا در جایگاه دوم و از نگاه دفاعی در جایگاه نخست در جهان قرار دارد.

در ساختار نیروی هوایی روسیه ۴ لشکر هوایی دور پرواز بمب افگن دارای بار استراتیژیک، ۴ لشکر بمب افگن های سنگین تاکتیکی، یک ارتش ، دو لشکر، ۹ گردان حمل و نقل هوایی ( دارای ۲۷۱ هواپیما و ۴ گردان (دارای ۳۷ فروند هواپیما) است.

نیروی هوایی استراتیژیک روسیه دارای ۲۰۰ فروند هواپیمای بمب افگن استراتیژیک دور پرواز از نوع تو- ۲۲ ، تو-۱۶۰ و تو- ۹۵ است. این نیرو دارای ۲۰ فروند تاکر از نوع ایل است.

شمار هواپیماهای تاکتیکی نیروی هوایی روسیه به ۱۹۰۰ فروند می رسد( برای مقایسه شمار هواپیما های کشور های ناتو به ۳۵۰۰ فروند می رسد). از جمله:

- ۶۰۰ فروند از نوع سو-۲۴ و سو-۲۵ (جنگنده – بمب افگن)،
- ۹۰۰ فروند از نوع میگ-۲۵، میگ-۲۹، سو-۲۷ و میگ-۳۱ ( شکاری)
- ۲۱۴ فروند هواپیمای اکتشافی (رهگیر) از نوع سو-۲۴ و میگ-۲۵
- ۲۰ فروند هواپیمای هشدار دهنده نوع آ- ۵۰ ( همتای آواکس امریکایی)
- ۶۰ فروند هلیکوپترهای اکتشافی نوع می-۸
- ۹۰ فروند هواپیمای اکتشافی از جمله از نوع میگ- ۲۹ و و سو-۲۷

نیروی دریایی روسیه مجهز با ۵۳ فروند زیردریایی ( از جمله ۱۳ فروند زیر دریایی استراتیژیک اتمی) و ۳۵ فروند زیردریایی تاکتیکی است. شمار ناو های بزرگ روسیه به ۳۵ می رسد. این کشور تنها یک ناو هواپیمابر دارد که نیرومندترین ناو هواپیمابر به شمار می رود.

شمار کشتی های گشتی ساحلی روسیه به ۸۸ فروند و کشتی های مین پراگنی آن به ۶۰ فروند می رسد. مجموع کشتی های جنگی روسیه به ۴۵۰ می رسد. تعداد هواپیماهای نیروی دریایی آن کشور ۲۱۷ فروند ( از جمله هواپیماهای با پرواز عمودی) و تعداد هیلیکوپتر های آن ۸۰ فروند است.

در ترکیب نیروهای استراتیژیک روسیه ۱۵۰۰۰۰ نفر خدمت می کنند. این نیروها مشتمل اند بر ناوگان های دریایی اقیانوس آرام، دریای بالتیک و دریای سیاه، نیروهای موشکی استراتیژیک و نیروهای استرانیژیکی کیهانی. نیروی دریایی روسیه مجهز با ۲۱۶ کلاهک اتمی است که در ۱۳ زیردریایی موشک انداز بالستیکی با رکتور های اتمی تعبیه شده اند.

نیروهای موشکی استراتیژیک در چهار ارتش تنظیم شده اند . روسیه دارای ۷۳۵ پایگاه موشکی استراتیژیک است که مجهز با ۳۱۵۹ کلاهک هسته یی می باشند. برخی از این پایگاه ها متحرک اند. شمار موشک های بالستیک قاره پیمای این کشور به ۷۴۰ می رسد. روسیه همچنان به تعداد ۱۰۰ فروند موشک های پدافندی ضد موشک های بالیستیکی دارد.

پایگاه های اصلی استراتیژیک روسیه عبارت است از پایگاه بایکانور کازاخستان که در آن موشک های نوع آر.اس- ۱۸ و آر. اس-۲۰ مستقر است. همچنان در این

اواخر دو پایگاه دیگر پس از فروپاشی شوروی بازسازی و مدرنیزه شده است: پایگاه پلیسیسک و سوابودنی.

**پیشینه مناسبات روسیه با افغانستان:**

ما با کشور روسیه مناسبات بسیار دیرین تاریخی داریم. نخستین هیات رسمی روسی در زمان شاهرخ تیموری به هرات آمده بودند. در دروه های پسین، برای مثالف در دوره‌ء احمدشاه درانی، هیات رسمی روسی نیز به هرات آمده بود.

در دوره‌یی که دوست محمد خان حاکم کابل بود، کپتان ویتکویچ برای انجام مذاکرات به کابل آمده بود.

همچنان در دوره‌ء امیر شیرعلی خان هیات استولیتف از کشور بازدید نمود.

در دوره‌ء امیر امان‌الله خان، برای نخستین بار مناسبات دو کشور در تراز دیگری از سر گرفته شد.

روسیه نخستین کشوری بود که استقلال کشور را به رسمیت شناخت. این امر از نگاه حقوقی در قرارداد لیتوفسک- برست استوار شد. ماده‌ء هفتم این قرارداد حاکی است که کشور های فارس و افغانستان آزاد و مستقل‌اند.

امیر امان الله خان به تاریخ ۲۱ اپریل ۱۹۹۹ در پیام خود به سوی روسیه می‌نویسد: جنرال محمد ولی‌خان سفیر فوق‌العاده‌ء افغانستان برای برقراری روابط صمیمانه بین دو کشور و زمینه‌سازی برای تامین علایق متقابل به روسیه گسیل گردید. همچنان چنین روابط باید اولا بین دو ملت همسایه و پسا بین سأیر ملت ها برقرار شود.

در پایان ماه اپریل ۱۹۱۹ رییس شورای کمیساران(وزیران) مردمی جمهوری فدراتیف روسیه- ولادیمیر لنین و رییس کمیته‌ء مرکزی اجراییی سراسری روسیه- میخاییل کالنین پیام جوابیه‌یی را عنوانی امیر امان الله خان فرستادند که در آن تمایل

دولت افغانستان در مورد برقراری روابط دوستانه با ملت روس را استقبال نمودند و مبادلهء نمایندگی های سیاسی را پیشنهاد کردند.

جون ۱۹۱۹ تاریخ برقراری روابط سیاسی میان روسیه و افغانستان شناخته می شود.

پس از یک‌و نیم سال، به تاریخ ۲۸ فبروری سال ۱۹۲۱ قرارداد دوستی که اساس و پایهء حسن همجواری میان دو کشور را اساس گذاشت، در شهر کابل به امضاء رسید. پس از ۵ سال یعنی در سال ۱۹۲۶ معاهدهٔ بیطرفی و عدم‌تجاوز متقابل(معاهدهء پغمان) به امضاء رسید. این معاهده مرحلهء مهمی در توسعهء روابط دوسویه و سیاست بیطرفی افغانستان به عنوان سیاست سنتی به شمار می‌رود.

در ماه سال ۱۹۲۹ امیر امان‌الله خان از مسکو بازدید کرد که با استقبال گرم مقامات شوروی روبرو گردید. طی بازدید دو هفته‌یی امیر امان‌الله خان اسناد و مدارک بسیاری پیرامون توسعهء روابط فرهنگی و اقتصادی میان دو کشور به امضاء رسید.

روابط دو کشور در دوره پادشاهی محمد ظاهر شاه و جمهوری داوود خان گسترش بسیاری پیدا نمود. هرچند در سال آخر ریاست جمهوری داوود خان چالش هایی در روابط پدید آمد که موجب دوری گزینی داوود خان از مسکو و گرایش به سوی غرب گردید.. با کودتای هفت ثور برابر با بیست و هفت اپریل ۱۹۷۸ صفحه خونینی در روابط دو کشور گشوده شد. جنگ داخلی دهساله در افغانستان با سهمگیری نیروهای شوروی موجب پیامدهای غم‌انگیز برای افغانستان گردید که از جمله تلفات عظیم بشری و اقتصادی را به افغانستان تحمیل کرد.

به هر رو، طی سال های ۱۹۵۴ تا ۱۹۹۰ در افغانستان به کمک اتحاد شوروی ۱۵۴ موسسه در عرصه های مهم اقتصادی اعمار گردید.

**فهرست پروژه هایی اعمار شده از سوی شوروی پیشین در کشور:**

۱- کارخانه های کود و برق مزار شریف
۲- تاسیسات کارخانه های جنگلک
۳- سیلو، آسیاب و نا ن پزی کابل
۴- شاهرای پلخمری – شیر خان بندر
۵- شاهرای کابل – پل خمری
۶- شاهرای پل خمری – مزار شریف
۷- شاهراه قند هار- هرات – تورغندی
۸- گالری های سالنگ
۹- تاسیسات ریاست میخانیکی
۱۰- میدان هوایی مزار شریف
۱۱- بخشی از راه کندز – کشم
۱۲- پروژه آبیاری بند سرده غزنی
۱۳- پروژهء وادی ننگر هار
۱۴- تخنیکم های اتومیخانیکی کابل و نفت وگاز مزار شریف
۱۵- پروژه های تفحصات و استخراج نفت و گاز در مزار شریف، سرپل و شبرغان
۱۶- پروژهء اعمار انستیتوت پولی تخنیک کابل
۱۷- فرودگاه های نظامی بگرام و شیندند
۱۸- سیلوی پلخمری
۱۹- کارخانهء خانه‌سازی کابل(مکرو ریون ها)
۲۰- شفاخانهء چ هار صد بستر اردو
۲۱- انستیتوت علوم اجتماعی
۲۲- انستیتوت پداگوژی
۲۳- شفاخانهء وزارت داخله

۲۴- ساختمان های وزارت دفاع

۲۵- حربی دانشگاه

۲۶- سروی مس عینک لوگر

۲۷- پل حیرتان

۲۸- شاهراه هرات – قند هار

۲۹- میدان هوایی کابل

۳۰- تهیهء ماستر پلان شهر کابل

۳۱- اعمار بند برق نغلو

**مناسبات افغانستان و روسیه در دوره جدید:**

سقوط رژیم طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ به منزلهء آغاز دورهء جدید مناسبات دوسویه روسیه و افغانستان جلوه‌گر شد. روسیه از پروسه بن و ایجاد دولت انتقالی به ریاست حامد کرزی کاملا پشتیبانی کرد. به اساس فیصلهء دولت فدراسیون روسیه نخستین محموله های کمک های بشری از همان آغاز سقوط رژیم طالبان به کشور فرستاده شد. در جریان سه ماه اول آغاز از نوامبر ۲۰۰۱ تا فبروری ۲۰۰۲ به تعداد ۵۴ قطار موترهای باربری حاوی ۹ هزار تن کمک های بشری، به افغانستان وارد گردید. و از ماه اپریل تا جون ۵/۷ هزار تن مواد غذایی دیگر به ولایات مختلف افغانستان رسانیده شد. در شهر کابل مرکز کمک های بشری روسیه کار خود را آغاز نمود که یک تعداد افغان ها را تحت تداوی و معالجه قرارداد.

کارشناسان روسیه در بازسازی تونل سالنگ شرکت کردند. از زمان تشکیل دولت موقت افغانستان حجم کمک های بشری روسیه به بیش از ۳۰ میلیون دالر امریکایی رسیده است.

به تاریخ ۲۸ دسامبر ۲۲۰۱ سفارت فدراسیون روسیه در کابل و روز ۱۴ اکتبر ۲۰۰۲ جنرال قونسلگری روسیه در مزار شریف فعالیت مجدد خود را آغاز کردند و در نوامبر سال ۲۹۹۲ نمایندگی فدراسیون روسیه در امور تجاری و اقتصادی در افغانستان کار خود را آغاز کرد.

روسیه و افغانستان دیالوگ سیاسی در سطح بالا را از سر گرفتند. از ماه نوامبر ۲۰۰۱ دو دیدار رییسان‌جمهور روسیه و افغانستان یعنی در ماه مارچ سال ۲۰۰۲ در مسکو و در ماه اکتبر سال ۲۰۰۳ در شهر پوتراجای مالیزیا در حاشیه سازمان کنفرانس اسلامی صورت گرفت و مناسبات میان مقامات وزارت های دفاع و امور خارجه و وزارت ها و موسسات مختلف دو کشور گسترش پیدا کرد.

موسسات دولتی و غیردولتی روسیه علاقمند به توسعهء مناسبات دوسویهء اقتصادی اند. در ماه مارچ سال ۲۰۰۲ نمایندگان موسسات مذکور و وزیران بخش اقتصادی افغانستان ۲۰ پروتکل و یادداشت همکاری را در زمینهء استخراج نفت و گاز طبیعی، صنایع‌ترانسپورت، امور ساختمانی زراعت و تیلی امضاء کردند. حجم کلی کمک های روسیه در این زمینه به ۷۹ میلیون دالر رسیده است.

**بازدیدهای دوستانه:**

- بازدید سیرگی ایوانوف وزیر دفاع فدراسیون روسیه و هیات همراه شان به تاریخ ۱۵ سنبله سال ۱۳۸۱ از کابل،
- دیدار مدیر، مسوولان دسک ها و اعضای مدیریت سوم سیاسی با سفیر و مستشار سفارت افغانی در مسکو، کیف و سوفیا، اخذ گزارش های سفارت های متذکره و ارائه رهنمود های لازم در رابطه به توسعه روابط میان افغانستان، فدراسیون روسیه، اوکرایین، و بلغاریا.
- جلب همکاری کشور های حوزه کاری در عرصه بازسازی اقتصاد کشور

که از آن جمله می توان از کمک ۳ میلیون دالري فدراسیون روسیه در قسمت بازسازي تخنیکم نفت و گاز مزار شریف، کمک ۵۰۰۰ تن گندم فدراسیون روسیه به وزارت تجارت، کمک وزارت حالت اضطراري روسیه به تصدی ارزاق احتیاجات عامه که شامل البسه و کنسرو ماهي می شد.

- دیدار هیات تخنوپروم اکسپورت فدراسیون روسیه با وزیر وزارت آب و برق در مورد بازسازی استیشن های برق آبی پلخمری، نغلو و برق حرارتی مزارشریف و تمدید لین انتقالی برق از حیرتان بطول ۱۸۰۰ کیلومتر..

- بازدید هیات های خارجی به افغانستان که آشوت گریورویچ سرکسیان - جراح مشهور روسیه، عضو مجلس(دوما) دولتی و رییس انجمن دوستی افغان روسیه.

- نمایندگان ریاست اداره امور ریاست دولت به فدراسیون روسیه عتیق الله بریالی- معاون وزارت دفاع ملی به فدراسیون روسیه، هیات وزارت هوانوردی ملکی و توریزم به جمهوری آذربایجان، وزیر مالیه به فدراسیون روسیه که در طی مدت گزارش دهی صورت گرفته است.

- بازدید وزیر دفاع کشور روسیه مورخ ۱۳۸۱/۶/۹

- سال ۱۳۸۱ دیدار داکتر عبدالله با ایگور ایوانوف- وزیر خارجه فدراسیون روسیه.

- در سال ۱۳۸۱ حمایت از کاندید فدراسیون روسیه در دیوان بین المللي جرایم براي روندا.

- ۴۲ بورس تحصیلي کشور فدراتیف روسیه به سوي افغاني و معرفي کاندیدان آن به سوي کشور روسیه.

- ابراز آمادگی روسیه در برای تهیه سامان آلات مورد نیاز پولیتخنیک کابل.
- اعطای ۳۰ بورس تحصیلی در ماه فبروری ۲۰۰۳ از سوی وزارت تحصیلات عالی روسیه
- معرفی ۲ تن از کارمندان وزارت امور خارجه در بورس های روسیه.
- اشتراک بیست تن از منسوبان وزارت دفاع ملی در کورس های سه ماهه کشور فدراسیون روسیه.
- ۲۲ بورس تحصیلی کشور روسیه فدراتیف به سوی افغانی و معرفی کاندیدان به سوی کشور روسیه.
- افغانستان در ماه اپریل ۲۰۰۳ بحیث پارتنر سازمان امنیت و همکاری اروپا (قطعنامه ۵۳۷ شورای دایمی OSCE) شناخته شد که ۵۵ کشور عضو این سازمان از جمله روسیه به شمولیت افغانستان منحیث پارتنر موافقت کردند.
- ایجاد بانک فدراسیون روسیه در کابل.
- بازدید نماینده خاص فدراتیف روسیه آقای کادف به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۱۳ به کابل
- اشتراک هیات افغانی در ششمین گردهمایی همکاری های منطقه یی در زمینه مواد مخدر۱۴ -۱۶ دسامبر۲۰۰۴ در مسکو.
- بازدید زلمی عزیز- معین سیاسی وزارت امور خارجه از مسکو

## ملدُوایا (Moldova)

- نفوس: ۴,۳ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: کشینیوف (Chisinau)
- مساحت: ۳۳۸۰۰ کیلومترمربع
- زبان: ملدوایی، روسی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۶۵ سال مردان، ۷۲ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ لیو= ۱۰۰ بانی
- صادرات: مواد غذایی، حیوانات و سبزیجات، مسنوجات
- درآمد سرانه: ۵۹۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: md.
- رمز تیلیفونی: ۳۷۳+

• رییس جمهور: ولادیمیر ورونین (Vladmir Voronin)
• صدراعظم: واسیلی تاریف (Vasile Tariev)
• وزیر خارجه: اندری استراتن (Andrei Stratan)

## موقعیت جغرافیایی:

مولداویا در جنوب خاوری اروپا واقع شده است که بخش کوچکی از سرزمین تاریخی مولداویا را در بر می گیرد. بیشترین بخش سرزمین تاریخی مولداویا در رومانیا و بخش های دیگر آن به نام بسارابیای جنوبی و بوکوینای شمالی در اوکرایین شامل است.

مولداویا سرزمین "محصور در خشکی" است که از شمال و جنوب و شرق با اوکرایین و در غرب با رومانیا همسایه است.

مساحت این کشور ۳۳۷۰۰ کیلومتر مربع است و از همین رو دومین جمهوری کوچک شوروی پیشین به شمار می‌رفت.

سرزمین مولداویا یک جلگه حاصلخیز است. اما مناطق تپه‌یی محدودی نیز در مرکز و شمال این کشور وجود دارد و دارای یک شیب تدریجی در جنوب به سمت دریای سیاه می باشد. آب و هوای مولداویا گوارا است و دارای تابستآن های گرم و دراز و زمستآن های کم و بیش معتدل می باشد.

دو رود عمده درین کشور جاری است:

۱. رود دنیستر که در میان مناطق شرقی مولداویا جریان دارد و به دریای سیاه می ریزد.

۲. رود پروت این رود مرز های غربی رومانیا را مشخص می‌کند و در جنوبی‌ترین نقطهء مولداویا به رود دانیوب می پیوندد.

از نگاه اداری، مولداویا به ۱۰ شهر و ۴۰ بخش یا ناحیه تقسیم شده است که پس از کیشینوف از نگاه اهمیت شهر تیراسپول دومین شهر می باشد. مولداویا دارای دو منطقه جدایی‌طلب نیز است.

جمهوری ماورای دنیستر در منطقهء شرق رود دنیستر واقع شده و مرکز آن شهر تیراسپول است که باشندگان آن بیشتر اسلاو اند. جمهوری گاگایوز در بخش جنوبی مولداویا واقع شده و مرکز آن شهر کمرات است. باشندگان این جمهوری ترک زبان‌اند.

**بندرها:**

همان گونه که گفته شد، مولداویا یک کشور محصور به خشکی است و تنها راه ارتباطی بین‌المللی آن مرز آبی به طول نزدیک ۲۰۰۰ متر در کنار رود دانیوب می باشد. این منطقه پس از استقلال، با تلاش فراوان دولت مولداویا به سمت بندر شدن پیش می‌رود و هر گونه سرمایه‌گذاری و کمک کشور های خارجی برای تأسیس و تجهیز آن و ایجاد ارتباطات جاده‌یی با کیشینوف اقدامی بس زندگیی برای مولداویا است که اجازهء تجارت آزاد را به این جمهوری خواهد داد و در آینده نزدیک توان اقتصادی مولداویا را افزایش خواهد داد. بنا بر این، مشکل همیشگی گران بودن حمل و نقل و دسترسی به مهمترین راه آبی اروپا کم خواهد شد.

**پیشینه تاریخی:**

سرزمین ملداویا پیش از میلاد مسکون بود. این سرزمین در ۱۰۶ میلادی توسط امپراتوری روم اشغال شد و رومی ها طی سال های فرمانروایی خود، فرهنگ و زبان خود را اشاعه دادند. پس از خروج رومی ها در سدهء سوم میلادی، این سرزمین مورد تاخت و تاز اقوام گوناگون (اسلاوها، بلغارها، مجارها، تاتارها و...) قرار گرفت که برخی از آنان در ملداویا ساکن شدند.

در سده های اخیر نیز سرزمین مولداویا به گونهء متناوب زیر سلطهء امپراتوری عثمانی، روسیه و شوروی قرار گرفت که تاثیر به سزایی در بافت جمعیتی این سرزمین گذارده است.

**اقوام و روابط آن ها:**

جمعیت مولداویا از تنوع زیادی برخوردار است. این جمعیت به پنج قوم تقسیم می شود که عبارتند از:

آ: مولداویی ها یا رومن زبان ها: مولداویی ها باشندگان اصلی این سرزمین اند و بیشترین باشندگان کشور را تشکیل می دهند. مولداویی ها به زبان رومانی سخن می‌زنند. این زبان در ۱۹۸۹ جانشین زبان روسی گردید، اما تنها ۱۲٪ مردم بر این زبان تسلط دارند و بیشتر آن ها هنوز به زبان روسی تکلم می‌کنند.

ب: اوکراینی ها: بزرگترین اقلیت تباری مولداویا اند، که پس از پیوستن این سرزمین به روسیه و بیشتر پس از جنگ جهانی اول در مولداویا ساکن شده اند. اکثریت اوکراینی ها در منطقهء شرق رود دنیستر ساکن هستند، اما به غیر از گروهی از آن ها که در کنار جدایی‌طلبان دنیستر قرار گرفته اند، بیشتر تمایلی به حمایت از جدایی‌طلبان نداشته اند و به عنوان یک نیروی مخالف در برابر دولت عمل می‌کنند و فشار بر دولت برای تغییراتی در قوانین را ترجیح می دهند.

پ: روس ها: برپایهء پیمان ۱۸۱۲ بوخارست، نیروهای نظامی تزار سرانجام موفق به اشغال سرزمین های میان دو رود پروت و دنیستر شدند. شاید بتوان این زمان را سرآغاز ساکن شدن روس ها در این منطقه دانست.

با پیوستن مولداویا به شوروی، روس ها از امتیازات بیشتری برخوردار شدند، اما پس از استقلال مولداویا و از میان رفتن این امتیازات، یک جمهوری مستقل در داخل خاک مولداویا تشکیل دادند و خوا هان پیوستن دوباره به روسیه شدند و در برابر دولت مرکزی وارد جنگ گردیدند.

ت: گاگایوز ها: در مورد ریشه نژادی گاگایوز ها(ترک های مسیحی یا مسیحیان‌ترک زبان) دو دیدگاه وجود دارد:

اول این که، متعلق به قبایل‌ترکی‌اند که از مناطق دریای سیاه حرکت کردند و در منطقه "دوبرویای" بلغارستان به مسیحیت گرویدند.

دوم این که، از نسل بلغار ها هستند که از سدهء چهاردهم به پس ناگزیر فرهنگ‌ترکی را پذیرفتند ولی توانستند آیین خود را نگهدارند. روی هم رفته، گاگایوز ها در آداب و سنن بسیار همانند به بلغار ها هستند.

در سدهء نزدهم در خلال جنگ های روسیه و عثمانی، بسیاری از گاگایوز ها به امپراتوری روسیه م هاجرت کردند و بیشتر آن ها در بسارابیا که در ۱۸۱۲ به امپراتوری روسیه منضم شده بود، استقرار یافتند. بسارابیا طی ۱۹۱۸-۱۹۴۰ زیر حکومت رومانی بود و به این دلیل بود که در سرشماری ۱۹۲۶ شوروی شمار گاگایوز ها بسیار اندک ثبت شده است. با الحاق بسارابیا به شوروی و تشکیل جمهوری مولداویا، گاگایوز ها یک اقلیت عمده در این جمهوری به شمار می‌رفتند. اکنون زبان دوم نزدیک به ۷۱٪ جمعیت گاگایوز، زبان روسی است و تنها ۴، ۴٪ با زبان رومانیایی آشنا هستند. این مسأله نشان می دهد که چرا گاگایوز ها در کنار بسیاری از روس ها، مخالف قانون زبانی مصوب ۱۹۸۹ هستند. با اعلام استقلال مولداویا در ۱۹۹۱، گاگایوز ها نیز یک جمهوری در پنج بخش جنوبی مولداویا تشکیل دادند و در جنگ داخلی ۱۹۹۲ در کنار روس ها در برابر دولت مرکزی وارد عمل شدند.

ث : بلغار ها، مهمترین قوم م هاجم که از سدهء سوم میلادی در سرزمین مولداویا ساکن شدند، بلغار ها بودند، که بیش از ۲۰۰ سال بر این منطقه حکومت کرده و در سدهء هشتم میلادی مسیحیت را نیز در آنجا رواج دادند. این قوم امروزه یک اقلیت کوچک را در مولداویا تشکیل می دهند.

## زبان وخط:

زبان رسمی کشور تا سال ۱۹۸۹ زبان روسی بود که در این سال زبان رومانیایی، زبان رسمی مولداویا اعلام گردید.

از ۱۹۴۱ خط سیرلیک در این جمهوری معمول بود که با تغییرات ۱۹۸۹، الفبای لاتین جایگزین آن گردید. اما اقلیت های جمهوری به استفاده از زبان و خط خودشان ادامه دادند. اکنون تنها برخی از آن ها به زبان رومانی روان صحبت می‌کنند و اکثریت آن ها به روسی صحبت می‌کنند. گاگایوز ها نیز به زبان‌ترکی صحبت کرده و با خط سیرلیک می‌نویسند.

## ادیان و مذاهب:

بیشترین باشندگان مولداویا پیرو آیین مسیح‌اند. بزرگترین آیین کشور، مسیحیت ارتدکس شرقی است، حتا گاگایوز های ترک تبار نیز مسیحی ارتدکس هستند. این گونه ۹۸. ۵٪ جمعیت پیرو ارتدکس شرقی هستند.

در دسامبر ۱۹۹۲ اسقف اعظم مسکو دستور تغییر وضعیت استان کیشینوف مولداویا را به حوزهء اسقفی داد و حکومت نیز با این دستور موافقت کرد. در حال حاضر، مولداویا جزو قلمرو کلیسای ارتدکس روسی است، اما آداب نماز ترک ها و رومانیایی ها نیز بر گزار می گردد.

۸۵۰ کلیسا در سراسر مولداویا وجود دارد و در سال های اخیر نیز احداث کلیسا گسترش پیدا کرده است.

دومین آیین مهم در این کشور یهودیت است، که ۱. ۵٪ جمعیت مولداویا به آن اعتقاد دارند. یهودیان مولداویا بازماندگان امپراتوری خزر ها هستند. خزر ها که‌ترک‌تبار بودند، در ۷۴میلادی به آیین یهود گرویدند و پس از آن که در سدهء نهم میلادی امپراتوری‌شان مورد یورش عشایر گوناگون قرار گرفت، به مناطق دیگر مهاجرت کرده و در سطح اروپا خصوصاً اروپای شرقی پراگنده شدند. با حملهء آلمان به لهستان(پولند) و کشور های دیگر اروپای شرقی، این یهودیان به رومانی و بسارابیا و بوکوینای شمالی مهاجرت کردند و یک جمعیت مهم و عمده در این منطقه به شمار می‌رفتند با تهاجم شوروی در جنگ جهانی دوم به این مناطق، یهودیان بار دیگر کوچ داده شدند. با اوجگیری ناسیونالیسم در ۱۹۸۹، شماری از آن ها از مولداویا مهاجرت کردند و امروز یک اقلیت کوچک را در این جمهوری تشکیل می دهند. هر چند به لحاظ دریافت کمک های خارجی تاحدی مد نظر دولت مولداویا اند.

## تاریخچه شاهزاده نشین مولداویا:

سرزمین مولداویا بخشی از منطقه گسترده‌یی به نام داچا است که از ده ها سال پیش از میلاد مسکونی و دارای یک سازمان سیاسی بوده است. داچا در سال ۱۰۶ میلادی توسط امپراتوری روم اشغال شد. پس از خروج رومی ها در سدهء سوم میلادی، این سرزمین مورد تاخت و تاز اقوام مختلف(اسلاوها، مجارها، بلغارها، تاتارها، مغول ها و...) قرار گرفت مهمترین این مهاجمان بلغارها بودند که بیش از دوصد سال در منطقه حکومت کردند و در سدهٔ هشتم مسیحیت را در رومانیا رواج دادند.

تا سدهء دوازدهم میلادی اطلاعات دقیقی از تاریخ این سرزمین موجود نیست و تاریخ مدون آن از سدهٔ سیزده با ایجاد شاهزاده نشین های مستقل در مولداویا و "والاهیا" آغاز می شود. این دو شاهزاده نشین در نواحی مشرف بر دهانهء رود دانیوب حکومت می‌کردند. اما در سال ۱۳۹۴ میلادی "والاهیا" تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی قرار گرفت. ولی مولداویا همچنان به صورت مستقل اداره می‌شد و طی سال های ۱۴۵۷-۱۵۰۴ استفان سوم(استفان کبیر) توانست قلمرو مولداویا را از کوه های کارپات تا کرانه های رود دنیستر و دریای سیاه برساند و در زمان فرمانروایی وی شاهزاده نشین مولداویا به اوج قدرت سیاسی و نظامی رسید.

## دوران تسلط امپراتوری عثمانی و روسیه تزاری بر مولداویا:

در سال ۱۵۱۲ حکومت محلی مولداویا زیر تسلط امپراتوری عثمانی قرار گرفت. عثمانی ها این منطقه را بدون لشکرکشی زیر حمایت خود درآوردند و از آن جا باج و خراج می‌گرفتند.

درسال ۱۷۱۱ قراردادی میان پتر کبیر و شاهزاده "دمیتری کانتیمیر" حاکم مولداویا بسته شد که برپایهٔ آن موقعیت روسیه به عنوان حامی مولداویایی های ارتدکس در برابر ترک های مسلمان رسمی‌شد. یک قرن پس، هنگامی که تزار به بهانهء استیلای‌ترک ها در منطقه دریای سیاه به سمت جنوب به راه افتاد، از این قرارداد برای آغاز جلوه دادن اشغال اراضی میان دو رود "پروت" و "دنیستر" سود جست. به این دلیل استفان در رأس قهرمانان ملی مولداویا و رومانیا قرار دارد و شخصیت ملی هر دو کشور به شمار می‌رود.

پس از شکست عثمانی از روسیه در ۱۸۱۲(در جنگ کریما) و بر پایهء پیمان بوخارست، این کشور مولداویای شرقی یا "بسارابیا"(بخش شرقی رود پروت)را به روسیه واگذار شد. ولی مولداویا اسماً جزو قلمرو عثمانی بود مگر در عمل زیر حاکمیت عثمانی نبود. به همین دلیل، کارل مارکس قانونی بودن این واگذاری را

رد کرد و نوشت: "عثمانی بسارابیا را به روسیه داد. در حالی که هیچ چیز را نمی توانست ببخشد. " این دیدگاه در آیندهء دستاویزی در کشمکش های رومانی ها با کرملین شد.

**اتحاد شاهزاده نشین های مولداویا و والاهیا و تشکیل دولت رومانی:**

پس از پایان جنگ های کریما در اپریل ۱۸۵۶، بر پایهء پیمان پاریس، قدرت های بزرگ تمامیت ارضی این مناطق را تضمین کردند و روسیه ملزم گردید بسارابیا را به مولداویا واگذار نماید. این امر سبب تحدید قدرت مانور روسیه در کرانه های دریای سیاه شد.

در ۱۸۶۲ دو شاهزاده نشین مولداویا و الاهیا متحد شدند و نام رومانیا را برای خود برگزیدند و الکساندر یوان کوزا رییس کشور رومانیا گردید اما در سال ۱۸۶۶ وی از حکومت عزل شد و معاون او شاهزاده کارول هرمن زولون(از خاندان سلطنتی پروس) جاگزین او شد. به رغم همه کمک هایی که رومانیا به ارتش تزاری طی جنگ با عثمانی نموده بود، روس ها حاضر به شناسایی دولت مستقل رومانیا نشدند.

**تسلط دو بارهء روسیه:**

در سال ۱۸۷۸ نتایج کنگرهء برلین، امید رومانی ها را برای ایجاد یک دولت متحد رومانیا از میان برد و به رغم آن که دراین کنگره رومانیا به عنوان یک دولت مستقل به رسمیت شناخته شد، بر حسب تصمیم کنگره بسارابیای جنوبی بار دیگر به حاکمیت روسیه در آمد.

**وضعیت مولداویا پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷:**

سال ۱۹۱۸ نقطه عطف دیگری در تاریخ نو سیاسی این کشور می باشد. در واقع نتیجهء جنگ جهانی اول کاملاً ماهیت رومانیا را تغییر داد و فرصت های نو فراوانی

در اختیار این کشور گذاشت و از سویی نیز مشکلات پیچیده‌یی بر آن به وجود آورد. پیشینهٔ رومانیا در جنگ چشمگیر نبود.

رومانیا پس از دو سال بی طرفی در جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۶ به متفقان پیوست و در سال ۱۹۱۷ در پی خروج روسیه از جنگ به سبب ناخشنودی مردم و نیز مشکلات خارجی ناگزیر به‌ترک جنگ شد و به امضای روسیه از جنگ به سبب ناخوشنودی مردم و نیز مشکلات خارجی ناگزیر به‌ترک مخاصمه شد و به امضای قرارداد صلح بوخارست در ۱۹۱۸ با دول محور تن در داد. لکن در نوامبر همین سال این قرارداد را زیر پا نهاده، بار دیگر با دول محور وارد جنگ شد. با وجود این، رومانیا منافع کلانی به دست آورد. درین زمان که روسیه در انقلاب و جنگ داخلی به سر می‌برد، یک مجمع شهروندان در بسارابیا به سرعت تشکیل شد و ابتدا استقلال جمهوری را اعلام کرد و سپس به اتحاد با پادشاهی رومانی رای داد و پساًترانسیلوانیا و بوکورینای شمالی(که بخشی از امپراتوری اتریش- هنگری بودند) نیز آراء مشابهی دادند و این گونه اتحاد بزرگ سرزمین های رومانیایی اعلام شد.

در نتیجه، جمعیت کشور از ۷. ۳ میلیون به ۱۶ میلیون نفر رسید و مساحت آن بیش از دو برابر شد. این نواحی جدید ثروت و توان احتمالی کشور را به شدت افزایش داد. رومانیا پیش از این جمعیتی کم و بیش همگونی داشت در حالی که در شرایط جدید رومانیا اقلیت های گوناگونی را در بر می‌گرفت.

قانون اساسی رومانیا بر پایهٔ فرض پذیرفته شده در اروپای شرقی که عدم تمرکز، راه را برای تجزیه کشور آماده می‌سازد، به شدت متمرکز بود و نظام حکومتی رومانیای بزرگ، دشواری هایی را برای زندگی درکشور به ویژه در دو ایالت ترانسیلوانیا و بسارابیا فراهم می‌کرد و جمعیت رومانیایی باشندگان این دو ایالت را که از کیفیت اداره‌ء امور، سخت ناخشنود بودند، منزوی می‌کرد.

در سیاست خارجی موضع بین‌المللی رومانیای بزرگ استحکام نداشت. ایجاد این کشور تنها به دلیل سقوط همزمان روسیه و قدرت های مرکزی ممکن شده بود و اتحاد شوروی، مجارستان و بلغارستان همگی از تجزیهء آن ناراضی بودند.

افزون بر این ها، وحشت از اقدام روسیه در برای باز پس‌گیری بسارابیا شاید عمده‌ترین دلیل تقویت‌ترس از بلشویسم در رومانیا بود و این‌ترس نقش عمده‌یی در تضعیف نیروهای سیاسی کشور داشت. به هر رو، در فاصله میان دو جنگ "بسارابیا" یک منبع تنش میان بخارست و مسکو بود و دو عامل در مسأله بسارابیا مانع عادی شدن روابط میان رومانیا و شوروی شد. در جون ۱۹۳۴. این دو عامل عبارت بودند از:

شوروی ها از شناسایی الحاق بسارابیا به رومانیای بزرگ، خودداری می‌کردند و مذاکره کنندگان شوروی استدلال می‌کردند که شورای ملی بسارابیا که به اتحاد با رومانیا در ۱۹۱۸ رای داد، چیزی کمتر از یک تشکل برای فیودال های ساکن بخارست بود. در کنار این، قرارداد پاریس که برای شناسایی اتحاد رومانیا و بسارابیا تهیه شده بود، به امضای همه کشور ها نرسید و به دلیل آن که اتحاد شوروی در پاریس حضور نداشت، در نتیجه هرگز مالکیت ارضی رومانیا را بر بسارابیا تصدیق نکرد و به رغم تلاش های وزیر امور خارجه رومانیا "نیکولای تیتولسکو" کنترل قانونی این کشور بر منطقه میان دو رود هرگز به دست نیامد.

دومین عامل تنش بر سر بسارابیا با پویایی های تبلیغی شوروی در منطقه میان دو رود ارتباط دارد.

حمایت شوروی ازتروریست ها و جاسوسان کمونیست در بسارابیا تلاش های مذاکره کنندگان برای دستیابی به روابط حسنه را تضعیف کرد.

## تشکیل جمهوری خودمختار مولداویای شوروی(۱۹۲٤):

مهمتر از این حمایت ها، ایجاد جمهوری خودمختار مولداویای شوروی در ۱۹۲۴ بود. این جمهوری که از جمهوری اوکرایین جدا شد، در شرق رود دنیستر تشکیل گردید. این جمهوری به عنوان یک پایگاه نفوذ شوروی ها در منطقه میان دو رود و در نهایت بازکردن راه برای حذف کامل پادشاهی رومانی به شمار می‌رفت.

درین راستا، محافل و مطبوعات اکادمیک نیز استدلال می‌کردند که مولداویایی ها گروه نژادی متفاوت از رومانی ها اند. و ایجاد جمهوری خودمختار مولداویا را نخستین گام به سمت آزادسازی ملت مولداویا تلقی می‌کردند. بایستهء یاد آوری است که هر چند جمعیت عمده‌یی از مولداوی های رومن زبان در مولداویا زندگی می‌کردند، ولی اکثریت باشندگان اسلاو(اوکرایینی و روسی) بودند.

در این جا باید به یک نکتهء مهم اشاره کرد و آن این که تاریخ منطقهء ماورای دنیستر(در بخش شرقی مولداویا و شرق رود دنیستر) کاملاً متمایز از بسارابیا و بوکوینا است. این بخش اساساً از نگاه تاریخی هرگز به رومانیا تعلق نداشته است و در سال ۱۹۱۷ ضمیمهء خاک جمهوری اوکرایین شده است و همان گونه که پیشتر گفته شد، در ۱۹۲۴ از خاک اوکرایین جدا و یک جمهوری به نام "مولداویا" گردید.

## پیمان ریبین‌تروپ- مولوتوف و الحاق مولداویا به شوروی:

در نوامبر ۱۹۳۹ سرنوشت دیگری برای بسارابیا رقم زده شد. درین تاریخ میان ریبین-تروپ وزیر امورخارجهء آلمان و مولوتوف وزیر خارجهء شوروی یک پیمان عدم تعرض امضاء شد. یکی از ضمایم سری این پیمان، تحدید منافع آلمان و شوروی در اروپای شرقی بود، که بر پایهء آن فنلند، استوانیا و لتوانیا در محدوده منافع شوروی و لیتوانیا در محدودهء منافع آلمان قرار می‌گرفتند. یک ماده در این

پروتکل برای رومانیا و همسایگانش بسیار با اهمیت بود: " جانب شوروی، توجه، سوی مقابل را به منافعش در بسارابیا جلب می‌کند. سوی آلمان نیز بی علاقگی اش را درین منطقه اعلام می‌نماید.

از همان آغاز، بسیاری از مفاد سری پروتکل آگاه شده بودند و رومانیا کاملاً از تصمیم شوروی برای به دست آوردن دوبارهٔ بسارابیا آگاه شده بود.

از سویی، این پیمان زمینهء حملهء آلمان به لهستان را فراهم کرد و از سوی دیگر موجب شد تا رومانیا به دنبال متحدانی در اروپای غربی برآید. اما با شکست لهستان، رومانیا دیگر اعتماد اندکی را که به دوستانش در اروپای غربی داشت، از دست داد و در ۲۶ جون ۱۹۴۰ تنها ۹ ماه پس از شکست لهستان- شوروی یک التیماتوم به رومانی داد و در طی ۲۴ ساعت، بر این امر پافشاری کرد و بدون آن که منتظر پاسخ بماند، به بسارابیا و بوکوینای شمالی یورش برد و در نتیجه رومانیا با واگذاری بسارابیا به شوروی و همچنین واگذای استان بوکوینا(که در گذشته هرگز زیر کنترول روسیه نبود) موافقت کرد.

در دوم نوامبر ۱۹۴۰ شورای عالی شوروی فرمان تقسیم بسارابیا و بوکوینای شمالی را صادر کرد که برپایهٔ آن بوکوینای شمالی به علاوهء بسارابیای جنوبی و شمالی به جمهوری اوکراین ملحق شد.

در این جا، برای روشنتر شدن وضعیت مولداویا، باید اشاره‌یی نیز به اوضاع داخلی رومانیا کرد. بین سال های ۱۹۳۰-۱۹۴۱ جنبش های تندرو سیاسی دو کشور به تدریج اهمیت بیشتری به دست آوردند. این جنبش ها از رشد حرکت های تندرو و دست راستی در دیگر نقاط الهام می‌گرفت ولی بار ها بیشتر از آن مدیون اوضاع رومانیا که پیشتر به آن اشاره شد، بود.

در سال ۱۹۴۰ کارول دوم زیر فشار گروه های فاشیستی و هواداران آلمان به سود پسر خود می هایی اول از پادشاهی کناره گیری نمود. همچنان این گروه ها موفق شدند که جنرال انتونسکو را به قدرت رسانیده و دیکتاتوری نظامی در کشور برقرار نمایند. به دنبال این، رومانیا در دسامبر ۱۹۴۱ به امید بازیافتن مناطق از دست رفته به صف دول محور پیوست و در جنگ آلمان در برابر شوروی شرکت نمود و در نتیجه ضمن بازپسگیری اراضی از دست رفته، بخشی از خاک شوروی را نیز اشغال نمود. بین جنوری ۱۹۴۱ تا نوامبر ۱۹۴۴ جمهوری مولداویای شوروی بار دیگر با رومانیا متحد شد و رهبر جنبش های ملی و ضد فاشیستی در رومانیا به اوج خود رسید و سرانجام با توقیف انتونسکو و اعضای دولت جنگ در برابر شوروی پایان پذیرفت. دولت جدید با آلمان و جاپان اعلام جنگ داد.

در ۳۱ نوامبر ۱۹۴۴ نیروهای شوروی وارد بخارست شدند. به دنبال آن پیمان‌ترک مخاصمه با شوروی امضاء گردید. افزون بر این ها، می هایی دوم زیر فشار شوروی ها دولتی به ریاست کمونیست ها تشکیل داده، مناطق باز پس گرفته، بار دیگر ضمیمه خاک شوروی شد و بار دیگر جمهوری مولداویا شوروی پایه گذاری شد.

## وضعیت جمهوری مولداویا پس از جنگ جهانی دوم:

در سال های پس از جنگ جهانی دوم، سیاست شوروی در مولداویا بر منزوی کردن منطقه از پیوندهای تاریخیش با رومانی متمرکز شد. رفت و آمد مرزی متوقف و مهاجرت روس ها و اوکرایین ها به مولداویا تشویق شد. خط سیریلیک و زبان روسی تحمیل و در دههء ۱۹۵۰ هزاران مولداویای به آسیای میانه تبعید گردیدند. طی این سال ها که برژنف- رییس حزب کمونست مولداویا بود، تلاش کرد این خطه را که با تازگی از رومانیا جدا شده بود، زیر کنترل کامل ماشین حزبی درآورد و روسی کنند.

برژنف بی رحمانه دستور سرکوب مخالفان محلی را صادر کرد و یک نظام کشاورزی اشتراکی برمبنای الگوی روسی ایجاد نمود. اما به رغم این ها، مولداویا به کانون هراس شوروی مبدل شده بود و ستیزه بر سر آن به عنوان یک منبع تنش میان مسکو و بخارست به گونهء متناوب جریان داشت. مخصوصاً پس از این که رومانیا در ۱۹۶۴ استقلالش را در امور بلوک شرق اعلام کرد. درین سال درگیری شوروی و رومانیا رو به افزایش گذارد و مقامات مولداویا با تداوم چالش رومانیا و شوروی به شدت دچار مشکل شدند.

در اواخر مارچ ۱۹۶۶ در دوازدهمین کنگرهء حزب کمونست شوروی، رهبر حزب کمونست مولداویا، رومانیا را متهم به تبلیغات ناسیونالیستی رادیویی برضد مولداویا نمود و گفت: رومانیا در پی بازنگری در وضعیت موجود اراضی پس از جنگ می باشد. این اتهام موجب شد که چاوشیسکو - رهبر رومانیا مسألهء پیمان روبین‌تروپ- مولوتوف را مطرح کند و تبانی کمونیست ها و نازی ها را در مورد سرنوشت بسارابیا و بوکوینای شمالی، نکوهش نماید.

این اختلاف نظرها و درگیری های لفظی تاسقوط چایوشسکو در ۱۹۸۹ ادامه داشت و پس از آن نیز به نحوی دیگر تداوم یافت.

## مولداویا در دوران گورباچف:

با روی کار آمدن گورباچف، چرخشی در سیاست های شوروی پدید آمد. مشی پروسترویکا (دگرسازی) و گلانوست(روشنگری) تاثیرات گسترده و تازه‌یی بر زندگی جمهوری ها گذارد.

سیاست گلاسنوست در ۱۹۸۶ این فرصت را نیز به مولداوی ها داد تا به رویارویی با روند روسی‌سازی بپردازد. نخستین حرکت در بیشتر جمهوری ها تلاش برای دگرگونی در نظام فرهنگی بود.(این سال ها دورهء انقلاب های زبانی در شوروی

بود) در ۱۹۸۸ جنبش دموکراتیک برای پروسترویکا در مولداویا پایه گذاری شد. این جنبش زبان را به عنوان مسألهء دارای تقدم تلقی و خوا هان تبدیل زبان مولداویا به زبان رسمی جمهوری شد. چون ملداویا دارای اقلیت های گوناگون است، این گونه از حقوق فرهنگی آن ها کاسته می‌شد. این ها موجبات تشویق مسکو و اقلیت های روس و اوکراینی و گاگایوز مولداویا را فراهم می‌آورد تا در مقابل، آن ها نیز دست به تأسیس جبههء انترناسیونالیستی زده و خواهان شناسایی زبان روسی به عنوان زبان رسمی شوند.

در ۱۹۸۹ جبههء خلق مولداویا پایه‌گذاری شد که از همان آغاز به بنیادگرایی گرایش نشان داد. واژگونی حکومت چاوشسکو درین سال، موجب گسترش بیشتر این جبهه شد. تلاش های جبههء خلق که پایگاه گسترده‌یی در میان مردم داشت، سبب شد که شورای عالی جمهوری مولداویا، زبان مولداوی را زبان رسمی جمهوری اعلام کند ولی در کنار آن زبان روسی نقش زبان ارتباطات داخلی را برای همه ملیت های جمهوری بازی می‌کند. این مصوبه اعتراضات گسترده‌یی را برانگیخت. مولداویایی ها این مصوبه را کافی نمی‌دانستند اما اقلیت های جمهوری آن را پشتیبان حقوق خود می شمردند. درین رویارویی قومی، گورباچف ناچار به مداخله گردید و از دبیر اول جمهوری خواست که زبان روسی زبان ارتباط میان قومی گردد. در نتیجه، شورای عالی زیر فشار مولداوی ها و مسکو، رای نهایی را اعلام کرد: زبان مولداوی زبان رسمی کشور و زبان ارتباط های میان قومی شناخته شد والفبای لاتین جایگزین سیرلیک گردید. با این حال نیات مسکو نیز در نظر گرفته شد و زبان روسی به عنوان زبان میان قومی رسمیت یافت. اما در منطقهء شرقی رود دنیستر جایی که روس ها و اوکراینی ها اکثریت دارند، مقامات داخلی کاربرد قانون زبان را رد کردند.

## استقلال و آغاز جنگ داخلی:

تلاش های مولداوی ها برای تغییر زبان رسمی کشور در ۱۹۸۹، زمینهء رویارویی قومی در این جمهوری را فراهم ساخت. درین سال، دو کمیتهء هم آهنگ کنندهء روسی، سویوز(اتحاد) و جمعیت ادنیستوف(وحدت) روس ها را بسیج کردند و اعتصابات و تظاهر گسترده‌یی را در تیراسپول به راه انداختند. در ۲۸ جنوری ۱۹۹۰ آن ها با راه اندازی همه‌پرسی، موقعیت حزب کمونیست را تثبیت بخشیده و خواهان حضور دایمی اردوی چهاردهم روسیه در منطقه شدند. وجود این نیرو ها در تراسپول موجبات تقویت شبه نظامیان جدایی‌طلب دینستر را فراهم کرد.

## آ- تشکیل جمهوری دنیستر:

در دوم سپتامبر ۱۹۹۰، جدایی خواهان طی کنگره‌یی جمهوری سوسیالیستی دنیستر شوروی را اعلام و خواستار تحقق اهداف لنین در منطقهء زیر نفوذ خود شدند. در نوامبر همین سال، خشونت میانتباری در مناطق روس نشین شدت گرفت و در ۱۶ دسامبر روس ها و اقلیت های دیگر، به رغم تحریم همه‌پرسی اتحاد توسط دولت مولداویا، در آن شرکت کرده و به سود اتحاد رأی دادند.

مارچ ۱۹۹۱ جداییخواهان طی یک همه‌پرسی خواهان جدایی از مولداویا و پیوستن به شوروی پیشین شدند. در این هنگام بود که تلاش دولت مولداویا برای رسیدن به یک توافق با روسیه برای بازگشت لشکر چهاردهم آغاز شد. عامل مهم دیگر در گسترش بحران دنیستر کودتای ۱۹ نوامبر مسکو بود. جدایی خواهان از این کودتا پشتیبانی کردند و از سویی مخالفت خود را با طرح های اصلاحی گورباچف اعلام نمودند و بر استقلال جمهوری سوسیالیستی دنیستر شوروی تأکید و خوا هان پشتیبانی روسیه از این جمهوری شدند.

دولت مولداویا ضمن محکوم کردن کودتا، تقاضای بازگشت گورباچف را مطرح و در ۲۷ نوامبر استقلال مولداویا را از شوروی اعلام نمود. ولی جدایی خوا هان دنیستر استقلال کشور را نپذیرفته و بر تداوم حضور اردوی چهاردهم روسیه در منطقه تأکید کردند.

جمهوری جدید دنیستر در دسامبر ۱۹۹۱ همه‌پرسی های استقلال و ریاست‌جمهوری را برگزار کرد. هر چند مقامات مولداویا این انتخابات را خلاف قانون اساسی کشور اعلام کردند، در آن ایگور سمیرنوف یک مهاجر روس به عنوان رییس‌جمهور دنیستر برگزیده شد. اختلافات دولت مولداویا با جدایی خواهان دنیستر در میانه های ۱۹۹۲ که درگیری میان دو طرف شدید شده بود، به اوج خود رسید. درین درگیری ها، دو سوی متحمل زیان های جانی و مالی فراوانی شدند. خصوصاً دولت نو پای مولداویا که توان ادامهء جنگ را نداشت. هرچند در آغاز، نیرو های مولداوی توانستند جدایی خواهان را وادار به عقب نشینی کنند، اما دخالت اردوی چهاردهم مستقر در تیراسپول به سود جدایی خواهان دنیستر و تلاش گستردهء نیروهای هوادار اتحاد با رومانیا (خصوصاً جبههء خلق دموکراتیک مسیحی) در برابر آن ها، مقامات کشور را وادار کرد تا به این جنگ داخلی رو به گسترش که استقلال کشور را تهدید می‌کرد، به گونه‌یی پایان دهند. نیروهای دولتی ضمن رها ساختن چندین شهر، بخش و روستای منطقهء جنوب خاوری و خاوری کشور، آن ها را به حال خود گذاشته و ناگزیر از امضای قرارداد صلح ۲۱ جون ۱۹۹۲ شدند که طی آن با وضعیت ویژهء منطقهء ماورای دنیستر موافقت نمودند و ارتش چهاردهم روسیه و نیرو هایی از مولداویا و منطقهء دنیستر همچون نیرو های حافظ صلح، در منطقه استقرار یافتند.

همچنین دولت مولداویا برای فشارآوردن بر جداییخوا هان از سازمان های بین‌المللی(جامعهء اروپا، سازمان امنیت و همکاری اروپا، سازمان ناتو، سازمان حقوق بشر هلسنکی و سرانجام سازمان ملل متحد) نیز تقاضای کمک نمود.

حکومت ماورای دنیستر نیز طی پنج سال گذشته تقاضاهای متفاوتی را برای حل منازعه مطرح کرده است که شامل وضعیت خودمختاری درون مولداویا، ایجاد یک جمهوری مستقل درون کشورهای همسود، الحاق به فدراسیون روسیه، تأسیس یک منطقه آزاد اقتصادی در ساحل رود دنیستر بوده است. دولت مولداویا نیز ایجاد یک منطقهء آزاد اقتصادی در کرانهء رود دنیستر را در نظر دارد، اما دراین رابطه هرگونه تجزیه طلبی را رد کرده است.

باید توجه داشت که این منطقه مرکز ثقل اقتصادی مولداویا به شمار می‌رود و رهبران ماورای دنیستر بیشتر از مدیران نهاد های صنعتی هستند و خواستار روابط گسترده‌تر با کشورهای همسود(به ویژه روسیه و اوکرایین) اند و در نهایت خواهان احیای اتحاد شوروی اند. آن ها در گذشته از سیاست اقتصادی که سود محصولات کشاورزی را در صنایع سنگین مصرف می‌کرد، دفاع می‌کنند.

در منطقهء دنیسترسیاست ها و نظام های اقتصادی کمونیستی بدون تغییر باقی مانده است. مجسمهء لنین در تیراسپول مرکز این جمهوری از افتخارات و سمبول های آنان به شمار می‌رود. در این اواخر نیز پول جدیدی را چاپ و عرضه کرده اند که روبل نام دارد و بر روی آن عکس لنین به چشم می خورد. جدایی‌طلبان اعلام کرده اند که در منطقه دنیستر این روبل، پول رایج می باشد و با روبل روسی تفاوت دارد. ارائهء این روبل داد و ستد و خرید و فروش را در منطقه، با بحران روبرو ساخت. ضمن این که روبل روسی ارزش برابری با روبل دنیستر دارد. هرگونه داد و ستد با مولداویا در این منطقه ممنوع است.

ماورای دنیستر یک پارلمان محلی دارد و یک شورای عالی که به عنوان دولت عمل می‌کند. جنرال لیبد - فرماندهء ارتش چهاردهم( جنرال لیبد که زمانی در افغانستان در ترکیب ارتش چهلم جنگیده بود، پسان ها در انتخابات ریاست

جمهوری روسیه شرکت کرد و سپس به عنوان استاندار ایالت کرسنویارسک گزیده شد و سرانجام در سانحه سقوط یک فروند هلیکوپتر نیروی هوایی روسیه کشته شد) نیز به عنوان عضو شورای دولتی و نمایندهء تام الاختیار تعیین گردیده بود.

•

زبان رسمی منطقهء دنیستر- روسی است و با دانش آموزان و دانشجویان مولداوی که بخواهند به زبان رومانی در مناطق اشغال به تحصیل بپردازند، به شدت مخالفت می شود. درین منطقه، جشن ها و تعطیلات زمان شوروی همچنان مرسوم است.

در ضمن این جمهوری کوچک هیچگونه ارتباط زمینی، هوایی و روابط اقتصادی و سیاسی با دولت مولداویا ندارد و همچنین از سوی هیچ کشوری نیز تاکنون به رسمیت شناخته نشده است و کنون روس های دنیستر و دولت روسیه تشکیل یک دولت فدرال در مولداویا را مطرح می کنند که دولت مولداویا با آن مخالفت کرده است.

## ب- جمهوری گاگایوز:

سازمان غیر رسمی مهم گاگایوز ها (خلق گاگایوز) به رهبری "استفان توپال" پیوندهای گسترده‌یی با جبههء خلق مولداویا داشت. اما پس از تصویب قوانین زبانی و آغاز مبارزه(اتحاد دوباره) توسط جبههء خلق، برای رهبران این قوم روشن شد که منافع‌شان آشکارا با اهداف جبهه خلق اختلاف دارد. ازین زمان، چرخش بیشتر به سمت اقلیت های دیگر آغاز شد و روابط بسیار نزدیکی با روس ها اوکراینی ها و بلغار ها برقرار کردند.

•

پس از اعلام استقلال مولداویا در نوامبر ۱۹۹۰، گاگایوز ها موج خشونت را در کشور به راه انداختند و در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۰ سنگور- رییس مولداویا ناچار شد که در پنج بخش جنوبی که جمهوری گاگایوز را تشکیل می دهد، وضعیت فوق‌العاده اعلام کند و

نیروهای وزارت کشور مولداویا برای قرار گرفتن میان ملی گرایان مولداویا و گاگایوز ها به منطقه فرستاده شدند.

جمهوری گاگایوز در دسامبر ۱۹۹۰ اعلام موجودیت کرد و مرکز این جمهوری را شهر کمرات قرارداد. پس از وقوع جنگ داخلی مولداویا در جون ۱۹۹۲ با همکاری جدایی خوا هان روس و گاگایوز ها در برابر مولداویا آغاز شد.

حضور فعال جداییخواهان و ضعف دولت مرکزی موجب شد که گاگایوز ها برای دستیابی به خواست های بیشتری تلاش کنند. گاگایوزها خواهان خودمختاری برای منطقه در زمینه قانون قضایی خاص خودشان و حضور بیشتر در عرصه های کاری مختلف و آزادی پویایی های فرهنگی شدند. پارلمان مولداویا در سال ۱۹۹۳ خودمختاری قضایی و مجوز تقسیمات ارضی منطقه را به این اقلیت داد به شرط آن که استقلال مولداویا را به رسمیت بشناسند. دولت مولداویا پس از جنگ داخلی توجه بیشتری به اقلیت ها و خواست های آنان نشان داد، زیرا درک کرده بود که بی توجهی به آنان موجب می شود میان خودشان اتحادی ایجاد کنند که باعث از دست رفتن استقلال و تمامیت ارضی مولداویا گردد. دراین راستا، سنگور - رییس‌جمهور مولداویا نیز اعلام کرد گاگایوز ها از مطبوعات کشورهای‌ترکیه و آذربایجان بهره برده و رادیو تلویزیون مخصوص به خود نیز دارند. و اخیراً دولت مولداویا با درخواست این اقلیت مبنی بر تدریس و آموزش فرزندان‌شان به زبان مادری موافقت نموده است.

## چگونگی شکلگیری ارادهء سیاسی:

با توجه به نظام تک حزبی حاکم بر شوروی، از مهمترین مسایل جمهوری تازه به استقلال رسیده مولداویا، چگونگی پویایی احزاب و گروه ها بود. پس از اندک زمانی از اعلام استقلال مولداویا پارلمان این کشور به تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۱ قانون فعالیت احزاب و گروه ها را تصویب نمود. این گونه، راه ایجاد نظام چند حزبی در

کشور نمودار شد. پس از تصویب قانون احزاب در پارلمان این کشور بیش از ۲۰ حزب و گروه و سازمان سیاسی اجتماعی رسماً آغاز به فعالیت کردند. با توجه به این که بیشتر این احزاب به لحاظ کمی و کیفی اهمیت چندانی ندارند، به مهمترین آن ها از نگاه تعداد اعضا یا توان تاثیر برتصمیم گیری اشاره می شود. افزون بر این ها محدودیت شدید اطلاعات از مولداویا خصوصاً احزاب آن موجب شده که به گونهء فشرده به مواضع آن ها پرداخته شود.

**احزاب قانونی:**

حزب دموکراتیک کشاورزی: این حزب از سوی میانه روهایی از دو جبههء مردمی مولداویا و حزب کمونیست پایه گذاری شده و ریشه در گروه بزرگ نومنکلاتور کشاورزی و در میان سران حکومت پیشین و همچنین رییسان کشتزار های اشتراکی و رییسان تشکیلات اقتصادی دارد.

این حزب از استقلال مولداویا حمایت می‌کند و خواهان ابقای عضویت در کشورهای همسود و تلاش برای رسیدن به ساماندهی های اقتصادی خصوصاً در زمینه کشاورزی می باشد. اکثریت کابینه پیشین و کنونی دولت را اعضای حزب دموکراتیک کشاورزی تشکیل داده اند و در انتخابات اخیر نیز از ایده های این حزب حمایت کردند. باید خاطر نشان کرد حزب دموکراتیک کشاورزی جزو پر قدرت‌ترین احزاب مولداویا به شمار می‌رود و بیشتر مراکز قدرت را در اختیار دارد و طرح ها و تحلیل ها با تدبیر این حزب صورت می گیرد.

جبههء مردمی دموکراتیک مسیحی: این جبهه از آغاز تأسیس خود چندین هدف را مد نظر قرارداده است. نخستین هدف آن استقلال کامل مولداویا از روسیه و کشور های همسود می باشد. دومین هدف آن ها بازگشت به تاریخ و سنت های گذشته است. چون جمهوری مولداویا(بسارابیا) جزو لاینفک رومانیا است، در نتیجه باید با این کشور پیوند حاصل نماید و طرح تشکیل رومانیای بزرگ را عینیت بخشد.

سومین هدف جبههء دموکراتیک مسیحی ارتقای روابط ژرف و گسترده با کشور های اروپای باختری و امریکا است. جبهه رهایی مولداویا از بحران سیاسی اقتصادی و اجتماعی را در روابط با غرب جستجو می‌کند..

این جَبهه نخستین گروهء سیاسی است که در مولداویا پایه گذاری شد و اعتراضات گستردِه‌یی را در برابر سیاست های شوروی سازماندهی نمود. در ۱۹۸۹ جبهه صدها نفر را برای اعتراض در سالگرد ضمیمه‌سازی بسارابیا به روسیه به خیابان های کیشینوف کشاند. جبهه پس از انقلاب رومانیا در دسامبر ۱۹۸۹، ایدهء اتحاد دوباره با رومانیا را به شدت تبلیغ می‌کرد و به دنبال این از حمایت مردمی گسترده‌یی نیز برخوردار شد و در انتخابات ۱۹۹۰ اکثریت کرسی های پارلمان را به دست آورد.

<u>حزب سوسیالیست:</u> جانشین حزب کمونیست پیشین است و علاقمند به سیاست های اجتماعی و اقتصادی سوسیالیستی است و از حقوق روس ها و دیگر اقلیت ها حمایت می‌کند. این حزب از پشتیبانی گستردهء اقلیت ها نیز برخوردار است. حزب سوسیالیست معتقد به تقویت جدی روابط در همه زمینه ها با روسیه و جامعهء همسود است و تندروتر از حزب دموکراتیک کشاورزی بر این موضوع تأکید می‌کند.

<u>کنگرهء روشنفکران(بلوک روستاییان و روشنفکران:</u> این سازمان خواهان دوری از روسیه و جامعهء همسود است و در عین حال تمایل بیشتری نسبت به غرب نشان می دهد. و در پی استمرار و تعمیق روابط با کشورهای غربی است. این سازمان ضمن آن که گرایش های ملی قومی دارد و ایده اتحاد با رومانیا را هدف قرارداده است، با این هم نرمتر از جبههء مردمی با این موضوع برخورد می‌کند. الکساندر موشانو- رییس بلوک روستاییان و روشنفکران(رییس پیشین پارلمان مولداویا) در توضیح اهداف خود می گوید: مسکو با اهداف امپریالیستی خود می خواهد مولداویا را در میان کشور های همسود ابقاء و ما را همانند گذشته وابسته به خود نگهدارد. پوشیده

نیست که روسیه اهداف استراتیژیکی خاصی را در مولداویا تعقیب می‌کند و از پیوند های فرهنگی و اقتصادی میان مولداویا و رومانیا خوشنود نیست.

آ- نقش عوامل خارجی موثر در سیاست خارجی:

با فروپاشی شوروی و استقلال مولداویا، این جمهوری تلاش هایی را در راستای نزدیکی بیشتر به رومانیا آغاز نمود، اما جنگ داخلی مانع این حرکت گردید و مولداویا ناچار شد به جامعه کشور های همسود بپیوندد. عضویت در این جامعه، تغییراتی در دستگاه تصمیمگیری خارجی مولداویا داده است.

از سوی دیگر، حضور اردوی چهاردهم روسیه در مولداویا سیاستگذاران این جمهوری را وادار کرده است با توجه به این عامل مهم سیاست ها را تعیین نماید. پس از استقلال، نخستین اقدام مولداویا گفتگوی مستقیم با شوروی بر سر عقب نشینی نیروهای نظامی مستقر در مرز ها بود، اما مسکو آن را مشروط به حضور کیشینیوف در یک اتحادیه اقتصادی می‌دانست. با آغاز جنگ داخلی در این کشور روسیه استقرار اردوی چهاردهم را برای حفظ صلح در منطقه کافی دانسته و با گسیل نیروهای حافظ صلح سازمان ملل به منطقه مخالفت کرد. هم اکنون نیز روسیه برونبری نیروهایش از منطقه دنیستر را مشروط به واگذاری حقوق ویژه به باشندگان بخش ساحلی رود دنیستر از سوی دولت مولداویا کرده است.

از آغاز تحولات دسامبر ۱۹۸۹ در رومانیا و استقلال جمهوری های شوروی پیشین در ۱۹۹۱، دولتمردان و مردم رومانیا بیش از هرچیز در اندیشهٔ احیای رومانیا بزرگ بوده اند. در آغاز نیز اقدامات و اظهاراتی از سوی دولت رومانیا صورت گرفت که زندگی و بقای این جمهوری نوپا را با دشواری های فراوانی روبرو نمود. هرچند رومانیا نخستین کشوری بود که استقلال مولداویا را به رسمیت شناخت، مگر از گسیل سفیر به آن کشور خودداری کرد. پس از طرح "تز دو دولت" از سوی

رییس‌جمهور مولداویا و همچنین پذیرش واقعیات منطقه روابط جدیدی میان دو کشور آغاز شد و دو سال پس از استقلال رومانیا به کشور سفیر گسیل کرد.

عضویت مولداویا در جامعهء کشور های همسود موجب اعتراض رومانیا گردید و در بیانیهء وزارت امور خارجه این کشور این اقدام مولداویا سند وابستگی آن به روسیه و رسمیت بخشیدن به الحاق دوباره مولداویا به حوزهء شوروی تلقی گردید. همچنین رومانیا به عنوان یکی از طرف های مذکرات چهار سویه (اوکرایین، روسیه، مولداویا، رومانیا) در مورد ماورای دنیستر، از دور گفتگوها کنار گذاشته شد. اوکرایین به عنوان یک همسایهء نیرومند مولداویا و همچنین به عنوان کشوری که با روسیه مرز مشترک دارد، قادراست همچون اهرامی برای جابجایی و رفع مشکلات میان روسیه و مولداویا عمل نماید که این البته بستگی به شرایط منطقه دارد.

منطقهء بحران زدهء ماورای دنیستر در کنار مرز های اوکرایین قرار گرفته است. درگیری شدید در ماورای دنیستر همچنین بر روابط اوکرایین و مولداویا تأثیر گذارده است. کییف در اجلاس متعدد حل‌و فصل نزاع ماورای دنیستر به عنوان میانجی حضور داشته است. اوکرایین بر آن است که حضور اردوی چهاردهم روسیه اثر منفی بر سیاست های کشورش خواهد داشت، زیرا روسیه در خصوص ماورای دنیستر به گونه‌یی عمل می‌کند که در آن جا با اعمال حاکمیت بیشتر بر اوضاع کییف نیز اشراف داشته باشد.

افزون بر این ها، ترکیه نیز در تلاش است که پیوند های تاریخی خود را در منطقهء بسارابیا و مهمترین حوزهء بالکان دنبال نماید. با توجه به این که، این کشور داعیهء حمایت از کشور های‌ترک و اقوام ترک را جزو سیاست خارجی خود قرارداده است.

فروپاشی شوروی و تشکیل دولت های مستقل ترک و همچنین وجود جمعیت های ترک در دیگر جمهوری ها، موجب شد که ترکیه میدان گسترده‌تری برای اعمال سیاست خود پیدا کند.

پس از اعلام استقلال مولداویا، ترکیه نگرانی خود را نسبت به آینده‌ء ترک های ساکن این جمهوری(گاگایوز ها) ابراز کرد و حتا به آن ها وعده حمایت مادی و معنوی در برابر مولداوی ها داد. البته بی‌درنگ اعلام کرد که اصلاً قصد درگیرشدن در امور داخلی مولداویا را ندارد. این نگرانی در مورد آینده‌ء گاگایوز ها، به عنوان بخشی از پیوند های گسترده‌ء ترکیه در روابط با جمعیت های ترک شوروی و همچنین بازی نمودن نقش رهبری در سیاست های منطقه‌یی دریای سیاه و حوزه‌ء بالکان تلقی می گردد.

در کنار عامل گاگایوز، ترکیه تلاش نموده است که روابط گسترده‌تری با دولت مولداویا نیز بر قرار نماید. روشن است که‌ترک ها تمایل دارند تا از مولداویا به عنوان پایگاهی برای حضور بیشتر در منطقه بالکان سود جویند.

## عضویت در سازمان های منطقه‌یی و بین‌المللی

جمهوری مولداویا در ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۱ استقلال خود را از شوروی اعلام نمود و در مارچ ۱۹۹۲ به عنوان یک کشور مستقل به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد. در جون ۱۹۹۲ نیز مولداویا به عضویت کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در آمد. همچنین در سوم فبروری ۱۹۹۲ این کشور با امضای بیانیه‌ء تشکیل شورای همکاری های اقتصادی دریای سیاه به این سازمان پیوست.

مولداویا به عنوان یک دولت ساحلی دانیوب، در اوایل ۱۹۹۳ در کمیسیون دانیوب پذیرفته شد و موقعیت ناظر را در کمیسیون به دست آورد که این امر یک گام مهم به سمت گسترش روابط تجاری با کشور های خارج از شوروی می باشد.

پارلمان مولداویا در مارچ ۱۹۹۳ عضویت این کشور را در جامعهء کشور های مستقل همسود مورد تصویب قرارداد. مقامات مولداویا تأکید نمودند که این کشور تا کنون ۲۰۰ موافقتنامه از ۴۰۰ موافقتنامهء جامعهء کشورهای مستقل همسود را امضاء کرده است که این ها بیشتر در زمینه اقتصادی بوده و موافقتنامه‌یی در زمینه های نظامی و سیاسی امضاء نکرده است.

## پولند (Poland)

- نفوس: ۳۸٫۵ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: ورسا (Warsaw)
- مساحت: ۳۱۲،۶۸۵ کیلومترمربع
- زبان: پولندی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۰ سال مردان، ۷۸ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ زلاتی= ۱۰۰ گراسزی
- صادرات: تجهیزات ترانسپورتی و ماشین آلات، مواد غذایی، کیمیایی
- درآمد سرانه: ۵،۲۷۰ (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: pl.
- رمز تیلیفونی: ۴۸+
- رییس جمهور: الکساندر کواشینفسکی (Aleksander Kwasniewski)
- صدراعظم: مریک بیلکا (Marek Belka)
- -وزیر خارجه: آدم روتفیلد (Adam Rotfeld)
- *شهر های مهم:* پوزنان، گدانسک و برست

پولند در نیمکرهء شمالی جزو کشورهای اروپای شمالی و مرکزی است. این کشور از شمال شرق و شرق به کشور های لیتوانیا، بیلاروسیه(روسیه‌سفید) و اوکرایین و از جنوب به جمهوری چک و جمهوری سلواک، از غرب به جمهوری فدرال آلمان و از شمال به بحیرهء(دریای) بالتیک و خلیج دانزیک محدود است.

**تاریخچه:**

در تاریخ کهن، این کشور همواره زیر سلطهء کشورهای قدرتمند بوده. اما در تاریخ معاصر در جنگ جهانی اول پس از عقد قرارداد (مولوتف– روبین) میان آلمان نازی و شوروی، کشورهای اروپایی به این نتیجه رسیدند که نظم اروپای نیرومند درعدم موجودیت پولند نیرومند و مستقل متصور نخواهد بود.

شکست قدرت های حاکم بر پولند، روسیه، آلمان و اتریش و پیروزی متفقان، سبب کسب استقلال و احیای ملی در پولند گردید. رهبری استقلال‌طلبان را در آنزمان یوسف پیلودسکی به دوش داشت. در سال ۱۹۱۸ پایان جنگ جهانی اول وی تأسیس جمهوری پولند را در اورپا اعلام نمود. پس از کسب استقلال، پولیند در همان سال درصدد تأمین تمامیت ارضی خود برآمد که موجب جنگ ۱۹۲۰- ۱۹۲۱ روسیه با این کشور گردید.

سرانجام میان دو کشور پیمان ریگا به سود استقلال‌طلبان عقد گردید. در سال ۱۹۳۹ آلمان فاشیستی بر پولند حمله‌ور شد و آن کشور را زیر تسلط خود در آورد.

اما در اواخر سال ۱۹۴۴ به کمک شوروی پیشین دوباره آزاد شد و حزب کمونیست قدرت را به دست گرفت. در سال ۱۹۶۸ اردوی پولند در اشغال سرزمین چکوسلواکیا زیر نام قوای نظامی کشورهای پیمان وارسا که یک پیمان نظامی بود، اشتراک ورزید. پیمان وارسا در برابر پیمان ناتو میان کشورهای کمونیستی در ۱۴ می ۱۹۵۵ در شهر وارسا منعقد گردیده بود که

شامل کشور های شوروی، آلمان شرق، بلغاریا، پولند، رومانیا، مجارستان، چکوسلواکیا و آلبانیا بود. اما کشور آلبانیا که تمایل به چین ماویستی داشت، طی سال های ۱۹۶۰ از این پیمان خارج شد. در سال ۱۹۷۴ قانون اصلاحات ارضی پولند به تصویب رسید. در سال ۱۹۷۶ کارگران دست به شورش زدند و اتحادیهء همبستگی تأسیس گردید و دولت را ناگزیر به شناخت این اتحادیه نمودند.

در سال ۱۹۸۹ نخستین دولت ملی را به ریاست شخصی که مورد حمایت کمونیست ها نبود، تشکیل دادند. درین جا پولند به سوی نتیجه گیری از تلاش های تاریخی برای حصول حیثیت و استقلال و تمامیت ارضی خود برداشت. در همین سال پس از مبارزات صلح آمیز(اتحادیه همبستگی) پریزدنت ویچیخ یاروزلسکی، که از پشتبانی لخ والسا- رهبر اتحادیه های کارگری برخوردار بود، زمام امور را به تادیوش مازونسکی سپرد که یکی از روشنفکران برخسته و کاتولیک غیر روحانی(جنبش همبستگی) و مدیر مجله Solidarnosc Tygodnik بود.

## کشاورزی:

کشاورزی در پولند در سال های اخیر به نسبت نباریدن باران نتایج خوب نداشته است. پیش از جنگ دوم جهانی، این کشور دارای اقتصاد خوبی بود و از جمله صادرکنندگان مهم محصولات کشاورزی به کشورهای اروپای به شمار می‌رفت.

پیداوار این کشور عبارت است از: انواع گندم، شلغم، کچالو، لبلبو، کرم، علوفه، میوه و سبزیجاٌت.

## معادن :

این کشور دارای معادن مهم گاز طبیعی، زغالسنگ سخت، لیگینت یا زغالسنگ قهوه‌یی، گوگرد، سرب، سلفر، آهن، مس، نادیوم و انواع سنگ های معدنی و ساختمانی است.

### صنایع:

مهمترین صنایع عبارتند از: استخراج معادن، تولید ماشین‌آلات، کشتی‌سازی، صنایع فولاد، صنایع الکتریکی، صنایع غذایی و نساجی، صنایع کیمیایی، صنایع فلزی، تولید سمنت، ساخت ابزار و سامان‌آلات صنعتی، تهیه و تولید لوازم خانگی و صنایع موترسازی.

صنایع پولند با جذب ۲۸٪ نیروی کار کشور، ۵. ۳٪ درآمد ملی کشور را تأمین می‌نماید.

### حمل و نقل:

در سال ۱۹۸۸ پولند دارای ۲۶۸۵۰ کیلومتر راه آهن بود، که ۱۰۵۰۸ کیلومتر آن با نیروی الکتریکی فعالیت داشت است.

### جهانگردی(توریزم):

پولند از بزرگترین مراکز توریستی جهان به شمار می‌رود. که دارای محلات خوب ترویستی بوده، شهر های تاریخی آن- روتسلاو، کراکوف و وارسا سالانه میلیون ها جهانگرد را جذب می‌نماید. این کشور دارای مناطق جنگلی و کوهستانی و رودخانه های زیبا است. بر پایهء آمار، سالانه در حدود ۱. ۵ میلیون جهانگرد از این کشور دیدن می نمایند.

### پیشینهٔ روابط سیاسی و دیپلماتیک با افغانستان:

افغانستان و پولند پیشینهٔ خوبی از مناسبات سیاسی و دیپلماتیک دارند. برای نخستین‌بار مناسبات میان دو کشور در سال ۱۹۲۱ در زمان بازدید امیر امان‌الله خان به آن کشور تأسیس شد.

در حال حاضر آقای Tomasz Kozlowski سفیر پولند در اسلام آباد به عنوان سفیر غیرمقیم آن کشور در کابل ایفای وظیفه می‌نماید.

**مناسبات و همکاری های اقتصادی میان افغانستان و پولند:**

پروژه های پولند در افغانستان عبارتند از:

- شفاخانه استوماتولوژی کابل(کلینک دندان) که درسال ۱۳۶۸ کار اعمار آن آغاز و در سال ۱۳۶۹ به پایان رسید که در یک وقت معین صدها نفر را تداوی می‌نماید.

- مکتب موزیک و هنر واقع کارته سه به کمک کشور پولند اعمار شده بود، اما در اثر جنگ ها ویران شده است. در سال ۱۳۸۱ توسط یکی از NGO های کشور پولند بازسازی شد.

- کمپنی AFG. POI. LEM در چهارچوب همکاری های کشور پولند حاضر شده تا ۱۰۸ آپارتمان را برای وزارت معارف اعمار نماید که هر آپارتمان یک سیت کمپیوتر هم با خود دارد. البته در آینده مطابق پروتکل پروژهء مذکور توسعه خواهد یافت.

- مکتب صلح پولند یک تعداد کتب را به دانشگاه کابل کمک نموده است. در سال های ۱۹۹۵-۲۰۰۱ کشور پولند دو عراده آمبولانس به پناهندگان افغان در ایران و یک مقدار پوشاک و مواد خوراکی را به پناهندگان افغان در پاکستان کمک نموده بود.

پولند رژیم طالبان را به رسمیت نمی‌شناخت، برعکس با جبههء متحد روابط حسنه داشت. پس از روی کار آمدن دولت جدید، با تقرر آقای عبدالحی حیدر به عنوان سفیر د. ا. ا. در پولند، مناسبات سیاسی و دیپلماتیک میان دو کشور گسترش بیشتر یافته است.

با بازدید حامد کرزی به پولند و بازدید رییس‌جمهور پولند به کابل روابط دو کشور بیش از بیش تحکیم یافته است.

اعطای ۱۴ بورس تحصیلی، نمونه خوبی از همکاری های دو کشور است. هم اکنون بیش ۱۶۰ نفر محصل سابقه افغان در پولند بود و باش دارند. همچنان به تعداد ۷۰-۸۰ پناهنده‌ء افغان در آنجا زندگی می نمایند که همه خواهان بازگشت به میهن هستند.

به تاریخ ۲ سرطان سال ۲۰۰۳ آقای شیمایفسکی ویژ- وزیر دفاع پولند از کابل بازدید و دیدار هایی با مارشال فهیم - معاون اول ریاست دولت و وزیر دفاع ملی و آقای داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه داشتند و در رابطه به آموزش کادر ها و سهمگیری فعال در پویایی های ISAF وعده همکاری دادند.

بازدید حامدکرزی- رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان به جمهوری پولند و سویس مورخ ۳ سرطان ۱۳۸۲

و همچنین بازدید وزیر دفاع پولند مورخ ۱۳۸۱/۴/۱

## جمهوری چک (Czech Republic)

- شمار باشندگان: ۱۰٫۲ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: پراگو (Prague)
- مساحت: ۷۸،۸۶۶ کیلومترمربع
- زبان: چکی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۲ سال مردان، ۷۹ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ کورونا(koruna)= ۱۰۰ هالرس
- صادرات: ماشین آلات، موتر و تجهیزات ترانسپورتی، بیر(Beer)
- درآمد سرانه: ۶،۷۴۰ دالر امریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: cz.
- رمز تیلیفونی:
- رییس جمهور: واکلاف کلاوس (Vaclav Klaus)
- صدراعظم: جیری پاربیک (Jiri Paroubek)

در مرکز اروپا واقع گردیده است. جمهوری چک محاط به خشکی بوده و به آب های آزاد دسترسی ندارد.

کشور های همسایه با جمهوری چک عبارتند از: جمهوری سلواک در شرق، جمهوری پولند در غرب و اتریش در جنوب. این کشور دلرای ۲۳۰۳ کیلومتر مرز بین‌المللی است که طولانی‌ترین مرز آن ۸۱۰ کیلومتر با آلمان است. پس از آن، با پولند ۷۶۲ کیلومتر، با اتریش ۴۶۶ کیلومتر و باسلواک ۲۶۵ کیلومتر می باشد.

درین جمهوری اقوام چک، سلواک، پولندی، آلمانی، سیلیزیایی، مجار ها و سایر اقوام زندگی دارند.

**زبان:** زبان چک ریشه در زبان اسلاو داشته و دارای دستور زبان مشکل است. در این کشور رسم الخط لاتین رایج است. در گذشته از زبآن های آلمانی و روسی به عنوان زبان های دوم استفاده می‌شد.

**آیین:** در جمهوری چک مردم پابندی کمی به برگذاری مراسم آیینی دارند. در جامعه ۱۰۲۶۴۲۱۲ نفری چک، تنها ۵۰۰۰۰ نفر در مراسم ،کلیسای کاتولیک اشتراک می ورزند و اکثر مردم به دین الهی عقیده ندارند. درین جمهوری به تعداد ۲۰۰۰ نفر یهود و ۱۰۰-۵۰۰ نفر مسلمان زندگی می کنند.

**تاریخچه**: چکسلواکیا در ۱۹۱۸ پس از فروپاشی امپراتوری اتریش- مجارستان در پایان جنگ جهانی اول تشکیل گردید. در سال های بین هر دو جنگ جهانی ۱۹۱۸-۱۹۳۹ در این کشور یک دولت دموکراتیک به وجود آمد. در سال ۱۹۴۶ حزب کمونیست به قدرت رسید. رهبر این حزب(کلمنت گوتوالد) صدراعظم دولت ائتلافی گردید.

در سال ۱۹۹۰ نام جمهوری سوسیالیستی چکسلواکیا به جمهوری فدراتیف چکسلواکیا تغییر یافت. در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲ کلیهء ساختار های فدرال منحل و جمهوری چک و سلواک به عنوان دو کشور مستقل و مجزاء از نظر حقوق بین‌المللی پا به عرصهء جغرافیای اروپا و جهان گذاشتند. تجزیه این دو جمهوری به شکل صلح آمیز و بدون منازعه صورت پذیرفت که مورد تحسین جهانیان واقع گردید که بی درنگ از سوی کشور ها و سازمان های بین‌المللی به رسمیت شناخته شدند. در اواخر جنوری ۱۹۹۳ مجلس نمایندگان چک آقای واسیلوف هاول را برای مدت پنج سال بحیث رییس‌جمهوری برگزیدند.

قانون اساسی این کشور در ۱۶ دسامبر سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید.

**احزاب سیاسی:**

- حزب دمکراتیک ملی
- حزب سوسیالیستی چک
- اتحادیهء دمکراتیک مسیحی حزب مردم
- اتحادیهء دمکراتیک مدنی
- جنبش خودمختار موراویا سیلزیا
- مجمع جمهوری حزب جمهوریخواه چک
- حزب کمونیست.

**همکاری های چک - سلواکیای پیشین با افغانستان:**

کشور چک- سلواکیا در عرصهء استخراج زغالسنگ و سمنت با افغانستان همکاری داشت که می توان از کارخانه های سمنت غوری اول و جبل السراج نام

رد که این کارخانه ها از سی سال به این سو فعال‌اند که با اعطای سامان آلات و پرزه جات از طریق اهدای کریدت تمویل می گردید.

با بازگشت متخصصان چکی در سال ۱۳۶۷ مساعدت های فنی آن کشور قطع گردیده و نتیجه آن شد که این کارخانه ها به تدریج از تولید باز ماند.

## پروژه های سمنت غوری دوم:

کار اعمار و ساختمان کارخانهٔ سمنت غوری دوم در ۱۳۶۵ از اعتبار ۳۹. ۱۲ میلیون دالر کیلیرنگ چکسلواکیای پیشین و ۲۶۲. ۲۲ میلیون افغانی بودجهء دولت به ظرفیت ۳۱۰ هزار تن در سال آغاز یافته و کار ساختمان آن ۷۸٪ و کار منتاژ آن ۳۰٪ تکمیل گردیده بود که با بازگشت متخصصان چکی متوقف گردید.

## کارخانهء سمنت هرات:

این کارخانه در سال ۱۳۵۵ با سرمایه گذاری ۲۶. ۰۸ میلیون دالری اعتبار چکسلواکیای وقت و ۱۱۳. ۱ میلیون افغانی از بودجهء دولت، تهداب گذاری گردید که کار ساختمان و منتاژ آن تا میانه های سال ۱۳۶۷ زیر نظر مستقیم متخصصان چکی ادامه داشت. مگر به نسبت خرابی وضع امنیتی در حالی که تجهیزات آن وارد گردیده بود و منتاژ و ساختمان آن به میزان ۳۰ و ۷۸٪ تکمیل گردیده بود، کارشناسان چک به کشورشان عودت نمودند.

شایان یادآوری است که کار استخراج کان زغالسنگ سبزک هرات، کان زغالسنگ کرکر، دودکش، دره صوف، و اشپشته به عین سرنوشت روبرو گردیدند. باید یاد آور گردید که در سال های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲ نشست هایی با مسوولان سفارت چک در کابل در بارهء از سرگیری کار این پروژه ها صورت پذیرفت که در آن سوی چکی آمادگی خود را ابراز داشتند؛ مگر با آنهم تا کنون گام های عملی در زمینه برداشته نشده است.

**قرارداد ها و یادداشت های تفاهم و همکاری های میان افغانستان و چکسلواکیا:**

- گسیل کارشناسان چکی با شرایط سهل در بخش های مختلف- آموزش پرسونل افغانی در موٌسسات چکسلواکیا
- کمک های فنی به شکل وسایل و ماشین آلات
- تمدید لین انتقال برق کجکی به توان ۲۲۰ کیلوولت با سب استیشن های مربوطه
- تمدید لین برق بند سلمای هرات
- دستگاه برق آبی سلما به ظرفیت ۴۰ میگاوات
- دستگاه برق حرارتی دره‌ء سوف به ظرفیت ۲۰۰ میگاوات
- کارخانه‌ء شیشه‌سازی
- سامان آلات و تجهیزات ساختمان، سرک‌سازی، بند و نهر.
- کارخانه‌ء تولید گوگرد
- کارخانه‌ء تصفیه‌ء نمک
- دستگاه ساختمانی اختصاصی کشاورزی
- کارخانه کانسرو سبزیجات در ننگر هار
- کارخانه تهیه‌ء جوس و کنسرو میوه در کند هار
- پروژه‌ء بس های برقی در خوشحال مینه‌ء کابل، که مورد بهره برداری قرار داشت و طی حوادث اخیر به شدت زیانمند گردید.
- کارخانه های سمنت غوری و جبل السراج که از بیش از سی سال فعالیت دارند.
- کارخانه‌ء سمنت غوری دوم.
- کارخانه‌ء سمنت سبزک ولایت هرات
- تفحص و استخراج زغالسنگ سبزک هرات، کرکر، دودکش دره‌ء سوف و اش پشته.

- خریداری تانکر های مورد ضرورت ریاست اطفائیه کابل
- خریداری لاری ها و تانکر های تاترا ساخت چکسلواکیا
- اعمار شفاخانه به ظرفیت ۳۰۰-۵۰۰ بستر پلمونولوژی در کابل(کمک بلاعوض)
- تهیهء تجهیزات مورد نیاز شفاخانه های کابل و ولایات به قیمت ۲۰ میلیون کرون(کمک بلاعوض)
- تهیهء ادویهء ساخت چکسلواکیا مطابق نیازمندی وزارت صحت عامه به اساس(کمک بلاعوض یا دالر کلیرنگ.)
- ادامه و تمدید قرارداد همکاری صحی میان وزارت صحت عامهء افغانستان و وزارت صحیه چکسلواکیا.
- توأمیت شفاخانه وزیر اکبرخان با یکی از شفاخانه های چکسلواکیا.
- پذیرش سالانه ۱۰۰ نفر محصل در رشتهء طب
- پروژهء دباغی و بوت دوزی هرات
- ورکشاپ ترمیم دیزل جنراتور ها و تجهیزات برقی در شهر کابل
- تهیهء دیزل جنراتور ها در ولایات و مراکز و ولسوالی ها
- شفاخانهء ۲۰۰-۵۰۰ بستر در مزارشریف که در گذشته به کمک چکسلواکیا پیشین احداث گردیده بود.
- بازسازی پروژهء موزیم ملی افغانستان در کابل
- بازسازی پروژهء افغان ننداری
- خریداری شش عراده کرن و ۲۰٪ سامان و پرزه جات آن.
- پروژهء سرک کندز
- بازدید هیات جمهوری چک به ریاست صدر- اعظم و وزیر دفاع آن کشور به تاریخ ۱۱ میزان ۱۳۸۱ بکابل
- ترتیب و تنظیم برنامه صدراعظم کشورچک و وزیر دفاع آن کشور مورخ ۸۱/۷/۱۱

## لیتوانیا (Lethuania)

- نفوس: ۳,۴ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: وینییوس (Vilnius)
- مساحت: ۶۵،۳۰۰ کیلومترمربع
- زبان: لیتوانیایی، روسی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۶۷ سال مردان، ۷۸ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ لیتس لیتوانیایی= ۱۰۰ سنتاس
- صادرات: منسوجات، تکه، ماشین آلات،
- درآمد سرانه: ۴،۴۹۰ دالر امریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: lt.
- رمز تیلیفونی: ۳۷۰+
- رییس جمهور: واکلاف کلاوس (Vaclav Klaus)
- صدراعظم: الگیرداس برازوسکس (Algirdas Brazauskas)
- وزیر خارجه: انتاناس والنیس (Antanas Valionis)

### موقعیت جغرافیایی:

جمهوری لیتوانیا در کرانهء خاوری دریای بالتیک و شمال خاوری اروپا قرار دارد. این جمهوری از جنوب شرق با بیلاروسیه و از جنوبِ باختری با پولند و از غرب با منطقهء کالنینگراد فدراسیون روسیه هم مرز است.

در کشور لیتوانیا نزدیک به سه میلیون نفر لیتوانی زندگی دارند. بقیه باشندگان روس ها، پولندی ها، بلاروسی ها، اوکرایینی ها، یهودیان، ازبیک ها، کولی ها، آلمانی ها، تاتار های مسلمان سنی آیین، ارمنی ها، ملداوی ها، و آذربایجانی ها و...اند.

### خط و زبان رسمی:

زبان رسمی لیتوانیا، لیتوانی و الفبای آن لاتین است. در سال ۱۹۸۹ این زبان جاگزین زبان روسی گردید و به عنوان زبان رسمی دولتی جمهوری لیتوانی پذیرفته شد. بیش از ۲۹۰۰۰۰۰ نفر به این زبان سخن می گویند.

### اهمیت استراتیژیک لیتوانیا در منطقه:

لیتوانیا به علت موقعیت(در همسایگی روسیه و دیگر قدرت های اروپای مرکزی) بار ها مورد تجاوز همسایه ها قرار گرفته است که می توان از دو بار تجاوز روسیه و یک بار تجاوز پولند نام برد. همچنان آلمان به گونهء سنتی نسبت به این کشور ادعای ارضی داشته است. پس از اعلام استقلال لیتوانیا در ۱۶ فبروری ۱۹۱۸ چندی پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی تلاش کرد تا جمهوری شوروی(لیتوانیا- پولند) را به وجود بیاورد که هر دو تلاش با شکست روبرو گردید. سرانجام شوروی استقلال لیتوانیا را بر پایهء پیمان مسکو که در ۱۲ جون ۱۹۲۰ به امضاء رسید به رسمیت شناخت.

دو دهه پس از ۱۹۲۰ لیتوانیا دورهٔ پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به ویژه در بخش کشاورزی را آغاز کرد. در سال ۱۹۳۹ برپایهٔ پروتکل سری پیمان عدم تجاوز مولوتف- رابین‌تروپ، شوروی و آلمان، لیتوانیا جزو حوزهٔ نفوذ آلمان گردید. سرانجام در سال ۱۹۳۹ شوروی لیتوانیا را اشغال نمود و بیش از ۲۱۰۰۰۰ باشندگان آن را کشت.

**تاریخ مختصر لیتوانیا:**

نخستین آثار سکونت در سرزمین لیتوانیا به هزارهٔ دهم پیش از میلاد بر می گردد. لیتوانی ها از نژاد هند و اروپایی‌اند.

نام لیتوانی برای نخستین بار در منابع مکتوب سال ۱۰۰۹ میلادی ذکر گردیده است. لیتوانیا در سال ۱۵۳۹ برای رویارویی با دولت روسیه قرارداد لوبین را با پولند عقد نمود.

در سال ۱۷۹۵ در سومین تقسیم پولند، لیتوانیا به امپراتوری روسیه ضمیمه گردید و قیام ضد حاکمیت روس در سال های ۱۸۶۳و ۱۸۳۱و ۱۸۳۰ در لیتوانیا توسط روس ها سرکوب گردید. در سال ۱۹۱۵ در پی جنگ جهانی اول لیتوانیا به اشغال نیرو های آلمان درآمد. در سال ۱۹۱۷ کنوانسیون لیتوانیا به رهبری انتاناس استمونا تشکیل گردید و سرانجام به تاریخ ۱۶ فبروری ۱۹۱۸ اعلام استقلال کرد و شوروی ضمن عقد پیمان ۱۹۲۰ استقلال لیتوانیا را به رسمیت شناخت.

پولیند پس از تسخیر شهر ویلینوس بقیه خاک لیتوانیا را به رسمیت شناخت. قانون اساسی این کشور در سال ۱۹۲۲ تصویب گردید.

از به قدرت رسیدن هواداران شوروی در لیتوانیا و اعلام استقرار جمهوری شوروی لیتوانیا، جنگ های پارتیزانی آغاز و تا سال ۱۹۵۲ ادامه داشت. سرانجام لیتوانیا در سال ۱۹۹۱ در ششم سپتامبر اعلام استقلال نمود که در ششم سپتامبر از سوی شوروی استقلال آن به رسمیت شناخته شد.

**احزاب سیاسی:**

- حزب کارگر لیتوانیا (بر سر قدرت)
- جنبش اصلاحات و بازسازی لیتوانیا
- حزب دمکراتیک مسیحی لیتوانیا
- حزب سوسیال دمکراتیک لیتوانیا
- حزب دمکراتیک لیتوانیا
- اتحادیهء کشاورزی لیتوانیا
- حزب لیبرال سبز لیتوانیا

## استونیا (Estonia)

- نفوس: ۱٫۳ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: تلان(Tallinn)
- مساحت: ۴۵،۲۲۷ کیلومترمربع
- زبان: استونیایی، روسی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۶۶ سال مردان، ۷۶ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ کرون= ۱۰۰ سنت
- صادرات: ماشین آلات، منسوجات، اشیایی چوبی
- درآمد سرانه: ۴،۹۶۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: ee.
- رمز تیلیفونی:۳۷۲+
- رییس جمهور: آرنولد روتِل (Arnold Ruutel)
- صدراعظم: اندراس انسیپ (Andrus Ansip)

کشور استونیا در کرانه های خاوری دریای بالتیک واقع شده و نسبت به کشور های دنمارک، سویس و هالند بزرگتر است.

طول مرز آبی این کشور ۳۷۹۴ کیلومتر و مرز خاکی آن ۶۳۳ کیلومتر است که ۳۳۹ کیلومتر آن مرز جنوبی و ۲۹۴ کیلومتر مرز شرقی آن با روسیه می باشد.

شهر های مهم استونیا عبارت‌اند از: تتان، تارتو، ناروا، کوتل، اجارو، پارنو، سیلاما، و راکور.

**پیشینهء تاریخی:**

استونی ها به گروه های بالتیکی فنلندی تعلق دارند و از ملت های فنلندی مجاری هستند که چندین سال پیش از میلاد در سرزمین استونیا ساکن شدند. انضمام استونیا به روسیه در سال ۱۹۴۰ و جنگ جهانی دوم آثار مصیبت باری بر باشندگان این کشور داشت.

در نتیجهء اخراج و تبعید جمعی، جنگ و بسیج عمومی در سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ و مهاجرت به کشور های دیگر، جمعیت استونیا از ۱۱۳۶۰۰۰ نفر در سال ۱۹۳۹ به ۸۵۴۰۰۰ نفر رسید. در سال ۱۹۴۰ سرکوب ادامه یافت و استونیا اقلیت قومی خود را از دست داد.

استونیا به نسبت موقعیت استراتیژیک خویش پیوسته در معرض خطر قرار داشته است، زیرا از یک سو با شوروی پیشین هم مرز بوده و از سوی دیگر به دریای بالتیک راه دارد و در نزدیکی اروپای مرکزی واقع شده است و همچنان همسایهء کشور های اسکاندیناوی به شمار می‌رود. لذا همواره مورد تاخت و تاز قرار گرفته است.

این جمهوری حتا در سدهٔ بیستم از این خطر مصؤون نماند. در ۲۴ فبروری ۱۹۱۸ هنگامی که استونیا اعلام موجودیت کرد و به تشکیل دولت پرداخت، باآنکه در جنگ میان آلمان و شوروی اعلام بیطرفی نمود، آلمان از به رسمیت شناختن آن سر باز زد و آن را تصرف کرد.

شوروی پیشین با این که این جمهوری را ذر سال ۱۹۲۰ به رسمیت شناخت، لکن موقعیت جیوپولیتیک آن را از نظر دور نمی‌انداخت. طی یک پیمان سری که میان استالین و هیتلر در سال ۱۹۳۹ به امضاء رسید، استونیا زیر نفوذ شوروی پیشین و سپس در سال ۱۹۴۰ از سوی اردوی سرخ اشغال گردید.

این سلطه تا فروپاشی شوروی پیشین باقی ماند. کشور استونیا در ۱۶ نوامبر ۱۹۸۸ حاکمیت ملی و اصلاح قانون اساسی را مورد توجه قرارداد و تصریح نمود که دولت آن کشور بالاترین قدرت در خاک استونیا می باشد.

به تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۸۹، استونیا سرازیر شدن نیرو های شوروی پیشین در ۲۲ جولای سال ۱۹۴۰ به سرزمین خود را چونان تجاوز و یک اقدام نظامی اعلام کرد و الحاق استونیا به شوروی را باطل و بی اعتبار خواند.

همچنان قرارداد سری‌یی که در گذشته میان هیتلر و استتان در مورد انضمام جمهوری های بالتیک به شوروی عقد گردیده بود، به تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۹۸۹ از سوی استونیا غیر قانونی و بی اعتبار اعلام شد. در ۳۰ می ۱۹۹۰ شورای عالی منتخب اعلام کرد که حکومت شوروی پیشین در استونیا غیر قانونی بوده است. این گونه، استقرار جمهوری استونیا اعلام گردید و نشان های دولتی نیز مشخص گردید. سرانجام در ۲۱ اگوست ۱۹۹۱ استونیا اعلام استقلال نمود و در ششم سپتامبر همین سال شوروی پیشین استقلال جمهوری استونیا را به رسمیت شناخت و هیأت های میان دو سوی مبادله گردید.

## وضعیت اقتصادی:

درین کشور، صنایع ذوب فلزات، صنعت مهندسی، صنعت پلاستیک‌سازی، صنایع غذایی، ماهیگیری، چوب و کاغذسازی و تولید انرژی برق از ذخایر نفتی و سنگ های نفت خیز رشد چشمگیری داشته است.

## احزاب مهم و فعال در جمهوری استونیا:

- حزب دمکرات مسیحی
- اتحادیه دمکرات مسیحی
- حزب کمونیست
- حزب لیبرال دمکرات
- جنبش سبز
- حزب استقلال ملی
- حزب دمکراتیک اجتماعی
- جبههء مردمی

## روابط افغانستان با جمهوری استونیا:

کشور استونیا در گذشته با افغانستان روابط سیاسی و دیپلماتیک نداشت. روابط آن از شوروی پیشین تأمین می گردید. پس از فروپاشی شوروی وقت و اعلام استقلال جمهوری استونیا، آن کشور با افغانستان روابط دیپلماتیک برقرار نمود.

شایان یادآوری است که استونیا پس از به وجود آمدن ادارهء موقت، یک کانتینتر مواد طبی که بالغ بر ۹۹۳۷۳۲۷ کرون استونی می شود به گونهء بلاعوض به افغانستان کمک نموده است.

## لاتویا (Latvia)

- نفوس: ۲٫۳ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: ریگا (Riga)
- مساحت: ۶۴،۵۸۹ کیلومترمربع
- زبان: لاتویایی، روسی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۶۶ سال مردان، ۷۶ سال زنان
- واحدپولی: ۱ لاتس= ۱۰۰ سانتس
- صادرات: اشیایی چوبی و کنده چوب، ماهی
- درآمد سرانه: ۴،۰۷۰ دالر امریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: lv.
- رمز تیلیفونی: ۳۷۱+
- رییس جمهور: وایرا وایک-فریبرگا (Vaira Vike-Freiberga)
- صدراعظم: آیگارس کلویتز (Aigars Kalvitis)

لاتویا در کرانهء خاوری دریای بالتیک موقعیت دارد. همسایگان این جمهوری عبارتند از استونیا در شمال، روسیه در شرق، بیلاروس در جنوب خاوری و لیتوانیا در جنوب.

کشور لاتویا در سال های ۱۵۸۳ تا ۱۵۵۸ در پی تلاش روسیه برای تصرف این سرزمین، درگیر جنگ نا خواسته گردید و سرانجام میان امپراتوری سویدن، پولند، و لیتوانیا تقسیم شد. در سال ۱۹۱۸ پس از شکست آلمان و پایان جنگ جهانی اول، نیرو های آلمانی آغاز به عقب نشینی از لاتویا نمودند. در ۱۸ نوامبر سال ۱۹۱۸ پس از آزادی لاتویا کارلیس المانیس ریاست دولت موٌقت را به عهده گرفت و استقلال کشورش را اعلام نمود. در سال ۱۹۲۰ آخرین نیرو های خارجی از این کشور اخراج شدند.

در ۱۱ اگوست سال ۱۹۲۰ پیمان صلح روسیه و لاتویا بسته شد که در آن اظهار گردیده بود روسیه هیچ ادعای ارضی بر لاتویا ندارد. در سال۱۹۲۱ کشور های اروپای باختری شامل ایتالیا، فرانسه و انگلستان حاکمیت دو ژوری لاتویا را به رسمیت شناختند. در ۱۵ می سال ۱۹۳۴ دولت آلمانیس با کودتایی به رهبری صدراعظم کشور از قدرت برکنار و نظام دیکتاتوری برقرار شد.

در جنگ جهانی دوم لاتویا اعلام بی سویی کرد. در ۱۷ جون ۱۹۴۰ ارتش شوروی خاک لاتویا را به اشغال خود درآورد و نخستین رییس‌جمهور دست نشاندهء شوروی آگوستس کیرهن اشتیانس رهبری کشور را به عهده گرفت. درین برهه‌ترور و خشونت در لاتویا آغاز گردید.

۱۳-۱۴ جون سال ۱۹۴۱ حدود ۲۰ هزار باشندگان لاتویا به شمول کودکان و بزرگان به سایبریا تبعید شدند.

در سال ۱۹۴۱ آلمان نازی به این کشور حمله نمود و آن را به تصرف خویش در آورد. در سال ۱۹۴۵ ارتش شوروی دوباره این سرزمین را اشغال و تا مدت مدیدی در تصرف خویش قرارداد.

به تاریخ ۱۹۹۱/۵/۴، سرانجام این جمهوری استقلال خویش را دو باره به دست آورد.

در ۲۱ اگوست سال ۱۹۹۱ شورای عالی لاتویا قطعنامهء اعادهء استقلال دولت لاتویا را صادر نمود که طی آن لاتویا وارد دوره انتقالی گردید.

ر پایان سال ۱۹۹۲ شورای عالی درخواست نمود نخستین انتخابات پارلمانی لاتویا س از استقلال در ۵ و ۶ جون برگزار گردد و از این درخواست شورای عالی به عنوان آخرین گام در امر اعادهء استقلال سیاسی لاتویا یاد می شود.

### نابع طبیعی:

منابع طبیعی این کشور عبارتند از تورب یا زغال نارس، دولومیت، خاک رس و سنگ گچ

### صنایع اصلی:

صنایع اصلی عبارتند از مهندسی میکانیک، صنایع غذایی، صنایع نساجی، صنایع کیمیایی، صنایع الکترونیک و صنایع چوب‌سازی.

# ماکِدونیا (مَقدونیا)

# (Former Yugoslav Republic of Macedonia)

- نفوس: ۲ میلیون(UN, ۲۰۰۳)
- پایتخت: اسکاپیجی ( Skopje)
- مساحت: ۲۵،۷۱۳ کیلومترمربع
- زبان: ماکدونیایی، البانی
- آیین: اسلام، مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۱ سال مردان، ۷۶ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ دینار= ۱۰۰ دینی
- صادرات: تکه، آهن و فولاد
- درآمد سرانه: ۱،۷۱۰ دالرامریکایی(بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: mk.
- رمز تیلیفونی: ۳۷۱+

- رییس جمهور: برنکو کرونکاوسکی(Branko Crvenkovski)
- صدراعظم: ولادو بکوسکی(Vlado buckovski)
- -وزیر خارجه: تانکا میتریوا(Ilinka Mitreva)

**موقعیت جغرافیایی:**

این کشور، محاط به خشکی در جزیره‌نمای بالکان در اروپای جنوبی موقعیت دارد و محدود است از غرب به آلبانیا، از جنوب به یونان از شرق به بلغاریا و از شمال به یوگوسلاویا.

آب و هوای قاره‌یی دارد. در شمال باختری آن کوهستان های بلند و پوشیده از جنگل ها قرار دارد که مناظر زیبا و دیدنی را تشکیل داده است. این کشور رودخانه های دراز دارد.

در مقدونیا ۵۳ دریاچه طبیعی و مصنوعی وجود دارد.

**شهرهای مهم:** اسکوپیا، بیتولا و پرلیپ

**بافتار ملی:** ۶۵٪ مقدونیایی، ۲۲٪ البانیایی، ۴٪ترک، ۹٪ دیگر کرواتی‌اند.

**بافتار آیینی:** ۶۷٪ ارتدکس شرقی، ۳۰٪ مسلمان، و ۳٪ دیگر پیرو ادیان دیگراند.

**واحد پولی:** دنا

جمعیت این کشور نظر به دو علت زیر رو به کاهش است.:

- شرایط دشوار زندگی

- مهاجرت ها در اواخر سدهء بیست به علت جنگ ها.

**تاریخ فشرده:**

از قدیم الایام در کتاب ها نام کشور به نام " کشور مقدس " آمده است. مقدونی ها در واقع قبایلی بودند که در سال های ۲۱۰۰-۲۲۰۰ پیش از میلاد در کوه های پنیدوس زندگی می کردند.

بلغارها مقدونیان را قومی از اقوام بلغارمی‌دانستند. یونانیان برای مقدونی ها ملیت جداگانه قایل نبودند. آن ها را یونانی می‌خواندند اما یوگوسلاوها آن ها را جز نژاد سلاوها می‌خواندند.

در دوران فلیپ دوم- پسر الکساندر کبیر ۳۵۹-۳۶۹ پس از فروپاشی امپراتوری الکساندر به عنوان بخش از امپراتوری روم درآمد. پس از آن بخشی از امپراتوری بیزانس شد.

پس از سقوط امپراتوری بلغار و زوال امپراتوری بیزانس، نخستین دولت مقدونیا درسال ۹۶۷-۱۰۱۸ بنیاد گذاشته شد.

درسال ۱۰۱۸، دوباره امپراتوری بیزانس آن را زیر تسلط خود درآورد. سپس به حاکمیت دولت صرب درآمد. در پایان سدهٔ ۱۹ تحت تسلط عثمانی ها قرار داشت.

در سال ۱۶۸۹ بخشی از جمعیت مقدونیا قیامی را به رهبری گاریوش سازمان دادند که در اثر آن وضع مقدونیا وخیم شد. به دنبال شکست ترک ها در جنگ در برابر روس ها در سال های ۱۸۷۸-۱۸۷۷ مقدونیا به بلغارستان ضمیمه شد. تلاش مهم مقدونیا به خاطر استقلال در نیمه دوم سدهٔ ۱۹ رسماً آغاز شد. در نتیجه تصمیم کنگره برلین شورش اکتبر سال ۱۸۷۸ که معروف به قیام کرسنا آغاز شد. در سال ۱۸۹۳ دولت مستقل مقدونیا بنیان گذاشته شد. درسال ۱۹۱۳ به دنبال جنگ های بالکان به صربستان مدغم شد.

و در سال ۱۹۱۸ با صرب ها و کروات ها و اسلوون ها بخشی از پادشاهی صرب به رهبری پتر اول درآمد.

ر سال ۱۹۲۹ الکساندر اول نام کشور را به یوگوسلاویا تغییر داد.

ر سال ۱۹۴۴ مقدونیا آزاد شد در جمع جمهوری فدرال یوگوسلاویا درآمد.

در سال ۱۹۶۳ میلادی جمهوری سوسیالیستی شد.

طی مبارزات صلح آمیز که مردم مقدونیا در سال های ۱۹۹۰-۱۹۹۱ پیش بردند، استقلال خود را به دست آوردند.

قانون اساسی مقدونیا در ۱۷ نوامبر سال ۱۹۹۱ تصویب شد.

قوه مقننه: اسامبله

قوه قضاییه: دادگاه

**روابط سیاسی میان افغانستان و جمهوری مقدونیا:**

پس از فروپاشی شوروی و تشکیل کشورهای تازه به استقلال رسیده، کشورهای اروپای شرقی که جزی از کشورهای سیوسیالیستی و پیمان وارسا بودند، به اقتصاد بازار آزاد رو آوردند. جمهوری فدرال یوگوسلاویا نیز از متحدان نزدیک شوروی پیشین بود.

یوگوسلاویا از شش جمهوری خودمختار تشکیل شده بود. پس از فروپاشی اردوگاه سوسیالیزم، جمهوری های خودمختار این کشور دست به شورش زدند تا آزادی خود را به دست آردند اما تنها جمهوری خودمختار مقدونیا توانست به استقلال نایل آید و به عنوان کشور مستقل در جهان تبارز نماید.

با پیروی از تمایل دوسویه برای برپایی روابط دوستانه میان دو کشور و برای بسط همکاری در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر رشته ها بر مبنای منشور سازمان ملل و قوانین بین‌المللی، دوکشور موافقت نمودند بیانیهء مشترک روابط دیپلماتیک به امضاء برسانند. این بیانیه در لندن به تاریخ ۸ جولای سال ۱۹۹۶ امضاء گردید که پس از این روابط سیاسی و دیپلماتیک به سطح سفیران غیر مقیم تأسیس گردید.

بنابر همجوار بودن کشور بلغاریا با جمهوری مقدونیا و رسیدگی بهتر به امور مربوط، سفارت دولت اسلامی افغانستان در سوفیا به حیث سفارت غیر مقیم افغانستان در مقدونیا توظیف شده گردید.

چون آغاز گفتگو ها در زمینهء روابط سیاسی و دیپلماتیک میان نمایندگان سفارت دولت اسلامی افغانستان و جمهوری مقدونیا در لندن صورت گرفته بود، لذا موافقتنامه و اعلامیهء مشترک میان دو کشور را نمایندهء سفارت دولت اسلامی افغانستان در لندن امضاء نمود.

## بوسینا هرزوگوینا (Bosnia-Herzegovina)

- نفوس: ۴,۲ میلیون(UN, ۲۰۰۵
- پایتخت: سراییوا ( Sarajevo)
- مساحت: ۵۱،۱۲۹ کیلومترمربع
- زبان: بوسینیایی، سربیایی، کورواتیایی
- آیین: اسلام، مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۱ سال مردان، ۷۷ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ کانورتیبل مارکا(Convertible marka)= ۱۰۰ پفنیگا
- صادرات: فلزبات، کاغذ، چوب
- درآمد سرانه: ۱،۵۴۰ دالرامریکایی(بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: ba.
- رمز تیلیفونی:۳۸۷+

- رییس جمهور: انتقالی. ریاست جمهوری میان سلیمان تایک-مسلمان(Sulejman Tihic)، بوریس پراواک-سَربی(Borislav Paravac) و ایفو میروجاویک- کرواتی(Ivo Miro Jovic)

صدراعظم: ادنان ترزک (Adnan Terzic)

## موقعیت جغرافیایی:

این کشور در اروپای جنوبی در جزیره‌نمای بالکان موقعیت دارد و محاط است با: مجارستان، یوگوسلاویا، سلوانیا، کروشیا و بحیره(دریای) ادریاتیک.

پنجاه درصد باشندگان آن را مسلمانان تشکیل می دهند. صرب ها و کروات ها پس از مسلمانان ملیت های چشمگیر این جمهوری اند. اقلیت های کوچک ملی سلاوی و آلبانی و دیگر اقوام نیز درین جمهوری بودوباش دارند.

درین جمهوری، در پهلوی آن که کشاورزی مکانیزه شده است، کارخانه های صنایع سنگین و سبک نیز فعالیت دارد که عمده‌ترین بخش صنایع انرژی برق، پروسس فلزات، صنایع کیمیایی و نساجی، صنایع موترسازی و تراکتورسازی و ساختمان طیارات و هلیکوپترسازی به نام ساکو وجود دارد.

## روابط سیاسی افغانستان با جمهوری بوسیناهرزوگوینا:

در اثر شورش های داخلی یوگوسلاویا، جمهوری بوسیناهرزوگوینا که اکثریت نفوس را مسلمانان تشکیل می دهند، به آزادی خویش نایل گردید و در سطح جامعهٔ بین‌المللی همچون عضو سازمان ملل تبارز نمود و به عضویت سازمان کنفرانس کشور های اسلامی درآمد.

با در نظرداشت علاقمندی و روابط میان دو کشور، به اساس پیشنهاد شماره ۵۴ مورخ ۱-۲۳-۱۳۷۳ وزارت امور خارجه و منظوری مقام ریاست دولت تقرر آقای سید ابراهیم گیلانی- سفیر دولت اسلامی افغانستان در اتریش به حیث سفیر غیرمقیم در کشور جدید التاسیس بوسینا هرزوگوینا منظور گردید که سرآغاز مناسبات سیاسی و دیپلماتیک میان دو کشور ارزیابی می گردد.

## وضعیت کنونی کشور:

بر پایهء سازشنامهء دایتوان Dayton مرز های بین‌المللی بوسیناهرزوگوینا حفظ گردیده و یک کشور چند ملیتی فدرال ایجاد گردید که شامل فدراسیون "مسلم" کروات و جمهوری صرب بوسنی است. حکومت فدرال مسوولیت امور خارجی، اقتصادی و مالی کشور را به دوش دارد.

بوسیناهرزوگوینا یک کشور جمهوری دموکراتیک فدرال است که دارای پارلمان دو مجلسه است. مجلس اول عبارت است از مجلس ملی نمایندگان(با ۴۲ عضو)، که از سوی مردم انتخاب می شود و دومی مجلس مردم(با ۱۵ عضو) که اعضای آن از سوی مجالس محلی انتخاب می شوند.

موافقتنامهء دایتون شامل قانون اساسی این کشور است که کنون نافذ می باشد. مطابق این قانون، در رأس دولت یک هیأت رهبری سه عضوی قرار دارد که هر کدام متعلق به یک قوم(مسلمان، صرب و کروات) است. و رییس این هیأت، وظیفه رییس دولت را برای هشت ماه عهده دار می باشد. رییس کنونی آن دراگان کویچ Dragan Çovic(کروات) است که از تاریخ ۲۷ جون ۲۰۰۳ وظیفهء خود را آغاز نموده است و دو نفر دیگر اعضای هیأت رهبری ریاست دولت Solejman Tihic(مسلمان) و Borislay Pravac(صرب) می باشد. همچنان این کشور دارای یک شورای وزیران است که ریاست آن را کنون Adnan Teryic به دست دارد و او وزیران را تعیین می‌نماید که در آن موافقه مجلس ملی ضرور است.

## کرواسی یا کرواشیا (Croatia)

- نفوس: ۴,۴ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: زاگریب (Zagreb)
- مساحت: ۵۶،۵۹۴ کیلومترمربع
- زبان: کرواتیایی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۷۰ سال مردان، ۷۸ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ کانا= ۱۰۰ لیپا
- صادرات: ماشین آلات، تجهیزات ترانسپورتی، پارچه، فرآورده های کیمیایی
- درآمد سرانه: ۵،۳۵۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: hr.
- رمز تیلیفونی:۳۸۵+

• رییس جمهور: اسجیپان میزیک (Stjepan Mesic)
• صدراعظم: ایفوسنادر (Ivo Sanader)

-وزیر خارجه: کولندا گرابارکیتارویک (Colinda Grabar Kitarovic)

**موقعیت جغرافیایی:**

این کشور در اروپای جنوبی در کرانه های خاوری دریای ادریاتیک موقعیت دارد که از دامنه های آلپ تا مناطق جلگه و سواحل رودخانه دانیوب امتداد دارد و از نگاه طبیعی به چهار منطقه نسیم شده است که عبارت است از مناطق جلگه‌یی یا هموار، مناطق کوهستانی، مناطق ساحلی و مناطق جنگلی.

کروشیا ۳۰ دریاچه دارد. کروشیا محاط است با سلوانیا، بوسینا هرزوگوینا، دریای ادریاتیک، هنگری و یوگوسلاویا. کروشیا دارای ۳۰۰ بندر خورد و بزرگ است که مهمترین آن عبارت از چولا، دوبرونیک و ریسیکا است.

در جمهوری کروشیا ۷۸٪ مردم آیین کاتولیک، ۱۱، ۱٪ آیین ارتدکس، ۱۰، ۲٪ مسلمان و ۲، ۲٪ آیین پروتستانت دارند.

**تاریخ فشرده:**

در سال ۸۷۹ میلادی، پاپ ایوانار از ساختار سیاسی حکومت جدید کروات ها دفاع کرد. در سدهء نهم کروات ها کشور خود را در شمالاً دالماتیا ایجاد و به رهبری شاه تومیلاکا در بین سال های ۹۱۰-۹۲۸ میلادی اقتدار خویش را تا نوار ساحلی پهن کرد. در اوایل سدهٔ ۱۲ کروشیا زیر نفوذ و حاکمیت مجارستان در آمد. در سدهء ۱۵ میلادی زیر نفوذ عثمانی ها در آمد و تا سال ۱۵۲۷ میلادی زیر نفوذترک ها قرار داشت. در سال ۱۵۲۷ میلادی سلسلهء هاسبورگ قدرت را گرفت.

در سال ۱۷۱۲ میلادی پارلمان کروشیا نظام شاهی را احیا کرد و در سال ۱۸۶۸ تصمیم به اتحاد با اتریش و سلوانا گرفت. در ۱۹۱۸ تاریخ ۲۹ اکتبر روابط با هنگری و اتریش برهم خورد.

در اول دسامبر سال ۱۹۱۸ شورای ملی کرواسی تصمیم گرفت ملل کروات، صرب، انسلوانی صربستان و مونتینگرو با هم متحد شوند و پادشاهی صربستان را به وجود آورند که پسان ها در سال ۱۹۲۹ میلادی به یوگوسلاویا تغییر نام کرد. در سال ۱۹۳۹ میلادی کشور شاهی کرواسی در چهارچوب یوگوسلاویا تشکیل گردید.

به تاریخ ۲۵ جون سال ۱۹۹۱ میلادی در کرواسی حکومت مستقل اعلام شد. به سال ۱۹۹۲ انتخابات سراسری برگزار و به تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۹۹۱ روز استقلال آن جمهوری اعلام شد.

**روابط سیاسی میان افغانستان و کروشیا:**

بنا بر پیشنهاد شماره ۳ مورخ ۱۳۷۴/۱/۶ وزارت امور خارجه و حکم شماره ۱۹۴ مورخ ۱۳۷۴/۱/۱۶ مقام ریاست د. ا. ا. در زمینهء تأسیس روابط دیپلماتیک با جمهوری کروشیا به سطح سفیران غیر مقیم موافقت گردید. از سوی کشور کروشیا سفیر آن کشور در دهلی، به عنوان سفیر غیر مقیم در افغانستان تعیین گردید. مگر تا کنون از سوی دولت اسلامی افغانستان تصمیمی در زمینه گرفته نشده است.

## اوکرايين (Ukraine)

- نفوس: ۴۷٫۸ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: کییف (Kiev)
- مساحت: ۶۰۳،۷۰۰ کیلومترمربع
- زبان: اوکراینی، روسی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۶۵ سال مردان، ۷۵ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ هریوانا(hryvnya)= ۱۰۰ کاپیکس
- صادرات: تجهیزات نظامی، فلزباب، ماشین آلات،فرآورده های نفتی، فرآورده های کشاورزی،منسوجات
- درآمد سرانه: ۹۷۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: ua.
- رمز تیلیفونی: ۳۸۰+
- رییس جمهور: ویکتور یاشچینکو (Viktor Yushchenko)
- وزیر خارجه: بوریس تاراسینیک (Boris Tarasyuk)

**موقعیت جغرافیایی:**

اوکرایین در اروپای خاوری موقعیت دارد و با هفت کشور هم مرز است. از شمال- با بیلاروس، از شمال خاوری و خاور- با فدراسیون روسیه، از جنوب- با دریای سیاه، از جنوب باختری- با مالداویا و رومانیا و از غرب- با هنگری، سلواک و پولند محدود است.

**سیر تاریخی:**

این کشور در گذشته زیر سلطهء حکومت های اروپایی قرار داشت که به نام کییف روسی مشهور بود. البته پس از سدهء نهم میلادی مرکز سیاسی و فرهنگی اروپای شرقی بود. و زمانی هم در سدهء ۱۴ زیر سلطهء مغول ها درآمد. در سال ۱۵۹۱ به دو فرقهء ارتدکس و کاتولیک تقسیم شد. در سال ۱۶۵۴ حکومت محلی خواستار کمک روسیهء تزاری در برابر حکومت پولند شد. و از آن تاریخ به پس، بخشی از قلمرو روسیه تزاری بود.

در ۲۸ جون ۱۹۱۸ آزاد شد.

در سال ۱۹۲۰ برای بار دوم زیراشغال اردوی سرخ قرار گرفت و در سال ۱۹۲۲ شامل جمهوری های اتحاد شوروی سوسیالیستی شد.

در سال های جنگ جهانی دوم از سال ۱۹۴۱-۱۹۴۵ قسماً زیر تسلط آلمان بود.

به تاریخ ۲۴ اگوست ۱۹۹۱ پس از فروپاشی شوروی پیشین- آزادی خود را اعلام نمود.

در دسامبر ۱۹۹۱ رییسان جمهور فدراسیون روسیه، بیلاروسیه و اوکرایین یک معاهدهء همکاری را به نام کشور های آزاد مستقل امضا نمودند. که سپس ۹ جمهوری دیگر شوروی پیشین هم عضویت آن را کسب نمودند و مسمی به کشور های مستقل همسود CIS شدند.

در ۲۸ جولای ۱۹۹۶ قانون اساسی توسط پارلمان اوکرایین(ورخونارادا) که دارای ۴۵۰ عضو است، تصویب شد.

## کشاورزی:

محصولات عمده کشاورزی اوکرایین عبارتند از: لبلبو، گندم، کچالو، سبزی جات و میوه جات.

## صنعت:

ماشین‌سازی، تولید مواد کیمیایی و پروسس مواد غذایی.

## روابط سیاسی و دیپلماتیک میان افغانستان و اوکرایین:

پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، اوکرایین استقلال خود را به دست آورد. دولت افغانستان آن کشور را به رسمیت شناخت و پروتکل برپایی روابط سیاسی را به سطح سفارت با جمهوری اوکرایین امضا نمود.

روابط میان افغانستان و اوکرایین به تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۵ به سطح سفارت، تامین گردید که در آغاز آقای خیر محمد خیرخواه به سمت سفیر گماشته شده بود. اکنون آقای جنرال آصف دلاور به سِمت سفیر ج. ا. ا. در اوکرایین ایفای وظیفه می‌نماید.

در دوره‌ءطالبان، از جمهوری های شوروی پیشین، پس ازترکمنستان، اوکرایین دومین کشوری بود که با طالبان در افغانستان ارتباط داشت. دیدارهایی میان برخی

از مقامات دو رژیم در امارات متحدهء عربی و آلمان صورت پذیرفته بود و همچنان هیأتی از ادارهء طالبان به ریاست مولوی عبدالرحمان زاهد- معین سیاسی وزارت خارجه به تاریخ ۱۰-۲۰ دسامبر از کییف بازدید نمود.

پس از برقراری حاکمیت نوین در کشور، معاون شهرداری کییف و نمایندهء رییس‌جمهور اوکرایین به ریاست آقای ویتتا گیدوک از کابل بازدید نمودند که، با حامد کرزی رییس د. ا. ا. اشرف غنی احمدزی وزیر مالیه، عالم رزم -وزیر صنایع خفیفه و مواد غذایی، سید مصطفی کاظمی- وزیر تجارت، نواندیش -معین وزارت آب و برق، داکتر عبدالله علی- وزیر فواید عامه و نیز معاون تخنیکی وزارت دفاع دیدار نمودند.

موافقتنامهء همکاری میان اتاق های تجارت و صنایع اوکرایین و اتاق های تجارت افغانستان توسط رییس اتاق های تجارت افغانستان و آقای اناتولی کسیاننکو سفیر غیر مقیم اوکرایین در کابل که سفیر آن کشور در ازبکستان‌اند، به امضاء رسید.

بازدید آقای داکتر عبدالله وزیر خارجه از کییف به تاریخ ۲۶ - ۲۷ اگوست ۲۰۰۳ که طی آن موافقتنامهء همکاری میان وزارت امور خارجه افغانستان و وزارت امور خارجهء جمهوری اوکرایین امضاء شد، رویداد تازه‌یی در مناسبات دو کشور به شمار می‌رود.

همچنان آقای انتوننکو- وزیر امور خارجهء اوکرایین نیز بازدیدی از کابل به عمل آورده و با حامد کرزی- رییس د. ا. ا.، هدایت امین ارسلا - معاون رییس دولت و داکتر عبدلله- وزیر امور خارجه دیدار نمودند.

جمهوری اوکرایین پس از واژگونی رژیم طالبان، ۲۳ قلم لوازم و وسایل نظامی را به اردوی افغانستان کمک نمود.

یک فروند طیارهء ان- ۲۴ ساخت اوکرایین از سوی شرکت آویانا از جمهوری اوکرایین خریداری شده است.

هم اکنون بیش از ۳۰۵۰ نفر پناهندهءافغان در اوکرایین به سر می برند.

- بازدید داکتر عبدالله- وزیر امور خارجه به اوکراین، بلغاریا، رومانیا و پرتگال مورخ ۱۲ /۶/ ۱۳۸۲

- دیدار داکتر عبدالله به تاریخ ۲۹ / ۴/ ۱۳۸۲ در شهر کیف- جمهوری اوکراین با لیونید کوچما- رییس جمهور آن کشور. وزیر امورخارجه ضمناً پیام حامدکرزی رییس د.ا.ا.ا. را به وی تسلیم نمود.

## بیلاروس (Belarus)

- نفوس: ۹٫۸ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: مینسک (Minsk)
- مساحت: ۲۰۷،۵۹۵ کیلومترمربع
- زبان: روسی، بیلاروسی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۶۵ سال مردان، ۷۵ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ روبل بیلاروسی= ۱۰۰ کاپیکس
- صادرات: ماشین آلات، محصولات کیمیایی و نفتی
- درآمد سرانه: ۱،۵۹۰ دالرامریکای (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: by.
- رمز تیلیفونی:۳۷۵+

• رییس جمهور: الکساندر لوکاشنکو (Alexander Lukashenko)
• صدراعظم: سرگی سیدارسکی(Sergey Sidorsky)
• -وزیر خارجه:اسیارهی مارتینا( Syarhey Martynaw)

**موقعیت جغرافیایی:**

این کشور در اروپای خاوری موقعیت دارد. از شمال- با لیتوانیا و لاتویا، از خاور- با فدراسیون روسیه، از سوی باختر- با پولند و از جنوب- با جمهوری اوکرایین هم مرز است.

سرزمین بیلاروس محاط به خشکی بوده و به دریای آزاد راه ندارد. اما از طریق جمهوری های کرانهء بالتیک به بحیره(دریای) بالتیک و از آنجا با جهان ارتباط می گیرد. سرزمین هموار، دارای جنگل های انبوه و دریاچه ها است.

بافتار ملی: بیلاروس- ۷۸٪، روس- ۱۳٪، پولندی - ۳٪ و اوکراینی-۳٪.

میزان باسواد: ۱۰۰٪

**سیر تاریخی:**

از سدهٔ پنج میلادی به پس، این کشور به نام بیلاروس تبارز کرد. از سده های ۹-۱۲ میلادی زیر سلطهء شاهان کییف بود و با اشغال اوکرایین توسط مغول ها آزادی خود را گرفت و پس ها از سدهء۱۴-۱۸ بخشی از پولند و لیتوانیا شد. در اواخر سدهٔ هژده میلادی جزء امپراتوری روسیه تزاری شد که با پایان جنگ جهانی اول به عنوان یک کشور آزاد در جامعه بین‌المللی شناخته شد که با به قدرت رسیدن کمونست ها در روسیه از سوی اردوی سرخ تسخیر شد.

طی جنگ های سال های ۱۹۱۸-۱۹۲۱ میان روسیه شوروی و پولند بخش باختری آن را پولندی ها و بخش های بزرگ خاوری آن را روس ها تصرف نمودند. در سال ۱۹۲۲ بخشی از جمهوری های شوروی سوسیالیستی شد. شوروی طی جنگ های ۱۹۳۹ بخش باختری را نیز از پولند گرفت. این کشور طی سال های جنگ

جهانی دوم به تصرف آلمان ها درآمد، مگر پس از جنگ دوباره زیر سیطرهء شوروی درآمد.

در جولای ۱۹۹۰ اعلام آزادی نمود که در اگوست ۱۹۹۱ رسمیت یافت.

در دسامبر ۱۹۹۱ عضو جامعه کشور های مستقل همسود شد. در سال ۱۹۹۷ یک معاهده دوستی و همکاری با فدراسیون روسیه امضاء کرد.

**روابط با افغانستان:**

این کشور با افغانستان روابط سیاسی دارد. اکنون سفارت افغانی در مسکو در هنگام حال سفارت غیر مقیم کشور در منیسک هم است.

## آلبانیا (Albania)

- نفوس:۳,۲ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: تیرانا (Tirana)
- مساحت:
- زبان: البانیایی
- آیین: اسلام
- مرگ ومیر: ۷۱ سال مردان، ۷۷ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ لک= ۱۰۰ کیندارس
- صادرات: کرومیوم(فلز سخت)، مواد غذایی
- درآمد سرانه: ۱،۷۴۰ دالرامریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: al.
- رمز تیلیفونی: ۳۵۵+

- رییس جمهور: الفرد مویسوی (Alfred Moisiu)
- صدراعظم: فاتس نانو (Fatos Nano)
- وزیر خارجه: کسترایت اسلامی (Kastriot Islami)

## موقعیت جغرافیایی:

آلبانیا در اروپای جنوبی در غرب جزیره‌نمای بالکان در کنار دریای ادریاتیک موقعیت دارد. کشور کوهستانی‌یی است که سه چهارم آن را تپه و کوه ها در برگرفته است. گستره‌ء کهستانی جنوب و شمال کشور پوشیده از جنگل ها است. آب و هوای مدیترانه‌یی دارد. کشور های همسایه آن عبارتنداز: در جنوب-یونان، درشرق- مقدونیا، درشمال- مونتینگرو و صربستان، در غرب-بحیره‌ء ادریاتیک. کوه های آلپ پوشیده از جنگل ها است و ارتفاع آن به ۲۷۵۱ متر می رسد. رودخانه های آن عبارتند از درتینی، مالتی و ایزدی.

بندرهای مهم البانیا عبارتند از دروس، داوو و سازاندی. شهر های مهم آن عبارتند از باسیرام، سوری و فیبر.

## تاریخ فشرده:

مردم آلبانیا از دیرین‌ترین نژادهای جزیره‌نمای بالکان اند که ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد زیر عنوان قبیله‌ء ایلیرین در این سرزمین مستقر شدند. پس از جنگ های پیهم، قبایل ایلیری ناگزیر با یکدیگر متحد شدند که مهمترین آن اتحادیه‌ء تاولانتس یا ایلیری ها بود. در سدهٔ پنجم پیش از میلاد آنان صاحب یک ایالت قدرتمند شدند و این رشد سریع آن ها توجه یونانیان و رومیان را به خود جلب کرد. یونانی ها و رومی ها که قصد کنترل ادریاتیک را داشتند، با ایلیر ها درگیر شدند. در همین برهه، دولت دریان یکی از دولت های معروف ایلیر ها توانست بخش گسترده از خاک ایلیر ها را زیر نفوذ قرار دهد. در ۱۷۶-۲۲۹ پیش از میلاد طی جنگ های دوامدار رومی ها بر باشندگان اصلی آلبانیا پیروز شدند و سرزمین ایلیری ها برای پنج سده در محاصره‌ء رومی ها درآمد.

در سدهء چهارم میلادی، هنگام تقسیم امپراتوری روم به دو بخش شرقی(بیزانس) و غربی(روم) سرزمین ایلیریا زیر استیلای امپراتوری شرقی قرار گرفت.

در نیمهء سدهء نهم میلادی، نخستین دولت بلغاریا در بالکان تشکیل گردید و بلغار ها با حمله بر امپراتوری روم شرقی توانستند، بخشی از سرزمین ایلیری(اربر) را تصاحب کنند. درگیری های بلغار ها با رومی ها مدت ۱۵۰ سال به درازا کشید تا سرانجام رومی ها توانستند سرزمین های متصرف شدهء بلغارها را دوباره به تصرف خود درآورند و حاکمیت بیزانس ها تا اوایل سدهٔ چهارده ادامه داشت و در همین حال تهاجم دوم صرب ها به سرزمین ایلیری ها آغاز شد.

در سال ۱۹۱۲ پس از تسلط پنج سده‌یی ء عثمانی، آلبانیا اعلام استقلال نمود و اسماعیل پادشاه یکی از سران عشایر آلبانیا به ریاست دولت این کشور رسید. اوضاع در سال های ۱۹۱۴–۱۹۱۸ میلادی وخیم بود. یونان و ایتالیا با بهره‌گیری از فرصت، بخشی از البانیا را به تصرف خود درآورد و در سال ۱۹۱۵ ارتش مونتینگرو هم به البانیا تهاجم نموده، شهر اشکودر را گرفت و ارتش صربستان هم مناطق شمالی آن را تصرف کردند.

پسان ها در اثر مقاومت مردم آلبانیا، ارتش مونتینگرو از سرزمین‌شان خارج شد و دولت تیرانا در اختیار زمینداران و فیودال های بزرگ به رهبری احمد زوغو(زوگو) قرار گرفت.

در ۱۹۲۵ زوغو رسماً ریاست دولت را به دوش گرفت و خود را نخستین رییس‌جمهور آلبانیا خواند. در ۱۹۲۸، با لغو نظام ریاست‌جمهوری، اعلام پادشاهی شد و زوغوی اول خود را پادشاه خواند.

در سال ۱۹۲۸ نخستین هستهء حزب کمونیست بنیاد گذاشته شد.

در سال ۱۹۳۹ آلبانیا زیر تسلط ایتالیا درآمد در سال های جنگ جهانی دوم گرو، مقاومت به رهبری انور خواجه ایجاد شد.

در سال ۱۹۴۳ پس از شکست ایتالیا، حزب کمونیست قدرت را به دست گرفت. در سال ۱۹۴۵ نخستین انتخابات پارلمانی صورت گرفت و جمهوری آلبانیا اعلام شد. در مارچ سال ۱۹۴۶ نخستین قانون اساسی به تصویب رسید.

از سال ۱۹۴۴ انورخواجه قدرت را به دست گرفت و تا سال ۱۹۸۵ رییس‌جمهور آلبانیا بود.

**احزاب سیاسی:**

- اتحادیه کارگران آلبانیا
- جبههء دموکراتیک
- حزب دموکراتیک
- حزب سوسیالیست

**روابط خارجی:**

در سال ۱۹۴۴ میلادی روابط البانیا با شوروی پیشین نزدیک شد و در سال ۱۹۵۵ به عضویت پیمان وارسا را در آمد. مگر در ۱۹۶۲ بنابر تیرگی روابط با مسکو، از پیمان وارسا خارج شد ودر ۱۹۶۱ روابط آلبانیا با چین بسیار نزدیک شد.

**روابط سیاسی با افغانستان:**

دو کشور سفیران غیر مقیم دارند. هم اکنون سفیر د. ا. ا. در مسکو، سفیر غیر مقیم در آلبانیا اند.

وزیر دفاع البانیا سال گذشته از کشور ما بازدید و دیدار هایی با حامدکرزی -رییس د. ا. ا.، مارشال فهیم - معاون اول ریاست د. ا. ا. و نیز با نیروهای آلبانیایی که در چارچوب نیرو های آیساف در افغانستان خدمت می نمایند، داشتند.

## یوگوسلاویا(Yugoslavia)

نام کشور: جمهوری فدرال یوگوسلاویا

مرکز: بلگراد

یوگوسلاویای پیشین کشوری بودکثیرالمله که درآن بیش از ۱۵ ملیت خورد و بزرگ زیست می‌نمودند. جمهوری فدرال یوگوسلاویا متشکل از شش جمهوری، و دو ایالت خودمختار است.

یوگوسلاویا با ترکیب پیش از تجزیهء آن در ۱۹۱۸ تشکیل یافت.

در دوره های باستان، بخش بزرگ یوگوسلاویا امروزی توسط اقوام ایلیری مسکون گشت و این گونه ایلیریان خوانده می‌شد. این قوم در حدود یک قرن پیش از میلاد به تابعیت امپراتوری روم درآمد.

در حدود سدهء ششم میلادی، سلاوهای جنوبی آغاز به مهاجرت به این منطقه نمودند و به تدریج در نقاط مختلف آن مسکن گزین گزیدند. مهمترین اقوام اسلاو که به این مناطق رسیدند، عبارتند از صرب ها، کروات ها، سلونی هاو مقدونی ها.

از سدهٔ نهم مسیحیت در این مناطق رواج یافت. از میانه های سدهء ۱۴ صربستان تبدیل به نیرومندترین دولت بالکان شد.

در سدهٔ های ۱۴ و ۱۵ با وجود مقاومت گستردهء مردم، بخش بزرگ کشور به تصرف عثمانی درآمد که نفوذ آن سده ها ادامه یافت.

در اثر تلاش صربستان و روسیه، در ۱۸۲۹ میلادی به موجب پیمان آدریانوپل، عثمانی ناگزیر به دادن خودمختاری به صربستان شد و حکومت مورثی میلوش را به رسمیت شناخت. در ۱۸۷۹ صربستان باعثمانی اعلام جنگ داد. روسیه نیز در برابر عثمانی وارد جنگ شد. کنگرهء برلین در همان سال صربستان را کاملاً مستقل اعلام کرد. اما بوسنی و هرزوگوین را زیر ادارهء اتریش- هنگری قرارداد و امید وحدت یوگوسلاویا را از میان برد.

در سال ۱۹۱۴، هنگامی که فرانتس فردیناند- ولیعهد اتریش در سارایو به دست یک دانشجوی صربی‌ترور شد. دولت اتریش خوا هان دخالت مستقیم در روشن شدن ماجرا و بازجویی شد، مگر صربستان این خواسته را رد کرد که در نتیجه در همین سال، اتریش با صربستان اعلام جنگ داد و قدرت های دیگر اروپایی به دو سوی جنگ پیوستند. در ۱۹۱۵ صربستان به شدت مورد یورش قرار گرفت و کشور های آلمان، اتریش و بلغارستان، صربستان را مغلوب نمودند.

درسال ۱۹۱۷ میلادی نمایندگان نواحی صربستان، کرواسی، سلوانیا و مونتی نگرو، اتحاد اسلاو های جنوب را اعلام کرد.

در سال ۱۹۱۸ کشور صرب ها، کروات ها و سلوانی ها رسماً زیر نام سلطنت مجدد پتر اول[۲] تشکیل شد و این نخستین تشکیل تاریخی "یوگوسلاویا" است.

در سال ۱۹۱۸ متفقان، اتریشی ها را از صربستان و سپس از همه نواحی بیرون نمودند و پادشاهی پتر اول استقرار بیشتر یافت. در سال ۱۹۲۱ الکساندر اول -فرزند پتر اول به سلطنت رسید که جدایی‌طلبان کروات و مقدونیا در مخالفت با او برخاستند. برای رویارویی با آن ها وی از ۱۹۲۹ حکومت دیکتاتوری را برقرار و در همان سال نام کشور از صربستان به یوگوسلاویا تغییر داد.

در بین سال های دو جنگ جهانی، در یوگوسلاویا عدم ثبات، نظم و آرامش هویدا بود. در ۱۹۴۱ متحدان(آلمان، هنگری، اتریش) برای تکمیل استیلای خود بر بالکان، بر یوگوسلاویا حمله کردند و پس از تصرف آن، دولت دست نشاندهء خود را در آنجا مستقر نمودند. ولی در این میان به رهبری یوسف بروز(تیتو) و دیگر سلطنت طلبان جنگ های پارتیزانی در برابر آلمان و دولت دست نشانده اش آغاز گردید.

در سال ۱۹۴۴ نیرو های روسی وارد خاک یوگوسلاویا شدند و نیروهای تیتو با کمک آن ها آلمانی ها را بیرون راندند. پس از جنگ، تیتو بر اوضاع مسلط گردید و در سال ۱۹۴۵ مجلس موسسان یوگوسلاویا پایان حکومت سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری را اعلام و مارشال تیتو- نخست وزیر جمهوری فدراتیف سیوسیالیستی یوگوسلاویا شد.

بر پایهٔ قانون اساسی ۱۹۴۶ نواحی مقدونیا، بوسنی و هرزوگوین و مونتینگرو از صربستان جدا و به جمهوری های خودمختار جداگانه تبدیل گردیدند.

تیتو در سیاست خارجی در تفاوت از کشور های اروپایی خاوری، استقلال عمل خویش را از شوروی گرفت و به همین منظور در ۱۹۴۸ شوروی تیتو را متهم به

۲ . با پتر کبیر بنیادگذار دولت جدید روسیه اشتباه نشود.

انحراف از اصول کمونیزم کرد و خواستار برکناری او از رهبری یوگوسلاویا شد. در داخل کشور نیز فشار کمونست ها بر او افزایش یافت.

تیتو در برابر فشار شوروی ایستادگی کرد و مستشاران شوروی را از کشور راند. درگیری های شدید لفظی- تبلیغاتی میان دو سوی آغاز یافت. تیتو در سیاست خارجی از دوری غرب بر حذر بود.

در ۱۹۵۰ تیتو بارها کوشید تا روابطش را با شورروی و دیگر کشور های سیوسیالیستی بهبود بخشد، اما مشی بیطرفی مانع از این کار شد.

از سال ۱۹۷۴ تیتو رییس‌جمهور دایم العمر نامیده شد. در سال ۱۹۷۶ پس از ۲۸ سال تحریم، کمونیست های اروپای شرقی یوگوسلاویا را در اردوگاه خود پذیرفتند که نشانه‌یی از اهمیت نقش موثر تیتو در سیاست جهانی بود.

تیتو در سال ۱۹۷۸ از امریکا دیدن نمود و در سال ۱۹۷۹ دخالت نظامی شوروی را در افغانستان محکوم کرد.

در سال ۱۹۸۰ تیتو به سن ۸۷ سالگی درگذشت. در پی مرگ وی، درگیری های پراگنده‌یی در نواحی جنوبی کشور برای دستیابی به خودمختاری آغاز شد. این کشمکش ها روز به روز روی خصومت های تاریخی، انتقام جویی تباری، ادعا های ارضی، بافتار تباری و با توجه به اوضاع سیاسی- نظامی نا به هنجار کشور، مداخلهء کشور های خارجی- به ویژه کشور های اروپایی چون آلمان، مجارستان و اتریش دامنه می یافت که با آرمان های جدایی‌طلبی َمقدونی ها، کروات هاو سلوانی ها هماهنگی داشت. این امر به بروز جنگ های چندین ساله و خونین داخلی انجامید.

سرانجام جمهوری سوسیالیستی یوگوسلاویا در سال ۱۹۹۲ پس از ۷۴ سال زندگی مشترک ملیت های مختلف، از هم پاشید و به چهار جمهوری مستقل: جموری فدرال

یو گوسلاویا( متشکل از صربستان و مونتی نگرو که امروز به عنوان وارث یو گوسلاویای پیشین پنداشته می شود) جمهوری کرواسی، سلوانی و مَقدونیا تجزیه گردید.

**روابط سیاسی و دیپلماتیک افغانستان و یوگوسلاویا:**

مناسبات سیاسی میان افغانستان و یوگوسلاویا در سال ۱۹۵۴ ایجاد شد و در سال ۱۹۶۰ هر دو سوی به مبادلهء سفیران پرداختند. در همین سال، موافقتنامه های همکاری های سیاسی، اقتصادی، تجاری، فنی و فرهنگی و همچنان قرارداد ایجاد خط مواصلاتی هوایی میان دو کشور نیز به امضاء رسید، که این موافقتنامه ها قسماً سالانه تجدید گردیده است.

در سال ۱۹۶۱ مناسبات سیاسی(هنگام بازدید محمد داوود خان- صدراعظم وقت کشور که برای اشتراک درکنفرانس کشورهای نامتعهد به یوگوسلاویا بازدید کرده بودند) سطح روابط دیپلماتیک به سطح سفیران مقیم ارتقا یافت.

به تاریخ ۷-۱۰ جنوری ۱۹۶۸ مارشال تیتو- رییس‌جمهوری یوگوسلاویای وقت از افغانستان بازدید رسمی‌کرد. یوگوسلاویا نیز از موسسان کشور های نامتعهد ( نکالا هاید) به شمار می‌رود.

در سال ۱۹۷۳ یاکتاپترویچ- معین وزارت امور خارجه یوگوسلاویا از کابل بازدید نمود.

در سال ۱۹۷۶ میلوش مینیچ - معاون شورای وزیران یوگوسلاویا از کابل بازدید نمود.

به سال ۱۹۷۷ بنا به درخواست جانب افغانی، در ماه مارچ قرارداد مسلخ کابل با شرکت تجاری آنکارای یوگوسلاویا به ارزش ۲۳۸۱۶۶۰ دالر با کریدت ۱۵ ساله با ۲۴ قسط مساوی شش ماه با یک دوره معافیت سه ساله عقد گردید، که فابریکه مسلخ در سال ۱۹۸۴ تکمیل و مورد بهره برداری قرار گرفت.

در ماه جون سال ۱۹۶۵، موافقتنامهء همکاری فنی میان افغانستان و یوگوسلاویا به امضا رسید. برپایهٔ این موافقتنامه، یوگوسلاویا حاضر گردید، بخشی از پروژهء هریرود را تمویل نماید. سوی یوگوسلاویا قرضهء ۸ میلیون دالریی را برای تمویل این پروژه به افغانستان وعده داد. مگر پرداخت این قرضه را به اسعار آزاد خواستار گردید که این پیشنهاد مورد پذیرش سوی افغانی قرار نگرفت.

به سال ۱۹۷۷ هیأت بلند پایهء دولتی یوگوسلاویا وارد افغانستان گردید که پروتکل تأسیس کمیسیون مشترک به مقصد توسعهء همکاری های اقتصادی، علمی و فنی را با وزارت پلان امضا نمود. به اساس تفاهم دو سوی، همزمان با امضای این پروتکل، یوگوسلاویا اعمار پروژه های زیر را در افغانستان به دوش گرفت:

- ساختمان فابریکهء ادویه‌سازی شامل پلان هفت ساله.

- مطالعات اقتصادی و فنی توسعهء مالداری قندهار به شمول چراگاه و اعمار مسلخ آن.

- ساختمان فابریکه های خشت‌سازی در کابل و برخی از ولایات

- ساختمان دستگاه های کوچک برق.

پس از سال ۱۳۵۷ روابط نزدیکتر شد. یوگوسلاویا در سال های ۱۹۸۱-۱۹۷۹ مبلغ ۲۰۰ هزار دالر به افغانستان کمک بلاعوض کرد.

در سال ۱۹۷۸ کمیسیون مشترک همکاری های اقتصادی، علمی و فنی میان دو کشور ایجاد گردید.

در سال ۱۹۷۹ وزیر تجارت یوگوسلاویا از کابل بازدید کرد و دراین بازدید پروتکل همکاری اقتصادی علمی و فنی را با سوی افغانی امضاء نمود.

در همین سال، هیأتی از کمپنی انرگوپرایکت یوگوسلاویا به افغانستان آمد و مؤافقتنامه های سروی و خدمات مهندسی و مشورتی از راه های بهره برداری از منابع آب و خاک ولایات بادغیس، جوزجان و فاریاب را به ارزش ۱۸۱۴۲۴۵ دالر به طور کمک بلاعوض با سوی افغانی امضاء نمودند.

به تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۹۱ یوگوسلاویا تصمیم گرفت تا نمایندگی های سیاسی خویش را مسدود نماید که افغانستان نیز شامل حال گردید. دولت افغانستان نیز نسبت یک سلسله ملحوظات سفارت خویش را نیز مسدود ساخت و آخرین سفیر افغانستان در یوگوسلاویا سرور منگل بود.

## هنگری (Hungary)

- نفوس: ۹٫۸ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: باداپست (Budapest)
- مساحت: ۹۳،۰۳۰ کیلومترمربع
- زبان: انگری
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۶۸ سال مردان، ۷۶ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ فارینت= ۱۰۰ فلِر
- صادرات: ماشین آلات، تجهیزات ترانسپورتی، مواد غذای، مواد کیمیایی
- درآمد سرانه: ۶،۳۳۰ دالر امریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: hu.
- رمز تیلیفونی:۳۶+

• رییس جمهور: فرنس مادل- بیرون رونده(Ferenc Madl- out going)، لیزلوسولیم-وارد شونده(Laszlo Solyom-incoming)

• صدراعظم: فرنس گیورکسانی (Ferenc Gyurcsany)

- وزیر خارجه: فرنس ساموگی (Ferenc Somogyi)

**موقعیت جغرافیایی:**

هنگری در اروپای جنوبی در جزیرهء بالکان در دامنه های رشته کوه های کارپات از شمال به جنوب موقعیت دارد.

از شمال - محدود است به سلواک، از باختر - به اتریش و سلوانیا، از جنوب- به کروشیا و یوگوسلاویا و از خاور- به رومانیا و اوکرایین. رود دانیوپ ۴۱۰ کیلومتر و رود نیسا ۵۹۷ کیلومتر در خاک مجارستان جریان دارد و از نگاه آب های طبیعی و گرم از غنی‌ترین کشور های جهان به شمار می‌رود.

**بافتار ملی:** ۹/۷۸٪ - مجاری یا هنگری، ۴٪ -جت یا گیسی، ۳٪- ارمنی، ۲، ۴ ٪ - صرب، ۲٪ -سلواک و ۰، ۷٪ -رومانی.

**تاریخ فشرده:**

جمعیتی در اواخر سدهٔ نهم در مجارستان مستقر گردیدند که در سدهٔ ۱۳ شمارشان بالغ بر سه میلیون می گردید. به رغم تلفات در جنگ با تاتار ها در سدهٔ ۱۵، باز هم شمار باشندگان این سرزمین به سه میلیون می رسید. درسدهء دهم هفت قبیله فاتح با هم متحد شدند و به رهبری پرنس ارپاد موس - نخستین سلسلهء مجار ها را در سرزمینِ مجارستان کنونی اساس گذاشتند. به سال ۱۰۰۰ میلادی استیفان مقدس نخستین پادشاه مجارستان شد.

در بین سال های ۱۲۴۱-۱۲۴۴ میلادی مجارستان مورد حملات مغول ها قرار گرفت. اوج قدرت مجارستان در زمان لویی اول سال های ۱۳۴۲-۱۳۸۲ میلادی بود.

در سال۱۳۸۹، پس از جنگ های طولانی باعثمانی، بخش اعظم مجارستان به تسلط ترک ها و بخشی از آن زیر تسلط اتریش درآمد.

در سدهٔ ۱۶ مجارستان میان قدرت های منطقه‌یی تقسیم شده بود.

به سال ۱۷۰۳ فیرنس راکوچی به خاطر آزادی مجارستان دست به اسلحه برد. او از سوی فرانسه حمایه می‌شد.

به سال ۱۷۱۱ دامنهٔ متصرفات نژاد ژرمن به سوی کشور های بالکان آغاز شد و امپراتوری اتریش - هنگری عرض‌اندام کرد.

کشوت در سال ۱۸۴۹ م. با صدور بیانیه‌یی استقلال مجارستان را اعلام و به عنوان نخستین رییس‌جمهور برگزیده شد. این سلسله تا دههٔ دوم سدهٔ ۲۰ ادامه داشت.

به تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۱۸ میلادی در مجارستان فاشیست ها قدرت را به دست گرفتند. کزولی اعلام جمهوری کرد و این سلسله تا سال ۱۹۴۵ دوام پیدا کرد و با دستگیری هورتی دیکتاتور فاشیست در سال ۱۹۴۴ این سلسله پایان یافت.

در ۱۹۴۵ مجارستان به آزادی دست یافت، زیرا در سال ۱۹۴۴ ارتش سرخ داخل مجارستان شده بود. احزاب چپی مجارستان با همکاری مستقیم اردوی سرخ کشورشان را جمهوری سوسیالیستی اعلام نمودند. به تاریخ ۸ اپریل ۱۹۴۹ قانون اساسی به تصویب رسید.

نظام سوسیالیستی(جمهوری خلق) هنگری تا سال ۱۹۸۹ میلادی ادامه داشت که با فروپاشی اردوگاه کمونیزم در جهان، از میان رفت. هنگری در ۱۶ اپریل ۲۰۰۳ معاهدهٔ الحاق جمهوری مجارستان به اتحاد اروپا در شهر آتن را امضاء نمود که این معاهده به تاریخ اول می ۲۰۰۴ نافذ شد و کشور به عضویت اتحادیه اروپا درآمد.

در گذشته روابط مجارستان با کشور های دیگر، به عنوان عضو پیمان وارسا، بیشتر با کشور های سوسیالیستی نزدیک بود.

## روابط افغانستان با جمهوری هنگری(مجارستان):

پس از ایجاد اداره‌ء موقت و تشکیل د. ا. ا.، هنگری از کشور های اشتراک کننده در کنفرانس توکیو بود. این کشور از آغاز عملیات ائتلاف بین‌المللی در برابرتروریزم در افغانستان هواداری، و سهم خویش را در بازسازی افغانستان اعلام نموده است و از یک حکومت مرکزی باثبات در افغانستان پشتبانی می نمایند.

با توجه به ابعاد و امکانات کشور، هنگری تلاش ورزیده تا بحران بشری در افغانستان کاهش یابد. حکومت هنگری بنیاد کمک‌یی به اندازه ۱۰۰ میلیون فورنت معادل به ۳۰۰ هزار دالر برای پناهندگان افغانی پیش از ماه اکتبر ۲۰۰۱ ایجاد نموده است.

مجارستان تا کنون محموله های امدادی متشکل از ۳۰ هزار بسته مواد غذایی به ارزش ۵۰ میلیون فورنت از راه ازبیکستان به شهر مزارشریف گسیل داشته است. همچنان ۴۰ هزار بسته مواد غذایی و ۴۶ تن حبوبات را نیز به سوی افغانی کمک نموده است. گذشته از این کمک هایی دیگری در عرصه‌ء نظامی به اردوی ملی افغانستان به میزان ۱۰۰ میلیون فورنت ارایه نموده است.

هنگری وعده‌ء کمکی به ارزش یک میلیون دالر، مواد غذایی و دارو به شمول یک صد میلیون فورنت کمک بشر دوستانه برای علمی ساختن پروژه های بازسازی افغانستان وعده نموده است.

روابط سیاسی افغانستان با مجارستان تا ۱۳۷۱ به سطح سفارت های مقیم بود و پس از همین سال به سطح روابط غیر مقیم تأمین گردید. سفیر هنگری در اسلام آباد به عنوان سفیر غیر مقیم در افغانستان و سفیر د. ا. ا. در ویانا به عنوان سفیر غیر مقیم در هنگری(مجارستان) است.

سفیر غیرمقیم هنگری جناب JOZER KOVACS اند.

## رومانیا (Romania)

- نفوس: ۲۲,۲ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: بخارست (Bucharest)
- مساحت: ۲۳۸،۳۹۱ کیلومترمربع
- زبان: رومانیایی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۶۷ سال مردان، ۷۴ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ لِو= ۱۰۰ بنی
- صادرات: مسنوجات، بوت، فلزباب، ماشین آلات
- درآمد سرانه: ۲،۳۱۰ دالرامریکای (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: .ro
- رمز تیلیفونی: ۴۰+
- رییس جمهور: تریان باسیسکو (Traian Basescu)
- صدراعظم: کلن تاریشینو (Calin Tariceanu)
- وزیر خارجه: رضوَن انگورینو (Raavan Ungureanu)

**موقعیت جغرافیایی:**

این کشور در جنوب خاوری اروپا موقعیت دارد. کشور هایی که با رومانیا هم مرزاند، عبارتند از اوکرایین، ملداویا، هنگری، یوگوسلاویا و بلغاریا. بحیره(دریای) سیاه با این کشور ۷۳۱۸۱ کیلومتر هم مرز است. در این کشور ۳۵۰۰ دریاچه وجود دارد که از آنجمله ۲۳۰۰ آن طبیعی است. رومانیا کشور نیمه کوهستانی است. کوه های کارپات و آلپ در نواحی مرکزی و شمالی آن موقعیت دارد. سه جلگه در جنوب و شرق به نام های ملدوا و دوبروجا و پانونیک وجود دارد. شهر های مهم رومانیا عبارت‌اند از بخارست، براشو، پیمیشوارا، کلنستانزا و کلوژ. بندر های مهم آن عبارت است از گالانس برایلا، تورژون و ماگورل.

**تاریخ فشرده:**

بنا به شواهد، دو میلیون سال پیش، درین سرزمین انسان زندگی می‌کرد. آثاری هم از ۴۰۰۰ سال پیش به دست آمده است. در سال های ۴۴-۸۲ پیش از میلاد به کمک روحانی اعظم همه قبایل جتو و داچ باهم متحد شدند و پادشاهی داچیا را تأسیس نمودند که مرکز آن‌ترانسیلوانیا بود. این سرزمین در سدهٔ اول میلادی زیر تسلط رومن ها در آمد.

به سال ۱۹۱۸ میلادی، رومانیایی ها توسط متحدان اشغال شد. و عهدنامه بخارست میان آلمانی ها و رومانی ها به امضا رسید. و این پیمان در نوامبر همان سال پس از شکست متحدان در جنگ لغو شد. البته پیمان سن ژرمن در سال ۱۹۱۹ وتریانون در سال ۱۹۲۰ متصرفات رومانیا را رسمی نمود.

در سال های بین دو جنگ جهانی، رومانیا همواره زیر تهدید مجارستان و بلغاریا قرار داشت. در سال اول جنگ جهانی دوم، رومانیا بیسویی خود را در جنگ اعلام

داشت. در سال ۱۹۴۰ داخل جنگ و همپیمان آلمان شد در سال ۱۹۴۱ نواحی را که در سال ۱۹۴۰ از دست داده بود، دوباره گرفت و همراه با آلمان به شوروی یورش برد.

در ماه مارچ سال ۱۹۴۵ شاه می هابی موافقت خود را به یک دولت کمونیستی ابراز داشت. در انتخابات سال ۱۹۴۶ نوامبر حزب کمونیست قدرت را به دست گرفت.

در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۹ نیکولای چائسسکو می خواست با اشتراک در گردهمایی مردم نشان دهد که از پشتبانی برخوردار است. برخلاف مخالفان سخنرانی او را برهم زدند. تظاهرات آغاز شد و شماری از مردم توسط نیرو های وفادار به رییس‌جمهور کشته شدند. او حالت اضطراری اعلام نمود و دولت موقت از کمونست های لیبرال و روشنفکران و اعضای ارتش ایجاد شد.

در سال ۱۹۹۰ پس از برگزاری انتخابات آزاد، نام کشور رومانیا اعلام شد. قانون اساسی در ۲۱ نوامبر ۱۹۹۱ به تصویب رسید که همه شهروندان بدون هیچ گونه تبعیض از نظر نژاد، ملیت، آیین، جنسیت، افکار، وضعیت سیاسی و ثروت در قبال قانون یکسان‌اند.

**تقسیمات اداری:**

رومانیا دارای سه ناحیه است: ترانسیلوانیا، ولاچیا و ملداووا

**احزاب سیاسی:**

- حزب سوسیال دمکراسی رومانیا که پس از انشعاب در جبهه نجات ملی در سال ۱۹۹۲ توسط حامیان یان ایلسکو جبههء نجات ملی ۲۲ سپتامبر تشکیل شد و در سال ۱۹۹۳ به حزب سوسیال دموکراسی رومانیا تغییر نام داد.

اتحادیهء کنوانسیون دمکراتیک رومانی در سال ۱۹۹۲ تشکیل شد.

- حزب ملی دهقانان دموکراتیک مسیحی.

- حزب دمکراتیک جبههء نجات ملی در سال ۱۹۹۲ پس از سقوط رژیم چائسسکو به نام جبهه نجات ملی تشکیل شد و در سال ۱۹۹۳ به نام کنونی تغییر کرد.

**روابط سیاسی رومانیا با افغانستان:**

تا کنون در سطع سفیران غیر مقیم است. سفارتکبرای د. ا. ا. در مسکو به صفت غیر مقیم کار می‌نماید. سفیر رومانیا در اسلام آباد آقای EmilChitulescu به صفت سفیر غیر مقیم در افغانستان به تاریخ ۲۴ میزان ۱۳۸۱ اعتماد نامه خویش را به آقای حامد کرزی رییس د. ا. ا. تقدیم نمودند. وی در دیداری که با معین اداری وزارت امور خارجه داشت، اظ هار نمود که کشور رومانیا خوا هان گشایش سفارت خویش در کابل است. همچنان افزود که تا گشایش سفارت، می خواهیم یک آپارتمان را به کرایه بگیریم تا دفتر موّقتی خویش را باز نمایم و در آینده زمینی به منظور اعمار سفارت خریداری می کنیم که از سوی وزارت امور خارجه در رابطه تقاضای وی در مورد زمین برای سفارت اطمینان داده شد.

همچنان جمهوری رومانیا در بخش های مختلف به خصوص در عرصهء فرهنگی از سال های ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۲ به دولت افغانستان همکاری داشته است. اکنون کشور رومانیا به منظور تحکیم روابط سیاسی خویش با افغانستان برای سال های آموزشی ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ به تعداد ۶ بورس در اختیار د. ا. ا. گذاشته است.

- درخواست موافقه در مورد تقرر داکتر حیدر سفیرمقیم در رومانیا و ترتیب اعتماد نامه به سفیر.

- ۶ بورس تحصیلی کشور رومانیا در سال ۱۳۸۱

## بلغاریا (Bulgaria)

- نفوس: ۷٫۸ میلیون (UN, ۲۰۰۵)
- پایتخت: سوفیا (Sofia)
- مساحت: ۱۱۰،۹۹۴ کیلومترمربع
- زبان: بولغاریایی
- آیین: مسیحی
- مرگ ومیر: ۶۷ سال مردان، ۷۵ سال زنان (UN)
- واحدپولی: ۱ لِو= ۱۰۰ استاتینکی(Stotinki)
- صادرات: فرآورده های کیمیایی و پلاستیک، غذا و شراب، تنباکو، ماشین آلات ساختمانی
- درآمد سرانه: ۲،۱۳۰ دالر امریکایی (بانک جهانی، ۲۰۰۳)
- نشان انترنتی: bg.
- رمز تیلیفونی:۳۵۹+

• رییس جمهور: جورجی پروانوف (Georgi Parvanov)
• صدراعظم: سمیون ساکسی-کبورگ گاتا (Simeon Saxe-Coburg-Gotha)
• -وزیر خارجه: سلمان اسحاق پاسی(Solomon Isak Pasi)

**موقعیت جغرافیایی:**

این کشور در اروپای جنوبی در کرانهء باختری بحیره(دریای) سیاه و در شمال جزیره‌نمای بالکان موقعیت دارد. رود دانیوب مرز مشترک این کشور را با رومانیا می‌سازد و با آبنای بوسفور و داردانیل با مدیترانه و جهان پیوند می‌یابد. محدود است از باختر- به یوگوسلاویا و مقدونیا، از جنوب- به یونان وترکیه، از خاور- به دریای سیاه و از شمال به رومانیا. کشوری است زیبا و از نگاه مناظر دلکش در جهان نامور. کوه های آن پوشیده از درختزار و دره های آن سرسبز و پرگل است. دارای اقلیم مرطوب است. بخش های جنوب و خاور و شمال آن دارای اقلیم دریایی است.

۸۵، ۳٪ باشندگان آن - بلغاری، ۸، ۵٪ آن-ترکی، ۲، ۵٪ آن- مقدونی، ۲، ۵٪ آن - جت(کولی)که آن ها را گیسی می نامند، ۲، ۶٪ آن-ارمنی، ۰، ۲٪ آن روس و بقیه اقلیت های یونانی- رومانی و تاتار و یهود اند.

۸۵٪ بلغاریای ها پیرو آیین ارتدکس، ۱۳٪ مسلمان، ۰، ۸٪ یهود و ۰، ۵٪ رومن کاتولیک‌اند.

**تاریخ فشرده:**

دولت بلغاریا در سال ۶۸۱ میلادی در اثر اتحاد سلاویای جنوبی و بلغاری ها بنا یافت و سلاوی ها در سدهٔ ششم و بلغار های‌ترکی در سدهٔ هفتم در این سرزمین ساکن شده بودند.

در سدهٔ نهم و دهم، دولت بلغاریا از دیدگاه نظامی- سیاسی و فرهنگی به پیشرفت های بسیاری دست یافت. در زمان فرمانروایی خان کریما بین سال های ۸۰۳-۸۱۴

بلغار ها توانستند اوارس ها شهزاده بوریس و بیزانس ها را در جنوب شکست داده، قلمرو خود را پهنتر سازند. نفوذ مسیحیت به مجادلات آیینی سلاو ها و بلغار ها پایان داد و شالودهء ایدیولوژیکی را برای نظام فیودالی بلغاریا به میان آورد.

در سال ۸۵۵ میلادی الفبای جدید سلاوی توسط برادران سیریل و میتهودیوس Cyril Methodius ایجاد و توسط پرنس بوریس با گرمی پذیرفته شد.

بلغاریا در زمان پادشاهی تزار سیمون(۸۹۳-۹۲۷) پیشرفت بیشتری کرد و قدرت دولت مرکزی در اثر اتحاد بایار ها Boyars تحکیم بیشتر یافت. تزار سیمون در ۹۱۷ میلادی بیزانس ها را شکست داد و یک بخش دیگر سرزمین آن ها را تصاحب نمود. در سال ۹۷۲ بیزانس ها بار دیگر بر مناطق شرقی بلغاریا مسلط شدند، ولی مناطق غربی بلغار تا سال ۱۰۱۸ از استقلال خود به رهبری تزار سامونیل Tazar Samunil دفاع نمود. ولی تسلط بیزانس ها توسعه یافت و سرانجام بلغار ها بار دیگر در سال های ۱۰۴۰-۱۰۴۱ برای استرداد استقلال خویش خیزش هایی را به راه انداختند، مگر با شکست روبرو شدند.

در سال ۱۱۷۸ در اثر قیام بلغارها در برابر تسلط بیزانس که توسط دو برادر پیترواسن رهبری می‌شد، امپراتوری روم شرقی ناگزیر شد موجودیت بلغار ها را به رسمیت بشناسند. این دومین سلالهء سلطنتی بلغار ها بود که آغاز یافت. پس از میان رفتن دو برادر پیترواسن برادر سومی و کوچک آن ها کالویانKaloyan در سال ۱۱۹۳ به پادشاهی رسید و تا ۱۲۰۴ با پاپ متحد شد. این اتحاد زمینهء نفوذ بیشتر کاتولیزم را در بلغاریا فراهم کرد. جنگ ها و درگیری های بلغار ها با صرب ها و بیزانس ها در سدهء چهاردهم میلادی موجبات ضعف و انقراض دولت بلغار ها را فراهم ساخت که به اثر آن در زمان پادشاهی ایوان الکساندر Ivan Alexander در سال های ۱۳۳۱-۱۳۷۱ بلغاریا به سه دولت کوچک(دولت سلطنتی ترنووا Tur Nova، دولت سلطنتی وایدین Vidin و شهزاده نیشین دوبروجا Dobrouja) تقسیم گردید.

در میانه های سدهٔ چهاردهم، عثمانی همچون یک قدرت بزرگ ظهور نمود و به جهانگشایی در بالکان آغاز کرد. در نتیجهء این پیشروی، سرزمین های بلغاریا را نیز به تصرف خود در آورد و به موجودیت دولت آن در سال ۱۳۹۶ میلادی پایان داد و در نتیجه سرزمین بلغاریا حیثیت یک ایالت امپراتوری عثمانی را به خود گرفت. تسلط عثمانی بر بلغاریا در حدود ۵۰۰ سال ادامه پیدا کرد. مردم بلغاریا در زمان ترک های عثمانی بر قلمروشان بار ها برای دسنیابی به آزادی و استقلال خود قیام نمودند. مگر این قیام ها با شدت از سوی امپراتوری عثمانی درهم کوبیده می‌شد.

در سال ۱۸۸۵ شمال و جنوب بلغاریا متحد گردید. در ۱۸۸۶ بلغار ها بار دیگر برای از میان بردن تسلط عثمانی ها قیام نمودند. سرانجام در سال ۱۹۰۸ همچون یک دولت سلطنتی مستقل شناخته شد.

در سال ۱۹۱۲ بلغاریا در اتحاد با یونان، صربستان و مونتینگرو اتحادیهء بالکان را تشکیل دادند. در ۱۹۱۳ در جنگ بالکان بخشی از سرزمین خود را از دست داد. در جنگ اول جهانی ۱۹۲۳ توسط یک کودتای نظامی یک دولت فاشیستی در بلغاریا به میان آمد.

در جنگ جهانی دوم، نیروهای آلمان نازی داخل خاک بلغاریا شدند. زیرا بلغاریا پیش از جنگ شامل پیمان سه سویه نیروهای محور گردیده بود. آلمانی ها از داخل خاک بلغاریا به حملات خود در برابر یونان و یوگوسلاویا پرداختند.

دراخیر سال ۱۹۴۱ بلغاریا به هواداری آلمان در برابر بریتانیا و ایالات متحده اعلام جنگ کرد. در زمان اشغال قوای نازی میهن پرستان بلغاریا و دیگر نیرو های ملی قیام پارتیزانی را در برابر تسلط آلمانی ها پرداختند.

در سال ۱۹۴۲ جورجی دیمیتروف Georgi Dimitrov جبهه متحد را توسط نیرو های مترقی و دمکراتیک و دیگر نیرو های ملی تشکیل داد و در برابر اشغال آلمان نازی رهبری این جنبش را به دوش گرفت.

در ماه سپتامبر سال ۱۹۴۴، شوروی در برابر دولت فاشیستی بلغاریا اعلام جنگ نمود. نیروهای شوروی برای رهایی بلغاریا از تسلط آلمان وارد آن کشور شدند. در این هنگام، حزب کمونیست با جبههء ملی میهنی و نیروهای ملی دمکراتیک بلغاریا به کمک شوروی به تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۴۴ به قدرت رسیدند و کشور بلغاریا در سال ۱۹۴۶ معاهدهء صلح پاریس را امضا کرد.

**روابط سیاسی و دیپلماتیک افغانستان با بلغاریا:**

به سال ۱۹۶۰ یک هیأت تجاری بلغاریا از کابل بازدید نمود که در ضمن موضوعات تجاری، خواستار گسترش مناسبات سیاسی میان دو کشور گردید که این تقاضا با گرمی از سوی دولت شاهی وقت استقبال گردید. در اثر این تقاضا، پیشنهاد اگریمان سفیر غیر مقیم بلغاریا صورت گرفت. همچنان دولت افغانستان به نسبت مشکلات اقتصادی، تعیین سفیر غیر مقیم کشور خود را در یکی از نمایندگی های سیاسی(مسکو، دهلی و یا بلگراد) پیشنهاد نمود.

جمهوری بلغاریا در تغییر فیصله پیشین، در ماه اپریل سال ۱۹۶۱ با گسیل هیأت تجاری خویش تقاضای گشایش نخستین سفارت خویش را در کابل نمود که دولت افغانستان با آن ابراز موافقت نمود. نماینده کشور بلغاریا صلاحیت نامهء کشور خویش را به آقای علی محمد خان - سرپرست وزارت خارجه افغانستان و معاون صدارت، تقدیم کرد.

موافقتنامه‌یی برای برپایی مناسبات سیاسی و همچنان تعیین نماینده های دو کشور در سطح سفیران به امضاء رسید.

به تاریخ ۲۱ جون سال ۱۹۶۱ موافقتنامه مشترک میان دولت شاهی افغانستان و جمهوری بلغاریا به امضاء رسید که سرآغاز مناسبات سیاسی میان دو کشور به شمار می‌رود.

به تاریخ ۱۱ سپتامبر به سفیر مقیم کشور بلغاریا در مسکو هدایت داد شد تا استوارنامه یا اعتمادنامه(اگریمان) آقای لارز توشکوف را از دولت افغانستان مبنی بر تقرر وی به عنوان سفیر تقاضا نماید که آقای توشکوف به تاریخ ۲۳ جنوری سال ۱۹۶۱ به کابل مواصلت و به تاریخ ۱۸ فبروری همین سال اعتماد نامه خویش را به شاه افغانستان تقدیم نمودند. از این رو، آقای لارز توشکوف- نخستین سفیر و نمایندهء فوق‌العادهء جمهوری مردم بلغاریا به کابل به شمار می‌رود.

در ماه جون ۱۹۶۲ وزارت خارجه افغانستان از طریق سفارت بلغاریا در کابل اگریمان، آقای محمدعارف- سفیر افغانی در بلگراد را به عنوان سفیر غیر مقیم تقاضا نمود. به تاریخ ۲ نوامبر همان سال محمد عارف خان اعتماد نامهء خویش را به عنوان سفیر غیر مقیم به منشی عمومی کمیته مرکزی و رییس‌جمهور بلغاریا - آقای تودر ژیفکف تقدیم نمود. در سال ۱۹۷۴ جمهوری افغانستان سفارت خویش را در سوفیا باز نموده، آقای پادشاه گل وفادار به عنوان سفیر افغانستان در سوفیا رسماً آغاز به کار کرد.

**سفیران جمهوری بلغاریا از سال ۱۹٦۱ تا سال ۱۹۹۲ در افغانستان:**

۱. آقای لازر توشکف، تقدیم اعتماد نامه در ۱۸ فبروری ۱۹۶۲(سفیر مقیم در کابل).
۲. آقای ولکو گرچیف، تقدیم اعتماد نامه در پنج دسامبر ۱۹۶۵.
۳. آقای ایوان کراساکوف، تقدیم اعتماد نامه در ۲۸ مارچ ۱۹۷۱

۴. آقای ستیان رادوسلاووف، تقدیم اعتماد نامه در ۲۱ نوامبر ۱۹۷۵
۵. آقای ملادین ملادینف، تقدیم اعتماد نامه در ۱۷ اکتبر ۱۹۸۰
۶. آقای پیترولکانوف، تاریخ تقدیم اعتماد نامه، ۲۶ اکتبر ۱۹۸۲
۷. آقای ایوان متیف، تاریخ تقدیم اعتمادنامه در ۱۹۸۸
۸. آقای گاتسنسکی آخرین سفیر بلغاریا که در سال ۱۹۹۲ به اثر جنگ های میانگروهی زخمی و سفارت ایشان تا سال ۲۰۰۱ بسته شد.
۹. آقای کرشمیر تولچکی- سفیر کنونی جمهوری بلغاریا در کابل.

**سفیران دولت افغانستان در جمهوری بلغاریا:**

۱. آقای محمدعارف، تاریخ تقدیم اعتماد نامه- ۲ نوامبر ۱۹۶۲ بلگراد(سفیر غیر مقیم در بلغاریا)
۲. آقای عبدالحکیم طبیبی- ۱۳ اکتبر ۱۹۶۵، بلگراد(سفیر غیر مقیم در بلغاریا).
۳. آقای عبدالقیوم رسول- ۱۵ اگوست ۱۹۶۸، بلگراد(سفیر مقیم در بلغاریا).
۴. آقای عطاالله ناصر ضیاء- ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۰، بلگراد(سفیر مقیم در بلغاریا).
۵. آقای صدیق فرهنگ- ۱۷ اکتبر ۱۹۷۲، بلگراد(سفیر مقیم در بلغاریا).
۶. آقای پادشاه گل وفادار- ۲۲ اپریل ۱۹۷۴ سفیر مقیم در سوفیا.
۷. آقای محمدسالم مسعودی- ۱۵ اکتبر ۱۹۷۸(سفیر مقیم).
۸. آقای امتیاز حسن- ۵ مارچ ۱۹۸۱(سفیر مقیم).
۹. آقای محمدصدیق رهپو- ۵ می ۱۹۸۳(سفیر مقیم).
۱۰. آقای محراب الدین پکتیاوال- ۲۰ نوامبر ۱۹۸۶(سفیر مقیم).
۱۱. آقای عبدالصمد جاجی
۱۲. آقای احسان الحق گران - شارژدافیر
۱۳. آقای فاضل سیفی از ۲۰ می ۲۰۰۳ در بلغاریا(سفیر غیر مقیم در بلگراد).
۱۴. خانم زاهده انصاری- سفیر جدید

**پروژه هایی که به کمک بلغاریا اعمار گردیده است:**

۱. فابریکه پروسس و کنسرو میوهء قندهار که قرارداد آن در سال ۱۳۶۰ برابر با ۱۹۸۱ به امضاء رسیده بود.
۲. ساختمان فابریکهء الکول تخنیکی در کابل در سال ۱۳۶۳-۱۳۶۷ برابر با سال های ۱۹۸۶-۱۹۸۸.
۳. اعمار فابریکهء خشت ده سبز در سال های ۱۳۵۸-۱۳۶۶، برابر با سال های ۱۹۷۶-۱۹۸۷.
۴. همکاری در بخش انرژی برق.
۵. اعمار فارم های مرغداری بگرامی و بادام باغ، فارم های گاو شیری ریشخور و گاو گوشتی بغلان، پروژه ماهی قرغه و چشمه شیر بغلان.
۶. همکاری در زمینهء سرویس موتر های نوع چودر بلغاریایی.

**پایان**